جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان

بنا بر

گزارشهای کنسولگری انگلیس در مشهد

گردآورنده و مترجم

غلامحسین میرزا صالح

The Movement of

Colonel Mohammad Taghi Khan-e Pesyan

Based on British Consular Reports

Compiled and Translated by

Golamhosein Mirzasaleh

نشر تاریخ ایران

۶۰۰ ریال

کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام و ایران

جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان

بنا بر

گزارشهای کنسولگری انگلیس در مشهد

گردآورنده و مترجم

غلامحسین میرزا صالح

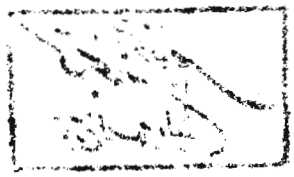

□ تهران، فلسطین شمالی، شمارهٔ ۱۴۶، طبقهٔ سوم، شرکت سهامی خاص «نشر تاریخ ایران».
تلفن ۶۵۹۸۴۴. مرکز پخش: نشرگستره، تلفن ۶۴۰۷۵۶.
□ نام اثر: جنبش کلنل محمدتقی‌خان پسیان بنابرگزارشهای کنسولگری انگلیس در مشهد
□ گردآورنده و مترجم: غلامحسین میرزاصالح
□ تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
□ چاپ اول: تابستان ۱۳۶۶
□ حروفچینی و چاپ: نقش جهان
□ لیتوگرافی: پیچاز
□ صحافی: مسعود
□ طرح جلد: سعدوندیان.
□ حق چاپ محفوظ.

پیشکش به:

فرزانه مرد آزاده محمد قاضی

فهرست مندرجات

به‌یاد کلنل محمدتقی‌خان پسیان ۷
مقدمه‌ای بر آرمهٔ منظم و منافع پلتیکی ۲۳

فهرست وقایع

وقایع ماه ژانویه سال ۱۹۲۱: ۳۵ / وقایع هفتهٔ پیش از دوازدهم فوریه: ۳۶ / وقایع هفتهٔ پیش از نوزدهم فوریه: ۳۷ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و ششم فوریه: ۳۷ / وقایع هفتهٔ پیش از پنجم مارس: ۳۷ / وقایع هفتهٔ پیش از دوازدهم مارس: ۳۸ / وقایع هفتهٔ پیش از نوزدهم مارس: ۳۹ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و ششم مارس: ۴۰ / وقایع هفتهٔ پیش از دوم آوریل: ۴۱ / وقایع هفتهٔ پیش از دوازدهم آوریل: ۴۲ / وقایع هفتهٔ پیش از شانزدهم آوریل: ۴۴ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و سوم آوریل: ۴۶ / وقایع هفتهٔ پیش از سی‌ام آوریل: ۵۰ / وقایع هفتهٔ پیش از هفتم ماه مه: ۵۲ / وقایع هفتهٔ پیش‌از چهاردهم ماه مه: ۵۳ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و یکم ماه مه: ۵۷ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست وهشتم ماه مه: ۵۸ / وقایع هفتهٔ پیش از چهارم ژوئن: ۶۰ / وقایع هفتهٔ پیش از یازدهم ژوئن: ۶۵ / وقایع هفتهٔ پیش از هیجدهم ژوئن: ۶۶ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و پنجم ژوئن: ۶۷ / وقایع هفتهٔ پیش از دوم ژوئیه: ۶۹ / وقایع هفتهٔ پیش از نهم ژوئیه: ۷۵ / وقایع هفتهٔ پیش از شانزدهم ژوئیه: ۷۱ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و سوم ژوئیه: ۷۱ / وقایع هفتهٔ پیش‌از سی‌ام ژوئیه: ۷۳ / وقایع هفتهٔ پیش از ششم اوت: ۷۵ / وقایع هفتهٔ پیش از سیزدهم اوت: ۷۶ / وقایع هفتهٔ پیش از بیستم اوت: ۷۸ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و هفتم اوت: ۸۵ / وقایع هفتهٔ پیش از سوم سپتامبر: ۹۴ / وقایع‌هفتهٔ پیش از دهم سپتامبر: ۹۶ / وقایع هفتهٔ پیش از هفدهم سپتامبر: ۹۷ / وقایع

هفتهٔ پیش از بیست و چهارم سپتامبر: ۱۵۱ / وقایع هفتهٔ پیش از اول اکتبر: ۱۵۳ / وقایع هفتهٔ پیش از هشتم اکتبر: ۱۵۸ / وقایع هفتهٔ پیش از پانزدهم اکتبر: ۱۱۱ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و دوم اکتبر : ۱۱۳ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و نهم اکتبر: ۱۱۵ / وقایع هفتهٔ پیش از پنجم نوامبر: ۱۱۷ / وقایع هفتهٔ پیش از دوازدهم نوامبر: ۱۲۵ / وقایع هفتهٔ پیش‌از نوزدهم نوامبر: ۱۲۱ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و ششم نوامبر: ۱۲۲ / وقایع‌هفتهٔ پیش از سوم دسامبر: ۱۲۳ / وقایع هفتهٔ پیش از دهم دسامبر: ۱۲۴ / وقایع هفتهٔ پیش از هفدهم دسامبر: ۱۲۵ / وقایع هفتهٔ پیش از بیست و چهارم دسامبر: ۱۲۶ / وقایع‌هفتهٔ پیش از سی و یکم دسامبر: ۱۲۶ / وقایع هفتهٔ پیش از هفتم ژانویه ۱۹۲۲: ۱۲۷.

فهرست پیوستها

ابلاغیهٔ ریاست وزرا: ۴۸ / اعلان: ۴۹ / دستور والی نظامی: ۵۰ / اعلان: ۵۶ / اعلامیهٔ حکومت نظامی ایالت خراسان: ۵۶ / اعلان: ۵۶ / تشکیلات و تجهیزات سازمانی ژاندارمری ایالت خراسان: ۵۹ / مجلس دارالایاله: ۶۳ / زندگی‌نامهٔ کلنل محمدتقی‌خان: ۸۲ / نامهٔ ژنرال حمزه به شاه: ۹۲ / درپایان نطق لرد لرزن: ۱۰۵ / نامهٔ دفتر والی خراسان وسیستان: ۱۱۵ / فهرست اسامی کسانی که به‌دستور امیر پنجه حسین‌آقا دستگیر شدند: ۱۱۹ / بیانیهٔ صادره از طرف امیر پنجه حسین خزاعی: ۱۲۵ / قیمت امتعه و اجناس درخراسان: ۱۲۸ / خلاصهٔ تشکیلات قوای مسلح ایران: ۱۲۹ / وضعیات مالی نظامی قشون ایران ۱۴۷ / حکم نظامی: ۱۴۸.

تصاویر ۱۶۹

فهرستها ۱۵۱

به یاد کلنل محمدتقی‌خان پسیان

تاریخ معاصر ایران را از نو باید نوشت و دروغ و ابهام را از فرهنگ ارزنده و تقویم گرانبهایش بیکسو گذاشت. کشور ما از بدو تاریخ در چهار راه حوادث خطیر قرار داشته و معبر اقوام گوناگون و معرض هجوم قبایل و طوایف مختلف بوده است. روزگاری اسکندر از یونان و زمانی چنگیز از مغولستان‌این‌سرزمین راعرصهٔ تاخت و تاز قرار داده‌اند و درگذشته‌ای نزدیك، روسها و عثمانیها و انگلیسیها، هریك بقصد تصرف پاره‌ای از این خاك پر حادثه، بایران لشگر فرستاده‌اند. پس ازآنکه دوران‌اردوکشی نظامی واعزام سرباز و ناوگان جنگی پایان یافت، نه‌تنهاقدرتهای‌سابقه‌داری چون روسیه و انگلیس دراین میدان زورآزمائی، هدف خود را با روش وسیاستی دیگردنبال کردند، بلکه‌بعضی دولتهای‌دور افتاده‌چون آمریکا و فرانسه و آلمان نیز برای آنکه از این نمدکلاهی ببرند وارد معرکه شده، زیر لوای استقرار آزادی، مبارزه با فئودالیسم وگسترش دموکراسی، از طرق گوناگون از جمله مبادله کالاهای بازرگانی و اعزام میسیونهای مذهبی و فرهنگی فعالیت خودرا برای گسترش نفوذ و بهره‌برداری از منابع و منافع موجود، درفرصتهای

مغتنم آغاز کردند. برای مردم ایران، با چنان گذشته‌ای پرحادثه و آشوب و تاریخی طوفان خیز و فتنه‌انگیز، که هراز چند سال یکبار گردبادهای تند حوادث، زندگی عادی و مسیر طبیعی حیاتشان را تغییر میدهد، هیچ مسئله‌ای مهمتر از بحث و غور در تاریخ معاصر، یعنی فهم و استنباط علت بروز این وقایع‌ازروی اسناد ومدارك‌جدید و دقیق و اطلاع صحیح و عمیق بر شرح حـال و فعالیت سیاسی و روش و هدف مردان میدان‌مبارزه نیست.

بهمین جهت، هنگامی که محقق و دوست‌عزیزم آقای‌غلامحسین میرزاصالح نویسنده را مطلع ساختند کـه قصد انتشار یادداشتهای «کلنل پریداکس» سرکنسول دولت بریتانیا در خراسان را، درمورد قیام «کلنل محمدتقی‌خان پسیان» و حوادث آن دوران خراسان را دارند و مایلند ارادتمند شرحـی بصورت مقـدمه بنـویسم، بسیار خوشوقت شدم و استقبال‌کردم. زیرا پریداکس سرکنسول انگلیس، اگرچه در قطب مخالف قرار داشته و مانند هر سیاستمدار و مأموری، در کلیه شرایط و تا آخرین لحظه حیات بمنافع و مصالـح دولت متبوعه خویش بیشتر پای‌بند است تا دیگر مسائل، با این حال چون پریداکس در متن حوادث و مرکز وقایع قرار داشته و یادداشتهایش بسیاری از نکات تاریك و ناگفته را روشن میکند و میدانی وسیع و افقی تازه در برابر خوانندگان عزیز قرار میدهد، از لطف وتوجه محقق محترم استقبال کرده، برآن شدم این چند سطر را بنام مقدمه تقدیم خوانندگان گرامی و حقیقت جو بنمایم شاید خدمتی ناچیز در راه هدایت افکار نسل جوان انجام داده باشم.

کلنل پسیان، در خانواده‌ای قدم بعرصهٔ وجود گذاشته بود که پدرانش سالیان دراز دوش بدوش دیگر ایرانیان شریف با مأمورین و سالداتهای استعمارگر روسیه تزاری جنگیده بودند و پس از شکست ارتش ایران و از دست رفتن قفقاز، خانه و زندگانی خود را تـرك گفته، برای ادامه مبارزه از قفقاز کوچ‌کرده، بایران آمده بودند.

برای او و دیگر افراد خاندان پسیان، بیگانه بیگانه بود، خواه روس، خواه انگلیس. او و برادر و عمو وعموزادگانش اهل سیاست‌بازیها و دسته‌بندیهائی که ایران را بروزگار ذلت و سرافکندگی انداخت نبودند.

چون بعضی مهاجران از قفقاز این اندیشه را نداشتند که چون با روس جنگیده و مبارزه کرده‌ایم، اینك بدامان انگلیس پناه ببریم. آنها همه بیگانگان را غیر ایرانی و دشمن ایران میدانستند وعقیده داشتند با هر استعمارگری باید با شجاعت جنگید و در برابرش مقاومت‌کرد. آن گذشته سراسر مبارزه و این هدف منطقی، سبب گردید که کلنل در جریان حوادث جنگ بین‌المللی اول در کنار مهاجرین ایرانی، کسانیکه نمیخواستند زیر بار اشغال سراسر ایران وسیله سربازان روس و انگلیس بروند، به‌کرمانشاه عزیمت نموده و از راه ترکیه خود را به‌آلمان برسانند. بدیهی است، در این جریان او و عده‌ای قلیل ازژاندارمها و ایلات شریف کرد با سربازان‌روس و طرفداران انگلیس مبارزه واقعی میکردند؛ دیگران بفعالیتهای سیاسی و گفتگوهای مختلف اشتغال داشتند، تا آنجاکه‌کلنل‌ازبعضی بند و بستها سرخورده و ناراحت میشود و تنها بآلمان میرود و در تشریح همین جریان است‌که مینویسد: «... از دست بعضی همقطاران بی‌حقیقت و دورو خود را خلاص کرده، برای معالجهٔ ورم کبد بآلمان رفتم هنوز معالجه باتمام نرسیده بود که استماع خبر موحش دیاله و در خون خود شناکردن افراد رشید با وفایم دنیا را در جلو چشمم تیره وتارساخت. برای اینکه خودی بآنها رسانیده و اقلا باهم جان داده باشیم، بسوی حلب و موصل شتافتم. لیکن افسوس! صد هزار افسوس! آب بی‌رحم نعشهای آن شهداء بیگناه رابسرعت‌امواج وحشت‌آور خود، هرجا غلطانیده و باستراحتگاه قعر دریا رسانیده بود... من از بیگانگان هرگز ننالم، که با من هرچه کرد آن آشنا کرد!...»

بگذریم از شرکت کلنل در جبهه‌های جنگ در لهستان ونظایر این اقدامات. از محبت خصوصی هیندنبورگ بوی و برخوردی که در یك مغازه در برلن داشتند و آن سردار بزرگ آلمان، یك‌جفت دستکش باو هدیه میکند. شرح زندگی کلنل در آلمان، فراگرفتن ریاضیات عالیه و موسیقی و فن خلبانی، تا آنجا که باید اورانخستین خلبان ایرانی دانست، دور از هدف ماست...

کلنل در پایان جنگ وارد ایران شد. در سال ۱۹۱۹ سالی که انگلستان با تمام قوا برای تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ فعالیت میکرد. وثوق‌الدوله نخست‌وزیر بود، قوام‌السلطنه برادرش والی خراسان و محمدحسین میرزا داماد بـرادر دیگرشان فرمـانده ژاندارمری خراسان. دیگر استانهای ایران نیز چنین وضعی داشتند. در چنین روزگاری، بدون تردید بسربازی چون کلنل، که نمونه درستی و میهن‌پرستی بود بعید مینمود شغلی واگذار شود. او که در جنگهای بین‌الملل بدریافت نشان صلیب آهن آلمان نائل آمده بود، او که در جنگ منطقه «مصلا» در همدان در برابر سربـازان روسیه تزاری چنان رشادتی از خود نشان داده بودکه شرحش در کتـاب آلمانی «جنگ مقدس از بغداد تا ایران» آمده است. چنین افسری باچنین سابقه‌ای مگر امکان داشت طبق معمول بیشتر فرماندهان آنروزقبول فرماندهی کند و تمام بودجه‌ای راکه از مرکز حواله میشد شخصاً برداشت‌کند و بجیب خود بریزد و بژاندارمها بگوید: با مداخل خود زندگی کنید!؟..

با آن احساس و شور ایراندوستی و این درستی و پاکی، در دورهٔ پنجماهه حکومت وثوق‌الدوله معروف به‌کابینه سفید بیکار ماند. بیکار و بدون حقوق!

در حکومت‌بعدی، براثر فعالیت پدرم مرحوم ژنرال حمـزه پسیان و پیگیری جراید آزادیخواه کلنل را بریاست ژاندارمـری خراسان منصوب‌کردند و بقول خودش «او را در فلاخن‌گذاشته،

برای اصلاح ژاندارمری بخراسان پرتاب کردند...»

بدنیست بدانیم که در این روزها که کلنل از آلمان برگشته و بدون حقوق و بیکار در منزل عمویش زندگی میکرد، ایـران، میهن عزیز ما نیز روزگار بهتری نداشت. زیرا با آنکه بمناسبت‌پایان جنگ و شکست روسیه و عثمانی، ایران از تهدید و مداخله این دو کشور در امان ماندهو با از بین رفتن رژیم تزاری دیگر گفتگو از تجدید یا توسعه قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ نبود؛ معهذا نیرومند شدن انگلستان بصورت یك قدرت بلامنازع دراین منطقه، بخصوص بنام فاتح جنگ تهدید بزرگتری بود. انگلستان که بخوبی بخطر روسیه شوروی در سالهای آینده آگاهی داشت، سعی میکرد هرچه زودتر، تا حریف خسته و ناتوان از خواب بیدار نشده است، حکومتی آبرومند و با ظاهری آراسته در ایران بر سر کار آورد ونیروهای خود را از منطقه خارج کند.

انگلستان تنها خواهان تثبیت نفوذ و موقعیت خود در ایران بود، نه نام این قرارداد یا آن سیاستمدار، لندن در فکر حفظ منافع خود در ایران وثبات مناطق تحت سلطه خود درمجاورت مرزشوروی بود، خواه قسمتی از این برنامه بدست وثوق‌الدوله اجرا شود، یا سید ضیاءالدین یا قوام‌السلطنه، یا سردار سپه. بهمین جهت وقتی ملیون ایران علیه قرارداد ۱۹۱۹ قیام کردند و سروصدای آنها درمطبوعات جهان و بخصوص درکنفرانس صلح پاریس اثر مطلوبی بجای گذاشت و جهان خسته از جنگ و استعمار را تحت تأثیر قـرارداد، دولت بریتانیا بافراست درصدد تعویض چهره برآمد و دست از پافشاری برای تصویب قرارداد ۱۹۱۹ کشید.

عامل مهم خارجی و بین‌المللی که در تغییر سیاست ظاهری انگلستان اثر گذار شد، مخالفت امریکا با این قرارداد بود. لانسینك وزیر خارجه امریکا درکنفرانس صلح پاریس در حالیکه ازیکطرف حمایت خود را از شرکت هیئت نمایندگی ایران درکنفرانس صلح

ابراز میدارد؛ تأسف و مخالفت خود را از عقد قرارداد ۱۹۱۹ بین ایران و انگلستان نیز نشان میدهد و در همین هنگام کالدول وزیر مختار امریکا در تهران نیز بصراحت اعلامیه‌ای علیه قرارداد مزبور انتشار داده و مخالفت امریکا را با چنین قراردادی باطلاع ملت‌ایران میرساند.

این تحولات برای مردم ایران روزنه امید و دریچه نجات است؛ غافل از آنکه امریکای خسته از جنگ، باوجود پیروزی، قصد کوچ‌کردن از میدانهای درگیری درکلیه نقاط جهان، بخصوص ایران را دارد و متأسفانه اگرکسانی هستند که‌باشنیدن نطق‌لانسینگ واعلامیه کالدول، شادمان شده، چهرهٔ ساده و متین باسکرویل‌جوان، آن معلم پاك سرشت‌که جان خود را در تبریز در راه مشروطیت‌ایران گذاشت بیاد میآورند؛ باید قیافهٔ دژم و نامردمی «دکتر شت» که آنهمه مردم بیگناه را در ارومیه بکشتن داد و آواره‌کرد را نیز بخاطر داشته باشند. زیرا از قدیم‌گفته‌اند که هر سکه‌ای دو رو دارد و هر دولتی هزار سیاست!..

آری در چنین روزهائی که شور میهن‌پرستان ایران، بمناسبت حمایت امریکا از ملیون برای لغو قرارداد ۱۹۱۹ باوج خود رسیده بود، کارگردانان امپریالیزم امریکا و انگلیس، در هتل ماژستیك پاریس درکنار هم نشسته و حدود بهره‌برداری از منابع جهانی و منطقه نفوذ خود را تعیین و برنامه کار را تنظیم میکردند.

بلی، در تاریخ سی‌ام ماه مه ۱۹۱۹ «انستیتو امور بین‌المللی» بطور رسمی تشکیل شد و در جریان تقسیم مناطق بهره‌برداری هر یك از دولتین در جهان، ایران یکپارچه بانگلستان واگذار گردید. حال، انگلستان که خیالش با شکست آلمان و عثمانی و روسیه‌وکناره گیری امریکا راحت شده و در ایران بصورت قدرتی تنها و یکه‌تاز درآمده است، باید در قدم اول باتمام نیرو استانهای گیلان‌وخراسان و آذربایجان را از خطر بلشویسم نجات دهد. خطری بزرگ که

جنبه ملی هم دارد و میرود وحشت‌آفرین شود و مردم ایران رابیدار کند و انگلستان راگرفتار!..

بریتانیا برای اجرای برنامه خود در سراسر ایران، قرارداد ۱۹۱۹ و آنهائی را که در راه تصویبش آبرو باخته‌اند، کنارمیگذارد وبفکر اجرای برنامه‌های جدید، از راه استفاده غیر مستقیم از افراد ملی و فعال و خوشنام است. کلنل که بیکار و بدون حقوق است، ناگهان از جانب مخبرالسلطنه هدایت دعوت بکار میشود تا باسمت فرماندهی نیروهای مسلح در آذربایجان، عازم تبریز گردد. کلنل شادمان میشود، ولی پدرم ژنرال حمزه‌خان هشدار میدهدکه هدف سرکوب قیام خیابانی است. کلنل از قبول این سمت خودداری‌میکند و مدتی دیگر بیکار میماند، از یکسو مایل است کاری انجام دهد، از سوی دیگر عوامل دولت و طرفداران خیابانی هرکدام او را بسوی خود میکشند.. ناگهان، همانطور که در سطور بالاگذشت و کلنل در یادداشتهایش نوشته، او را درفلاخن گذاشته بسوی خراسان پرتاب میکنند و تذکر میدهندکه در صورت عدم قبول، هرگز بخدمت‌دعوت نخواهد شد.

اما چرا خراسان؟ زیرا این استان بزرگ در پرتو غارت والی و مأمورانش از امنیت داخلی و خارجی بکلی محروم شده بود. مدتها بودکه فرمانده قبلی ژاندارمری حواله ارسالی حقوق را عیناً خود برداشت میکرد و حقوق ژاندامها را نمی‌پرداخت و ژاندارمی که حقوق نگرفته بود، بجنگ با راهزنان مسلح و ترکمانـان که کلیه راههای اصلی را در اختیار گرفته بودند نمیرفت...

از نظر خارجی نیز وضع بصورتی بودکه قوام‌السلطنه والـی خراسان، پس از ملاقاتی‌که با ژنرال مالیسن فرمانده نیروهای‌انگلیس درخراسان و سیستان بعمل می‌آوردگزارشی به‌برادرش وثوق‌الدوله نخست‌وزیر میدهد که وی نیز آنرا در اختیار سرپرسی کاکس‌وزیر مختار انگلستان در تهران میگذارد و طبق معمول برای لردکرزن

وزیر امور خارجه انگلیس فرستاده میشود. خلاصه گزارش اینست که «بلشویکهای افغانی و حکومت قفقاز و گروه زیر فرمان انور پاشا، آخرین سردار عثمانی قراردادهای همکاری برای عملیات تهاجمی و دفاعی میان خود منعقدکرده‌اند و خیال حمله به‌خراسان را دارند.»

همچنین در گزارشی‌که لردکرزن از مذاکراتش با نصرت الدوله وزیر امور خارجه ایران مقیم لندن بتهران میفرستد یادآور میشود که:

«در چهارمین قسمت از مذاکراتمان راجع بخطری که‌هم‌اکنون از ناحیه عمال و نیروهای نظامی بالشویکی متوجه شمال و شمال شرقی خراسان است گفتگو کردیم»*

بدین ترتیب کلنل در استانی پرآشوب و غارت‌زده عهده‌دار مأموریتی سهمگین و دشوار میگردد. کلنل بطور خلاصه در این دو مورد و موفقیتهای خود مینویسد: «...اشرار نامی خراسان مثل خداوردی، الله‌وردی، مرسل، دین‌محمد، حضرتعلی و غیره که با اردوهای دوسه‌هزار نفری و مخارج گزاف دستگیریشان ممکن نبود دستگیر و بمجازات اعمال جنایتکارانه خود رسیدند و حل و تصفیه مسائل سرحدی، شروع باصلاحات بلدی، اتحاد شکل قوای نظامی خراسان و انتظام ادارات از یادگارهای فراموش‌نشدنی‌دورهٔ‌حکومت وریاست من است...»

رفتار کلنل، درستی، صراحت، جوشش با همه طبقات بخصوص زیردستان مورد توجه و قبول دولتمردان آنروز نبود. وقتی مأموری نادرست باشد، خیال بالاترها راحت است زیرا هم چیزی برایشان میفرستد و هم اگر اهل باج دادن نباشد، هروقت خواستند برایش پرونده ساخته او را احضار میکنند. اما، با والی وفرماندهژاندارمری

* صفحه ۲۵۸ اسناد محرمانه وزارتخارجه بریتانیا دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹ جلد اول ترجمهٔ دکتر جواد شیخ‌الاسلامی

درستی که آنهمه صادقانه در خراسان خدمت کرده است چه میتوان کرد و چگونه باید او را محدود یا معزول یا سرکوب کرد!؟

در اجرای این هدف، یعنی برکناری و نابودی کلنل، این افسر شریف و با عاطفه و بشردوست، که صمیمانه آرزوی ترقی و سعادت ایران را داشت و باظلم و تعدی و اجحاف مبارزه میکرد و دزدی و رشوه‌خواری و سوء استفاده از شغل و مقام اداری را دشمن میداشت چه میتوان کرد؟ راه ساده و آسان بود. باید از تمام فئودالها، رؤسای راهزن بعضی عشایر، صاحبان املاك وسیع ومتجاوز، خانهای بیرحم، اشراف فاسد و کلیه کسانی که از نظم موجود آنروز استفاده میکردند و هر نقطه از ایران و بخصوص خراسان را قلمرو قدرت و ترکتازی خود قرار داده بودند استفاده کرد و کلنل و طرفدارانش را سرکوب و معدوم نمود.

اینها نیزچنین کردند و کلنل سر بر سر عقیده خود، یعنی درستی و خدمت بایران گذاشت و در این راه آسان جان باخت. آسان از این نظر که جانبازی در راه ایران آرزویش بود. او در پایان رساله دفاعیه‌اش از مشهد نوشته است: «مرا اگر بکشند قطرات خونم کلمهٔ ایران را ترسیم خواهد نمود و اگر بسوزانند خاکسترم نام وطن را تشکیل خواهد داد...»

اکنون که بیش از ۶۰ سال از حوادث پرشور خراسان میگذرد و بسیاری از اسناد موثق داخلی و خارجی ثابت میکند که احمد شاه و اغلب رجال دستگاه حاکمه آنروز مانند وثوق‌الدوله وقوام‌السلطنه وسیدضیاء و نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله و رضاخان وابستگی بی چون و چرا بقدرت مستولی و استوار و نیرومند، یعنی انگلستان داشتند، بحث در مورد علت شکست قیام کلنل از جهت خارجی زاید است. بلکه باید بعلل داخلی و تشریح رفتار بعضی‌ازایرانیان‌پرداخت.

هدف نویسنده دفاع از بیگانه نیست، بلکه بیان یك واقعیت و یك مسئله عینی است. ما نباید و نمیتوانیم انتظار داشته باشیم که

انگلستان یا شوروی یا امریکا یا حتی همسایه‌کوچکی چون عراق نسبت بسرزمین ایران، سیاست، یا هدف، یا چشمداشتی نداشته باشند و برای رسیدن بآن و تحصیل منافع خود، عامل یا جاسوس یا حتی خرابکار تربیت و تقویت نکنند، بلکه این ما هستیم‌که باید بمنافع خود پی برده، اذهان افراد را روشن‌کنیم تا تسلیم بیگانه نشوند و بصورت عامل خارجی درنیایند و برای‌ترقی‌ظاهری یا گذران‌زندگی، بهرکاری، حتی فرومایه‌ترین اقدامات دست نزنند.

قیام کلنل، یا انقلاب خراسان، یا مبارزه با دزدان اجتماع هنگامی رویدادکه اصول اریستوکراسی و نظام فئودالیسم بشدت بر ایران حاکم بود و حداکثر توقع احمد شاه پرداخت مستمریش و تقاضای وثوق‌الدوله و دیگران، صرفنظر از پولی‌که دریافت‌کرده بودند، تأمین جانی مادام‌العمر بود! در چنین روزگاری کلنل باآن هدف مقدس و نیت بلند و فطرت پاك، برای نجات مردم ایران تلاش میکرد. کلنل بیاد ایران دوران داریوش و ایران زمان ساسانی بود، درحالیکه بسیاری از آثار توحش مغول و خونریزی آنان در بعضی از قدرتمندان ایران تجلی داشت و غارت و آدمکشی کار عادی و معمولشان شده بود.

کلنل، نه‌هدف ایجاد جمهوری در خراسان و استقلال این سرزمین را داشت و نه آرزو و خیال زمامداری بر مردم این کشور را در سر میپروراند. اوخدمتگزاری صدیق و سربازی شجاع‌وانسانی شریف بودکه هدفی جز خدمت بایران و ایرانی نداشت و چون با دزدی و غارت و نفوذ بیگانه مبارزه میکرد، سرانجام کارش بمبارزه علنی با دزدان و راهزنان کشید و در همین راه جان باخت. برای او قوام‌السلطنه والله‌وردی و دیگر راهزنان خراسان یکسان بودند، فقط نام و ظاهرشان تفاوت داشته و بدست همین‌ها جان باخت.

کلنل پسیان یار زحمتکشان و خدمتگزار محرومان بود. دوستانی چون عارف و ایرج داشت و وقتی بترجمه میپرداخت

«داستان یك کنیز» اثر لامارتین را بروی کاغذ می‌آورد. چه در زمان حیات و چه بعد از مرگش هرگز نتوانستند، یاد او را ازخاطر مردم محو کنند و رشته الفت و محبت موجود بین او و ملت ایران را قطع نمایند. او از افسران و فرماندهانی بود که در کنارسربازانش در جبهه‌های جنگ شرکت میکرد. وقتی او مجروح میشد، سربازان اورا به‌پشت جبهه می‌آوردند و هنگامی که سربازش‌مجروح‌میگردید، سربزانوی کلنل گذاشته، بلهجهٔ آذری با صداقت میگفت: «رئیس جان گوله‌یدیم» یعنی رئیس جان گلوله خوردم و دراین هنگـام بود که کلنل او را به‌پشت جبهه می‌آورد...

کلنل پسیان از آن افسران نبود که «کاپیتن هنت» انگلیسی در تشریح زد و خورد محمره مینویسد: «... وقتی گفتیم سرتیپ عقب مانده و اینطور دستور داده، دیگری گفت: سرتیپ کدام فلان فلان شده‌ایست!» و دیگر مشابهاتی که داشتیم و شاید بودیم.

حال که کلنل کشته شده است، چرا باید نبش قبر کرد و او را در قبرستان عمومی بصورت گمنام بخاك سپرد؟ چرا باید بهروسیله‌ای متشبث شد تا ارتباط عاطفی و قلبی مردم را با او قطع کرد؟! آری دربارهٔ کلنل و بازماندگان و اقوامش از هیچ ظـلم و ستمی ابـا نداشتند... رفتاری که مخصوص بعضی قبایل عقب‌مانده در افریقا و مغولستان است!

صحبت از کلنل است نه دیگران درآن ایام، من در آن سن نبودم که بتوانم قضاوتی سیاسی و اجتماعی درباره‌اش بکنم. آنروز بسیار کوچك بودم و امروز بیشتر این کوچکی و حقارت فاصله را در برابر آن نیکمرد بزرگ و جوانمرد احساس میکنم. مرد دلاور ورشیدی که گامی از راستی منحرف نشد و دیناری اندوخته نداشت.

پدرم، مرحوم ژنرال حمزه‌پسیان، کلنل را از همه فرزندانش بیشتر دوست داشت. هنگامیکه خبر پایان فاجعه‌آمیز قیام فارس‌رسید و از مرگ دلگداز مرحوم ماژور علیقلی خان پسیان فرزندبزرگش

و سلطان غلامرضاخان پسیان در جنگ با عوامل انگلیس و پلیس جنوب اطلاع یافت زیاد متأثر نشد و بسادگی گفت: «در راه ایران جان باختند.» ولی با شنیدن خبر مرگ کلنل گفت: «دیدی آدمکشها و دزدها، چطور این افسر رشید و پاك و بیگناه را از بین بردند؟!» و دیری نپائید که ژنرال درگذشت...

سپهبد امیراحمدی میگفت: سردار سپه در روزهای آخر بسیار بی‌تابی میکرد. حتی یکروز سحرگاه بژاندارمری آمد. سراسیمه بیدار شده، موضوع را سؤال کردم گفت: از مشهد چه خبرداری؟ کار کلنل تمام نشد؟!..

سرلشگر شفائی بنویسنده این سطور گفت: یکروز ژنرال‌حمزه خان و سردار سپه بتلگرافخانه رفتند برای مخابره حضوری. تلگرافات زیاد رد و بدل شد. پیشنهادات گوناگون داده شد: برای ترفیع مقام وآمدن بتهران، گرفتن حقوق ماهی ۱۵۰۰ تومان‌مادام‌العمر و رفتن بخارج... کلنل هیچیك را نپذیرفت.... سرلشگرشفائی ادامه داد: پس از پایان تأسف‌آور ماجرا، روزی سردار سپه مرا خواست وگفت: برو از قول من بژنرال حمزه‌خان تسلیت بگو، او معلم همه ما در قزاقخانه بوده... سرلشگر شفائی و فتح‌الله فرود میگفتند، اگر بعد از سید ضیاءالدین، بلافاصله سردار سپه روی کار می‌آمد، هرگز آن فاجعه روی نمیداد... همه اینها نقل قول است واگر و مگر...

در دوران وقایع آذربایجان‌که اخبار و گزارشهای استان مزبور را زیر نظر داشتم و بهمین مناسبت بارها با قوام‌السلطنه و مقامات ارتشی فرصت ملاقات وگفتگو دست میداد و اخبار وحاصل این دیدارها را در روزنامه اطلاعات درج‌میکردم، یکی‌دوبار گفتگو از کلنل بمیان آمد. دیدم قوام تلاش مخصوصی داردکه چنانچه بدبینی دارم برطرف شود. من نیز همواره بیطرف بودم. زیرا علاقه بکار، اجازه نمیداد جز این باشم. در روز حرکت‌هیئت‌ایرانی‌بریاست

قوام‌السلطنه بمسکو، ناگهان عباس مسعودی مدیر روزنامه گفت: با آنکه قرار بود شما بروید نمیدانم چطور شده که قوام‌السلطنه قاسم مسعودی را انتخاب کرده است. ایشان برادرزاده عباس‌مسعودی بود، ولی نویسنده و خبرنگار نبود.

نگارنده با داشتن حرفه روزنامه‌نگاری، هرگز پیرامون بزرگمردی چون کلنل مطلبی ننوشته و بکسانی‌که در راه نابودی او و رستاخیز بزرگش فعالیت کرده‌اند، قلم بگردش درنیاورده‌ام، زیرا معتقد بوده و هستم که این قبیل مسائل جنبه ملی و تاریخی دارد نه خانوادگی و احساساتی و بزرگترین داور، زمان و آینده است. وقتی برای شهادت کلنل مردان بزرگ و شعرای نامدار و نویسندگان ارجمندی چون کاظم‌زاده ایرانشهر، دکتر شفق، عارف، ایرج، آزاد فرازی، پروین‌گنابادی، گلشن‌آزادی، پوررضا، ریاضی و هزاران ایراندوست دیگر ابراز احساسات میکنند و آثار جاودان برجا میگذارند، این ارادتمند چرا باید در این مسئله‌اظهارنظرنموده بچنین موضوعی که جنبه دانش با جهل، راستی با دروغ، درستی بادزدی و بالاخره مبارزه یك ملت علیه عوامل بیگانه دارد، جنبهٔ خویشاوندی یا احساساتی دهم. بهرحال با چنین عقیده و روشی، تنها یکبار ناگزیر بنوشتن مطلبی در این مسئله‌گردیدم که آنهم بعد از سقوط دولت دکتر مصدق، یعنی دو سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود.

پس‌از روی‌کار آمدن دولت دکتر مصدق، مردم سراسر ایران بخصوص خراسان این فرصت را یافتند که خواسته‌ها و تمایلات خود را عنوان کنند و برای تحقق آرزوهایشان تظاهراتی بعمل آورند. ازجمله این درخواستها، بزرگداشت کلنل پسیان و انتقال جسد او بآرامگاه اولیه‌اش بود. آیت‌اله کاشانی درپی مراجعات گوناگون مردم، بخصوص بعضی از نزدیکان کلنل، با دولت مصدق هماهنگ شده، موافقت کردند تقاضاهای مردم ایران، بخصوص اهالی

آذربایجان و خراسان مورد اجابت قرار گرفته، تحقق پذیرد. توافق آقایان کاشانی و مصدق با قبول درخواست مردم، باهالی ایران، بخصوص خراسانیها این فرصت را داد تا از خدمتگزار خود قدردانی و تجلیل کنند. بهمین جهت مراسمی پرشکوه و مجلل، بیریا و صادقانه در مشهد برگزار گردید. تابوت حاوی نعش مرحوم کلنل، با تجلیل و بزرگداشت صمیمانه و صادقانه، با شور و هیجانی بیسابقه، ازقبرستان سراب به‌آرامگاه نادری ـ همانجا که نخست دفن شده بود ـ حمل گردید و با اعزاز و احترام و خلوص فراوان، درحالیکه مردم شریف صادقانه اشك میریختند، با تشریفات نظامی بخاك سپرده شد.

فرمانده لشگر، سرهنگ سردادور و گروهی از افسران پیشاپیش تشییع کنندگان حرکت میکردند و همه اینها بازو بند سیاه داشتند و موزیك آهنگ عزا مینواخت. فرمانده لشگر که بیش‌از سایرین در ادای احترام و تجلیل میکوشید، گاهی شمشیر برهنه را بحال خبردار عمودی نگاهمیداشت... آن ایام سپری گردید. کودتای انگلیسی ۲۸ مرداد پیش آمد. فرمانده لشگر خراسان سرتیب سردادور درمقام خود باقیماند. گفتگو از نصب سنگ آرامگاه کلنل بمیان آمد. انجمن آثار ملی که بکارهای بنای آرامگاه نادر مشغول بود، گفتگوهائی‌نیز در مورد ساختن بنای یادبود جهت کلنل پسیان با این و آن بعمل می‌آورد. فرمانده لشگر بی‌آنکه کسی بیاد کارگـذشته‌اش، یعنی شرکت در مراسم تجلیل از کلنل باشد، خود بخود بیمناك شده تلگراف مفصلی بتهران فرستاده، برای خوش خدمتی اظهار عقیده میکندکه مصلحت نیست این سربـاز، یعنی کلنل، در کنار آن سردار، یعنی نادر شاه دفن گردد. کسی نبود بگوید مرد فرومایه. آن خوشرقصیت بدوران مصدق در مراسم تدفین چه‌بود و این فرومایگی و نامردمیت چه‌معنی دارد؟ مگر آنروز از تهران دستور داده بودند یا شما را مجبور کرده بودند؟ اگر مخالف بودی شرکت نمیکردی؟!... از اینهمه نامردی و نامردمی ناراحت شدم، زیرا باهم آشنا بودیم و در اردوکشی

آذربایجان و کتاب خود از او به‌نیکی نامبرده بودم. گذشته از اینها برادرش حمزه سردادور داستانسرا و مترجم روسی از دوستان و همکارانم بود. پادرمیانی او نتیجه نداد. ناگزیر ماجرا را در هفته‌نامه «صدای وطن» با تصویرش در مراسم تدفین و ادای احترام درج کردم و بتلگرافش هم اشاره نموده از مسئولین و مقامات خواستم اگر خانواده پسیان حتی بعداز مرگ هم آسودگی ندارند، اجازه‌دهیداز ایران بروند. افسر بی‌اعتبار بازنشسته شد و مدت کوتاهی بعد درگذشت... آری، این یکی از نوشتارهایم در مورد کلنل، آنهم از روی اجبار بود... مادرم میگفت: در آنروزها که کارکردن‌مردان، بخصوص افسران، در خانه، حتی بطور جزئی مطرح نبود و برخی‌هم بد میدانستند، کلنل با آنکه تازه از آلمان آمده و درجه یاوری‌داشت، بدون آنکه کسر شأن خود بداند وارد آشپزخانه میشد و سینی یا مجموعهٔ حاوی ظرفهای غذا را باطاقهای بالا میبرد و چون مهمان ما بود، اینکار را وظیفه خود میدانست، بخصوص که میدید من زیاد زحمت میکشم و کمکی ندارم. آری او از کبر و غرور دور بود و خود را جدا از رنجبران و زحمتکشان و مستمندان نمیدانست.

درکشوری که نخست‌وزیرش قوام بعداز مرگ مخالفش دستور نبش قبر میدهد، عجب نیست که فلان بربری قاتل کلنل هم در کنار سر بریده‌اش بایستد و عکس بگیرد! آن افسر نیز صدو هشتاد درجه بگردد و تغییر جهت دهد! آیا زندگی ارزش اینهمه پستی ونامردمی را دارد؟ بهتر نیست انسان باشیم، دور از ریا و تزویر و عقده، درکنار هم زندگی کنیم و عمررا با نیکنامی وسربلندی بپایان برسانیم. رابطه کلنل، این انسان درستکار و شریف و مسلمان واقعی، هرگز با این مردم قدرشناس و با شرف قطع نشد. زنده یا مرده مورد توجه و احترام مردم حقشناس ایران بود. درگوری گمنام یا برجسته، همیشه مورد احترام و علاقه ایرانیان شریف بود و هست وهمواره خاطره‌اش را عزیز و گرامی داشته و میدارند. ولی ازآنها که در آرامگاههای

اختصاصی و گورهای مرمرین بخاك سپرده شدند، چه کسی یادمیکند؟ آنهم به‌نیکی و چه باقی‌مانده جز فراموشی مطلق یا لعنت و نفرین... خدای بزرگ و مردم شریف ایـران بهترین داور کلنل پسیان و کارهایش هستند.

مقدمه‌ای
بر
«آرمهٔ منظم و منافع پلیتیکی»

دگردیسی ارتشهای خاورمیانه از آلت سرکوبی در دست سلاطین و فرمانروایان به‌یك‌نیروی پیشرو و ملی در دوران جدید با تضعیف مقدر و روزافزون پایگاه اجتماعی رؤسا و فرماندهان سنتی آنها که خود از عناصر نظام حاکمه بودند آغاز شد. با کاهش اقتدار سلاطین و اشراف محلی، نظامیان همراه و همصدا با طبقهٔ متوسط جدید نخست زبان به‌انتقاد از اوضاع و احوال حاکم گشودند و سپس در فرصت مناسب سر به‌شورش برداشتند و گاه بنیان نظام سنتی را برافکندند.

تشکیلات نظامی درکشورهای مستقل و سرزمینهای خاورمیانهٔ تحت سلطه در واقع نخستین نهادهایی بودند که به‌منظور حراست بهتر از نظام حاکم و عناصر آن در برابر مدعیان داخلی و دشمنان خارجی موظف به‌فراگرفتن فنون جدید شدند. اهمیت این اقدام به‌حدی است که می‌توان گفت «تاریخ اصلاحات جدید در کشورهای مشرق ـ با اصلاح لشکر در جهت تأسیس نظام اروپایی آغاز گردید ـ آن‌گاه که

هنوز خبری از فلسفهٔ ترقی اجتماعی نبود.»

این فرایند تجدد خواهی که از اواخر قرن هیجدهم با دعوت سلطان عثمانی از معلمین نظامی اروپایی جهت آموزش و افزایش توان نظامی و رزمی لشکریان خویش آغاز شد در اعصار بعد نیز همچنان پویایی خود را حفظ کرد؛ تا جایی که «در دورهٔ تنظیمات و پس از آن نقشهٔ تقویت نظامی تحرك تازه‌ای یافت، مدارس حربیهٔ جدید بنا گردیدند، ناسیونالیسم ترکی و تفکر دولت ملی در آن مدرسه‌های نظامی نمو پیدا کرد و دولت سازان جدید ترکیه درس خواندگان همان کانون نظامی بودند».

در جهان عرب، نخستین واکنشی که تحت تأثیر فرایند یاد شده به‌وقوع پیوست شورش نظامیان مصری علیه سلطهٔ ترکان عثمانی در سال ۱۸۸۲ بود، هرچند که نتیجهٔ آن اقتدار بریتانیا برمصر به‌مدت پنج دهه بود. در سرزمینهای عربی، همانند بسیاری از مناطق استعمارزدهٔ دیگر، نظامیان در طرد سلطهٔ قدرت حاکم و کسب استقلال نقش‌مهمی به‌عهده داشته‌اند. در این ممالك ارتشیان در نقش یك نیروی انقلابی سبب تلاشی نظامهای سنتی و وابسته شده و رهبری جامعهٔ خویش را در برآوردن آمال و آرزوهای قومی ـ ملی به‌دست گرفته‌اند.

مسئولیت اصلی ارتش از دیرباز دفاع از قلمرو کشور بوده است، ولی موظف کردن سران ارتشی به‌انجام این وظیفهٔ مهم در سرزمینهای خاورمیانه به‌علت انحطاط نظامهای حاکم، تضادهای قومی ـ ملی و ترس از دشمنان واقعی و خیالی و گاه خود ساختهٔ درون مرزی با مشکلاتی روبرو می‌شود، درنتیجه گزیدگان نظامی ـ انقلابی خاورمیانه حفظ ثبات و نظم، حراست از افتخارات و پاسداری از استقلال ملی را از جمله وظایف خویش قلمداد کرده و مدعی می‌شوند که دستیابی به‌این آرمانها تنها از طریق طرد حکام سنتی وابسته و تفویض قدرت به‌افسران پیشرو و یا حداقل با مشارکت مؤثر آنان در دستگاه حکومت ممکن است. این دسته از نخبگان

نظامی و نفرات جوان و پرشور زیردست آنان حداقل در مراحل نخستین دربرآوردن آمال تجددخواهی قابلیت بسیار از خود نشان دادندکه نمونهٔ شایان بیان آن انقلاب ۱۹۰۸ـ۱۹۰۹ جوانان ترك و به‌قدرت رسیدن کمال آتاتورك در اوایل دههٔ دوم قرن بیستم است. گاه هدف اصلی نظامیان این است‌که تشکیلات قدیمی و دولتمردان سنتی را از قدرت ساقط کنند و با جایگزین‌کردن نهادهای جدید و انتصاب یا حمایت از افراد مترقی برمیزان کارایی حکومت کشور خویش بیافزایند.

بنابراین عملکرد ارتش و افسران اصلاحگر آن می‌تواند بین اقدام مستقیم به‌صورت شورش و کـودتا تا نشستن در پشت صحنه سیاسی درنوسان باشد. البته تحقق‌هرمرحله ازاین طیف بستگی‌به‌میزان آگاهی مردم و حد مشروع مشارکت آنان در امور جـاری کشور دارد. در یك تحلیل مجرد می‌توان مدعی شد که میزان مداخله و درنهایت توفیق افسران تجدد خواه متأثر از واکنش کارگران‌شهری و طبقهٔ دهقان، یعنی خاستگاه اصـلی آنان، است، چراکه «نظامیان به‌آسانی قادرند با صاحبان مشاغل عالیه در بین افراد طبقهٔ متوسط دست دوستی بدهند و حتی بخش اعظم روشنفکران را با خود همراه کنند، حال آن‌که برقراری چنین ارتباطی با دهقانان و کارگران شهری مشکل و گاه ناممکن است».

دراین میان موقعیت دولت قدیمی و همیشه مستقل ایران بـا دیگران متفاوت بود. به‌رغم این واقعیت‌که «ایران نه‌دشواری عظیم فئودالیسم ژاپن را داشت و نه با بلای اقوام نامتشکل و تجزیه‌طلب عثمانی مواجه بود» در هر خیزش و کوشش تجدد خواهی، به‌دلیل استحکام انگاره‌های سنتی، تغییر بنیادی ساخت اجتماعی و سیاسی آن ناممکن گردید و گاه ناتمام به‌دست فراموشی سپرده شد. در دونمودار تشریحی و تحلیلی زیر ساخت اجتماعی ـ اقتصادی ایران در این دوران نشان داده شده است.

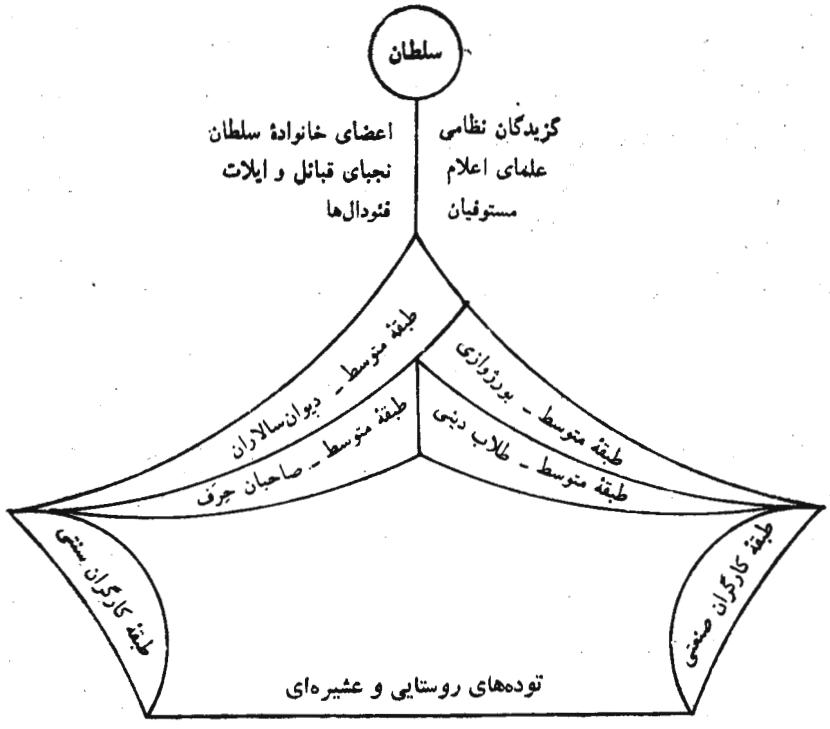

نمودار ۱

باید اذعان کرد که «بنیان‌گذار نظام جدید ایران عباس‌میرزا ولیعهد و میرزا بزرگ قائم مقام بودند و انگیزهٔ آنان آماده ساختن ایران بود در دفاع و مقابلهٔ تجاوزهای نظامی روسیه که از آغاز سدهٔ گذشته دامنهٔ آن همچنان گسترش یافت. کشورهایی که در این کار به‌یاری ایران آمدند فرانسه و انگلستان بودند... هستهٔ مرکزی نظام جدید ایران به‌دست صاحب منصبان کاردان فرانسوی به‌وجود آمد». پیگیری روند نوسازی و تقویت ارتش ایران تحت تأثیر سیاستهای بین‌المللی که خود ناشی از موقعیت حساس جغرافیایی ایران بود، با موانع و مشکلات بیشماری روبرو گردید و همیشه «موضوع استخدام خبرگان نظامی مسئله‌ای سیاسی بود». آمد و شد مکرر معلمان و مشاقان نظامی ممالك فرانسه، انگلیس، روس، اتـریش، لهستان،

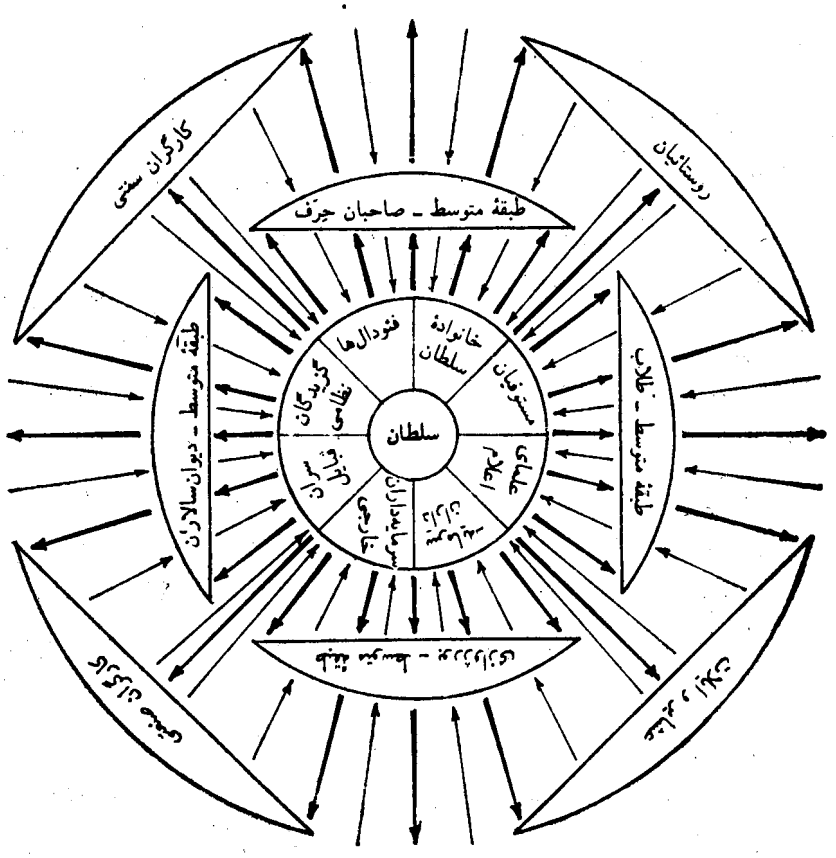

نمودار ۲

آلمان، ایالات متحده و سوئد نشانهٔ تضاد و یا همبستگی منافع آنان در قالب نظام بین‌المللی وقت و روشنگر نوع رابطهٔ این کشورها با ایران بود. کار «قشون» و «آرمهٔ منظم» ایران که زمانی میرزا تقی‌خان امیرکبیر در اندیشه تقویت و گسترش آن بود و «نقشهٔ او از نظر کیفیت و کمیت همه‌جانبه بود [و] حتی تأسیس نیروی دریایی را دربرنامهٔ عمومی خود گنجانید» به‌آنجا انجامید که در اوایل قرن بیستم «هفت فوج سرباز و سه فوج توپخانه که بخش عمدهٔ ارتش کشور را تشکیل می‌دادند وجهی‌برای پرداخت حقوق وجیرهٔ نظامیان نداشتند و افسران و افراد چند ماه در انتظار حقوق وجیره

بسر می‌بردند».

دولتهای اروپایی نیز بفراخور منافعی که در ایـران داشتند هریك اقدام به‌تأسیس نیروی نظامی خاص خود می‌کردند و ازطریق این تشکیلات به‌اعمال نفوذ در امور داخلی کشور می‌پرداختند. اهم این واحدهای نظامی عبارت بودند از: سوارهٔ قزاق به‌ریاست کلنل دومانتویچ[1] که در ماه محرم ۱۲۹۶ تشکیل شد. سوارهٔ قزاق درسالهای بعد تا حد بریگاد قزاق و سپس دیویزیون قزاق توسعه یافت و هستهٔ مرکزی «قشون متحدالشکل ایران» گردید. ژانـدارمری خـزانه به‌ریاست ماژوراستوکس[2] که در سال ۱۹۱۱ به‌کوشش مورگـان شوستر[3] و به‌منظور جمع‌آوری مالیات از اقصی نقاط کشور بئیان گرفت. تشکیلات ژاندارمری (قراسوران) به‌ریاست یالمارسن[4] که از ماه اوت ۱۹۱۱ شروع به‌کار کرد و بالاخره سازمـان تفنگداران جنوب ایران یا پلیس جنوب به‌سرپرستی سرپرسی سایکس[5] که در سال ۱۹۱۶ تأسیس شد.

دراین‌میان تشکیلات ژاندارمری که به‌طرفداری از دولت آلمان شهرت داشت برخلاف نیروی پلیس جنوب و دیویزیون‌قزاق، درمیان مردم و نخبگان شهری از اعتبار ومحبوبیت ویژه‌ای‌برخوردار بود. در واقع این طرز فکر و تلقی منحصر به‌مردم ایران نبود، بلکه «باید دانسته شود که‌پس‌از جنگ فرانسه و آلمان [۱۸۷۰ـ۷۱] گرایش تازه‌ای در مغرب به‌قدرت نظامی پیدا شد که در مشرق هم تأثیر کرد. پیش‌ازآن درنظر مشرقیان چشم و چراغ مدنیت کشور فرانسه بود. چون آن دولت در برابر لشکر آلمان به‌زانو درآمد، ذهن ممالك مشرق یك‌باره معطوف به‌آلمان عصر بیسمارك گردید».

1- Colonel Dumantovitch
2- Major Stokes
3- W. Morgan Shuster
4- Hi. Hjalmarson
5- Sir Percy Sykes

اقبال ژاندارمری در میان مردم ایران چند دلیل عمده داشت. نخست آن‌که افسران و معلمان سوئدی ژاندارمری مأموران دولتی بودند که برخلاف روس و انگلیس چشم طمع به‌ایران ندوخته بود و «پاره‌ای اظهارات آلمان دوستی‌که از زبان بعضی سوئدیها بیرون جسته بود» خود برمحبوبیت آنان می‌افزود؛ وبه‌اعتراف سروالترتانلی[6] «سوئدیها شاید ازآنجائی‌که آلمان دوست هستند طرف میل ملت ایران شده‌اند». دوم آن‌که معلمین سوئدی در گزینش متعلمین‌ایرانی خود دقت فراوان به‌خرج می‌دادند. استخدام افرادی که قادر به‌خواندن و نوشتن بودند و همچنین کوشش شبانه‌روزی آنان در تربیت و آموزش عمومی صاحب منصبان و تابین‌ها باعث شد که پس‌از مدتی افراد کادر ژاندارمری به‌داشتن سواد، پاکدامنی، شجاعت، وطن پرستی، انضباط و... معروف شوند و با ظهور افسرانی چون ماژور علی‌نقی پسیان، کلنل محمدتقی‌خان، ماژور لاهوتی، کلنل فضل‌الله‌خان آق‌اولی و دیگران از میان کادر ژاندارمری محبوبیت آنان درمیان مردم به‌اوج خود برسد. سوم آن‌که برخلاف نیروی قزاق‌که نفرات آن همیشه متهم به‌قتل و غارت، تجاوز، بدمستی و عربده‌جویی و... می‌شدند افراد ژاندارمری مظهر برقراری نظم و حامی ستم‌دیدگان بودند. از این روی مردم در نمایش‌های عمومی علناً عدم علاقه و گاه نفرت خویش را نسبت به‌قزاقها و همچنین حمایت خود را نسبت به‌ژاندامها ابراز می‌داشتند. به‌عنوان مثال «دریك سانی که در مقابل [احمد] شاه جوان داده شد تمام طبقات مختلفهٔ ملت ایران قراسوران را با شعف زیادی تحسین کردند، درصورتی‌که روز پیش در موقع سان بریگاد قزاق همه سکوت اختیار کرده بودند». در واقع می‌توان گفت «ایران بیچاره که همواره از طرف دو دولت بزرگ اروپایی [یعنی روس و انگلیس] زحمت دیده و زجر می‌کشید امید خود را به‌این قشون تازه... بسته بود». چهارم

6- Sir Walter Townley

آن‌که قانون تشکیلات ژاندارمری خزانه، یعنی هستهٔ اولیهٔ سازمان ژاندارمری، ضمن‌مادهٔ چهارم‌قانون‌مربوط به‌اختیارات شوستر به‌عنوان خزانه‌دارکل در تاریخ سیزدهم ژوئن ۱۹۱۱ (۱۵ جمادی‌الآخر ۱۳۲۹) از تصویب مجلس شورای ملی گذشته بود، بنابراین در افکار عمومی مردم ایران تشکیلات ژاندارمری کاملا از مشروعیت قانونی برخوردار بود. گذشته از این موضوع استخدام افسران سوئدی نیز پس‌از مذاکره و توافق دولت ایران با سوئد در سی‌و یکم سپتامبر ۱۹۱۱ (۲۶ رمضان ۱۳۲۹) به‌تصویب مجلس رسید و پس‌از برکناری شوستر از سمت خزانه‌دارکل (۷ ژانویه ۱۹۱۲) ادارهٔ امور تشکیلات ژاندارمری‌خزانه‌به‌دست افسران سوئدی سپرده‌شد (۹ژانویه۱۹۱۲). پنجم‌آن‌که به‌رغم موافقت اولیهٔ انگلیسیها با تأسیس ژاندارمری و همکاری مأموران انگلیسی با افسران سوئدی دیری نپائید که روابط طرفین به‌ویژه به‌علت نفوذ روزافزون عناصر آلمانی در ژاندارمری از مرز اختلافات نظری برسر مسایل جاری فراتر رفت و به‌درگیری و نزاع انجامید. دعوای افراد ژاندارمری با نیروی قزاق در قزوین، شورش ژاندارمهای فارس به‌رهبری ماژور علی‌نقی‌خان پسیان (پسر ژنرال حمزه‌خان)، دستگیری سرگرد ویلیام فردریك اوکانر[7] سرپرست کنسولگری انگلیس در شیراز و اشغال کنسولگری وحمایت ژاندارمری از دمکراتها و مهاجران به‌هنگام تجاوز ارتش روسیه به‌ایران از جملهٔ موارد مشهوری است‌که می‌توان به‌آن اشاره کرد. وقوع این اتفاقات خشنودی مردم را به‌همراه داشت و آنان را به‌تحقق این آرزوی دیرین امیدوار می‌کردکه بالاخره روزی بتوانند به‌یاری یك قدرت سوم سلطهٔ «دو همسایهٔ تجاوزکار» را براندازند و به‌کمك افسران مترقی و میهن‌پرست بنیان حکومت ملی خویش را پی‌افکنند.

ضدیت روس و انگلیس با ژاندارمری و افسران آن در پایان به‌خروج یالمارسن از ایران (مارس ۱۹۱۵) و سپردن مهام امور

7- William Frederick O'Connor

تشکیلات ژاندارمری نخست به‌دست سرگرد ادوال[8] و سپس سروان نیستروم[9] انجامید. دو سال بعد یعنی زمانی که انگلیسیها پی‌به‌خطر گسترش اندیشهٔ مارکسیسم در بین نفرات قزاق مستقر در ایران بردند مجدداً به‌فکر تقویت ژاندارمری افتادند (۱۹۱۷) و بار دیگر به‌طرح موضوع استخدام افسران سوئدی پرداختند، لیکن دولت انقلابی روسیه این‌بار برخلاف دفعهٔ پیشین با تحقق آن به‌مخالفت برخاست و درعوض به‌حمایت از بریگاد قزاق پرداخت و این‌که «دوایر پلیتیکی و مدیرهٔ ایران هیئت اعزامیه را مأمور کرده‌اند که انحلال کامل بریگاد قزاق را مطالبه نموده و قشون جدیدی در تحت فرماندهی صاحب منصبان سوئدی که دولت آنان در ایران منافع پلیتیکی و اقتصادی ندارند تشکیل دهند که این قشون فقط سمت پلیسی را داشته و تکلیفش استقرار امنیت باشد. درحقیقت این تمایل به‌آلمان است، زیراکه تمام ما از خدمات صاحب‌منصبان سوئدی ژاندارمری ایران در موضوع تهیهٔ یك فرونت جنگ جدیدی از برای ما خبرداریم و از این تمایل هم نمی‌توانیم، به‌واسطهٔ جریان جدیدهٔ پلیتیك خارجی ما و مخصوصاً نامعین بودن دولت رولسیونی‌ما، جلوگیری کنیم، ولی ما می‌توانیم و مجبور هستیم که نتایج مهلك و خطرناك این مسئله را رفع یا اقلا تخفیف کنیم و تنها وسیله برای این‌کار بریگاد قزاق ایران است‌که باید حافظ منافع مهم ما درایران باشد.»

مخالفت دولت شوروی با بازسازی تشکیلات ژاندارمری و اتکای آن دولت به‌نیروی قزاق به‌منظور حفظ منافع خویش درایران با وقوع «کودتا در شانزدهم فوریه ۱۹۱۸ در قزاقخانه» و انتقال زمام امور دیویزیون قزاق به‌دست انگلیسیها نقش برآب شد. دولت انگلیس پس‌از خروج رقیب قدرتمندش از صحنهٔ سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و به‌ویژه متعاقب مخالفت عامهٔ مردم با قرارداد مالی ـ

8- Major G. Edvall
9- Capitaine P. Nystrom

نظامی ۱۹۱۹ همهٔ امکانات مادی و معنوی خود را در جهت تأسیس «قشون‌متحدالشکل» به‌کار انداخت. اعلام‌ادغام واحدهای‌ژاندارمری که تا این زمـان وابسته به‌وزارت کشور بـود، در وزارت جنگ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۰) نخستین‌گام در تحقق این برنامه محسوب می‌شد. رضاخان سردار سپه در روز چهاردهم آذرماه ۱۳۰۰ خطاب به «آقایان صاحب‌منصبان ادارهٔ ژاندارمری» متذکر شد که «مطالعات چند ماههٔ من در کار ادارهٔ ژاندارم و طرز جریان فعلی امور آن‌اداره مرا مجبور ساخت که امروز شما را احضار کرده... چون اکثریت شماها از صاحب منصبان تحصیل‌کردهٔ لایق آزموده و هر یك به‌نوبهٔ خود فهمیده‌اید... تصریح می‌نمایم که خدمات ژنرال یالمارسن‌تشکیل دهندهٔ ژاندارمری... و همین‌طور زحمات کلنل گلروپ کفیل‌ریاست تشکیلات حالیه کاملا درنظر من و پیشگاه مملکت منظور و سعی آنها مشکور است... نظربه‌این‌که ژاندارم کنونی مدتی است از صورت قراسورانی خارج و به‌یك قسمت نظامی تبدیل شده و مستشاران خارجی برخلاف دوره‌های سابق نباید مداخلهٔ مستقیم در امورات قشونی داشته باشند... از امروز من ادارهٔ ژاندارمری را در تحت‌نظر و ریاست مستقیم خـود گـرفته و رسماً مراتب را به‌عموم اعـلام [می‌دارم].

سردار سپه در پانزدهم آذر ماه ۱۳۰۰ کلنل گلروپ سرپرست ژاندارمری را ازکار برکنار و کلنل عزیزاللهخان ضرغامی را بـه کفالت ژاندارمری منصوب کرد. امور مربوط به‌انتقال‌نفرات وافسران ژاندارم به‌وزارت جنگ تا هفدهم دی ماه ۱۳۰۰ انجام گرفت وپس‌از سرکوب شدن شورش ژاندارمهای خراسان به‌رهبری کلنل محمدتقی خان پسیان و قیام ماژور ابوالقاسم‌خـان لاهـوتی در آذربایجان به‌حیات نخستین دورهٔ تشکیلات ژاندارمری ایران خاتمه داده شد.

***

سرهنگ دوم فرانسیس بیول پرایدوکس[10] فرزندسرهنگ ویلیام فرانسیس پرایدوکس (۱۸۴۵ـ۱۹۱۴) است که از مارس ۱۸۷۶ تـا اوت ۱۸۷۷ سمت نمایندهٔ سیاسی ارشد دولت انگلیس در خلیج فارس را به‌عهده داشت. فرانسیس بیول پرایدوکس در بیست‌و ششم نوامبر ۱۸۷۱ دیده به‌جهان گشود و در ششم سپتامبر ۱۹۳۸ دارفانی‌را بدرود گفت. وی نخست درسال ۱۸۹۶ به عنوان دستیار اول نمایندهٔسیاسی مقیم، در بوشهر مشغول خدمت گردید و سپس در بیست و ششم نوامبر ۱۹۱۲ به‌سمت کنسول انگلیس در سیستان منصوب شد. پرایدوکس در پنجم اوت ۱۹۲۵ به‌مقام سرکنسول انگلیس در مشهد ارتقا یافت و تا نوزدهم مارس ۱۹۲۴ حافظ منافع کشورش در سرزمینهای شرقی ایران بود. وی سپس به‌جنوب ایران اعزام شد و تا سی‌و یکم دسامبر ۱۹۲۶ به‌عنوان سرکنسول انگلیس در بوشهر انجام وظیفه می‌کرد.

سرهنگ پرایدوکس و سایر مأموران و نمایندگان انگلیس در طول مأموریت خود در ایران موظف بودند که ضمن جمع‌آوری و ثبت حوادث و اخبار محل مأموریت خویش، وقایـع مهم به‌انضمام اسناد و اوراق رسمی و مطالب جراید را به‌صورت گزارشهای هفتگی برای مسئولان حکومت انگلیس در هند و سفارت انگلیس در تهران ارسال دارند. درمیان انبوه اسناد گردآوری شده، گزارشهای رسمی مربوط به‌وقایع خراسان در دوران کلنل محمدتقی‌خان، گیلان در زمان میرزا کوچك‌خان و خوزستان در دوران حکومت شیخ خزعل از اهمیت تاریخی ویژه‌ای برخوردارند که اینك بخش مربوط‌به کلنل محمد تقی‌خان تقدیم پژوهشگران می‌شود.

با استناد به‌متن اصلی گزارشهای‌سرهنگ‌پرایدوکس گفتنی‌است که به‌علت اقامت درازمدت وی در ایران و آشنایی به‌زبان فارسی در ضبط اسامی اشخاص، شهرها، نواحی و روستاهـا و همچنین ضبط

10- Francis Beville Prideaux
11- William Francis Prideaux

عناوین و القاب مرسوم آن زمان مهارت بسیار از خود نشان داده است. ترجمهٔ اعلامیه‌ها و فرامین حکومتی که به‌دستور پرایدوکس جهت ارسال به‌مراکز مربوطه از فارسی به‌انگلیسی برگردانیده شده اکثراً آنچنان درست و روان است که خواننده را به‌تحسین وامی‌دارد.

درمورد پیوستها بجای ترجمهٔ متن انگلیسی به‌فارسی، با کوشش و زحمت فراوان به‌متن اصلی بسیاری از آنها دست یـافتم و عیناً به‌چاپ رسانیدیم. انجام این‌کار بدون کمك دوست عزیز آقای دکتر خرمی که گاه یاریش به‌مرز ایثار می‌رسد ممکن نبود. از ایشان‌صمیمانه سپاسگزارم.

غلامحسین میرزا صالح

منابع و مآخذ مقدمه

«امیرکبیر و ایران» دکتر فریدون آدمیت، تهران، خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۴۸

«اندیشه ترقی» دکتر فریدون آدمیت، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱

«دیپلماتها و کنسولهای ایـران و انگلیس»، لویی رابینو، تـرجمه و تالیف غلامحسین میرزاصالح، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳

«رضاشاه‌کبیر» مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، تهران،۱۳۵۶

«روزنامهٔ ایران» سال دوم، شماره ۱۴۴ و ۱۴۵

«کشف تلبیس» انتشارات روزنامهٔ کاوه، برلن، ۱۳۳۶ هـ. ق

Bill, James, Politics in Middle East, Boston, 1979

Bill, James, The politics of Iran, Ohio, 1972

Black, C. E., The Dynamics of Modernization, London, 1967

Curzon, George N., Persia and The Persian Question, London, 1892

Dodd C. H., Political Development, London, 1974

Johnson, John, The Role of Military in Underdeveloped Countries, New York, 1967

Keddie, Nikki, Roots of Revolution, London, 1981

Lenski, Gerhard, Power and Privilege, New York, 1966

وقایع ماه ژانویه سال ۱۹۲۱

* واحدهای نظامی بریتانیا مستقر در ایالت خراسان، که در مجموع بخشی از ارتش هندوستان است بزودی منحل می‌شود. به‌دنبال انفصال خدمت دویست نفر از افراد بربری[۱] در پنجم دسامبر ۱۹۲۰، درسال جدید نیز هفتاد و پنج نفر از افـراد تیموری[۲] مستقر در تربت و صدوشصت و دو نفر از بربریهای مشهد ازخدمت مرخص شدند. پیش‌بینی می‌شودکه تا پانزدهم ژانویه برنامهٔ انحلال واحدها به‌پایان برسد.

* میزان مالیات جمع‌آوری شده بالغ بر ۲۱۶۰۰۰ تومان است. والی[۳] به‌منظور رسیدگی به‌حسابها و تنظیم صورت بدهیها از هیئتی دعوت به‌عمل آورده است. گفته می‌شود که رئیس‌التجار[۴] بیش از دیگران از دادن مالیات طفره رفته‌است.

* دستجات نظامی به‌علت عدم دریافت سه‌ماه مواجب عقب‌افتاده از خودناآرامی نشان می‌دهد. کلنل[۵]محمدتقی‌خان به‌منظور پایان بخشیدن به‌اوضاع نابسامان آنان به دیدار والی شتافت و تهدید کرد که اگر فوراً وجهی پرداخت نشود استعفا خواهد داد. والی بلافاصله حواله‌ای به‌مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان برای پیشکار مالیه فرستاد، ولی وی تنها ۵۰۰ تومان پول در اختیار داشت. پیشکار مالیه امیدواراست‌که طی چند روز آینده کمبود حوالهٔ صادره از طرف والی را تأمین نماید.

۱ــ طایفه‌ای از هزاره‌های افغانستان که در سالهای پس‌از ۱۸۹۱ به‌ایران آمدند و درخراسان و بلوچستان ساکن شدند. آنان چون از بند بربر واقع در هزاره‌جات افغانستان آمده بودند در ایران به بربری شهرت یافتند.

۲ــ منسوب به‌تیمور بزرگ. می‌گویند تیمور در حالت غضب آنها را از اطراف مکه به‌جنوب خراسان تبعید کرد. تیموریها به‌هشت طایفهٔ عمده تقسیم می‌شوند.

۳ــ مقصود قوام‌السلطنه، والی ایالت خراسان از ۱۲۹۷ تا ۱۲۹۹ شمسی، است.

۴ــ رضا مهدوی.

۵ــ Colonel سرهنگ.

* به‌شعبهٔ محلی بانك شاهنشاهی ایران[۶] دستور داده شدکه کار خودرا تعطیل‌کند. این دستور احتمالا تا بیستم ژانویه به‌مورد اجراگذارده می‌شود.

* درهای بانك شاهنشاهی ایران دیروز (بیست و یکم ژانویه) بسته شد. تجار قصد داشتند تلگراف اعتراض‌آمیزی به‌تهران مخابره کنند، ولی تجار عمده ازجمله حاجی عبدالحسین تهرانی، مجلل‌التولیه، حاج میرزا یحیی ناظر ومیرزامصطفی سرابی باانجام این‌کار مخالفت ورزیدند. آنها سپس دربارهٔ تأسیس یك بانك ملی باسرمایهٔ ۵۰۰۰۰۰ تومان به‌گفتگو نشستند.

* عبدالقادر سبزواری و شاهـزاده حسنعلی میرزا کمیته‌ای به‌نـام «حـامیان مستضعفین» تشکیل داده‌اند.

* چندتن از مجتهدین از جمله آقازاده[۷] و حـاجـی میرزا حسین قمی علیه مشروبخواری در اماکن و بناهای متعلق به‌آستان قدس فتوی صادرکردند.

* یك سوم مواجب عده‌ای از کارکنان آستانه مانند قاریان قرآن، خـدام و فراشان به‌منظور پرداخت دیون آستان قدس قطع‌گردید. بنا به‌گفتهٔ مقامات رسمی این کاهش مواجب بزودی شامل همهٔ کارکنان ــ از بالاترین تا پـائین‌ترین مرتبه ــ خواهد شد.

* از چهارده نمایندهٔ ایالت خراسان در مجلس تاکنون نه‌نفر به‌پایتخت‌رفته‌اند. می‌گویند یکی از نمایندگان یعنی معتمدالسلطنه در لندن بسرمی‌برد. معتصم‌السلطنه، مؤتمن‌السلطنه و عمادالسلطنه روز چهارشنبه عازم تهران می‌شوند، ولی رئیس‌التجـار ومقبل‌السلطنه اشتیاقی به‌رفتن از خودنشان نمی‌دهند.

* روزنامهٔ تازه بهار اعلام‌کرد سردبیر روزنامهٔ بهار یعنی آقاشیخ احمدکه سال قبل پس از توقیف «بهار» ایران را ترك گفته بود با تلگراف به‌خوی خبر داده است بزودی از روسیه به‌ایران بازخواهدگشت. سردبیر «تازه‌بهار»که درگذشته دستیار سردبیر «بهار» بوده همیشه از سیاست ضدخارجی پیروی می‌کند ومطالب مربوط به‌این سیاست را درصفحهٔ اول به‌چاپ می‌رساند.

* عبدالقادر سبزواری دستگیر و درنظمیه زندانی شد.

وقایع هفتهٔ پیش از دوازدهم فوریه

* یك واحد از نیروهای انگلیسی شامل افسران وبخشی از دستهٔ چهل‌ودوم سواره‌نظام به‌همراه تجهیزات در هشتم فوریه ازقوچان وارد مشهد شدند و چندروز بعد به‌هندوستان بازگشتند.

* عده‌ای از تجار قوچان پس از خروج واحدنظامی ما این‌شهررا ترك گفته وبه‌مشهد آمده‌اند. آنها می‌گویند که سایرین نیز درراه هستند.

۶ــ Imperial Bank of Persia . این بانك بـراساس امتیاز پاول یولبوس رویتر (۱۸۸۹) در ایران تاسیس شد.

۷ــ میرزا محمد نجفی = حاج میرزا محمد کفائی معروف به‌آقازاده و آیت‌اللهزاده.

* والی نامهٔ بی‌نام ونشانی دریافت‌کرده‌که با توجه به‌متن آن می‌بایست ازطرف «دوستداران آزادی» ارسال شده باشد. دراین‌نامه به‌والی توصیه شده‌که «بهتر است رئیس پلیس وسایر مقامات دراعمال ورفتار خود تجدیدنظر نمایند». اخیراً چندین انجمن تشکیل شده است‌که ظاهراً از بلشویکها طرفداری می‌کنند. یکی ازآنها انجمن «حافظ قانون» نام دارد و به‌تازگی به‌خانهٔ بزرگی واقع دربالاخیابان نقل‌مکان یافته‌است.

* افراد واحد پیاده و توپخانه به‌علت عدم پرداخت مـواجب عقب افتاده ابراز نارضایی می‌کنند. آنها می‌گویندکه حقوقشان به‌صندوق واریـز شده است، ولـی فرماندهان از پرداخت آن سربازمی‌زنند.

وقایع هفتهٔ پیش از نوزدهم فوریه

* گزارش شدکه در زدو خورد بین افراد ژاندارمری و ترکمن‌های ناحیهٔ گنبد قابوس طرفین متحمل تلفات جانی بسیار شده‌اند. یکی از علل شروع درگیری باج خواهی ژاندارمها از اهالی محل بوده‌است.

* بنیان‌گذار انجمن «حافظ قانون» یعنی عبدالقادر سبزواری‌که درگذشته‌یکی ازکارکنان آشوبگر عدلیه بوده همراه باتنی‌چند از طرفدارانش توسط پلیس دستگیرشد. وی به‌احتمال زیاد باید نویسندهٔ نامهٔ یادشده به‌والی باشد.

* اظهارنارضایی از سوی افراد نظامی به‌علت عدم دریافت مواجب عقب‌افتاده همچنان ادامه دارد.

وقایع هفتهٔ پیش از بیست و ششم فوریه

* اخبار ضدو نقیضی از اوضاع ناآرام تهران می‌رسد. نیروهای ژاندارمری از تربت و شیروان به‌مشهد فراخوانده شده‌اند. به‌واحدهای ژاندارمری و پلیس دستور آماده‌باش کامل داده شده است.

وقایع هفتهٔ پیش از پنجم مارس

* گزارش رسیده از بندرگز گویای آن‌است‌که در زدو خورد یاد شده (موضوع گزارش مورخ هفدهم فوریه) درحوالی گنبد قابوس یك افسر و هشت ژاندارم کشته شده و ده‌نفر زخم برداشته‌اند، تعداد تلفات ترکمن‌ها نیز شصت نفربوده است. ترکمن‌ها گفته‌اند بلشویکها ازآنها حمایت خواهندکرد. بجنورد هم ناآرام است.

* اخبار اغراق‌آمیزی از کشت‌وکشتار و ادامه خونریزی درتهران می‌رسد و مردم اینجا بشدت نگران جان بستگان خود درتهران هستند. بسیاری از تجار سرشناس اقدام به‌بستن حسابهای خودکرده‌اند.

* قرار است یك واحد نظامی شامل ۴۵۰ ژاندارم و ۱۷۰ پلیس درمشهدمستقر شوند و حدود ۹۰۰ نفر از افراد طوایف مختلف نیز راهی مشهد شده‌اند.

* روزنامهٔ تازه‌بهار در شمارهٔ مورخ بیست‌وهشتم فوریه خـود از متن بیانیهٔ[۸] ارسالی از طرف سیدضیاء برای والی که در بیست و هفتم فوریه دریافت شد ستایش کرده است. نکات مهم این بیانیه که خطاب به‌ملت ایران صادر شده به‌شرح‌زیراست:

«چند صد نفر اشراف و اعیان... مانند زالو خون مردم وملت رامکیده، ضجهٔ وی‌را بلند می‌ساختند و حیات سیاسی و اجتماعی مارا به‌درجه‌ای فاسد و تباه‌نمودند که حتی وطن‌پرست‌ترین عناصر... امید خودرا ازدست داده‌اند... اکنون قضا وقدر مراتعیین‌کرده است‌که مقدرات وسرنوشت ملت خودرا... دردست‌گرفته وی را از آن پرتگاهی‌که حکومتهای بی‌اراده و نالایق پرتاب‌کرده بودند نجات بخشم... لازم است عمارت متزلزل و لرزانی‌که مفتخواران درآن آشیانه نهاده‌اند سرنگون‌گردد... لازم است یك سیاست شرافتمندانه بر مناسبات ما با ممالك خارجه حکومت داشته باشد... مناسبات ما با هریك از دول خارجه نباید مانع از حسن مناسبات و دوستی با سایرین‌گردد. به‌نام همین دوستی کاپیتولاسیون را که مخالف استقلال یك ملت است الغاء خواهم نمود... [و] الغاء قرارداد ایران و انگلیس مورخ اوت ۱۹۱۹ را اعلام می‌دارم».

وقایع هفتهٔ پیش از دوازدهم مارس

* گزارش تازه‌ای از درگیریهای گنبد قابوس دریافت نشد. اوضاع مشهد تـا اندازه‌ای نامتعادل است، از افراد بالغ دعوت شده‌که برای دفاع از شهر به‌مراکز ثبت نام مراجعه کنند. عدهٔ کمی ثبت نام‌کرده‌اند. بعضی ازطوایف از جمله ترکمن‌ها بیش ازپیش خودرا مسلح می‌کنند. قیمت تفنگ از هفت تومان به‌بیست‌وپنج تومان افزایش یافته‌است.

* شجاع‌الملك سلامت خود را باز یافته است.

* روزنامهٔ آگاهی اعلام کردکه آقای دبوا[۹] رسماً به‌سمت پیشکـار مـالیه و گمرك خراسان منصوب شده است.

* مدیرالسلطان کارگزار[۱۰] سابق سیستان در روز نهم مارس وارد مشهد شد. نوکر کارگزار ۳۰۰۰ تومان پول نقد و اسناد وکاغذهای وی را ربوده و متواری شده‌است.

* والی اعلام‌کردکه نخست‌وزیر از وی خواسته است مبلغ معتنابهی پـول جمع‌آوری و به‌عنوان کمك به‌دولت شاهنشاهی به‌مرکز حواله نماید. والی تخمین می‌زند که احتمالا ۳۰۰۰۰۰ تومان فراهم خواهد شد. من فکر می‌کنم‌که او باپرداخت

۸ــ مقصود بیانیه‌ایست که ضیاءالدین طباطبائی در هشتم اسفند ۱۲۹۹ چهار روز پس‌از صدور فرمان نخست وزیری خود صادر کرد و مفاد آن بوسیلهٔ تلگراف به‌تمام شهرستانها مخابره شد.

9- Monsieur Gustave Leon Debois

۱۰ــ از پست‌های سازمانی مهم وزارت خارجه در دوران یکصد سالهٔ کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی). مامور وزارت خارجه در شهرهایی که قنسولهای خارجه اقامت داشتند و او مامور رسیدگی به‌امر یکی از طرفین دعوی ــ درصورت تابعیت ایران ــ و مذاکره با قنسولها بود (فرهنگ معین).

۵۰۰۰ تومان نام خود را در بالای فهرست اعانه‌دهندگان ثبت‌خواهدکرد. قائم‌مقام تولیه و رئیس‌التجار هریك متعهد به‌پرداخت ۱۵۰۰ تومان شدند. حاج حسین‌آقا نیز ۱۰۰۰ تومان وجه نقد و یکصدخروار گندم دراختیار والی‌گذاشت. والی همچنین ازخان‌صاحب حاجی محمد افشار تاجر معروف‌که تحت‌الحمایهٔ انگلیس است خواست تا۳۰۰ تومان کمك‌کند. خان صاحب دراین مورد از من نظرخواهی کرد و من‌گفتم منافعش درایران ایجاب می‌کندکه این پول‌را بپردازد.

* عبدالقادر سبزواری از نظمیه آزاد شد، ولی پلیس او را زیر نظر دارد.

* پول رایج ایران همچنان به‌صورت قاچاق از خراسان خارج و بخصوص به هرات برده می‌شود. اعضای یك باندکه اخیراً با پنهان‌کردن مبلغ ۸۰۰۰ تومان لای هشت زین اسب قصد قاچاق‌کردن پولهارا داشتند بوسیله مأمور گمرك تربت دستگیر شدندو پولها ضبط‌گردید.

وقایع هفتهٔ پیش از نوزدهم مارس

* گزارش می‌شود آن دسته از بلشویکها که به‌کمك ترکمن‌ها آمده بودند بـه دنبال موافقت روسها با خودداری ازکمك رساندن به‌گروههای ایرانی ضد حکومت مرکزی به‌روسیه بازگشته‌اند.

* به‌دستور والی هیئتی متشکل از آقای دنبوا، معاضدالممالك و سالار حشمت دردهم مارس مأمور ضبط اموال بانك روس شدند. دفتر بانك ویك‌خانهٔ مسکونی واقع درخارج شهر بدون حادثه توقیف گردید. شنیدم بجز پولهای بولاتف[11] فقط ۱۵۰۰ تومان درگاوصندوق بانك موجود بوده که چون راستونویچ[12] ادعا می‌کند جزودارایی شخصی وی می‌باشد آنهم به‌او تحویل داده می‌شود.

* معتصم‌السلطنه با مخابرهٔ تلگراف از تهران اطلاع دادکه وی بجای مؤتمن السلطنه بسمت کارگزار ایالت خراسان منصوب شده‌است. این آقا درسالهای ۱۹۱۶ ـ۱۷ در انجام وظایف خود در سیستان زیاد موفق نبود، کمااین‌که در همان زمان مأموران رژیم سابق روسیه سخت با وی دشمنی می‌ورزیدند و با استناد به‌گزارشهای دریافتی از مشهد اورا متهم به‌طرفداری از آلمان وافکار دمکراتیك می‌کردند. من برای برقراری روابط دوستانه با معتصم‌السلطنه سعی بسیارکردم، ولی اوعمداً اشکال تراشی می‌کرد. ازجمله به‌رئیس پلیس دستور دادکه از مکاتبه مستقیم با کنسولگری ماخودداری نماید.

* میرزا احمدخان متصدی کارگزاری که از طبقات پائین اجتماع برخاسته است و مدت سی‌و هشت سال عضو دون‌پایهٔ کارگزاری بوده، دراین هفته برای نخستین باربه‌سراغ من‌آمد. میرزا احمدخان اطلاعات باارزشی دربارهٔ اعضای قسمت اداری خویش به‌من دادکه از طرف «منابع دیگر» نیز تائیدشد. براساس این اطلاعات‌آجودان

11- Boulatoff
12- M. Rustonovich

یا ضابط کارگزاری که عنصر نامطلوبی است به‌موکلین خود یاد می‌داده چگونه با توسل به‌بست‌نشینی در خانهٔ یك مجتهد ویااعلام ورشکستگی ازپرداخت بدهی‌های قانونی خود سرباززنند. میرزا احمدخان به‌من گفت در زمان سرگرد سایکس[۱۳] و تاپیش‌از برکناری موقت آجودان، پرداخت هفتاد مورد بدهی با توسل به‌شیوه‌های یادشده نکول شد، ولی او پس از برکناری آجودان تقریباً همهٔ آنها را به‌جریان انداخت. هرچند وجود این شخصیت سالخورده برای ما بسیار مغتنم است، ولی متأسفانه پیرتـراز آن است که‌بتواند به‌کار و فعالیت خود ادامه دهد.

* سالار حشمت حاکم سابق قوچان بجای شاهزاده شجاع‌السلطان به‌سمت مشاور خصوصی والی منصوب گردید.

وقایع هفتهٔ پیش از بیست و ششم مارس

* صبح روز بیست و یکم مارس مقامات و سرشناسان محلی به‌مناسبت فرا رسیدن نوروز از والی دیدار کردند. جناب اشرف ساعت یازده‌صبح از نیروهای نظامی سان دیدو بلافاصله برای چند روز هواخوری عازم روستای سوران در شانزده میلی مشهد شد. گفته می‌شودکه والی و رجال محلی به‌علت اوضاع سیاسی موجود تمایلی به‌برگزاری جشن‌های نوروزی از خودنشان نمی‌دهند. والی به‌چندنفری‌که قبل از من به‌دیدن او رفته بودند عیدی داد. رئیس‌التجار، قائم‌مقام تولیه، مجدالسلطنه، آقازاده، متولی‌باشی، ناظر میرزا و فئودالهای ثروتمند هریك به‌بهانه‌ای از پذیرایی افراد سرباززدند و تنها آقاحسین میرزاکه علناً از سیاست دوری می‌گزیند از انجام مراسم نوروز و دید و بازدیدهای عید استقبال نمود.

* جناب اشرف به‌من اطلاع دادکه چهـار نمایندهٔ تجاری شوروی همراه بـا حدود شانزده خدمتکار ظرف چند روز آینده وارد مشهد می‌شوند. اسامی نمایندگان تجاری عبارت است از میروچنیکوف[۱۴]، فوخ[۱۵]، ولادیمیروف[۱۶] و تراکیوف[۱۷]. گفته می‌شود بزودی حدود یکصد و پنجاه نفر منجمله هفتاد زن به‌عنوان اعضای سفارت‌روسیه درایران واردکشور می‌شوند.

* کلیه بلشویکهای مظنون که در نظمیه حبس بودند آزاد شدند. قرار است پلیس آنها را زیر نظر داشته باشد.

* نیمی از اسکادران چهل و دوم سوار نظام امروز صبح (بیست و ششم مارس) تحت فرماندهـی ستوان استروك[۱۸] مشهد را به‌قصد هندوستان ترك کـردند. بقیه

۱۳ـ Sir Percy Molesworth Sykes سرپرسی مالزورث سایکس سرکنسول انگلیس در مشهد از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۳.

14- Mirochnikoff
15- Fochs
16- Vladimiroff
17- Trakioff
18- Sturrock

اسکادران به‌همراه یك هیئت نظامی بریتانیا با کلیه تجهیزات نظامی وپزشکی فردا صبح عزیمت خواهندکرد.

* سردار ممتاز دمکرات همچنان ریاست بلدیه را عهده‌دار است.

وقایع هفتهٔ پیش از دوم آوریل

* آن‌دسته از افسران انگلیسی‌که درحال حاضر درمشهداقامت دارند عبارتند از: سرهنگ دوم فرانسیس بیول پرایدوکس[۱۹] سرکنسول، اچ. جی. کی والیس[۲۰]وابستهٔ نظامی، سروان جورج آرتور فالکونر[۲۱] دستیار سرکنسول، سروان آر.بی.پلافورد[۲۲] دستیار سرکنسول، سروان عجب خان دستیار وابسته نظامی، سروان بالفور کلارك[۲۳] وسروان پی. سی. داتا[۲۴] پزشك.

* معتصم‌السلطنه کارگزار جدید ایالت خراسان در روز سی‌ام مارس واردمشهد شد. وی به‌من اطلاع دادکه بنا به‌ملاحظات اقتصادی بزودی اکثر مناصب کارگزاری درسراسر ایران ملغی و مأموران وقایع نگار جانشین آنان خواهند شد.

* امروز سیزدهم [فروردین] برابر دوم آوریل و آخرین روز تعطیلات‌نوروز است. همهٔ ایرانیان در چنین روزی تاغروب آفتاب در بیرون از خانه‌های خود بسر می‌برند. والی نیز به‌همین مناسبت به‌احمدآباد واقع در دومیلی شهر رفت و تمام‌روز را درباغ رئیس‌التجار میهمان وی بود. ساعت هفت بعداز ظهر هنگامی‌که والی بااتومبیل عازم منزل خویش بود، ناگهان توسط‌گروهی ژاندارم مسلح‌که همگی هورا می‌کشیدند محاصره شد. کلنل محمدتقی‌خان پس از بازکردن در اتومبیل و تسلیم تلگراف مخابره شده ازتهران، به‌والی اطلاع‌دادکه طبق دستور مرکز بازداشت است. تقریباً درهمین ساعت سایر مقامات محلی، از جمله میرزا قاسم‌خان، سالار حشمت، معتصم‌الملك، شجاع‌سلطان، سالارمظفر، فتح‌السلطنه، خبیرخاقان، هژبرالملك، ماژور[۲۵] **عبدالله خان و میرزا جواد سینکی نیز بازداشت گردیدند. تمام این افراد بمرکز** فرماندهی کل ژاندارمری منتقل شدند تا در آنجا شب را به‌صبح آورند. تلگرافخانه امشب تعطیل است، ولی کلنل محمدتقی‌خان گفت‌که متن تلگراف ارسالی از طرف من ساعت هفت صبح فردا مخابره خواهدشد. هنگام وقوع این‌کودتا من در منزلم باآقای دبوا پیشکار مالیه وگمرك مشغول ورق‌بازی بودم، او از خوشحالی سرازپا نمی‌شناخت. به‌اعتقاد من قوام‌السلطنه خود درفکر سرپیچی از دستورهای حکومت

19- Francis Beville Prideaux
20- H. J.K. Wallis
21- George Arthur Falconer
22- R. B. Plaford
23- Balfor Clark
24- P. C. Datta

۲۵ــ Major سرگرد.

مرکزی و اعلام نوعی استقلال در ایالت خراسان بود و شاید به‌همین منظور تاآنجاکه می‌توانست واحدهای نظامی مستقر دراطراف واکناف ایالت را به‌مشهد فراخوانده‌بود.

* سرگرد برونیکوفسکی[۲۶] رئیس پلیس‌که هفته‌ها به‌خاطر ابتلا به‌بیماری‌حصبه دربیمارستان نظامی بستری بود، از یك هفتهٔ پیش تاکنون در خانهٔ من استراحت‌می‌کند. به‌نظر من او شانس آوردکه حصبه‌گرفت، چون پس از وقوع حوادث اخیر اونمی‌دانست که باید از والی حمایت‌کند یا تابع کلنلهای ژاندارمری باشد. به‌اعتقاد من در غیاب سرگرد برونیکوفسکی و بخصوص پس از بازداشت ماژور عبداله‌خان معاون اول او، تشکیلات پلیس نیز مانند قوای تأمینیه و قشون باید در ژاندارمری ادغام شود.

* دو تن از نمایندگان تجاری روسیه یعنی ولادیمیروف و فوخ به‌همراه یك مترجم ایرانی به‌نام هاشم‌اف درسی‌ویکم مارس وارد مشهد شدند. هاشم بزاز پدر هاشم‌اف در مشهد زندگی می‌کند وتاجر البسه است. نمایندگان تجاری روسیه برای خـرید گندم به مشهد آمده‌اند واز ظواهر امر چنین پیداست‌که پول نقد به‌همراه ندارند. کارگزار به‌من گفت که ایشان از او خواسته‌اند مقدمـات آزادی مائوموف[۲۷] بلشویك خطرناك را فراهم آورد.

* نخستین تلگراف بازرگانی پس از جنگ بزرگ[۲۸] و رفع ممنوعیت‌برقراری ارتباط باآلمان، این هفته از طرف تاجری بنام دارودی[۲۹] مستقیماً از برلن به مشهد مخابره‌شد.

وقایع هفتهٔ پیش از دوازدهم آوریل

* در حالی‌که دستگیری افراد مظنون همچنان ادامه‌دارد عده‌ای از زندانیان پیشین با اخذ ضمانت و التزام آزاد شدند. از جمله بازداشت شدگان این هفته می‌توان به‌افراد زیر اشاره‌کرد: نصرت‌الملك، مقبل‌السلطنه، حاج‌محمدجعفر کشمیری، نجـد السلطنه، مجلل‌التولیه، آقااحمد دانش و میرزا محمد ملك‌زاده. حاج حسین‌آقارئیس التجار تاکنون به‌هر دستاویزی بوده به‌اصطلاح دم به‌تله نداده است، ولی دوپسرش در زندان بسرمی‌برند.

* حکام قوچان و تربت حیدریه در این هفته تحت‌الحفظ به‌مشهد آورده‌شدند ودراین دوشهر حکومت نظامی اعلام‌شد.

* در روز چهارم آوریل درمشهد حکومت نظامی اعلام شد. متن اعلامیـهٔ حکومت به‌شرح زیراست:

26- Bronikovski

27- Maoumoff

۲۸ـ نخستین جنگ بین‌الملل (۱۹۱۴ـ۱۸).

29- Darrodi

اعلان

طبق دستور اکید دولت تامین امنیت خراسان تا دریـافت دستورهای تـازه طبق مقررات زیر بامن خواهدبود.

۱ــ تشکیل اجتماعات به‌هرشکل ودرهرجا ممنوع است.

۲ــ کلیهٔ افراد بجز دارندگان اجازهٔ مخصوص باید سه ساعت بعداز غروب آفتاب درمنازل خود باشند.

۳ــ هرفردی‌که معلوم شود علیه حکومت جدید فعالیت می‌کندسزاوارمرگ‌است.

۴ــ حداقل مجازات افرادی‌که اقدام به‌نشر اکاذیب و شایعات نمایند سه‌مـاه زندان است. از آنجائی که صادقانه انتظار مساعدت ازطرف عامهٔ مردم دارم امیدوارم با وحدت کامل و از دل‌وجان درحفظ امنیت جدوجهد نمایند تانیازی به‌اعمال مجازاتهای فوق نباشد. نظمیه و واحدهای ژاندارمری مسئولیت اجرای دستورهای‌بالارا به‌عهده‌دارند.

رئیس ژاندارمری و فرمانده نظامی ایالت خراسان

محمدتقی

مشهد ــ چهارم آوریل ۱۹۲۱

* آقای روتشتین[۳۰] وزیرمختار روس درایران در روز هفتم آوریل ازعشق‌آباد وارد باجگیران شده‌است تاازطریق مشهد عازم تهران‌شود. مقامات ایرانی در قوچان ومشهد سرگرم تدارك مراسم استقبال ازوزیرمختار هستند. دوتن از مقامـات بادو کالسکه‌ای‌که از اصطبل قوام‌السلطنه، والی سابق، بیرون‌کشیده شده است وزیرمختار واعضای سفارت را از باجگیران تا مشهد همراهی خواهندکرد.

* علی‌اصغرخان سرتیپ فرمانده توپخانه در روز هشتم‌آوریل رهبری‌کودتایی رابه‌عهده‌گرفت که توسط سالارامجد فرمانده نیروی پیاده طرح‌ریـزی شده‌بـود. کودتاگران قصدداشتند پس ازآزادکردن قوام‌السلطنه حکومت کلنل‌محمدتقی‌خان‌را سرنگون سازند. سالارامجد دستگیرشد.

* کلنل محمدتقی‌خان براین باور است‌که بربریها از وی پشتیبانی خواهندکرد، ولی در مورد تیموریها مطمئن نیست. بربریها پیش‌ازاین جزو آن‌دسته از ارتش‌انگلیسی هندوستان بودندکه در خراسان وسیستان خدمت می‌کردند.

* معتصم‌السلطنه به‌من اطلاع دادکه مفخم‌الملك به‌دستور شاه مأمور تقدیم یك شمشیر و مدال به‌امیر افغانستان شده است.

* آقای‌دبوا پیشکار مالیه وگمرك به‌من‌گفت‌که بدهی مالیاتی قوام‌السلطنه‌احتمالا سربه ۱۵۰۰۰۰ تومان خواهد زد و قرار است به‌عوض آن بخشی از املاك وی از جمله روستای سلامی که قوام‌السلطنه سال گذشته آن را به‌صورت غیرمشروع تصاحب‌کرده است ضبط و مصادره شود.

30- Monsieur Theodor Rothstein

وقایع هفتهٔ پیش از شانزدهم آوریل

* روتشتین وزیر مختار روس بعداز ظهر روز دهم آوریل وارد مشهد شد. اعضای هیئت همراه وی عبارت بودند از آقایان نیکونویچ[۳۱]، بیراکوف[۳۲]وبریسکین[۳۳]. نادرمیرزا کنسول ایران در عشق‌آباد نیز به‌همراه وزیرمختار به‌مشهد آمد. مقامات ایرانی باحضور درباغ بهارآباد واقع در چهارمیلی شمال مشهد از وزیرمختاروهیئت همراه‌وی استقبال رسمی به‌عمل آوردند. مصدق دیوان نمایندهٔ کارگزار حاضران‌را به‌حضور وزیرمختار معرفی کرد. «من درهفتم آوریل برای اعزام نماینده جهت‌شرکت در مراسم استقبال از تهران کسب تکلیف‌کردم، ولی چون تا ساعت یازده صبح روز یازدهم آوریل جوابی دریافت نشد از نادرمیرزا خواستم تا مسئلهٔ بلاتکلیفی مرا برای روتشتین بیان‌کند.

* گزارش رسیده حاکی است‌که وزیرمختار به‌سالارممتاز رئیس بلدیه‌گفته‌است «من به‌نام ملت واقعی روس از اهانت مأموران‌وحشی‌امپراتوری سابق‌روسیه به‌مرقد مقدس [امام‌رضا] از ملت ایران پوزش می‌خواهم[۳۴]». روسهای مقیم مشهدکه بیشترشان از نظر مالی درمضیقه هستند به‌سرپرستی کاماروف[۳۵] در مراسم استقبال شرکت‌کردند. قبلا از بولاتف[۳۶] دعوت شده بود وظیفهٔ نمایندگی را قبول‌کند، ولی او ازپذیرش‌آن سرباززده بود. وزیرمختار خطاب به‌روسها گفته بود «بلشویکهای فاتح با دولتهای بزرگ معاهدات رضایت‌بخشی منعقد کرده‌اند، فقر و تنگدستی که اینك سراسر روسیه را فراگرفته است تا سال آینده بکلی ریشه‌کن خواهد شد».

* بعدازظهر روز یازدهم آوریل روتشتین و نادرمیرزا به‌منظور ملاقات من به‌کنسولگری آمدند ویك‌ساعت بعد من به‌اتفاق سرگرد والیس وابسته نظامی وسروان فالکونر دستیارم به‌بازدید وزیرمختار رفتم. روتشتین ظاهراً پنجاه ساله به‌نظر می‌رسد و زبان انگلیسی را بسیار روان صحبت می‌کند. وی پس‌از اظهار خوشحالی از دیدار ما گفت که این ملاقات در واقع یادآور انگلیسیهایی است‌که او سالها درمیان ایشان به‌کار اشتغال داشته است. وزیر مختار تقریباً بیست و پنج سال مقیم انگلستان بوده وچندین سال سردبیری بخش خارجی نشریهٔ منچستر گاردین را عهده‌دار بوده است. روتشتین سال‌گذشته همراه با کراسین[۳۷]، لیتونیوف[۳۸] و کامنف[۳۹] درگفتگوهای روس‌وانگلیس

31- Nikonovitch
32- Birakoff
33- Briskin

۳۴ــ مقصود به‌توپ‌بستن مرقد امام رضا در روز ۲۹ مارس ۱۹۱۲ است.

35- Kamaroff
36- Boulatoff
37- Krassin
38- Litvinoff
39- Kamenoff

شرکت داشت. همسر و بچه‌های روتشتین‌که درحال حاضر درلندن اقامت دارندبزودی در تهران به‌وی ملحق خواهند شد. وزیرمختار در پاسخ به‌سؤال ماگفت‌که نمی‌تواند بگوید چه‌وقت سفارت روس در لندن بازگشایی خواهدشد. مسلماً دولت پـادشاهی انگلیس روتشتین یا لیتوینوف را در مقام سفیری نخواهد پذیرفت.

* به‌دعوت کلنل محمدتقی‌خان حاکم نظامی خراسان و معتصم‌السلطنه کارگزار به‌افتخار ورود روتشتین و هیئت همراه‌وی ضیافت ناهاری برگزار شد. میهمانان‌دیگر عبارت بودند از ولادیمیروف، آقای دبوا پیشکار مالیه وگمرك، نادرمیرزا، مترجم الملك، سالار نصرت، سلطان اسماعیل‌خان بهادر، معتمدالوزاره و سالار ممتاز. کلنل محمدتقی‌خان در سخنرانی خویش به‌وزیرمختار خوش‌آمدگفت واظهار امیدواری‌کرد که سفروی به‌تهران درکمال راحتی وسرعت انجام پذیرد. کلنل همچنین متذکر شدکه رژیم سابق روسیه بااعمال روشهای غیردوستانه خسارات مالی وجانی هنگفتی به‌ایرانیان وارد نموده است ــ لطماتی که هرگز نمی‌توان فراموش کرد ــ ولی وی امیدوار است وزیرمختار جدید موفق به‌زدودن آن ناملایمات از اذهان ایرانیان بشود وبتواندوستی ایران‌را برای کشورش بدست آورد.

* وزیر مختار روس وهیئت همراه وی صبح روز چهاردهم آوریل باکالسکه مشهد را به‌قصد تهران ترك‌گفتند. من برای مشایعت رسمی وزیرمختار واظهاراین‌که خواهان سفری خوش برای وی هستم وابستهٔ هندی خودراگسیل داشتم.

* رئیس‌التجار در دهم آوریل خود را تسلیم والی نمود ودرعوض دوپسر او وآقا احمددانش دامادش از زندان آزاد شدند. رئیس‌التجار ظاهراً دراین مدت‌درخانهٔ افرادی چون شیخ فاضل مجتهد، دکتر حسن‌خان و مقبل‌السلطنه مخفی بوده‌است.

* **نادرمیرزا به‌من گفت میروچنیکوف[40] از عشق‌آباد و بی‌بیکوف[41] از باکـو** بزودی از طریق مشهد به‌تهران خواهند رفت تا وظایف نمایندگان تجاری سابق‌روس را براساس موازین و مقررات نظام جدید روسیه به‌عهده بگیرند.

* آقایان فوخ و ولادیمیروف در پانزدهم آوریل مشهد را به‌قصد عشق‌آبادترك گفتند، ولی هاشم‌اف برای خریدگونی، نفت سفید و بنزین در مشهد ماندگار شد.

* کارگزار به‌من‌گفت از تهران به‌وی دستور داده‌اند، عدلیه‌راکه از چهاردهم مارس تعطیل شده‌بود بازگشایی‌کند.

* کمیتهٔ مالی متشکل از جلال‌نظام، مشیرنظام رئیس تفتیش، نایب‌علی‌اصغر، علم‌الدوله و سرتیپ علی‌اصغر کار بررسی و تعیین میزان مالیاتهای عقب افتادهٔ زمین داران را آغاز کردند.

* کلنل محمدتقی‌خان به‌من گفت‌که بجز یك صندوق جواهر، وجوه زیر در خانهٔ قوام‌السلطنه کشف و ضبط شده است:

40- Mirochnikoff
41- Bibikoff

پول ایرانی	۵۸۱۳ تومان و ۱۲ شاهی
لیره ترك	۳۱۱۹
لیره طلای انگلیسی	۴۱۵
پوند روسی	۱

* گروهی از دمکراتها به‌رهبری ناظم‌دفتر آستانه و سیدمهدی (پسرعمادالتولیه) کمیسر بلدیه قصد داشتند با تحریك مردم نظم شهر را برهم بزنندوازآقازاده مجتهد بزرگ هم خواسته بودندکه از آنها حمایت کند.

* به‌آقازاده مجتهد معروف که بسیار ثروتمند است اجازهٔ سفر به‌مکه داده نمی‌شد. وی متهم به‌اختلاس از اموال آستان قدس است، ولی بالاخره پس ازوساطت‌عده‌ای از روحانیون و تعیین وکیل برای پرداخت بدهی‌های مالیاتی خود، اجازه یافت تا از راه دزدآب و هند عازم مکه شود.

* **والی نظامی به‌من‌گفت مواجب‌عقب‌افتادهٔ‌افرادنظامی تاماه‌حوت** (بیستم مارس) پرداخت شده است. وی همچنین متذکر شدکه بسیاری ازنظامیان تاپنج‌ماه مواجب طلبکار بودند.

* از قیمت نان چهارشاهی کاسته شد و به‌منی یك‌قران رسید.

* میرزا محمد ملك‌زاده سردبیر «تازه بهار» نیز در بین دستگیرشدگان است.

* پس‌از دستگیری سالار مظفر فرمانده اسبق نیروهای خراسان، ژاندارمها کلیه اموال منقول از جمله اسبها و سلاحهای وی را ضبط کردند. سالار نصرت نیز که پس‌از استعفای سالار مظفر عهده‌دار سمت فرماندهی شد جزو بازداشت شدگان است. درحال حاضر سلطان اسماعیل‌خان وظیفهٔ فرماندهی نیروهای خراسان را برعهده دارد. وی ضمناً مشاور ارشد کلنل محمدتقی‌خان نیز هست.

وقایع هفتهٔ پیش از بیست و سوم آوریل

* رئیس بلدیه با انتشار اعلامیه‌ای در بیست و هفتم حمل برابر شانزدهم آوریل به‌مردم اطلاع دادکه «بنابه‌مصالح عمومی و دستور والی نظامی خراسان و سیستان دوازده شاهی از قیمت گوشت کاسته می‌شود و از بیست و هشتم حمل قیمت یك من گوشت هشت قران خواهد بود».

* قوام‌السلطنه والی سابق در شامگاه روز بیستم آوریل با کالسکه‌ای که چهل ژاندارم از آن مراقبت می‌کردند به‌تهران اعزام شد. اعضاء خانوادهٔ او نیز ظرف چندروز آینده به‌تهران خواهند رفت. دکتر حاذق‌الدوله پزشك مخصوص قوام‌السلطنه وی را در این سفر همراهی می‌کند. دکتر حاذق‌الدوله به‌طور اغراق‌آمیزی نگران سلامت قوام‌السلطنه بود و می‌گفت والی برای خلاص شدن از رنجی که می‌کشد از وی خواسته است‌که مقداری سم کشنده دراختیارش قرار دهد.

* مترجم‌الملك به‌ریاست تلگرافخانه‌های ایالت خراسان و تلگرافخانهٔ بین‌المللی مشهد منصوب شد و مواجب ماهانهٔ او به بیست تومان افزایش یافت. مترجم‌الملك قبلا

تنها ریاست تلگرافخانهٔ بین‌المللی مشهد را برعهده داشت.

* از سیستان اطلاع دادند که بزودی آقای باترز[42] شعبه بانك شاهنشاهی ایران در مشهد را بازگشایی می‌کند.

* در گزارش هفتهٔ قبل متذکر شدم که آقازاده از طریق دزدآب و هندوستان عازم مکه شده است، نام کامل جناب ایشان همان‌طورکه در تذکرهٔ او آمده است میرزا محمد آیت‌اله زاده می‌باشد. پدر و پدر بزرگ ایشان نیز در زمان حیات خود ریاست روحانیون ایالت خراسان را به‌عهده داشته‌اند، هرچندکه نیل به‌این مقام هرگز موروثی نبوده است.

* عمادالملك حاکم ترشیز در روز بیست و دوم آوریل تحت‌الحفظ به‌مشهد آورده شد. شوکت‌الدوله حاکم سرخس ایران نیز بزودی به‌سرنوشت حاکم ترشیز گرفتار خواهد شد. ظاهراً والی نظامی دستور برکناری حکام طرفدار قوام‌السلطنه را صادر کرده است.

* کمیتهٔ مالی سابق‌الذکر هر روز تشکیل جلسه می‌دهد. کار رسیدگی به‌پروندهٔ مالیاتی قائم‌مقام تولیه و حاج حسین‌آقا به‌اتمام رسید و به‌ترتیب ۲۰۰۰۰ تومان و ۱۴۳۰۰۰ تومان بدهکار شدند. حاج حسین‌آقا پس‌از تعهد پرداخت بدهی مالیاتی تعیین شده از زندان آزاد شد. شنیدم‌که وی قصد دارد در مقابل بدهی خود ده بزرگ چناران واقع بین مشهد و قوچان را واگذار کند. کمیتهٔ مالی درضمن، کاربررسی چند پروندهٔ مهم را آغاز کرده است که در رأس آنها پروندهٔ مربوط به‌سوء استفاده‌های کلان قوام‌السلطنه و میرزا قاسم‌خان منشی وی قرار دارد.

* کارگزاری اعلام نمود که در اجرای طرح بازسازی وزارت امور خارجه ساعات کار کارگزاری خراسان و سیستان به‌استثنای روزهای جمعه و یکشنبه صبح‌ها از ساعت هشت و نیم تا دوازده و بعدازظهرها از ساعت دو تا چهار خواهد بود.

* والی نظامی به‌من گفت که درنظر دارد تعداد پرسنل ژاندارمری را به ۳۰۰۰ نفر افزایش دهد.

* در این هفته سه حادثهٔ ناخوشایند اتفاق افتاد:

۱ــ نه خودرو با بار دولتی که در حال بازگشت از دزدآب به‌مشهد بودند، در تربت حیدریه متوقف و از هر راننده به‌زور شش‌قران بابت نواقل (مالیات وسیله نقلیه) دریافت کردند. لازم به‌تذکر است که نخست از هر راننده دو تومان مطالبه شده بود.

۲ــ یك خودرو به‌هنگام ورود به‌مشهد، در روز روشن متوقف و تفنگ رانندهٔ آن موقتاً ضبط شد.

۳ــ یکی از مأموران حکومت نظامی قوچان به‌شدت سرگرد والیس را ناراحت کرد. این مأمور یکی از قاصدهای سرگرد را دستگیر و باوی بدرفتاری نموده بود. به‌مترجم کنسولگری مأموریت داده شد تا اعتراض شفاهی شدیداللحنی را به‌اطلاع

42- Butters

والی نظامی برساند. کلنل محمد تقی‌خان به‌شرح نامهٔ پیوست [شماره سه] از رفتار مأموران ایالتی پوزش خواست و قول دادکه هرگز تکرار نشود.

* طبق دستور صادره از طرف والی سلاحها و مهمات شخصی می‌بایست ظرف شش روز از تاریخ صدور این دستور تحویل مرکز فرماندهی کل ژاندارمری شود و رسید دریافت گردد. متعاقب این دستور تعداد قابل ملاحظه‌ای تفنگ و هفت‌تیر تحویل ژاندارمری شد. اتباع انگلیس سلاحهای خود را به‌کنسولگری سپردند.

* حکومت جدید تاکنون با هیچ مخالفت جدی روبرو نشده است. طبق مقررات حکومت نظامی رفت و آمد درشهر از ساعت یك ربع به‌ده شب ممنوع است.

* کمیتهٔ عدالت کار دریافت شکایات مردم را آغاز کرده است و کمیتهٔ نظامی نیز جلسات خود را تشکیل می‌دهد.

* گروهی از خدام سرشناس آستان قدس از زندان آزاد شدند. عده‌ای ازمجتهدین می‌گویند هرچند بی‌طرفی خود را نسبت به‌تغییر حکومت[۴۳] و سقوط رژیم قدیم اعلام کرده‌اند، لیکن از جهاتی تحولات اخیر را به‌نفع دین و مملکت می‌دانند، بنابراین به‌سود رهبران مذهبی است که از حکومتهای تهران و مشهد حمایت کنند.

* طبابت افرادی‌که فاقد دیپلم مجاز هستند غدقن شد.

* در اجرای دستور رسیده از تهران نظامیان باید ملبس به‌لباس متحدالشکل بشوند.

* مدرسهٔ ژاندارمری کار آموزشی خود را آغاز کرده است وافسران نیز ملزم به‌شرکت در کلاسهای آن هستند.

پیوست شماره یك

ابلاغیهٔ ریاست وزرا

هموطنان! قشون انگلیس که وضعیات جنگ بین‌المللی آنها را به‌ایالات شمال مملکت ما آورده بود اینك ایران را تخلیه و ترك کرده، به‌مملکت خویش رهسپار می‌گردند. در خدمات این قشون مجال انکار نیست، اما بزرگتر از تمام خدمات درس عبرتی است‌که ورود قشون مزبور به‌ما داد و آن درس عبارت از این است که ما باید از جوانان خویش برای حفظ وطن، سربازانی داشته باشیم تا دیگران از ضعف ما استفاده نکرده، خاك مقدس ایران را معرض تجاوز خود قرار ندهند. حرکت قشون دولت عظیم‌الشأن انگلستان بار دیگر ثابت می‌نماید که همسایهٔ بزرگ ما قصد ندارد به‌حقوق ایران تخطی نماید و بایستی همگی به‌استقلال وطن و به‌محترم شمرده شدن حقوقی ملی خود اطمینان حاصل نمائیم.

من سرافراز و مسرورم که این واقعه در دورهٔ زمامداری من رخ می‌دهد، لیکن

۴۳ــ مقصود کودتای سوم اسفند۱۲۹۹به‌رهبری سید ضیاءالدین طباطبایی ورضاخان میرپنج‌است.

سرافرازی و افتخار من بیشتر از این است که دلاوران ملی خون گرم ما ندای وطن را اجابت کرده، خندقها و خطوطی را که سپاهیان انگلیس تخلیه نموده‌انـد، اشغال کرده‌اند. از دو هفته قبل قشون دلیر ایران با نغمهٔ انبساط متدرجاً از قزوین حرکت کرده و اکنون چند روز است که خطوط مقدم و مواقع دفاعیه را از منجیل تا رشت اشغال و وظایف پاسبانی و حراست مملکت را ایفاء می‌کنند. این مسئله ثابت می‌نماید که روح وطن پرستی و سلحشوری هنوز در خاطر جوانان ایران مشتعل و فروزان، خونهای ما گرم و سوزان و حاضر است که خاك وطن را برای سعادت و آزادی وی لعل‌گون کند.

گرچه مرا اطمینان حاصل است که از جانب همسایهٔ شمال، همسایه‌ای که در جرگهٔ دوستان ما داخل شده و نمایندهٔ محترم وی تا چند روز دیگر به‌پایتخت وارد خواهد شد برای ایران خطری متصور نیست، نمایندگان ما هم برای تصفیهٔ مناقشات گذشته به‌طرف گیلان عازم شده بودند، به‌حدود رشت رسیده و مذاکراتشان با روسای قوای محلی‌شروع شده است. انتظار دارم که وضعیات غم‌انگیز آنجا را اصلاح و جراحات وارده را التیام بخشند. مرا عقیده این است که تقریباً اندیشه و دغدغهٔ ما از آن سوی برطرف شده سپاهیان دلاور ما مجال خواهند داشت که آسایش و راحت اختیار نمایند، آسایشی که بواسطهٔ مهیا بودن در ایفای وظیفه آن را حاصل خواهد شد.

هموطنان! اکنون آن موقع بزرگ و مهمی است که همگی باید وظیفهٔ خود را که عبارت از قربانی نمودن موجودیت خویش است تشخیص دهیم، به‌نیروی اراده و قوت عزم خویش باید تکیه کنیم. اکنون لازم است عملیات درخشندهٔ سپاهیان ایران چشمان ما را باز و قلوبمان را مسرور و شادمان سازد. اکنون موقع آن است که اعتماد به‌نفس و شجاعت در حراست مملکت حق زندگانی فرزندان ایران را تثبیت کند.

اما شما اهالی تهران! می‌توانید مطمئن و راحت باشید که در پرتو فداکاری دولت و قشون پایتخت ایران محفوظ خواهید بود.

س ــ ضیاءالدین طباطبایی ــ رئیس‌الوزراء و وزیر داخله

[۲۷ فروردین ۱۳۰۰ شمسی]

روزنامه محلی «شرق ایران» در تاریخ سوم حمل ۱۳۰۰ برابر نوزدهم آوریل ۱۹۲۱ ابلاغیه فوق را به‌صورت فوق‌العاده چاپ و منتشر کرد.

پیوست شماره دو

اعلان

چون والی نظامی پس از تغییر حکومت با جدیت تمام سرگرم باز سازی تشکیلات تحت کنترل خویش است، از این روی اجباراً از رسیدگی به‌مکاتبات مربوط به‌درخواست استخلاص افراد زندانی معذور است و بدین وسیله به‌صاحبان نامه‌ها اعلام می‌شود که منتظر پاسخ نباشند. به‌شفاعت کنندگان نیز اخطار می‌شود که دخالتشان دراین‌گونه امور

باعث سوءظن حکومت نسبت به‌آنها می‌شود. حکومت فعلی بشدت با فساد مخالف است و راشی و مرتشی را بسختی مجازات می‌کند. دونفری‌که اخیراً می‌خواستند به‌حکومت، رشوه بدهند باید از خودشان خجالت بکشند و این را یك اخطار تلقی نمایند.

اعلان فوق در هفدهم آوریل ۱۹۲۱ در شهر مشهد منتشر شد.

پیوست شماره سه

دستور والی نظامی

از آنجایی‌که احترام به‌نمایندگان سیاسی و نظامی دول خارجی بخصوص دو دولت همسایه و به‌طور اخص دولت بریتانیا که کمك‌های فراموش نشدنی آن دولت به‌ایران نیاز به‌یادآوری ندارد امری الزامی است، بنابراین من تأسف شدید خود را از وقوع دو حادثهٔ زیر که قوای تأمینیه و قشون ایران مسبب آن بوده‌اند اعلام می‌دارم:

۱ــ متوقف کردن خودروهای کنسولگری در تربت حیدریه برای دریافت نواقل.

۲ــ متوقف کردن خودروی دیگر در نزدیك مشهد و ضبط اسلحهٔ رانندهٔ آن.

طبق این دستور من از کلیهٔ فرماندهان واحدها می‌خواهم که احترام نمایندگان سیاسی و نظامی دولت بریتانیا را درنظر داشته باشند و از تکرار این‌گونه حوادث بپرهیزند.

محمد تقی
والی نظامی و رئیس ژاندارمری خراسان
بیستم آوریل ۱۹۲۱

وقایع هفتهٔ پیش‌از سی‌ام آوریل

* شوکت‌الدوله حاکم سرخس ایران در بیست و چهارم آوریل تحت‌الحفظ به‌مشهد منتقل گردید.

* خداوردی‌خان و برادرش الله‌وردی به‌همراه نوزده نفر از افراد ایشان در بیست و چهارم آوریل به‌مشهد آورده شدند. این دو برادر احتمالا محکوم به‌مـــرگ می‌شوند.

* مؤتمن‌السلطنه کارگزار سابق در روز بیست و ششم آوریل به‌طور ناگهانی و بدون خداحافظی مشهد را به‌قصد تهران ترك گفت. این آقا در مدت خدمت من در مشهد همیشه خود را ضد خارجی نشان می‌داد و روزنامهٔ تازه بهار به‌توصیهٔ وی همیشه مقالاتی بر علیه برناردی[۴۴] بازرس ایتالیایی مالیه، سیوبرگ[۴۵] رئیس سوئدی پلیس،

44- Bernardi
45- Sioberg

آنتی‌پوف[۴۶] نایب کنسول روسیه، دبوا پیشکار مالیه، دکتر هافمن[۴۷] مبلغ مذهبی تبعهٔ آمریکا و خود من منتشر می‌کرد.

* ماژور عبدالله‌خان معاون سابق پلیس از زندان آزاد و به‌تهران تبعید شد.

* آقای دبوا پیشکار مالیه و گمرك مشغول بازسازی اداره تحت سرپرستی خویش است. وی افراد مشروحه زیر را به‌سمت بازرس منصوب و مامور محل خدمت خود نمود.

عبدالباقی میرزا	بازرس	خواف
فخرالممالك	بازرس	ترشیز
امیرخان	بازرس	سبزوار
حسینعلی میرزا	بازرس	سرخس ایران و روستاهای اطراف‌مشهد
میرزا خلیل‌خان	بازرس	قوچان

* کمیتهٔ مالی کار بررسی حسابهای مربوط به‌سه ماه از دوران خدمت سالار ممتاز رئیس سابق قشون را به‌اتمام رسانید. وی که در حال حاضر در زندان بسر می‌برد متهم به ۱۰۰۰۰ تومان سوءاستفاده در این سه ماه شده است.

* سه‌تن ازهمکاران رئیس‌التجار به‌نامهای حاج حسین‌جاجرمی، میرزا حسین‌خان و میرزا نصیر بازداشت شدند.

* در بیست و هشتم آوریل در شهر اعلام شد در روستایی واقع در بیست میلی جنوب سرخس مرض طاعون شیوع یافته است. والی نظامی دستور داد که کمیتهٔ بهداشت محلی اقدامات لازم را برای جلوگیری از گسترش بیماری معمول دارد و به‌همین منظور یك قرنطینه و اردوگاه ویژه اقامت افراد بیمار بین راه مشهد به‌سرخس تأسیس شد. گفته می‌شود تاکنون بین ده تا یکصد نفر جان خود را از دست داده‌اند.

* بدهکاران مالیاتی برای پرداخت بدهی‌های معوقهٔ خود تحت فشار گذاشته شده‌اند و برای کسانی‌که به‌دنبال راه فرار می‌گردند مجازاتهایی وضع شده است. مقامات آستانه از این‌که با آنها مانند سایـرین رفتار می‌شود بشدت رنجیده‌انـد. صد نفر از کشیك‌چیان آستانه که وظیفهٔ آنها نگهبانی از زیارتگاه است پس‌از تشکیل جلسه و گفتگو با یکدیگر اعلام نمودند با مداخلهٔ مقامات غیر مذهبی در امور مربوط به‌آستان قدس در واقع به‌این مکان مقدس بی‌حرمتی و توهین شده است. اشراف و ثروتمندان نیز از خود نارضایتی نشان می‌دهند. آنهایی‌که از ثروت ومقام خویش محروم شده‌اند می‌گویند سرمشق روسیه که در آن بلشویکها ثروتمندان را به‌فقر کشاندند اینك درحال اجرا شدن درمشهد است.

* گزارش رسیده از تهران حاکی است که دولت انگلیس به‌اتهام دسیسه چینی و مداخله در امور داخلی ایران سخت مورد حملهٔ تظاهرکنندگان قرار گرفته است. داستان ازاین قرار بوده است‌که یکی از اهالی تهران به‌هنگام شب به‌منظور آوردن ماما به‌بالین

46- Antipoff
47- Hoffman

همسر حامله‌اش، از خانهٔ خود خارج می‌شود، مأمور حکومت نظامی طبق مقررات منع رفت و آمد شبانه وی را دستگیر و به‌زندان می‌برد تا شب را به‌صبح آورد. در این فاصله همسر مرد زندانی و بچهٔ‌نوزاد وی به‌علت نرسیدن کمك فوت می‌شوند. مردم با براه انداختن جار و جنجال و تشکیل اجتماعات از این واقعه به‌عنوان دست‌آویزی جهت ابراز مخالفت با رژیم حاکم و سیاست دولت انگلیس در ایران بهره‌برداری می‌کنند. سید عبدالله واعظ از منبریهای معروف تهران به‌اجتماع کنندگان می‌گوید نباید انگلیسیها را مسئول مشکلات موجود بدانند. وی در بخش دیگری از سخنرانی خویش به‌بلشویکها اشاره می‌کند و آنها را دشمن اسلام و نژاد انسان معرفی می‌نماید.

* اوضاع درگز ناآرام گزارش می‌شود. زبردست‌خان و مرسل صدیق‌اف همچنان فرماندهی شورشیان را به‌عهده‌دارند. گزارشهای رسیده از منابع مختلف حاکی از آن است‌که هر دو نفر با بلشویکها قرارداد بسته‌اند. صدیق‌اف مدتی پیش با یك افسر بلشویك از بخش «خدمات ویژه» ملاقات کرده است و زبردست‌خان به‌بلشویکها گندم می‌فروشد.

* در روز بیست و هشتم آوریل دویست ژاندارم به‌فرماندهی سلطان احمدخان مشهد را به‌قصد قوچان ترك کردند. می‌گویند آنها مأمور دستگیری زبردست‌خان و مرسل صدیق‌اف شده‌اند.

* به‌دستور والی نظامی روزنامه‌های «مهر منیر» و «خراسان» در سی‌ام آوریل توقیف شدند. نخستین شماره روزنامهٔ خراسان در بیست و چهارم آوریل منتشر گردید. سید محمد طباطبایی صاحب امتیاز و سردبیر روزنامهٔ خراسان یك‌سال پیش از ادارهٔ مالیه اخراج شد. علت توقیف روزنامهٔ خراسان درج مقاله‌ای علیه [دبوا] پیشکار مالیه بوده است.

وقایع هفتهٔ پیش‌از هفتم ماه مه

* یاور رضاخان بجای عبدالحسین پسر اسدالملك به‌حکومت رای و خواف منصوب شد. اسدالملك در گذشته پیشکار قوام‌السلطنه در روستای سلامی بود.

* والی نظامی براساس حکم رسیده از تهران، با ارسال بخش نامه‌ای به‌کلیهٔ ادارات دولتی اعلام کرد که استعمال تریاك برای مستخدمین لشکری و کشوری اکیداً ممنوع است و متخلفین از خدمت منفصل خواهند شد.

* معتصم‌السلطنه کارگزار به‌من گفت کمیتهٔ مالی کار رسیدگی به‌پروندهٔ مالیاتی حاج حسین‌آقا را به‌اتمام رسانیده و نامبرده ۵۰۰۰۰ تومان بدهکار شده است.

* به‌منظور قدردانی از خدمات سلطان (سروان) اسماعیل‌خان فرمانده ژاندارمری قوچان و سلطان محمودخان فرمانده ژاندارمری مشهد درجه نظامی آنها به‌یاور (سرگرد) ارتقاء داده شد. شش افسر دیگر نیز که در رتبه‌های پائین‌تری بودند ترفیع مقام گرفتند.

* به‌عقیدهٔ من عده‌ای از دمکراتها ــ که اصولا دارای عقاید ضد خارجی هستند ــ

پس از سرپیچی از دستور صادره در مورد تحویل سلاحهای غیر مجاز، از ترس هجوم عناصر حکومتی به‌فکر چال کردن اسلحه‌های خود در اراضی اطراف شهر افتاده‌اند. به‌عنوان مثال حاجی رجبعلی به‌هنگام انتقال دو تفنگ که زیر عبای خود مخفی کرده بود، دستگیر گردید و حاجی حسن رهبر دمکراتهای سبزوار نیز با چهل‌و پنج تفنگ بازداشت شده است.

* مهمترین حادثهٔ این هفته که بازتاب آن احتمالا سراسر ایران و بین‌النهرین را فرا خواهد گرفت سحرگاه امروز اتفاق افتاد و آن بازداشت خدام عالی‌مقام آستانه بجز متولی باشی بود. خدام و کشیك‌های دستگیر شده به‌صورت انفرادی از آستانه به‌بیرون منتقل شدند و ژاندارمها وظیفهٔ نگهبانی از درهای ده‌گانه را به‌عهده گرفتند. در این عملیات یکصد ژاندارم و سی پلیس مشارکت داشتند. درحال حاضر بیست و یك‌نفر تحت بازداشت قرار دارند که از جمله می‌توان به‌نایب‌التولیه، میرزا یحیی ناظر (این دونفر همیشه با هم اختلاف داشتند) و چهار سرکشیك (نفر پنجم به‌علت مسافرت به‌تهران در محل حضور نداشت) اشاره کرد. تعداد کارکنان آستان قدس ۱۲۰۰ نفر است که از آن میان ۷۰۰ نفر در مقام خادم و ۵۰۰ نفر در مقام کشیك‌چی مشغول خدمت بودند.

* یاور حاجی رضاخان از افسران ثابت نیروهای مسلح ایران به‌عنوان حاکم‌نظامی خواف ورای عازم محل مأموریت خود شد.

* دیروز (ششم‌ماه‌مه) به‌مناسبت تاج‌گزاری [احمد]شاه تعطیل عمومی بود. بناهای دولتی وغیردولتی به‌طرز بی‌سابقه‌ای باپرچم و قالی تزیین شده بود وچراغانی وآتش‌بازی بسیار خوبی نیز در شب برگزار شد. حاکم نظامی به‌همین مناسبت ضیافت ناهاری ترتیب دادکه درآن سی و یك نفر از جمله پنج افسر انگلیسی، سه افسر هندی، یك بلژیکی، یك سوئدی و یك مبلغ آمریکایی و همچنین سه‌مقام غیر نظامی‌ایرانی یعنی‌معتصم‌السلطنه، نجدالسلطنه و میرزا جوادخان سینکی شرکت داشتند. در این ضیافت کلنل محمدتقی‌خان ضمن ایراد یك سخنرانی طولانی از رئیس‌الوزراء و اقدامات وی ستایش کرد.

* امروز صبح (هفتم ماه مه) اعضای خانواده قوام‌السلطنه به‌همراه جلال‌السلطنه پسر خواندهٔ وی مشهد را به‌قصد تهران ترك گفتند.

* امروز بعدازظهر (هفتم ماه مه) آقای باترز وارد مشهد شد. تجار و مقامات محلی بیصبرانه منتظر بازگشایی شعبه بانك شاهنشاهی ایران در مشهد هستند.

وقایع هفتهٔ پیش‌از چهاردهم ماه مه

* طبق اعلان مورخ هشتم ماه مه بلدیه، از قیمت هرمن گوشت یك قران کاسته شد و به‌منی هفت قران رسید.

* به‌نوشتهٔ روزنامهٔ مهرمنیر که در هشتم ماه مه از توقیف درآمد، اعتلاءالملك بزودی در مقام فرستادهٔ ویژهٔ ایران عازم کابل خواهد شد.

* میرزا سید رضاخان برای تصدی ریاست ادارهٔ تریاك و توتون وارد مشهد شد.

* از تهران خبر می‌رسد که اختلاف بین شاه و رئیس‌الوزراء شدت گرفته است.

* آقای دبوا پیشکار مالیه و گمرك اقدام به‌انتشار لیست بلندبالایی از مالیاتهای جدید نمودکه در تهران به‌تصویب رسیده است. براساس مقررات جدید علاوه‌برکالاهای تجاری و تولیدات محلی اماکن مسکونی، وسایل نقلیه، حیوانات باربر و... نیز مشمول مالیات شده‌اند. البته درحال حاضر ــ هرچند در سطح نازلتر ــ مالیاتهای گوناگون وصول می‌شود، کما این‌که آقای برناردی به‌من گفت روزانه به‌طور متوسط چهار هزار تومان درآمد مالیاتی دارند.

* عمادالملك حاکم سابق ترشیز به‌علت بیماری از زندان آزاد شد.

* به‌منظور رسیدگی به‌امور آستان قدس چهار کمیته تشکیل شده است که‌عبارتند از کمیتهٔ امور کارکنان، کمیتهٔ املاك و ساختمانها، کمیتهٔ مالی و کمیتهٔ اموال منقول. والی نظامی شخصاً ریاست کمیتهٔ امور کارکنان و کمیتهٔ املاك و ساختمانها را به‌عهده گرفته و حاج حسین آقا نیز به‌ریاست کمیتهٔ اموال منقول منصوب شده است. کلنل محمد تقی‌خان در گفتگوی خویش با من متذکر شد که قصد دارد تعداد کارکنان آستانه را از ۱۲۰۰ نفر به ۹۵ نفر کاهش دهد و پس‌از تأسیس یك صندوق خیریه، در هر ماه به‌سالمندان و مستضعفین مدد معاش پرداخت نماید. عنوان مشاغل و تعداد آنها وهمچنین مواجب ماهانه پیشنهادی والی برای اداره امور آستان قدس به‌شرح زیر است:

رئیس	یك نفر	۱۰۰ تومان
رئیس دربانها	یك نفر	۶۰ تومان
معاون رئیس دربانها	یك نفر	۴۵ تومان
دربان	۴۰ نفر	۹ تومان
رئیس خدام	یك نفر	۶۰ تومان
معاون رئیس خدام	یك نفر	۴۵ تومان
خادم	۵۰ نفر	۱۲ تومان

* کارگزار به‌من اطلاع داد که چون به‌دستور وزیر امور خارجه و به‌منظور صرفه‌جویی در مخارج، بزودی دفاتر نمایندگیهای خارجی منحل خواهد شد اتباع انگلیسی می‌توانند درآینده دعاوی خود را در عدلیه مطرح نمایند.

* والی نظامی به‌دستور تهران چهار نفر را مأمور شرکت در کمیسیون حل‌اختلاف ایران و روس برسر آبهای هریرود نمود. قرار است این هیئت در سرخس با نمایندگان رسمی دولت شوروی وارد مذاکره شود. افراد معرفی شده عبارتند از منتظم‌السلطنه کارگزار سابق قوچان، حاجی مرتضی میرزا حاکم گناباد، سالار مؤید حاکم سابق سرخس و میرزا احمدخان.

* والی نظامی به‌علت شکایات عدیده از نصیرالایاله حاکم کوه سرخ دستور بازداشت وی را صادر کرد.

* یاور رضاخان حاکم جدید رای و خواف با سی ژاندارم عازم محل مأموریت خویش شد.

* یکی از برادران حکاك به‌من اطلاع داد که امتیاز بهره‌برداری ده ساله از معادن

فیروزهٔ نیشابور به‌ازای سالی ۲۰۰۰۰تومان به‌گروهی متشکل از افراد زیر واگذار شده است.

قایم مقام تولیه	سه سهم
برادران حکاك	سه سهم
دانش پسر عبدالحسین تهرانی	سه سهم
شاهزاده محمد هاشم میرزا	یك سهم

شاهزاده محمد هاشم میرزا نمایندهٔ مجلس تضمین کرده است که امتیاز واگذاری معادن فیروزه را به‌تصویب مجلس جدید برساند.

* دو هفتهٔ پیش والی نظامی، زبردست‌خان و مرسل‌خان را جهت توضیح علت مرگ یاور رضاخان به‌مشهد فراخواند. زبردست‌خان از بیم جان خویش از اجرای دستور سرباززد، ولی مرسل‌خان در هفتم ماه مه وارد مشهد شد. کلنل محمدتقی‌خان پس از ملاقات با مرسل خان متذکر شد که تنها قصد دارد وی را زیرنظر داشته باشد. مدت زمانی بعد، پس ازآن‌که والی مطلع شد یوسف بیگ پسر عموی زبردست‌خان در ناحیه دربندی به‌یك گروه هفت نفری از نیروهای ژاندارمری هجوم برده است، با اعزام دو واحد از پادگان قوچان به‌حوالی محمدآباد تصمیم به‌محاصرهٔ زبردست‌خان و افرادش گرفت. طرفین در دهم ماه مه در دربندی با یکدیگر درگیر شدند و نیرو هـــای ژاندارمری پس‌از تصرف گذرگاه الله‌واکبر و به‌اسارت گرفتن دو تن از سران شورشی و شش نفر از سواران زبردست‌خان، با پیروزی کـــامل عازم محمدآباد گردیدند. زبردست‌خان نیز پس از غـارت محمد آبـاد و به‌گروگـان گرفتن حسینقلی سرتیپ (تلگرافچی) و خانوادهٔ او و همچنین سایر مقامات محلی به‌منظور تضمین جان مرسل خان، به‌لطف‌آباد گریخت. نیرو های ژاندارمری در سیزدهم ماه مه به‌دنبال یك زدوخورد مختصر در ناحیه صفاکلا و میرکلا وارد لطف‌آباد شدند و زبردست‌خان به‌همراه یکصد نفر از سواران خود نخست به‌میان ترکمن‌ها گریخت و اندك زمانی بعد، پس‌از عبور از مرز، به‌خاك روسیه پناهنده شد. زبردست‌خان پیش‌از فرار، یکی از گروگانهای خود را کشت و به‌آزار و اذیت زنان و کودکان خانوادهٔ تلگرافچی پرداخت. مرسل‌خان که از زمان ورود به‌مشهد تحت‌نظر قرار داشت، پس‌از وقایع دربندی و هجوم زبردست‌خان به‌نیروهای ژاندارمری، در شامگاه روز نهم ماه مه دستگیر گردید و در دادگاهی که با حضور کلنل محمدتقی‌خان در عصر روز چهاردهم ماه مه تشکیل شد از وی خواستند که متن کتبی اعتراف به‌گناهان خویش را امضاء کند. مرسل‌خان بلافاصله‌پس‌از محکومیت در دادگاه، با کالسکه‌ای که بشدت از آن مراقبت می‌شد، به‌بیرون شهر منتقل و پس‌از تیرباران در قبرستان نزدیك دروازهٔ ارگ به‌خاك سپرده شد.

* سید حسن برادر زن مرسل‌خان در زندان بسر می‌برد.

* کلنل محمدتقی‌خان امیدوار است که روسها زبردست‌خان و افراد باند وی را تحویل دهند، والی به‌همین منظور دست به‌دامن آلکساندروف وناظراف نمایندگان‌تجاری مقیم عشق‌آباد شده است.

پیوست شماره چهار

اعلان

چون اوضاع رقت‌بار بارگاه امام هشتم مورد توجه اعلیحضرت شاهنشاهی قرار گرفته است، به‌فرمان معظم‌له که توسط جناب رئیس‌الوزراء ابلاغ گردید کلیهٔ مقررات، مناسب، القاب، قراردادهای استیجاری و ترتیبات سابقه ملغی و ساقط بوده و بزودی تنظیمات جدید به‌مورد اجرا گذارده خواهد شد.

کلنل محمد تقی‌خان — جوادالحسنی الحسینی
والی نظامی — متولی باشی

مشهد ــ هیجدهم برج ثور (هشتم مه)

پیوست شماره پنج

اعلامیهٔ حکومت نظامی ایالت خراسان

مسلمانان جهان!

دوران بی‌قانونی و چپاول خودسرانهٔ خدام خیانتکار آستان قدس به‌پایان رسید. امور آستانه ــ که بسیار نابسامان است ــ اینك تحت کنترل می‌باشد. خدام خیانت‌پیشه برکنار شده‌اند. موقوفات این آستان مقدس از طرف مسلمانان خداترس و با ایمان به‌امید دستگیری از زوار فقیر، بیوه‌زنان و یتیمان وقف شده است. درگذشته افراد شیطان صفت با اندوختن ثروتهای کلان ازقبل اموال آستانه از آن پولها در راه منافع شخصی خویش بهره‌برداری می‌کردند. عایدات آستانه از این‌پس در راهی که واقفین آن در اصل منظور نظر داشته‌اند به‌مصرف خواهد رسید. منبعد آستان مقدس کــه زیارتگاه زوار ایرانی و عرب است کاملا تحت نظم خواهد بود. ما امیدواریم اقدام اخیر که به‌خواست خدا و آرزوی پادشاه ما انجام شده است نتایج نیکویی به‌بار آورد.

مشهد ــ هشتم مه ۱۹۲۱ — محمد تقی
والی نظامی خراسان

پیوست شماره شش

اعلان

به‌کلیهٔ خدام سابق آستانه که مایل به‌ادامهٔ خدمت می‌باشند دستور داده می‌شود روز هشتم رمضان ۱۳۳۹ در ساعات مقرره در دفتر تولیه حضور یابند. آنان باید ملبس به‌لباس

مخصوص از جمله عبا و عمامه بوده و ازا لحاظ طبی سالم باشند.
سن بین ۲۵ تا ۴۰
معرفی چند ضامن
نداشتن سوءسابقه
فقط در خدمت آستانه باشند.
به‌اطلاع عامه می‌رسد آن دسته از خدام شریف آستانه که به‌علت سن و سال یـا ناتوانی قادر به‌ادامه خدمت نیستند، درصورت مسکنت از محل صندوق خیریهٔ آستانه حقوق بازنشستگی دریافت خواهند کرد.

محمد تقی
والی نظامی خراسان

جوادالحسنی الحسینی
متولی‌باشی

وقایع هفتهٔ پیش‌از بیست و یکم ماه مه

* اعضای هیئت چهار نفری کمیسیون حل اختلاف با روسیه برسر آب هریرود در شانزدهم ماه مه عازم سرخس شدند.
* جناب وزیر مختار به‌من اطلاع دادکه عدل‌الملك کفیل داخله در شانزدهم ماه مه به‌سمت والی ایالت خراسان منصوب شده است.
* امیر معتمد عازم تهران شد.
* سالار ممتاز رئیس بلدیه از کار برکنار و مشیر همایون حاکم سابـق تربت جانشین وی شد. بلدیه توسط یك کمیتهٔ پنج نفری سرپرستی می‌شود که رئیس آن، ریاست پلیس را نیز عهده‌دار است، از این روی مشیر همایون قدرت زیادی نخواهد داشت. قرار است بلدیه در خیابانها پیاده‌رو بکشد و به‌وضع روشنایی شهر سروسامان دهد. شنیدم می‌خواهند برای این‌کار از نیروی برق استفاده کنند.
* سالار ممتاز احتمالا به‌حکومت درگز منصوب خواهد شد و همچنین قرار است حکومت نیشابور به‌سالار نصرت، حکومت ترشیز به‌مشیرنظام و حـکومت تربت‌جام به‌جلال نظام محول شود.
* کلنل محمدتقی‌خان به‌من گفت اموال و دارایی‌های منقول آستانه به‌علت غفلت خدام از حیز انتفاع افتاده، بسیاری از اشیاء شکسته شده و قالیها را بیدخورده است. کلنل سپس اظهار داشت‌که به‌نظر وی متولی‌باشی دو دوزه بازی می‌کند.
* والی نظامی به‌من گفت یك گروه صدو ده نفری به‌همراه زبردست‌خان و یکی از پسران منشورالملك و همچنین عبدالقادر، بلشویك مشهور که تا این اواخر در زندان مشهد بود از مرز گذشته‌اند.
* وزیر مختار روس ضمن ارسال تلگرافی به‌تاشکند خواستار بازگرداندن فراریان به‌ایران شده است.
* حسینقلی‌خان سرتیپ تلگرافچی سابق محمدآباد که قبلا ماجرای به‌گروگان

گرفته‌شدن او و خانواده‌اش را شرح دادم، به‌علت سکتهٔ قلبی در بیمارستان شهر درگذشت. سرگرد برونیکوفسکی به‌من گفت‌که او بسیار پیر بود.

* گزارش می‌شود که بخش اعظم راه تربت به‌مشهد نا امن است. یك ستون متشکل از یکصد ژاندارم به‌تربت حیدریه اعزام شد تا به‌عملیات سالارخان بلوچ راهزن معروف خاتمه دهد.

* در جستجوی خانه به‌خانه در قوچان تنها هشت تفنگ کشف و ضبط شده است.

وقایع هفتهٔ پیش‌از بیست و هشتم ماه مه

* شیخ مرتضی پسر میرزا حسن آشتیانی در بیست و چهارم ماه مه از تهران وارد مشهد شد.

* مشیر همایون از روز بیست و چهارم ماه مه کار خویش را در مقام رئیس بلدیه آغاز کرد.

*محمدخان که زمانی دستیار میرزا جوادخان سینکی کنسول ایران در عشق‌آباد بود، با انتصاب مجدد به‌سمت پیشین در روز بیست و پنجم ماه مه عازم محل مأموریت خود شد.

* دو تن از واعظین،به‌اتهام تضعیف قدرت حکومت نظامیان، دستگیر شدند. یکی از آنها میرزا عبدالله تهرانی معروف به‌صدرالواعظین است که تاکنون در گسترش نفوذ انگلیس در ایران نقش مهمی ایفاء کرده است. وی پس‌از آزادی به‌تهران تبعید شد.

* کمیتهٔ مالی کار بررسی پروندهٔ مالیاتی سالار مظفر را به‌اتمام رساند. وی مبلغ ۶۰۸۵ تومان بدهی مالیاتی خود را بلافاصله پرداخت نمود.

* والی نظامی از چندی پیش روزنامه‌های «شرق ایـــران» و «مهر منیر» را به‌طرفداری از سید ضیاء تشویق می‌کند.

* هشتادو سه نفر از خدام‌آستانه براساس‌مقررات جدید به‌سرکارخویش بازگشتند و با ادامهٔ خدمت یازده نفر به‌علت فساد اخلاق مخالفت شد.

* والی نظامی در بیست و پنجم ماه مه متن فرمان شاه در مورد برکناری سیدضیاء را که بوسیله تلگراف به‌همهٔ ایالات و ولایات مخابره شده بود دریافت کرد. شاه در فرمان خود متذکر شده بود که «نظر به‌مصالح مملکتی ،میرزا سید ضیاءالدین را از ریاست وزراء منفصل» کرده است.

* کلنل محمد تقی‌خان در بیست و هفتم ماه مه با مخابره تلگراف برای رضا خان ــ که به‌اعتقاد کلنل یکی از مهره‌های مهم حکومت تهران است ــ پس‌از تعارفات، اظهار امیدواری کردکه وی با قزاقهای تحت فرمانش بتواند با دست زدن به‌یك اقدام مناسب به‌وقایع اخیر حسن‌ختام بخشد.

* خبر سقوط سید ضیاءالدین با استقبال تجار روبرو شد. آنها پیش‌بینی می‌کنند که بلدیه در آیندهٔ نزدیك مالیاتها را تعدیل کند. زمین‌داران بزرگ و اجاره داران آستان قدس نیز طبعاً از برکناری رئیس‌الوزرا خوشحال شدند، لیکن افراد ژاندارمری

و پلیس مطمئن نیستند که تغییر حکومت به‌نفع آنها تمام شود.

* یکی از دوستان متولی‌باشی طی نامه‌ای از تهران به‌وی نوشته است، روسها برای کسب محبوبیت در میان مردم هفته‌ای یك‌بار درهای باغ خـویش[۴۸] را به‌روی عموم می‌گشایند. نویسندهٔ نامه همچنین متذکر شده است‌که مسئول عدم سازش سیدضیاءالدین طباطبایی و رضاخان شخص روتشتین بود.

* بازجویی از خداوردی‌خان عنقریب به‌پایان می‌رسد. شنیدم که خداوردی‌خان در جریان بازجویی گفته است یکی از نوکران رئیس‌التجار پیش‌از آخرین فرار، ازوی خواسته بود که نواحی مرزی را به‌آشوب بکشد و وقتی به‌رئیس‌التجار اجـازه داده می‌شود دراین‌باره توضیح دهد می‌گوید وی آن شخص را به‌درخواست قوام‌السلطنه، حاجی شیخ جعفر کشمیری و مقبل‌السلطنه نزد خداوردی فرستاده بود.

پیوست شماره هفت

تشکیلات و تجهیزات سازمانی ژاندارمری ایالت خراسان

آمار و ارقامی‌که در این گزارش آمده است نباید قطعی تلقی شود، چراکه دایماً همه‌چیز درحال تغییر است. به‌عنوان مثال نیروهای تأمینیه و قشون سابق خراسان در ژاندارمری ادغام شده‌اند و درحال حاضر نیز پرسنل خود ژاندارمری روز به‌روز افزایش می‌یابد. مقامات نظامی امیدوارند تعداد پرسنل ژاندارمری را به‌رز ۳۶۰۰ نفر برسانند و آنها را در دو فوج پیاده و یك‌فوج سوار متمرکز کنند. تشکیلات ژاندارمری خراسان هیچ شباهتی به بریگادهای قزاق تهران ندارد.

تجهیزات نظامی

۱ــ تفنگهای لوله بلند با سرنیزه کوتاه
۲ــ چهار مسلسل لوئیس[۴۹]
۳ــ دو توپ صحرایی ۷۵ میلیمتری از نوع شنایدر[۵۰]
۴ــ دو توپ کوهستانی مجهز به‌عراده
۵ــ دو مسلسل بزرگ

۴۸ــ مقصود «باغ اتابك» یا «پارك اتابك» منسوب به‌میرزا علی اصغرخان اتابك اعظم است که پس از تصاحب آن توسط «بانك استقراضی رهنی روس»، در بیست و پنجـم سپتامبر ۱۹۱۱ به‌محل سفارت دولت روسیه در ایران مبدل شد.

۴۹ــ منسوب به اسحاق نیوتن لوئیس Isaac Newton Lewis (۱۸۵۸ــ۱۹۳۱) مخترع آمریکایی.

۵۰ــ منسوب به‌ژوزف پوجین شنایدر Joseph Eugene Schneider (۱۸۶۸ــ۱۹۴۲) کارخانه‌دارفرانسوی.

پرسنل نظامی

در حال‌حاضر تعداد پرسنل ژاندارمری خراسان ۳۲۷۵ نفر است، البته با احتساب خدمهٔ درمانگاه، بیطاری و افراد مکانیك که در مجموع کمتر از ۱۷۵ نفر بـرآورد می‌شوند. از کل تعداد یاد شده ۱۵۱۲ نفر سوار، ۱۸۳۸ نفر پیاده، ۱۳۱ نفر توپچی و ۱۵۴ نفر مسلسلچی می‌باشند. بودجهٔ پرسنل ژاندارمری در تشکیلات جدید اعم از نقدی و جنسی ۱۸۳۴۵۳۰ قران برآورد شده است.

درجات نظامی افسران

افسران ژاندارمری در مجموع با احراز یکی از درجات نظامی زیر مشغول انجام وظیفه هستند:

کلنل ــ یاور ــ سلطان اول ــ سلطان دوم ــ نایب اول ــ نایب دوم ــ آسپیران اول ــ آسپیران دوم ــ آسپیران سوم ــ وکیل اول ــ وکیل دوم ــ وکیل سوم ــ سرجوخه ــ تابین اول ــ تابین دوم ــ تابین سوم.

مواجب ماهانه افسران ژاندارمری

کلنل	۲۰۰۰قران	آسپیران سوم	۲۲۰ قران
یاور	۱۲۰۰قران	وکیل اول	۱۲۰ قران
سلطان اول	۹۰۰ قران	وکیل دوم	۱۰۰ قران
سلطان دوم	۶۵۰ قران	وکیل سوم	۸۰ قران
نایب اول	۵۰۰ قران	سرجوخه	۶۰ قران
نایب دوم	۴۰۰ قران	تابین اول	۶۰ قران
آسپیران اول	۳۲۰ قران	تابین دوم	۵۰ قران
آسپیران دوم	۲۵۰ قران	تابین سوم	۳۵ قران

علاوه بر مواجب ماهانهٔ فوق به‌هریك از افسران کمك هزینه‌هایی بابت لباس، اسب، زین وبرگ، هیزم، سوخت چراغ، دارو، علیق چارپایان و مسکن پرداخت‌می‌شود.

وقایع هفتهٔ پیش‌از چهارم ژوئن

* روز یکشنبه بیست و نهم ماه مه در مشهد شایع شدکه کابینهٔ جدید بـا شرکت قوام‌السلطنه، صمصام السلطنه بختیاری و نصرت‌الدوله تشکیل خواهد شد.

* شگفت‌انگیزترین خبر این هفته انتصاب قوام‌السلطنه به‌مقام رئیس‌الوزرائی در سی‌ام ماه مه بود. متن تلگرافی فرمان، خطاب به‌والیان ایالات و حکام ولایات در عصر همین روز به‌دست والی نظامی رسید که در آن شاه انتصاب قوام‌السلطنه را «نظر به‌کفایت و خدمتگزاری و امتحانات عدیدهٔ» وی اعلام می‌داشت. بلافاصله پس‌از این تلگراف، بخشنامهٔ تلگرافی دیگری ــ این‌بار از طـرف شخص قـوام‌السلطنه ــ دریافت شد.

قوام‌السلطنه در تلگراف خود متذکر شده بود که با وجود ناخوشی حاضر به‌قبول مقام پیشنهادی شده است.

* در صبح روز سی‌ویکم ماه مه، طبق دستور ارسالی ازتهران، نجدالسلطنه به‌سمت والی ایالت خراسان منصوب و از وی خـواسته شد تا مقدمـات آزادی زندانیان را به‌استثنای یاغیان و دزدان فراهم آورد. نجدالسلطنه در پاسخ به‌تلگراف انتصاب خود، به‌تهران اطلاع داد که درصورت امکان وی را به‌علت کبر سن از قبول سمت جدید معذور دارند و اجازه داده شود که کلنل محمدتقی‌خان موقتاً ادارهٔ امور را مانند گذشته در دست داشته باشد. کلنل محمدتقی‌خان که از پاسخ نجدالسلطنه بی‌خبر بود، به‌فکر مخالفت با دستورهای صادره از تهران افتاد. به‌دستور وی کلیهٔ مخابرات تلگرافی تحت سانسور قرار گرفت و همهٔ افرادی که ممکن بود از طرف تهران به‌مقام والی منصوب شوند بازداشت گردیدند که از جمله می‌توان به‌سالار حشمت، سالار مظفر، هژبرالملك و خود نجدالسلطنه اشاره کرد. کلنل محمدتقی‌خان در ضمن با ارسال تلگراف برای فرماندهان ژاندارمری قوچان، تربت حیدریه، نیشابور و چند جای دیگر از آنهـا خواست تا درصورت تمایل حمایت خویش را از وی اعلام دارند. کلیهٔ فـرماندهان به‌دعوت کلنل پاسخ مثبت دادند.

* درهمین روز سی و یکم ماه مه آقای دبوا و کلنل محمدتقی‌خان به‌طور جداگانه مرا به‌نزد خویش فرا خواندند و نظرات و عقاید خود را که چندان تفاوتی با هم نداشت بیان کردند. کلنل به‌من گفت فقط دو راه درپیش‌رو دارد یا باید با رضا خان روبرو شود یا به‌اروپا عزیمت نماید. وی سپس متذکر شد که او با ۲۰۰ ژاندارم قوام‌السلطنه را سرنگون کرد، اینك با دراختیار داشتن یك نیروی چهارهزار نفری به‌راحتی می‌تواند ظرف سه ماه تهران را اشغال کند. من در پاسخ، پس‌از بیان ناتوانی خود در راهنمایی وی، تنها به‌کلنل محمدتقی‌خان یادآور شدم‌که حمله به‌تهران جز تحقق‌آرزوی بلشویکها، یعنی شروع جنگ داخلی نتیجه‌ای به‌دنبال نخواهد داشت. کلنل سپس از من خواست تا نظر وزیر مختار [انگلیس] را در این مورد جویا شوم.

* عصر روز سی و یکم ماه مه کلنل محمد تقی‌خان به‌تلگرافخانه رفت و ساعتها بوسیلهٔ تلگراف حضوری با وزیر دربار[۵۱]، کلنل گلروپ[۵۲] رئیس سوئدی ژاندارمری کل و سایر مقامات تهران به‌گفتگو پرداخت. وزیر دربار و کلنل گلروپ به‌کلنل محمدتقی‌خان گفته بودند که وی باید از والیگری کناره‌گیری کند و تنها در مقام فرمانده نظامی به‌خدمت خویش ادامه دهد. کلنل محمدتقی‌خان که نمی‌توانست به‌سخنان آنها اطمینان کند، ضمن ارسال پیامی برای شاه عدم‌اعتماد شدید خود را نسبت بـه قوام‌السلطنه بیان داشت.

* کلنل محمد تقی خان در صبح روز اول ژوئن نخست برای پنجاه نفر ازافسران

۵۱ــ مشارالملك.

52- Gleerup

ژاندارمری که در شهرنو (محل سابق استقرار واحدهای انگلیسی) گرد آمده بودند و سپس برای سی نفر از افراد پلیس ازجمله سرگرد برونیکوفسکی در شهر سخنرانی کرد و به‌هر دو گروه اطلاع دادکه او شرایط خود را تسلیم تهران کرده است وچنانچه این شرایط مورد قبول شاه قرار گیرد و مواجب وی نیز تمام و کمال پرداخت شود بدون سروصدا عازم اروپا خواهد شد، درغیر این‌صورت آنها او را به‌مقاومت تشویق خواهند کرد.

در عصر همان روز من به‌کلنل محمدتقی‌خان اطلاع دادم که وزیر مختار [انگلیس] از شاه قول گرفته است حکومت جدید از انتقام جویی نسبت به‌وی خودداری کند و وزیر مختار به‌وی توصیه می‌کند که سمت نظامی خویش را حفظ نماید و در صورت مصمم بودن به‌خروج از ایران، وزیر مختار می‌تواند تسهیلات لازم برای‌مسافرت او را از راه هندوستان فراهم آورد، لیکن تحت هیچ شرایطی صلاح نمی‌داند که کلنل علیه حکومت مرکزی سربه‌طغیان بردارد.

* کلنل محمدتقی‌خان از سرشناسان شهر خواست تا بعداز ناهار برای ملاقات باوی در محل دارالایاله حضور بهم رسانند. کلنل در این دیدار پس‌از اشاره به‌این‌که اعضای خانوادهٔ او مدت دویست سال خدمتگزار ملت بوده‌اند و خود او نیز هفده سال است در این راه گام برمی‌دارد و حتی در درگیریهای شیراز زخم هم برداشته است، شروع به‌خواندن نامه‌هایی کرد که بین او و تهران مبادله شده بود. کلنل سپس افزود که او هنوز منتظر پاسخ شاه به‌شرایط عاقلانهٔ خود می‌باشد. کلنل در خاتمه متذکر شد که وی ملزم به‌حمایت از افراد زیر دست خویش است و اگر آنها از قبول شرایط پیشنهادی سرباززنند، تا آخرین نفس دست از مقاومت برنخواهد داشت. سپس حضار از کلنل محمد تقی‌خان تقاضا کردند تا زمان تعیین والی جدید همچنان در مقام خویش باقی بماند. آنها همچنین به‌هشت نفر از منتخبین خود مأموریت دادند با مخابرهٔ تلگراف از شاه بخواهند که به‌خاطر مصالح ایالت، تاهنگام ورود والی جدید، کلنل ادارهٔ امور را در دست داشته باشد. امضاء کنندگان تلگراف عبارت بودند از متولی باشی، میرزا جوادخان، حاج حسین آقا، آقا محمد دانش، شیخ قاسم بلور فروش، حاج شیخ محمد کاظم تاجر، وهاب‌اف، شیخ فاضل مجتهد و...[۵۳]

شرایط پیشنهادی کلنل محمدتقی‌خان به‌شرح زیر بود:

۱ــ ترفیع درجهٔ افسران که از تصویب رئیس‌الوزرای قبلی گذشته است، می‌بایست مورد تأیید رئیس‌الوزرای جدید قرار گیرد.

۲ــ ژاندارمهای ایالت خراسان نباید به‌خاطر دخالت درحوادث اخیر مورد تعقیب قرار گیرند.

۳ــ رسیدگی به‌حسابهای مالی که از مدتی پیش آغاز شده است می‌بایست در زمان والی جدید نیز ادامه یابد.

۵۳ــ نگاه کنید به: پیوست شماره هشت.

۴ــ بودجه ژاندارمری خراسان که پیش‌از این ارسال شده است باید مورد تصویب قرار گیرد.

۵ــ رفتار والی جدید و سایر مقامات اداری با ژاندارمری می‌بایست طبق مقررات فعلی باشد.

۶ــ به‌کلنل اجازه داده‌شود با دریافت یك‌سال مواجب وهزینهٔ سفرعازم اروپا شود.

۷ــ تضمین مصونیت و ایمنی کامل کلنل تامرز کشور.

کلنل محمدتقی‌خان در دوم ماه مه جواب خود را از طریق وزیر دربار دریافت‌کرد که در آن آمده بود شاه با پنج شرط اول وی موافق است، لیکن قبول دو شرط آخر به‌علت مغایرت آنها با مصالح کشور و نیاز به‌خدمات وی نمی‌تواند مورد قبول قرار گیرد، علیهذا کلنل می‌بایست نجدالسلطنه را به‌پذیرش سمت والیگری ترغیب نماید و خود همچنان درمقام فرمانده قوای تأمینه و قشون خراسان به‌خدمت ادامه دهد. کلنل اعلام نمود که از اوامر شاه اطاعت خواهد کرد.

* سه‌تن از مشهورترین دشمنان کلنل محمدتقی‌خان یعنی هژبرالملك، سالارحشمت و میرزا قاسم‌خان که دو روز پیش هنگام حرکت از سبزوار به‌سوی تهران دستگیر و زندانی شده بودند، از زندان آزاد گردیدند.

* دستور ابطال حکومت نظامی در سراسر ایالت صادر و کلیهٔ تصمیمات مربوط به‌اصلاح امور آستان قدس با فراخواندن صدها نفر از کارکنان اخراجی آستانه به‌سر کارهای خود منتفی شد. متولی باشی که در گذشته با انجام اصلاحات موافقت کرده بود از کار برکنار گردید.

* ضیافت به‌مناسبت جشن تولد اعلیحضرت پادشاه انگلیس، به‌علت ماه رمضان، در شب چهارم ژوئن با شرکت نجدالسلطنه والی قانونی، رئیس‌التجار، مقبل‌السلطنه و سایر مقامات در محل کنسولگری برگزار شد.

پیوست شماره هشت

از طرف آقای کلنل متحدالمالی در صبح جمعه ششم اسد [۱۳۰۰] صادر و عموم طبقات مختلفه را برای عصر همان روز به‌دارالایاله دعوت نمودند.

مجلس دارالایاله

روز جمعه ششم برج اسد برحسب دعوتی که قبلا شده بود، دو ساعت به‌غروب‌مانده جمعی از اعیان و تجار و مدیران جرائد و کسبه در دارالایاله حضور پیدا کرده و پس‌از حاضر شدن آقایان مدعوین آقای کلنل محمدتقی‌خان رئیس اداره ژاندارمری در مجلس وارد شده نطق ذیل را ایراد فرمودند:

آقایان! سی و دو سال از عمر من می‌گذرد، درصورتی‌که تمام ساعات زندگانی خویش را در راه خدمت‌گزاری به‌دولت متبوعه و حفظ استقلال وطن صرف کرده و

هیچگاه از اطاعت اوامر دولت سرپیچان نبوده و نخواهم بود. اگرچه نتیجهٔ زحمات و خدمات مدت توقف و ماموریت من در خراسان هنوز عاید من نشده و هیئت محترم دولت این زحمات طاقت فرسای اینجانب را مورد توجه قرار نداده‌اند، معذلك آنی را در انجام وظیفه دولتی و ملی غفلت ننموده و نخواهد نمود.

من اهالی خراسان را دوست داشته و حفظ مال و نوامیس آنان را واجب‌می‌شمارم. به‌همین نظریه بود که دعوت اهالی را اجابت کرده حفظ امنیت این خطه را به‌عهده گرفتم و از روز پنجشنبه پنجم اسد پس از یاس از دخالت آقای‌نجدالسلطنه کفیل ایالت زمام امور ایالت خراسان را به‌دست گرفته و رضایت خاطر اهالی را مورد توجه قرار دادم، ولی لازم است که اهالی و علاقه‌مندان به‌آسایش عمومی هم به‌همین درجـه قناعت نداشته به‌فوریت تعیین یك والی[۵۴] فعال و وطن‌پرست را جهت حفظ وطن و ناموس خود از دولت و مقام مقدس سلطنت استدعا نمایند، زیرا فقط مقصود من از پذیرفتن تقاضای صلحاء و دخالت در امور ایالتی جز حفظ امنیت وجلوگیری‌از مفاسد نبوده و نیست. منتظرم که از طرف قرین‌الشرف شاهنشاهی یك والی مقتدر خدمت‌گزاری برای خراسان تعیین شود و اینجانب امور ایالتی را تفویض نمایم.

در عقبهٔ این نطق تمام حضار از اقدامات آقای کلنل اظهار امتنان و مسرت نموده و آیشان از مجلس خارج شدند. مذاکرات زیادی جریان یافت و در نتیجه برحسب رای اکثریت تلگراف ذیل را حضرت مستطاب آقای متولی‌باشی مرقوم فرمودند و پس‌از قرائت مورد تحسین واقع شده و عموم امضاء کرده به‌طهران مخابره شد.

از مشهد به‌طهران

توسط‌وزارت جلیلهٔ دربار اعظم به‌پیشگاه مقدس اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطانه.

تواریخ گذشته ثابت می‌نماید که تمام خرابیهای واردهٔ به‌این ایالت و قطعهٔ بزرگ ایران، از تسامح در اعزام والی مقتدر یا اعزام ولات غیر مقتدر بوده، متاسفانه در این اوقات این تاریخ تجدید شده و مدتی است این مملکت بزرگ در این موقع مشکل گرفتار بی‌تکلیفی شده و روز به‌روز وخامت اوضاع و ترتیبات غیر منتظره در صدد بروز است که البته خلاصهٔ آن را وقایع یومیه تلگرافخانه عرض حضور مهر ظهور ملوکانه رسانیده است، علیهذا عموم اهالی با حالت خیلی اضطراب استدعا می‌نمایند که به‌این وقایع خاتمه داده شده امر مبارك به‌تسریع والی قادر مقتدری که از عهدهٔ انجام این امر برآید بفرمائید و محض تامین حالیه که به‌فوریت لازم است جلوگیری شود امر و مقرر شود آقای کلنل محمدتقی‌خان که با قوای مقتدر نظامی دارای محبوبیت و توجه عامه و محل قبول عموم اهالی هستند و در این مدت زمامداری به‌بهترین طرزی امور این صفحه

۵۴ــ اصل: ایالت.

را اداره کرده و در این مدت هم که از ایالتی برکنار بوده‌اند باز به‌قدر مقدور در ضبط امنیت کوشیده و اگر تسامحی کرده بودند قطعاً خیلی حالات سخت پیش می‌آمد به‌تصدی امور ایالتی مشغول بوده از این خدمت که ضبط مملکت ورعایت دعاگوئی‌عموم خراسانیان به‌ذات اقدس ملوکانه است کناره ننمائید. با رجاء واثق منتظر ظهور مراحم ملوکانه و امر اکید دراین باب بوده البته حق سلطنتی را در این باب به‌این بندگان اداء خواهند فرمود. امر امر ملوکانه است.

چاکر مرتضی‌قلی طباطبائی

سردار نصرت‌تیموری ــ شیخ حیدرمجتهد ــ شیخ حسن‌مجتهد ــ معتصم‌السلطنه ــ حاج حسین آقا ــ شوکت‌الدوله ــ مستشارالسلطنه ــ شجاع‌التولیه ــ امجدالتولیه ــ ناظم‌التولیه ــ قائم مقام التولیه ــ مقبل‌السلطنه ــ مدیر شرق ایران ــ حاج ابوالقاسم ــ حاج احمد ــ حاج غلامرضا سبزواری ــ مؤیدالتولیه ــ صدیق دفتر ــ حاج میرزا یحیی ناظر ــ حاج علی تاجر ــ حاج یوسف سلماسی ــ حاج محمد مهدی ــ حاج مهدی تبریزی ــ حاج‌محمدابراهیم تبریزی ــ مصدق‌السلطان ــ حاج‌محمد دستمالچی ــ حاج‌علی عتیقه‌چی ــ محمد آقا کاشانسگی ــ حاج ابراهیم میلانی ــ حاج سید حسن تبریزی ــ محتشم حضور ــ حاج محمد علی رضایوف ــ عبدالعزیز، ناظم دفتر آستانه ــ عبدالله محمداف ــ علی‌خان عمواغلی ــ وهاب‌اف ــ میرحسین خرازی ــ اسمعیل نساج ــ ماشاالله حریری ــ حسینقلی فرشچی، سرکشیك پنجم ــ عسگراف ــ حاج‌ولی ــ حاج محمد حسین خباز ــ حاج سید اسدالله علاف ــ رئیس‌الذاکرین ــ حاج‌علی‌اکبرخباز ــ حاج محمود خوئی ــ افتخارالاسلام طباطبائی ــ حاج آقا محمد افشار ــ حاج‌محمد کلاه‌دوز ــ محمد مهدی، خادم باشی پنجم ــ حاج فیض‌الله‌خان ــ حاج محمد حسین عطار ــ حاج‌کریم ــ حاج اسدالله طهرانی.

وقایع هفتهٔ ماقبل یازدهم ژوئن

* روزنامهٔ خراسان در شمارهٔ چهارم ژوئن خود سخت به‌آقای دبــوا پیشکار مالیه و گمرك حمله کرده و او را خائن و رذل بی‌سوادی خوانده بود که پاتوغش قبلا در یکی از قهوه‌خانه‌های روسیه بوده‌است. معتصم‌السلطنه کارگزار با نشان دادن نوشتهٔ توهین‌آمیز روزنامهٔ خراسان به نجدالسلطنه از وی خواست تا سردبیر آن را مجازات کند. ولی والی از ترس رئیس‌الوزراء و این‌که هرنوع عکس‌العمل شدید احتمالا باعث ناخرسندی وی خواهد شد، تنها به‌توبیخ سردبیر اکتفا کرد. آقای دبوا پس‌از اعتراض به‌تصمیم ملایم نجدالسلطنه تهدید کرد که ادارهٔ تحت سرپرستی خود را تعطیل و خود نیز استعفا خواهد کرد. شنیدم رئیس‌الوزراء از نجدالسلطنه خواسته است که گزارش کامل ماوقع را برای وی ارسال دارد.

* سالار حشمت که چندی پیش از زندان سبزوار آزاد شده بود از آمدن به‌مشهد خودداری کرد، وی همچنان قصد دارد عازم تهران شود. سالار حشمت در زمان والیگری قوام‌السلطنه مدتی حاکم قوچان بود و سپس تا پیش‌از سقوط قوام سمت مشاور خصوصی

وی را برعهده داشت. معتصم‌السلطنه کارگزار فعلی برادرزادهٔ سالار حشمت است.

* میرزا قاسم خان، منشی خصوصی قوام‌السلطنه پس‌از آزادی به‌مشهد بازگشت و قرار است هفتهٔ آینده عازم تهران شود.

* پس‌از لغو حکومت نظامی گروههای سیاسی جدیدی تشکیل شده است. یکی از افراطی‌ترین آنها گروهی است متشکل از مردم کوچه وبازار که ضدیت با کلنل محمد تقی‌خان و حامی دوآتشهٔ وی یعنی ماژور اسماعیل‌خان و همچنین متولی‌باشی را مهمترین وظیفهٔ خود می‌دانند.

* اعلام اسامی وزرای کابینهٔ قوام‌السلطنه در روز هفتم ژوئن باعث تعجب زیاد نشد. گفته می‌شود که دوسه نفرشان از همکاران قدیمی رئیس‌الوزراء هستند و عده‌ای از وزرا نیز ضد انگلیسی می‌باشند. هرچند انتظار نمی‌رود که این کابینه زیاد دوام بیاورد، ولی ترس از آن است که کابینهٔ بعدی بیش از این طرفدار بلشویکها ازآب درآید.

* به‌اعتقاد کلنل محمدتقی‌خان صارم‌الدوله، قوام‌الدوله و فرمانفرما ازجمله کسانی هستند که ممکن است به‌والیگری ایالت خراسان منصوب شوند. کلنل می‌گوید زیر دست هیچ‌یك از این افراد کار نخواهد کرد.

* اخیراً سخنرانیهایی علیه ژاندارمری ایراد می‌شد و درهمین رابطه مجلل‌التولیه زندانی و میرزا عبدالله واعظ از مشهد تبعید شد.

وقایع هفتهٔ پیش از هیجدهم ژوئن

* آقای اس. لی[55] حسابدار بانك شاهنشاهی ایران از بیرجند به‌مشهد آمده است.

* عزیمت آقا محمد جواد ظهیرالاسلام متولی باشی آستانه که در روز یازدهم ژوئن از طرف شاه به‌تهران فراخوانده شده بود، با مشکلاتی مواجه گردید. ماجرا از این قرار بود که ظهیرالاسلام به‌دستور والی موقت، به‌علت اقامه دعاوی ظاهراً نادرست خدام آستانه علیه وی، تحت‌نظر پلیس قرار داشت. شبی که ظهیرالاسلام تحت مراقبت دو ژاندارم عازم تهران بود پلیس نگهبان با کمك چند پلیس دیگر کالسکهٔ ظهیرالاسلام را از حرکت باز می‌دارد. بلافاصله پس‌از این اقدام پلیس، چهار ژاندارم در صحنه حاضر می‌شوند و با شلیك یکی دو تیر هوایی کالسکهٔ ظهیرالسلام را آزاد می‌کنند و به‌ماجرا پایان می‌بخشند. در این درگیری یکی از افراد پلیس زخمی شد.

* کلنل محمدتقی‌خان همچنان قدرتمندترین مرد خراسان است. [نجدالسلطنه] کفیل ایالت پیرمرد ناتوانی است‌که چندان صلاحیتی برای تصدی این مقام ندارد. هیچ یك از اطرافیان وی نیز نه قادر به‌ادارهٔ امور هستند و نه از نظر سیاسی وزنه‌ای محسوب می‌شوند تا بتوانند در مقابل کلنل ایستادگی کنند.

* میرزا جوادخان سینکی کنسول سابق عشق‌آباد روز دوازدهم ژوئن به‌اتفاق همسر فرانسوی خود و مادام لاسین[56] مادر همسرش عازم تهران شد. قرار است میرزا

55- S. Lee
56- Madame Lassine

جوادخان از طرف وزارت امور خارجه جهت تصدی مقامی به‌خارج ازکشور مأمور شود. وی تازمانی که اینجا بود همیشه با محافل انگلیسی روابط دوستانه‌ای داشت. از نظر من خدمات اداری و رسمی وی در عشق‌آباد، باکووهشترخان زیادمشعشع‌نبوده‌است.

* نجدالسلطنه والی موقت، سالارنصرت را به‌سمت حاکم تربت‌منصوب وشاهزاده مرتضی میرزا، حاکم گناباد را به‌درگز منتقل‌نمود. وی همچنین علی‌رغم افشاگریهای روزنامه‌ها دربارهٔ سوء استفاده‌های مالی ورفتار مستبدانهٔ عمادالممالك، حاکم سابق ترشیز به‌او اجازه داد تا مجدداً به‌محل مأموریت خویش بازگردد. می‌گویندکه چون نجدالسلطنه بر سر امتیاز معادن فیروزه ۶۰۰۰۰ تومان مقروض شده است، علناً دست‌به فروش مناصب حکومتی زده است.

* دکتر مسیح‌السلطنه که حدود چهارده سال پیش برای جلوگیری ازگسترش طاعون و مداوای بیماران به‌سیستان آمده و به‌واسطهٔ حسن خدمت موفق به‌دریافت نشان ویکتوریا شده بود قرار است به‌سرخس اعزام شود تا پس از بررسی علل بروز بیماری طاعون درآن منطقه گزارش لازم را تهیه‌کند. دکتر در روز چهاردهم‌ژوئن به‌اتفاق خان‌صاحب ممتاز علی‌خان کمك جراح کنسولگری، مشهد را به‌قصد سرخس ترك گفت.

* به‌دستور کلنل محمدتقی‌خان و احتمالا به‌منظور قدرت‌نمایی، واحدهای ژاندارمری شامل نیروهای سوار، پیاده و توپخانه در شانزدهم ژوئن در شهر رژه رفتند.

وقایع هفتهٔ پیش از بیست و پنجم ژوئن

* هیئتی متشکل از کارگزار، رئیس عدلیه، رئیس پست، رئیس معارف ورئیس تلگراف مأمور رسیدگی به‌شکایت آقای دبوا از سردبیر روزنامهٔ خراسان شد.

* اشجع‌الملك به‌حکومت سرخس منصوب گردید.

* شاهزاده فتح‌السلطنه حاکم سابق تربت حیدریه بجای عدل‌الدوله که عازم تهران است به‌سمت حاکم نیشابور منصوب شد.

* دبیر اعظم (اعظم‌السلطان سابق) که جوان فتنه‌جویی است به‌حکومت رادکان گمارده شد.

* دوزن و یك‌مرد روس از عشق‌آباد وارد مشهد شدند و در هتل طوس اقامت گزیدند. ایشان قرار است در تاتر ارگ برنامه‌های هنری اجراکنند. نام بازیگر مرد بوگدانف[۵۷] است.

* مالیات مواد غذایی لغو شد و در مورد سایر مالیاتها نیز از تهران نظرخواهی شده است، ازاین رو سرگرد برونیکوفسکی به‌شدت نگران آن‌است‌که در آینده چگونه واز چه راهی مواجب افراد پلیس را تأمین‌کند.

57- Bogdanov

* یکی از مجتهدین ضد انگلیسی به‌نام آقامیرزا محمدرضا آیت‌الله‌زاده شیرازی ازنجف وارد مشهد شد ودر خانهٔ رئیس‌التجار منزل گزید.

* سه‌نفر از افراد بربری با تفنگهای خود از ژاندارمری گریختند.

* معتصم‌السلطنه با اتومبیل عازم بیرجند شد. او پس از کسب اجازه ازتهران، ظاهراً به‌قصد دیدار با موکلین خود که وی‌را به‌نمایندگی مجلس انتخاب‌کرده‌اند، به‌سیستان می‌رود. مصدق دیوان درغیاب معتصم‌السلطنه انجام وظایف وی را به‌عهده گرفته‌است.

* هیئت مأمور رسیدگی به‌شکایت آقای دبواکه در نوزدهم ماه جاری تشکیل شد، به‌علت عدم حضور رئیس عدلیه و شخص متهم، به‌کارخود پایان داد. رئیس‌عدلیه و سردبیر روزنامهٔ خراسان در توجیه دلیل عدم حضور خود متذکر شدندکه طبق قانون اساسی و قانون مطبوعات این دعوی می‌بایست دریکی ازدادگاههای عدلیه مطرح‌شود.

* این روزها راجع به‌حوادث تهران شایعات عجیب و غریبی رواج دارد. تا چند روز پیش همهٔ مامطمئن بودیم‌که رضاخان وزیرجنگ ترورشده‌است. دو روزنامهٔ محلی یعنی «شرق ایران» و «مهر منیر» هم مطالبی دربارهٔ فراخوانده‌شدن وزیرمختار و آمدن سرپرسی کاکس[58] یا سر ا. تی. ویلسون[59] بجای وی درج‌کرده بودند. من در گفتگویی که باکارگزار و سایر مقامات محلی داشتم هردو قضیه راتکذیب‌کردم.

* در روز بیستم ماه جاری شایع‌شدکه زبردست‌خان از مسکو بازگشته است وعده‌ای از افراد وی به‌قصد حمله به‌یکی ازپست‌های ژاندارمری از مرز عبورکرده‌اند. کلنل محمدتقی‌خان‌که به‌شدت نگران اوضاع قوچان بودیك واحد دویست نفری از نیروهای ژاندارمری را به‌آنجاگسیل داشت و ماژور اسماعیل‌خان از مهره‌های سرسپرده ووفادار به‌او نیز شخصاً برای رهبری عملیات مشهد را ترك‌گفت.

* در بیست و سوم ژوئن یك جاسوس جوان ارمنی به‌نام بابیك‌گوکاسف[60]که برای بالشویکها گزارش تهیه می‌کرده‌است توسط پلیس دستگیر شد. نسخه‌ای‌ازگزارش اورا به‌من نشان دادندکه درآن مانند گزارشهای مأموران ما اطلاعاتی دربارهٔژاندارمری واسامی مقامات و... نوشته‌شده بود. من فکر نمی‌کنم ارسال چنین اطلاعاتی درزمان صلح قابل اعتنا باشد، البته زمانی‌که کنسولگری روس بازگشایی شود بدون شك دستگاه جاسوسی بالشویکها توسعهٔ بیشتری خواهد یافت.

* آقای دبوا پیشکار مالیه و رئیس گمرك درارتباط با مقالهٔ توهین‌آمیز روزنامهٔ خراسان طی ارسال تلگرافی به‌تهران از پیشکاری مالیه استعفا داد. هرچند هنوز با استعفای دبوا موافقت نشده است، لیکن وی اصرار دارد که کارها را به‌دست معاون پیشکاری[61] بسپارد.

58- Sir Percy Cox

59- Sir A. T. Wilson

60- Babik Gukasoff

۶۱ــ مقصود ایرج میرزا ملقب به‌جلال‌الممالك است.

* روزنامهٔ خـراسان به‌علت حملهٔ گستاخـانه و دور از انتظار سردبیر آن به نجدالسلطنه در مورد نحوهٔ انتصاب حکام ولایات خراسان توقیف شد.

* یك ستون مرکب از نوزده خودرو در روز نوزدهم و ستون دیگری شامل ده‌خودرو در روز بیست وپنجم ژوئن مشهد را به‌قصد دزدآب ترك‌کردند. بدین ترتیب کلیهٔ خودروهای واحد نقلیهٔ انگلیس از مشهد خارج شدند. سروان بالفور کلارك[۶۲] فرمانده واحد نقلیه و سروان جی. ا. فالکونر دستیار سرکنسول نیز در روز بیست وپنجم ژوئن مشهد را ترك‌گفتند. فالکونر برای استفاده از مرخصی خود به‌انگلستان می‌رود.

* در اواخر هفته همهٔ مردم شهر مطمئن بودندکه کابینهٔ قوام‌السلطنه دیری نخواهد پائید و عنقریب به‌دست میرزاکوچك‌خان و احسان‌الله‌خان ساقط خواهد شد. به‌همین‌دلیل سه تن از نمایندگان مجلس یعنی معتصم‌السلطنه، عمادالسلطنه و مقبل‌السلطنه برای نرفتن به‌تهران به‌دنبال بهانه می‌گشتند، ولی نفر چهارم یعنی رئیس‌التجار که می‌داند به‌علت برقراری ارتباط با خداوردی، یاغی مشهور، به‌منظور براندازی حکومت کلنل جانش درخطر است، باعجلهٔ تمام مشغول سروسامان دادن به‌کارهای خود شده است تادر نخستین فرصت پابه‌فرار نهد.

* کلنل فرج‌الله‌خان در رأس یك‌ستون یکصدوپنجاه نفری وارد بندرگز شد.

وقایع هفتهٔ پیش از دوم ژوئیه

* عمادالسلطنه رئیس عدلیه و وکیل مجلس به‌تهران احضار شد. وی برای رفتن به‌مرکز بامن مشورت‌کرد. من به‌او گفتم‌که چون نماینده و حامی قوام‌السلطنه بوده است، بنابراین باید عازم تهران‌شود. آقا شریعتمدار[۶۳] نمایندهٔ بروجرد نیزکه چند روز پیش برای زیارت به‌مشهد آمده بود، به‌تهران فراخوانده شد.

* خداوردی والله‌وردی دوبرادر راهزن در ساعت یك بامداد روز بیست وهشتم ژوئن تیرباران شدند.

* هنوز اقدامی علیه سردبیر روزنامهٔ خراسان صورت نگـرفته است. از تهران بوسیلهٔ تلگراف از آقای دبوا خواسته شده است‌که استعفای خویش را پس‌بگیرد. حاج حسین آقا خودسرانه، ولی از روی خوش‌قلبی، پیشنهاد کرد که از سردبیر روزنامه بخواهند تا رسماً از آقای دبوا عذرخواهی‌کند. آقای دبوا با عصبانیت این پیشنهاد را ردکرد، در نتیجه حاج حسین‌آقا و شخصی به‌نام زوارزاده شروع به‌گرفتن امضاء ازمردم و همچنین تهیهٔ استشهاد علیه بلشویکها کرده‌اند.

* یکی دیگر از ملاهای ضدانگلیسی به‌نام شیخ‌فخری برای زیارت از نجف وارد مشهد شد.

* خان صاحب ممتاز علی‌خان کمك جراح کنسولگری در بیست‌وهشتم ژوئن

62- Balfor Clark

۶۳ـ حاج سید حسن شریعتمدار.

از سرخس به‌مشهد بازگشت. براساس گزارش وی بین اول فوریه تاسوم ژوئن یکصدو بیست نفر درآن قسمت از خاك ایران از بیماری طاعون به‌هلاکت رسیده‌اند. خان صاحب می‌گوید تنها یك بیمار طاعون زده ازمرگ جان بدر برده‌است. متن کامل گزارش برای مسئول صحیه به‌تهران ارسال شد.

* شجاع نظام حاکم غیرنظامی باجگیران معزول و وظایف وی به‌یك افسر ژاندارم سپرده شد.

* چهار ناحیه ایالت خراسان یعنی قوچان، درگز، باجگیران و شیروان تحت حکومت نظامی است. ماژور اسماعیل خان درسی‌ام ژوئن از درگز به‌مشهد بازگشت.

* عده‌ای از تجار و دکانداران قوچان در روز سی‌ام ژوئن به‌منظور اعتراض به‌میزان مالیاتها در تلگرافخانه بست نشستند.

* سردار معزز گزارش دادکه افراد او موسی‌خان، راهزن معروف را کشته و سر وی را به‌بجنورد فرستاده‌اند.

* ماژور رضاخان موقتاً به‌سمت مسئول حکومت سرخس منصوب شد.

وقایع هفتهٔ پیش از نهم ژوئیه

* سید مرتضی‌قلی‌خان در سوم ژوئیه برای تصدی مقام متولی‌باشی از تهران وارد مشهد شد. به‌مرتضی قلی‌خان اجازه داده نشد در اقامتگاه رسمی خود یعنی دارالتولیه سکونت کند، زیرا شاه قبلا بوسیلهٔ تلگراف اطلاع داده بود که اقدس‌السلطنه عمهٔ وی و عیال ظهیرالاسلام راضی به‌اقامت متولی‌باشی جدید در دارالتولیه نیست. دراواخر هفته دستور رسیدکه خانم [اقدس‌السلطنه] با احترام تمام و آسایش کامل به‌تهران حرکت داده شود. ظهیرالاسلام شوهر خانم نیز از سمت خود استعفا داد.

* شوکت‌الممالك و میرزا علی‌اکبر به‌ترتیب به‌نیابت حکومت کوه سرخ و کوه‌پایه منصوب شدند.

* جلال‌الممالك از اوضاع و احوال چنین فهمیده است‌که بزودی از معاونت پیشکاری مالیه برکنار خواهد شد. از سراج‌الملك و غلامحسین منگنه به‌عنوان‌جانشین جلال‌الممالك اسم برده می‌شود.

* حاج محمدجعفر کشمیری رهبر دمکراتها مجدداً فعالیت‌های شیطنت‌آمیز خودرا شروع‌کرده است.

* یك ستون شامل هفتاد ژاندارم از قوچان وارد مشهد شدند.

* بژاندارمها روزی پنج ساعت آموزش نظامی داده می‌شود و هرروز ساعت چهارونیم صبح رژه می‌روند.

* گزارش رسیده حاکی از آن است‌که به‌دستور رئیس‌الوزراء حیدر شاه رئیس طایفهٔ بربری هشتصد نفر از افراد خود را برای مقابله با کلنل‌محمدتقی‌خان تجهیز کرده است. همچنین می‌گویندکه عده‌ای از خوانین به‌خواهش رئیس‌الوزراء قول همدستی به‌حیدرشاه داده‌اند و همگی آماده‌اند برای سرنگون کردن کلنل دست

بکارشوند.

* سلطان حسن‌خان افسر توپخانه از تهران وارد مشهد شد و خودرابه‌ژاندارمری معرفی‌کرد.

* به‌علت بیماری منصورالملك حاکم درگز، ماژور شجاع نظام جانشین وی‌شد.

وقایع هفتهٔ پیش‌از شانزدهم ژوئیه

* سرگرد دی. هرون[۶۴] و خانم هرون در دهم ژوئیه وارد مشهد شدند.

* سید ابوالقاسم علامه طباطبایی از ملاهای طرفدار انگلیس در روز یازدهم ژوئیه مشهد را به‌قصد تهران ترك‌گفت.

* رئیس‌التجار نمایندهٔ مجلس از سبزوار، در دوازدهم ژوئیه مشهد را بقصد تهران ترك‌کرد.

* نجدالسلطنه به سردبیر روزنامهٔ خراسان اجازه داد تا مجدداً کار انتشار روزنامه را ازسرگیرد.

* یکی از طرفداران زبردست‌خان به‌نام حضرت قلی به‌جرم کمك به افراد شورشی تیرباران شد.

* آقای دبوا می‌گوید قوام‌السلطنه ظاهراً تصمیم دارد با تمهیداتی اورا از ریاست گمرك نیز مانند پیشکاری مالیه کنار بگذارد.

* حکومت مرکزی از تصویب بودجهٔ خراسان امتناع می‌ورزد و خرج‌کردن درآمدهای مالیاتی نیز موکول به کسب اجازه از پایتخت است. کلنل محمدتقی‌خان تنها برای مخارج دوهزار نفر از افراد مرکز فرماندهی کل ماهانه به‌پنجاه هزارتومان احتیاج دارد.

* نجدالسلطنه مبلغی در حدود چهارصدتومان راکه مرحوم مرسل‌خان به‌ادارهٔ پست سپرده بود تصاحب‌کرد. این عمل نجدالسلطنه بر میزان نفرت کلنل محمدتقی خان از وی افزوده است.

وقایع هفتهٔ پیش‌از بیست و سوم ژوئیه

* متولی‌باشی جدید با صدور بیانیه‌ای کلیهٔ قراردادهایی راکه کلنل‌محمدتقی خان بدنیابت از طرف آستان قدس منعقدکرده بود باطل و قراردادهای سابق را معتبر اعلام‌کرد.

* آقامیرزا محمدرضا آیت‌الله‌زاده شیرازی از مجاهدین نجف‌که اخیراًازبیرجند بازگشته ظاهراً دریافته است‌که نمی‌تواند عازم مکه شود.

* مقبل‌السلطنه نمایندهٔ ترشیز در مجلس، پس‌از شکستن سر یك زرگر مشهدی باعصای خویش باعکس‌العمل شدید پیشه‌وران شهر روبرو شد. مردم به‌حمایت از زرگر

64- D. Heron

مصدوم روز هفدهم ژوئیه در مقابل خانهٔ نجدالسلطنه دست به‌تظاهرات زدند. مقبل السلطنه گفت که حاضراست برای جلب رضایت زرگر پانصد تومان به‌وی بپردازد. من فکر می‌کنم با پرداخت این پول قضیه خاتمه یابد.

* نجدالسلطنه کفیل ایالت در روز هفدهم ژوئیه به‌تهران اطلاع دادکه به‌علت بیماری ظرف دو سه روز آینده از مقام خویش کناره‌گیری خواهدکرد.

* گزارش می‌شودکه گروههای کوچکی از ژاندارمها در مسیر جادهٔ مشهد ـ سرخس و مشهد ـ تهران مستقر شده‌اند. دلیل این نقل و انتقالات هنوز روشن‌نیست، ولی مردم می‌گویند کلنل محمدتقی‌خان قصد دارد درصورت اعزام والی جدید ازطرف حکومت مرکزی، وی را در بین راه بازداشت نماید.

* سرپرستی تلگرافخانه که قبلا توسط ژاندارمها اشغال شده بود، عملا به‌دست آقای دبوا سپرده شده است. آقای دبوا که به‌رغم مخالفت شاه از سمت پیشکاری مالیه استعفا کرده بود، مجدداً به‌دستور کلنل محمدتقی‌خان به‌سرکار خویش بازگشته‌است. وی‌می‌خواهد به‌اوضاع مالی ژاندارمری سروسامان دهد. آقای دبوا همان‌کسی است که اسبها و اتوموبیل قوام‌السلطنه را ضبط و مصادره‌کرد و همچنین دستور تهران را برای ارسال هزار قبضه تفنگ انگلیسی نادیده گرفت. بنابراین آقای دبوا و کلنل محمدتقی‌خان از زمان شورش ژاندارمری خراسان هریك به‌گونه‌ای در برابر دولت ایران به‌مخالفت برخاسته‌اند.

روزنامهٔ شرق ایران در این مورد نوشت:

«نظر به‌این‌که به‌واسطهٔ کناره‌گیری مسیو دبوا از امور مالیهٔ خراسان ونیامدن یك‌پیشکار فعال امور ادارهٔ مالیه دچار اختلال‌شده وبه‌کلی تمام چرخهای آن‌اداره ازکار افتاده و احتمال‌قوی می‌رفت‌که از این راه به‌منافع دولت سکته وارد بشود از طرف آقای کلنل به‌مسیو دوبوا اخطارشدکه حتماً به‌ادارهٔ مالیه حاضر شده از اختلال امورمالیاتی جلوگیری کند. مسیو هم برحسب دستور آقای کلنل صبح شنبه هفتم‌اسد [۱۳۰۰] به‌ادارهٔ مالیه رفته، اداره را تحویل‌گرفت.»

* شیروان، قوچان، باجگیران و درگز همچنان تحت حکومت نظامی است.

* ضیاءالحضور رئیس جدید ادارهٔ تحدید[۶۵] سیستان و قائنات در روز بیست ویکم ژوئیه از تهران وارد مشهد شد.

۶۵ـ ادارهٔ وابسته به‌وزارت مالیه‌که دراصل به‌منظور محدود کردن عرضهٔ تریاك تاسیس شد. طبق موازین قانون تجارت آن زمان تولید کنندگان می‌بایست تریاکهای خود را به‌انبارهای دولتی تحویل دهند و پس‌از انجام عمل تریاك مالی، الصاق باندرول و تعیین قیمت، تحت‌نظر بازرسان دولت اقدام به‌حمل و نقل و بالاخره فروش آن نمایند. ادارهٔ تحدید در هر شهر انبار و کارخانه‌ای برای تریاك مالی و الصاق باندرول‌داشت که ظاهراً تحت نظر ادارهٔ مالیه محل بود. درشمارهٔ ۱۴۵ روزنامهٔ رعد ذیل عنوان «یغمای مالیهٔ خراسان» چنین می‌خوانیم:

«برطبق تلگراف وزارت مالیه و ادارهٔ تحدید مرکزی مقرر است که ریاست تحدید اینجا تمبر وباندرول وشیره وسوخته و غیره‌را تحویل‌ادارهٔ مالیه نموده ومجدداً تحویل بگیرد.»

* دزدی درشهر افزایش یافته است. رئیس نظمیه در پاسخ به‌اعتراض نجدالسلطنه درمورد افزایش میزان دزدیها متذکر شدکه نظمیه برای حراست ازمنازل مردم وبرقراری امنیت باکمبود پرسنل روبرو است وازطرف دیگر افراد موجود به‌علت ناامیدی از آینده، روحیهٔ خودرا از دست داده‌اند. بعضی از جرایم به‌آن دسته از بربریها وکردها نسبت داده می‌شودکه درگذشته درخدمت دولت بریتانیا بوده‌اند.

* در شامگاه روز جمعه دو بمب در شهر منفجر شد، یکی پشت دیوار باغ نجدالسلطنه و دیگری دربارغ عمارت دارالتولیه کنار بازار شهر، همان جایی‌که [اقدس السلطنه] عیال متولی باشی سابق هنوز درآن اقامت دارد. ترکش بمب دوم کودك سه سالهٔ دربان راکه در فاصلهٔ چهارصدمتری محل انفجار خوابیده بود کشت. سرگرد برونیکوفسکی معتقد است در ساختن بمبها از گلولهٔ قدیمی شراپنل استفاده شده است. بمبها بوسیلهٔ فیوزمنفجرشده‌اند.به‌نظرمن عاملان انفجار قصد داشتند از یك طرف با ترساندن نجدالسلطنه، وی را مجبور به‌استعفاکنند و از طرف دیگر مردم را وادار سازندکه به‌برقراری حکومت نظامی به‌فرماندهی کلنل محمدتقی‌خان رضایت دهند. اگر این نظریه درست باشد نتیجه می‌گیریم‌که عامل بمب‌گذاری خود ژاندارمری بوده است، احتمالا بی‌آن‌که کلنل محمدتقی‌خان در این توطئه دست داشته باشد. ماژور اسماعیل خان آن‌طورکه برای من گفته‌اند آدمی است فتنه‌جو و گزافه‌گو درست‌مانند رضاخان وزیرجنگ‌که می‌گوید در مقابل گلوله روئین‌تن است. ماژور اسماعیل‌خان درجایی گفته‌است درصورت تبعید کلنل‌محمدتقی‌خان آرزو دارد حتی به‌تهران لشکرکشی‌کند.

* روز یکشنبه اخطارنامهٔ مشکوکی به‌امضای «کمیتهٔ بمب اندازان» به‌کنسولگری رسید و همزمان باآن نامه‌های مشابهی برای نجدالسلطنه، کلنل محمدتقی‌خان، متولی باشی، میرزا ناظر، حاج‌میرزا یحیی ناظر، مقبل‌السلطنه و اقدس‌السلطنه ارسال‌شد.

* معتصم‌السلطنه کارگزار امروز عصر (۲۳ ژوئیه) از سیستان‌به‌مشهد بازگشت.

وقایع هفتهٔ پیش از سی‌ام ژوئیه

* یك ترك ناشناس در بیست و پنجم ژوئیه نامهٔ بی‌امضایی راکه با جوهرقرمز نوشته شده بود به‌دست نجدالسلطنه داد و کسی هم اقدام به‌دستگیری وی نکرد. درنامه اخطار شده بود اگر نجدالسلطنه از سمت خویش کناره‌گیری نکند و از شهر خارج نشود به‌قتل خواهد رسید.

* نجدالسلطنه در روز بیست و ششم ژوئیه، برای رفتن به‌باغ شخصی خود در خارج از شهر، کتباً از کلنل محمدتقی‌خان درخواست نمود گروهی ژاندارم جهت محافظت وی اعزام دارد.

* از تهران به‌نجدالسلطنه دستور داده شد که همچنان در مقام خویش‌باقی‌بماند.

* نجدالسلطنه در بیست و هفتم ژوئیه به‌تهران اطلاع دادکه تنها چند روز، آن هم برای حفظ ظاهر، به‌کار ادامه خواهد داد، ولی پس‌ازآن تصمیم دارد از رختخواب

خود بیرون نیاید.

* نجدالسلطنه در بیست و هشتم ژوئیه به‌دارالایاله رفت و رسماً مسئولیت و اختیارات خود را به‌کلنل محمدتقی‌خان واگذار نمود.

* عمادالسلطنه رئیس عدلیه و نمایندهٔ مجلس در بیست و هشتم ژوئیه عازم تهران شد.

* کلنل محمدتقی‌خان در بیست و نهم ژوئیه خطاب به‌دویست و پنجاه نفر از سرشناسان شهر که به‌دعوت وی‌گرد آمده بودند گفت، به‌علت بی‌نظمی و هرج‌ومرج رایج حکومت ایالت را به‌دست‌گرفته است. کلنل پیش از ترك محل از حاضران خواست تا نظرات خود را به‌تهران تلگراف‌کنند. شرکت‌کنندگان نیز پس ازگفتگوی مختصر با یکدیگر پیش‌نویس تلگراف خود خطاب بنوزیر دربار را تهیه‌کردند. در این پیش‌نویس از وزیر دربار خواسته شده بود تا زمان انتصاب والی واجد شرایط، کلنل محمدتقی‌خان مسئولیت ادارهٔ امور ایالت را عهده‌دار باشد. من فکر می‌کنم کلنل حداقل انتظار داشت‌که حاضران در جلسه خواستار انتصاب دایم وی درمقام والی ایالت باشند. خود کلنل بعداً تلگرافی برای مشیرالدوله فرستاد تا وی به شاه تقدیم‌کندکه هنوز پاسخی به‌آن داده نشده است.

* کلنل تاکنون آگاهانه از اجرای دستورهای کابینه در موارد زیر سرباز زده است:

۱ــ ارسال یکهزار قبضه تفنگ.

۲ــ خودداری از بذل و بخشش از محل خزانهٔ ایالت.

۳ــ استرداد اسبهای مصادره شدهٔ قوام‌السلطنه.

کلنل محمدتقی‌خان درنهایت پس از معرفی والی جدید ــ که زمان آن دور نیست ــ دست خودرا باید روکند ودرعمل نشان دهدکه قصد اطاعت دارد یاشورش. کلنل مطمئن است قوام‌السلطنه ــ اگر بتواند ــ می‌خواهد اورا خرد کند، از این‌رو به‌نظر می‌رسدکه تصمیم به‌اعلام استقلال خراسان گرفته است.

* منتظم‌السلطنه کارگزار سابق قوچان به‌سمت مسئول صدور گذرنامه منصوب‌شد.

* طبق خبر روزنامهٔ خراسان وزیر مالیه[۶۶] با دو ماه مرخصی با حقوق و مزایای شاهزاده جلال‌الممالك معاون پیشکاری موافقت نموده و شاهزاده مبلغ۱۴۰۰ تومان به‌طور علی‌الحساب از خزانه برداشت‌کرده است.

* آقا شمس‌العلما سردبیر روزنامهٔ چمن به‌سمت بازرس موقوفات اطراف مشهد منصوب شد.

* کلنل محمدتقی‌خان عده‌ای از فراشها و میرزاهای دفتر والی‌رااز کاربرکنار کرد و خودمجدداً در عمارت ارگ اقامت گزید.

* تاکنون پیشرفت زیادی در امر شناسایی مرتکبین انفجار بمبها حاصل نشده

۶۶ـ مقصود عبدالله وثوق ملقب به‌معتمدالسلطنه کفیل وزارت مالیه است.

است. من فکر می‌کنم که بعضی از اعضای حزب «جویندگان صلح» در این کار دست داشته‌اند، افرادی چون بهاءدفتر، علم‌الـدوله، اسدآقا زوارزاده، سیدحسن خرازی، صدرالادبا، سید کاشف الملك وامجدالملك. دو نفر آخر یعنی کاشف‌الملك و امجد الملك از جمله با ارزشترین گزارشگران کنسولگری هستند. من اطلاع یافتم کـه باغبان دارالتولیه، در عصر روز وقوع انفجار، مردی را بااونیفرم خاکی‌رنگ ـمثل لباس ژاندارمها ـ در محوطهٔ باغ دیده است. به‌نظر من آن مرد می‌تواند همان بمب گذار باشد. مطمئناً هیچ یك از افراد یاد شده که غیرنظامی هستند نمی‌توانند خود عامل انفجار بمبها باشند.

وقایع هفتهٔ پیش از ششم اوت

* شاهزاده مرتضی میرزا و منتظم‌السلطنه، اعضای هیئت ایرانی کمیسیون‌مرزی، در سی‌ام ژوئیه مشهد را به‌قصد درگز ترك‌گفتند. مأموریت این هیئت علاوه برگفتگو دربارهٔ تقسیم آبهای مرزی واسترداد زبردست‌خان، تهیه‌گزارش درمورد روابط حسن کریمی، کارگزار سابق درگز، با زبردست‌خان است.

* کلنل محمدتقی‌خان بعداز ظهر روز اول اوت ابلاغ انتصاب صمصام‌السلطنه[۶۷] به‌مقام والی ایالت خراسان راکه از تهران ارسال شده بود دریافت‌کرد. کلنل بلافاصله طی مخابرهٔ یك تلگراف پس از تبریك انتصاب صمصام‌السلطنه به‌وی متذکر شد که قبل ازورود «حضرت مستطاب» باید مشکلات عمدهٔ موجود از پیش پای برداشته شود. کلنل سپس با ارسال تلگرافهایی برای مستوفی‌الممالك، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملك و سلیمان میرزا از آنها دعوت‌کرد تا بوسیلهٔ تلگراف حضوری با وی گفتگـو نمایند. من فکر نمی‌کنم هیچ یك ازافراد مذکور به‌کلنل جواب مثبت داده باشند.

* رهبران و سرشناسان محلی در روز دوم اوت از موضـوع انتصاب صمصام السلطنه مطلع شدند و بعضی از ایشان از اظهار شگفتی خودداری نکردند. گروهی به‌نظور مخالفت با انتصاب والی جدید در محل دارالضیافهٔ آستان قدس گرد آمدند و خواستار ارسال تلگراف اعتراض‌آمیز به‌تهران شدند. از جملهٔ امضاء کنندگان متن پیش‌نویس تلگراف معتصم‌السلطنه، حاجی قائم‌مقام تولیه، حاج حسین آقا، سالارمظفر، اسدآقازوارزاده، سید مصطفی و میرزا ناظر بودند.

* شاهزاده درویش علی‌میرزا رئیس سابق نظمیه سیستان در چهارم اوت از تهران وارد مشهد شد. به‌شاهزاده دستور داده شده‌است‌که مجدداً به‌سیستان بازگردد، ولی شوکت‌الملك‌که باوی دشمنی می‌ورزد در کنکاش است تاکس دیگری را بجای او به‌ریاست نظمیه منصوب نمایند.

* میرزا غلامحسین منگنه کـه قرار است جانشین آقای دبوا پیشکار مالیه شود درپنجم ماه اوت وارد شاهرود شد.

۶۷ـ نجفقلی‌خان بختیاری ملقب به‌صمصام‌السلطنه.

* کلنل محمدتقی‌خان به‌شدت با برکناری آقای دبوا مخالفت می‌ورزد و احتمالا نخواهد گذاشت که میرزا غلامحسین منگنه از سبزوار فراتر آید.

* معتصم‌السلطنه کارگزار، به‌معاونت از طرف کلنل محمدتقی‌خان، کاررسیدگی به‌شکایات و امور غیرنظامی را شروع کرده‌است. این‌روزها بیشتر اوقات کلنل مصروف کارهای نظامی می‌شود.

* بعداز ظهر ششم اوت جـواب رئیس‌الوزراء دریافت شد. پاسخ وی حـاکی از آن‌بود که صمصام‌السلطنه از اعتماد کامل شاه برخوردار است و انتصاب وی باتوجه به‌تقاضای مردم ایالت خراسان انجام گرفته و «ایشان» بزودی عازم محل مأموریت خود خواهند شد. تلگراف جوابیه رئیس‌الوزراء طبعاً نمی‌توانست باعث خشنودی خاطر کلنل و دیگر مقامات طرفدار وی شود، بنابراین با تبلیغات و بـراه انداختن جار و جنجال خواستار آن شدندکه تعداد افراد اسکورت همراه صمصام‌السلطنه به‌حداقل‌ممکن تقلیل یابد.

* گزارش می‌شود قوام‌السلطنه با مخابرهٔ تلگراف برای حیدرشاه رئیس طایفهٔ بربری وی‌را از حمایت ودوستی خود مطمئن‌کرده است وحیدرشاه نیز مشغول‌تحریک آن گروه از بربریهایی است‌که به‌نیروهای تحت فرماندهـی کلنل محمد تقی خـان پیوسته‌اند.

* از آنجاکه کلنل محمدتقی‌خان خود به‌خوبی می‌داند در برابر حکومت‌مرکزی فردی یاغی تلقی می‌شود، بنابراین به‌حق نگران ورود والی جدید یعنی صمصام‌السلطنه به‌خراسان است، هرچند هردو قول داده‌اندکه با یکدیگر همکاری‌کنند.

* کلنل محمدتقی‌خان به‌منظور استقبال از صمصام‌السلطنه نخست یکصدنفر و به‌دنبال آن یکصد و پنجاه نفر دیگر به‌سبزوار گسیل داشت، ولی اعلام کرد که چنانچه والی جدید بخواهد با انبوهی از همراهان مسلح خود به‌سوی شهر روانه شود، کلنل باورود وی موافقت نخواهدکرد.

* سرگرد برونیکوفسکی رئیس پلیس که تابع رئیس خود در تهران است از ادامهٔ خدمت در ایالتی که والی آن مورد تائید حـکومت مرکزی نیست اظهـار نارضایی می‌کند.

* بیشك کلنل محمدتقی‌خان که مرد فسادناپذیری است در دل مردم جای‌دارد. اززمان تصدی مجدد او لحظه‌ای نظم عمومی شهر بهم نخورده، تیری از تفنگ‌کسی شلیك نشده و مراکز فساد هم به‌حداقل ممکن کاهش یافته است. پلیس ویژهٔ گشت شبانه از خانه‌های مردم حراست می‌کند و گشت‌سوار شبها در جاده‌های خارج شهر به‌نگهبانی مشغول است.

وقایع هفتهٔ پیش از سیزدهم اوت

* روحانیون و تجار طرفدار کلنل محمدتقی‌خان در روز هفتم اوت با ارسال تلگراف به‌کابینه، ضمن اعتراض به‌انتصاب صمصام‌السلطنه خواستار ابقای کلنل‌محمد

تقی‌خان درمقام خویش شدند.

* در اوایل هفته از تهران به‌سرگرد برونیکوفسکی دستور داده شد که همچنان ریاست پلیس را عهده‌دار باشد. سرگرد برونیکوفسکی به‌من گفت تنی چند از افراد پلیس علیه وی دست به‌تحریك زده‌اند، ولی اوبا مشکل مالی روبرو نیست. ظاهراً عوارضی که بوسیلهٔ بلدیه گـرفته می‌شود کفاف مخارج را می‌دهد، کما این‌کـه مرمت جاده‌ها بی‌وقفه ادامه دارد.

* معتصم‌السلطنه نمایندهٔ سیستان تصمیم گرفته است‌که از رفتن به‌تهران وحضور درمجلس خودداری کند. معتصم‌السلطنه قبلا اطلاع یافته‌بودکه به‌تحریك تهران عده‌ای ازمردم سیستان با ارسال تلگراف خواستار ابطال نمایندگی و رد اعتبارنامهٔ‌وی‌شده‌اند.

* جلال‌الممالك معاون سابق پیشکار مالیه از طرف آقـای دبوا به‌کار دعوت شده‌است.

* کلنل محمدتقی‌خان با ارسال تلگراف برای صمصام‌السلطنه ضمن اظهاراطاعت به‌وی متذکر شده است‌که «مردم از آمدن سواران بختیاری ناراضی هستند وچنانچه عدهٔ بختیاری همراه نخواهند بود اطلاع فرمایند تا بتوانم اهالی را ساکت ومطمئن سازم... استدعایی‌که خواهم داشت همان ابقای مسیو دبوا است و بس».

* به‌دستور کلنل محمدتقی‌خان شجاع‌الدوله و سالاراشجع به‌ترتیب مأمور تربت جام و خواف شدند. مقصود کلنل از اعزام این‌دو سردار تیموری، مطیـع ساختن شجاع‌الملك است.

* فتح‌السلطنه حاکم نیشابور که به‌نفع قوام‌السلطنه فعالیت می‌کند مشغول‌مکاتبه باسران طوایف است. سردار معزز بجنوردی نیز از حامیان حکومت مرکزی است. به‌اعتقاد من طوایف خراسان تاجایی‌که بتوانند بی‌طرفی خویش را حفظ‌خواهندکرد.

* آقای دبوا با ارسال دونامهٔ مفصل برای روزنامه‌های «شرق ایران» و«بهار» که به‌ترتیب در چهارم و یازدهم اوت منتشر شد سخت به‌قوام‌السلطنه حمله‌کرد. دبوا درنامهٔ اول از ۴۸۳۲۰۰ قران اختلاس از حسابهای ژاندارمـری، با شرح جزئیات پرده برداشت و درنامهٔ دوم ترتیب گرفتن رشوه از افرادی‌که به‌حکومت ولایات منصوب می‌شدند بیان شده بود.

* انتشار جزوات مشابه که با استفاده از ژلاتین نوشته می‌شوند و در آنها به صمصام‌السلطنه و قوام‌السلطنه فحاشی شده است همچنان ادامه دارد.

* به‌دستور رئیس بلدیه قیمت نان کاهش یافت واز یك‌من دوقران به‌هیجده شاهی رسید.

* اطلاع یافتم که میرمهدی یکی از آشوبگران قفقازی اخیراً به‌منظور مقابله بامخالفین بلشویکها اقدام به‌تأسیس «کمیتهٔ مجازات» کرده است.

* روسهای مقیم مشهد پس از شنیدن اخبار مربوط به‌گسترش قحطی و مرض درکشورشان سخت ساکت و غمگین به‌نظر می‌رسند.

* در روز یازدهم اوت امام جمعه خویی تلگراف دیگـری برای روحانیون

تهران مخابره کرد.

* صمصام‌السلطنه در سیزدهم اوت با ارسال تلگراف از تهران ضمن دادن «قول ایلخانی» به‌کلنل محمدتقی‌خان او را مطمئن ساخت‌که برخلاف شایعات رایج درمورد اسکورت همراه «اینجانب با کالسکهٔ چاپاری قریباً حرکت می‌نمایم... و به‌شرافت ایلخانی خودم به‌جنابعالی اطمینان می‌دهم‌که کاملا مورد اعتماد من هستید». صمصام السلطنه همچنین راجع به‌آقای دبوا متذکر شده بود که دولت با ادامهٔ خدمت وی مخالف است، لیکن او خواهد کوشید تا از اخراج نامبرده جلوگیری‌کند.

* در ضیافت ناهاری‌که در دهم اوت به‌دعوت کلنل محمدتقی‌خان به‌مناسبت عزیمت ماژور اسماعیل خان به‌سبزوار برگزار شد، کلنل ضمن ایراد سخنرانی‌ازافسران خویش خواست تا توجه بیشتری به‌موضوع میهن‌پرستی و تبلیغ آن مبذول دارند. وی سپس به‌احتمال مرگ خویش به‌عنوان قربانی اوضاع سیاسی حاکم اشاره کرد و از میهمانانش خواست تا راجع به‌وی به‌مادرش نامه بنویسند. افسران حاضر همگی‌به‌کلنل قول وفاداری دادند.

* علاوه بر یکصد ژاندارمی که در هشتم اوت به‌سبزوار اعزام شده بودند، در بعداز ظهر سیزدهم اوت نیز ۳۷۵ نفر دیگر متشکل از افراد سوار، پیاده و توپچی تحت فرماندهی ماژور اسماعیل خان به‌طرف طرق حرکت‌کردند.

* در همین روز سیزدهم اوت صمصام‌السلطنه بوسیلهٔ تلگراف از کلنل محمد تقی‌خان پرسید که چرا گروهی ژاندارم جهت مقابله با نصرت لشکر فرمانده‌نگهبانان راه به‌مزینان گسیل داشته است. کلنل جواب داد اعزام این نیرو تنها برای ترساندن سالارخان بلوچ، سید حیدر و شجاع‌الملك هزاره بوده است که متفقـاً علیـه وی تحریکاتی را شروع‌کرده‌اند.

* شوکت‌الدوله یکی از رؤسای طایفهٔ تیموری‌که زمانی حاکم سرخس بود و بعد بازداشت وتحت‌الحفظ به‌مشهد منتقل‌گردید و اسبها واموالش نیز مصادره شد، اینك به‌دستور کلنل به‌حکومت تربت جام منصوب شده است. کلنل محمدتقی‌خان با این اقدام آشتی‌جویانه در نظر دارد طایفهٔ تیموری را به‌حمایت از خود تشویق‌کند.

* شجاع‌الملك بربری موفق به‌عقب‌راندن یك واحد ژاندارمری ازکاریزشده‌است.

وقایع هفتهٔ پیش از بیستم اوت

* سرگرد سی. جی. اف. کیلمن[68] معاون پست و تلگراف در پانزدهم اوت از بیرجند وارد مشهد شد. سرگرد برای رفتن به‌تهران در فکر تهیه وسیلهٔ نقلیه است.

* میرزا محمدخان‌که در پانزدهم ماه مه‌گذشته مسئولیت کنسولگری ایـران درعشق‌آباد را متقبل شده بود، در پانزدهم اوت به‌مشهد بازگشت. او به‌من گفت‌که به‌علت سانسور شدن نامه‌ها وگاه عدم تحویل گزارشهای ارسالی به‌کنسولگری‌نمی‌توانسته

68- C. J. F. Kilman

است برای ایرانیان مقیم عشق‌آباد کاری انجام دهد. میرزا محمدخان به‌علت بیماری، مسئولیت ادارهٔ کنسولگری را به‌شمس کریموف تاجرباشی ایران‌که ضمناً سمت منشیگری وی را عهده‌دار بوده سپرده و به‌ایران آمده است. شمس‌کریموف اخیراً گزارشی دربارهٔ نقشه‌های بلشویکها راجع به‌ایران برای مقامات مشهد فرستاده و در این مورد به‌آنها هشدار داده است.

* **مهمترین واقعهٔ این هفته حضور ناگهانی کلنل گلروپ رئیس‌سوئدی‌ژاندارمری** کل در روز پانزدهم اوت به‌همراه سه کلنل[۶۹]، یك ماژور[۷۰] و پنج گماشته‌درسبزوار بود. آنان با سه‌کالسکه و بدون توقف در هیچ جا از تهران وارد سبزوار شدند. پس ازآن‌که معلوم شد کلنل محمدتقی‌خان برای گفتگو با کلنل گلروپ با اتومبیل‌به‌سبزوار خواهد رفت. ماژور اسماعیل‌خان در روز شانزدهم اوت مانع از ادامهٔ سفر هیئت به‌مشهد شد و آنها را در شریف‌آباد متوقف‌نمود. کلنل گلروپ در ملاقات با کلنل محمد تقی‌خان پس‌از ارائه مدارك لازم به‌وی خاطرنشان کردکه صرفاً برای تقدیر از خدمات ژاندارمری خراسان و تفویض اختیارات لازم به‌وی به‌این سفر آمده است.

پس از شکست مذاکرات کلنل گلروپ و همراهان وی تحت‌الحفظ به‌نیشابور اعزام شدند و در نوزدهم اوت به‌آنها اجازه داده شد که به‌تهران بازگردند. درخلال این مدت مذاکرات امیدوارکننده‌ای با پادرمیانی‌ژنرال حمزه‌خان عموی کلنل بوسیلهٔ تلگراف حضوری بین کلنل محمدتقی‌خان و امام جمعه خویی در جریان بودکه منجر به‌ارسال دو پیشنهاد از طرف کلنل به‌حضور شاه شد. در پیشنهاد اول کلنل آمادگی خود را برای خروج از ایران اعلام‌کرده بود و پیشنهاد دوم حاکی از تمایل وی به‌ادامهٔ خدمت زیر نظر والی جدید بود. هردو پیشنهاد کلنل محمدتقی‌خان منصفانه و معقول به‌نظر می‌رسید، لیکن متأسفانه حضور ناگهانی کلنل گلروپ و اعضای همراه وی در سبزوار همهٔ رشته‌ها را پنبه‌کرد. در نوزدهم اوت زمانی‌که کلنل محمدتقی‌خان به‌من اجازه داد با ارسال یك تلگراف از کلنل گلروپ دعوت کنم تا به‌عنوان میهمان سرکنسول از مشهد دیدار بعمل آورد، امید به‌ازسرگرفته شدن مذاکرات تا اندازه‌ای **بیشتر گردید، ولی این تدبیر نیز به‌علت وقوع حوادث زیر با شکست مواجه شد.**

۱ــ شوکت‌الدوله که در پانزدهم ماه جاری با بیست نفر ژاندارم اسکورت خود از مشهد عازم تربت‌جام بود پس از هجوم افراد بربری وکشته شدن یك ژاندارم به‌اسارت شجاع‌الملك درآمد.

۲ــ ژاندارمهای مستقر در مرز بامخابرهٔ تلگراف اعلام نمودندکه اجازه نخواهند دادکلنل محمدتقی‌خان از خراسان خارج شود.

۳ــ سید مصطفی سرابی در ضیافت ناهاری که حاج حسین آقا به‌افتخار کلنل محمدتقی‌خان داده بود سخنرانی بسیار تند و زننده‌ای علیه حکومت مرکزی ایرادنمود.

۶۹ــ کلنل عزیزالله‌خان ضرغامی، کلنل سالار نظام و کلنل فتحعلی‌خان ثقفی.
۷۰ــ ماژور صادق‌خان.

* چشم‌انداز صلح تیره وتار است. افراد تازه‌نفس باشتاب در ژاندارمری‌سازمان داده می‌شوند. ستونی متشکل از سیصد تفنگدار برای مجازات شجاع‌الملك آماده حرکت شده‌اند. شجاع‌الملك نیز جنگجویان طوایف بربری، هزاره، تیموری وکاریز را برای هجوم بژاندارمها و تعقیب آنها حتی تا داخل شهر مشهد به‌گرد خود جمع کرده است. شنیدم‌که آنها با تجسم صحنهٔ به‌یغماگرفتن‌تمامی‌سلاحها و مهمات‌ژاندارمری وغارت شهر در پیش چشم خود، سخت هیجان‌زده شده‌اند. دراین میان من تمام کوشش خودرا مصروف جلوگیری از شعله‌ورشدن آتش جنگ می‌کنم به‌امید آن‌که اولا اگر کابینه دوام آورد، با گشایش مجلس مردم مشهد خود متوجه بیهودگی ادامه تمرد و سرکشی شوند و از طرف دیگر افراد ژاندارمری به‌استثنای ترکهای تبریز ازجنگیدن باافراد طوایفی‌که خود از میان ایشان برخاسته‌اند سرباززنند. ثانیاً در صورت استعفای کابینه بحران موجود با ازسرگیری مجدد مذاکرات به‌کلی خاتمه یابد.

* حاجی عزالممالك پیشکار سابق مالیهٔ کرمان و برادرش امیرامجد که پسران فخرالملك هستند، در بیستم اوت ازکرمان وارد مشهد شدند.

تذکر: گزارش این مطلب از قلم افتاد که به‌یکی از افسران همراه کلنل‌گلروپ به‌نام کلنل عزیزالله‌خان وگماشتهٔ وی اجازه داده شد در روز هفدهم اوت ازنیشابور به‌مشهد بیایند و روز بعد یعنی هیجدهم اوت به‌نیشابور بازگردند. کلنل عزیزالله‌خان که از همشاگردیهای قدیم کلنل محمدتقی‌خان است گفته بود آرزو دارد به‌عنوان زائر برای زیارت به‌مشهد برود.

وقایع هفتهٔ پیش از بیست و هفتم اوت

* شجاع‌الملك گفته است وی در کار تشکیل یك سازمان دفاعی متشکل از رؤسای بربری، سید مرتضی، حیدرشاه، میرعلی‌احمد، سالارخان بلوچ، ابراهیم‌خان بلوچ وجعفرخان می‌باشد.

* کلنل محمدتقی‌خان که نسبت به‌شخص شوکت‌الدوله و سازش محرمانهٔ اوبا شجاع‌الملك مشکوك‌است به‌منظور پیش‌گیری از وقوع حوادث جبران ناپذیر در بیستم اوت شصت نفر ژاندارم را مأمور تربت‌جام کرد و متعاقب آن در ساعت نه‌صبح روز یکشنبه نیز یك گروه ضربت شامل ۲۲۵ نفر از واحد پیاده و بیست ویك نفر از واحد سوار مجهز به‌دو مسلسل لوئیس را به‌منطقه فرستاد.

* کلنل محمدتقی‌خان از افسرانش دعوت کرد تا نسبت به‌وی سوگندوفاداری یادکنند. مراسم مشابهی نیز در قوچان با حضور امام‌جمعه محل انجام شد.

* گزارش‌شدکه سردار معزز بجنوردی به‌علت عدم اطمینان به‌برنامه‌های آیندهٔ کلنل محمدتقی‌خان به‌سواران خود اعلام آماده‌باش کرده است.

* در روز بیست و یکم اوت از کلنل‌گلروپ تلگرافی دریافت‌کردم. کلنل در تلگراف خود پس از تشکر از دعوت من متذکر شده بودکه کلنل محمدتقی‌خان گفته است پس از وصول اخبار جریانات اخیر آمدن وی به‌مشهد صورت خوشی ندارد. کلنل

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران

گلروپ همچنین یادآور شده بود «براساس اطلاعاتی‌که در طول سفر به‌دست آورده‌ام باور ندارم «فرد مورد بحث» واقعاً قصد خروج ازکشور را داشته باشد.»

* در روز بیست و دوم اوت اطلاع داده شد نیروهای متخاصم یعنی ژاندارمری وافراد شجاع‌الملك‌که سید حیدر رهبری آنها را به‌عهده دارد در باقرآباد و سنگ‌بست مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. درهمین روز مردم مشهد پس از موافقت کلنل محمدتقی‌خان هیئتی متشکل از قایم‌مقام تولیه، مجتهد شیخ حسن پائین خیابانی، حاج میرزا یحیی ناظر، معتمدالوزاره، حاج امین‌التجار، میرزا سواحلی، هادیوف، عباس علی‌خان و حاج‌عبدالحسین را برای مذاکره با شجاع‌الملك و ترغیب وی به‌فراخواندن طوایف و همچنین اعزام پسر خود به‌عنوان گروگان، گسیل داشتند. روز بعد سید حیدر توسط یك ملا و یك‌افسر مستمری‌بگیر بربری به‌من پیغام دادکه طوایف اقدام به‌جنگ نخواهندکرد مگر آن‌که مورد حمله قرارگیرند. درهمین‌روز پیغام دیگری ازطرف یك افسر بربری مأمور قوچان دریافت شد. وی پرسیده‌بودکه چون مایل به جنگ با واحدهای اعزامی از تهران نیست، آیا باید اقدام به‌دستگیری ماژور اسماعیل خان نماید یا با نفرات زیردست خود فرارکند. در پاسخ به‌این‌گونه پرسشها من‌جواب می‌دادم که مقامات انگلیسی تمام سعی خود را برا ی‌برقراری صلح بین حکومت‌مرکزی و کلنل محمدتقی‌خان مصروف داشته و می‌دارند، بنابراین تمام اتباع انگلیس و مستمری بگیرها باید بی‌طرفی کامل خود را در مخاصمات حفظ نمایند.

* میرزامحمدخان مسئول سابق کنسولگری ایران در عشق‌آباد در اوایل هفته عازم تهران شد.

* به‌دستور کلنل محمدتقی‌خان در روز بیست و سوم اوت یکصد تفنگ از اسلحه خانهٔ پلیس شهر ضبط و تحویل ژاندارمری شد.

* در روز بیست و چهارم اوت سرگرد برونیکوفسکی از سمت ریاست‌پلیس برکنار و به‌وی دستور داده شدکه در نخستین فرصت عازم تهران شود. سرگرد برونیکوفسکی پس از تدارك مقدمات سفر قصد داشت روز بیست و هفتم اوت روانه تهران شودکه در بیست و پنجم اوت از وی خواسته شد فعلا از عزیمت به‌تهران خودداری کند.

* از غروب روز بیست و چهارم اوت شهر تحت حکومت نظامی قرار دارد. علم‌الدوله حسابدار ژاندارمری در بیست و پنجم ماه جاری جانشین رئیس سوئدی پلیس شد.

* در روز بیست و پنجم اوت سرشناسان شهر به‌تلگرافخانه دعوت شدند که بوسیلهٔ تلگراف حضوری با مشیرالدوله و نمایندگان ایالت خراسان در مجلس به‌گفتگو بپردازند. به‌عقیدهٔ من در شرایط موجود این قبیل مذاکرات دیگر نتیجه‌ای ندارد.

* تمام وسایل نقلیهٔ موجود در مشهد برای مصارف نظامی ضبط شده است. از شهرها و روستاهای ایالت نیز شکایاتی دربارهٔ ضبط اسبها و سایر حیوانات باربرتوسط جنگجوین طوایف به‌دست من می‌رسد.

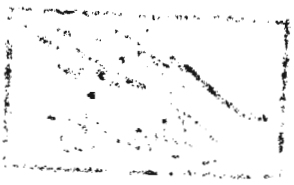

* کلنل محمدتقی‌خان با جدیت مشغول ثبت نام از نیروهای تازه‌نفس است و حکومت مرکزی هم همچنان به‌تحریك حکام و سردارها برای اتحاد با یکدیگر ادامه می‌دهد. درهمین مورد در روز بیست و هفتم اوت از تهران تلگرافی برای شوکت الملك به‌مشهد مخابره شد که بوسیلهٔ مترجم‌الملك تلگرافچی ارشد به‌بیرجند ارسال گردید.

* مدتی است‌که مترجم‌الملك به‌علت ضدیت مقامات باوی در حالت سردرگمی بسر می‌برد. رئیس مترجم‌الملك از تهران به‌وی پیشنهاد کرده است‌که اگر قادر به‌ادامهٔ خدمت به‌نفع حکومت مرکزی نیست می‌تواند درکنسولگری انگلیس بست بنشیند. من هم از وی انتظاری جز این ندارم.

* تا اواخر هفته هیچ جنگی اتفاق نیفتاده و مذاکره با تهران در یك حالت صلح مسلح ازسرگرفته شده است.

* کلنل محمدتقی‌خان اقدام به‌نگارش و پخش جزوه‌ای دربارهٔ دوران زندگی خودکرده‌است.

پیوست شماره نه

هموطنان! پانزده سال است در نظام خدمت‌کرده و فقط در سایهٔ جدیت وکوشش در انجام وظایف و صداقت و وفاداری نسبت به‌مملکت، بدون این‌که مطابق معمول تملق این‌وآن راگفته یا هدیه و تقدیمی به‌فلان داده ووسیله انگیخته باشم، از درجهٔ تابینی به‌رتبهٔ نایب و سرهنگ رسیده‌ام. درجهٔ سرهنگی من مطابق سندی‌که در دست دارم در برج ثور امضاء شده و تاکنون از طرف دفتر مرکزی تشکیلات، به‌علت غیرمعلومی، رسماً ابلاغ نگردیده است و بااین‌که ترقی هم‌قطاران،که اغلب از زیردستان خودم بوده‌اند، با ترقیات بطیئهٔ من به‌هیچوجه قابل مقایسه نمی‌باشد، بازخورسند[کذا] و مسرور بلکه مفتخر و مغرور هستم‌که ترقیات اینجانب هیچ‌وقت درسایهٔ دسایس و دسته‌بندیها وبعضی اقدامات دیگر نبوده و فقط فعالیت و جدیت غیرقابل انکارم رؤسا را گاهی خواهی نخواهی مجبور به حق‌شناسی نموده است.

من مهاجر هستم، یعنی اجداد من پس از جنگ ۱۲۴۳ هجری [۱۸۲۷]ومجزی شدن قفقاز از ایران، زیر بار رعیتی خارجه نرفته از همه‌چیز خودشان صرف‌نظرکرده وخودرا به‌آغوش وطن آباء و اجدادی انداخته‌اند. پدران و پدربزرگان من همه سوگلی‌های رجال نامی ایران مثل میرزاتقی‌خان امیر، حسنعلی‌خان امیرنظام و غیره بوده‌اند. من خود در ۱۳۰۹ [۱۸۹۱] در تبریز متولد شده و از سنهٔ ۱۳۱۷تا۱۳۲۳ [۱۸۹۹ تا ۱۹۰۵] در آن شهر ابتدا در منزل و مکتب و سپس چند ماهی دراولین مدرسهٔ آن شهرکه به‌اسم لقمانیه معروف بود به‌تحصیلات فارسی و عربی و منطق و مقداری از علوم جدیده والسنهٔ خارجه اشتغال داشتم. در ششم جمادی‌الاول ۱۳۲۴ [۲۸ ژوئن ۱۹۰۶] برای تکمیل تحصیلات به‌طهران آمده، در هجدهم جمادی‌الثانی [۹اوت ۱۹۰۶] همان سال داخل مدرسهٔ نظامی شدم و مدت پنج‌سال درآن مدرسه تحصیل می‌کردم؛ و هنوز یك سال دیگر به‌اختتام دورهٔ مدرسه مانده بودکه رفورم

افواج قدیم شروع شده و وزارت جنگ من و نه‌نفر رفیق دیگر مرا برخلاف میل و رضای خودمان از مدرسه خواسته و به‌رتبهٔ نایب‌دویمی داخل خدمت نمود ــ ۱۳۲۹ [۱۹۱۱].

دوسال در تشکیلات فوق‌الذکر خدمت کرده وبه‌تدریج تا درجهٔ سلطانی نایل گردیدم، لیکن نظر به‌این‌که روساء از دادن حساب پولهایی که می‌گرفتند خودداری می‌نمودند و بیچاره مستر شوستر آمریکایی مثل [آقای دبوا] پیشکار حالیهٔ مالیهٔ خراسان از آدم حساب می‌خواست وحساب دادن کار عاقلانه[ای] نبود، حساب‌داده نشد، اوهم دیگر پول نداد واساس قشون جدیدالتشکیل برهم‌زده، گویا مقصودواقعی هم‌همین بود. زیرا جز این ترتیب مقصود کاملا به‌عمل نمی‌آمد و ترتیب خودمانی از هرحیث رجحان داشت، خصوصاً موقعی‌که حتم بود عذر خود شوستر هم خواسته خواهد شد؛ دراین موقع به‌ریاست گروهان و معاونت باطالیان در اطراف قزوین جزو اردوی اعزامی برعلیه حبیب‌الله‌خان‌کرد بودم. در مـدت شش ماه فقط دوماه حقوق‌گرفته، یك ماه آن را نیز به‌زیردستان گرسنه مساعده دادم که هنوزهم قبض‌ها پیش من وپول نزد آنها است و شاید اغلب به‌درود زندگی کرده باشند. آنها را بری‌الذمه می‌نمایم حقوق چهارماههٔ ما پیش کی وکجاست الله اعلم به‌حقایق‌الامور.

پس از تلگرافات عدیده و عدم وصول جواب به‌مرکز آمدم و البته تکلیفم‌معلوم بودکه بایستی کنج خانه بنشینم. طولی نکشید که از طرف معلم مدرسهٔ خود آقـای کلنل کـرزیش[۷۱] به‌یگانه صاحب‌منصب باشرف و ایران دوست یعنی آقای ژنـرال یالمارسون فقیدکه نام و شرفش در قلب هرسرباز صمیمی ایران مادام‌الحیات نقش‌ثابتی خواهد بود معرفی شده ــ اول ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ [۲۵مارس ۱۹۱۲] به‌اسم صاحب منصب داوطلب مدت شش ماه در یوسف‌آباد به‌سمت معلم و متعلم ومترجم خـدمت کردم وبااین که قرار نبود قبل از طی دورهٔ مدرسهٔ صاحب‌منصبان ژاندارمری کسی از داوطلبان صاحب رتبه شود، خدمات من دقت صاحب منصبان سوئدی را جلب کرده و در اول ماه ششم جزو شاگردان دورهٔ اول مدرسه به‌درجه[ای]که در قشون داشتم نایل گردیده به‌سمت آجودان مترجمی و ریاست گروهان سیراب مامور راه همدان شدم، راهی‌که درآن وقت ازاشرار وغارتگران مسدود وکلنل مریل[۷۲] آمریکایی بـا عده[ای] ژاندارم شوشتری به‌واسطهٔ اشتغال الوار به‌غارت دهات نتوانسته بودند از عهدهٔ امنیت برآیند و یا این‌که نخواسته بودند. عدم امکان عبور مال‌التجاره در آن راه اسباب شکایت بزرگ همسایهٔ شمالی شده، هر ساعت ودقیقه به‌اعزام قوای‌امپراتوری تهدید می‌نمود. یك سال در این راه خدمت کرده و اغلب شبها را بواسطهٔ عدم اعتماد به‌قراولان اردو تا صبح مشغول سرکشی پاسبانان و محافظین بودم. در اثنای این‌خدمت مکرر از طرف صاحب منصبان سوئدی که در آن وقت هنوز اروپایی بوده و بازیردستان

71- Kesterzich
72- Moril

از روی بی‌غرضی و بی‌طرفی رفتار می‌نمودند، درجهٔ یاوری پیشنهاد شده، لیکن از طرف ژنرال بواسطهٔ عدم تناسب سن قبول نشد. تا این‌که بالاخره پس از این‌کـه صاحب منصبان مختلف پیشنهاد مزبور را تکرار کردند قرار شد مجدداً به‌طهران رفته و پس‌از اختتام دورهٔ مدرسه به‌درجهٔ یاوری نایل‌گردم.

در چهاردهم ذیقعدةالحرام ۱۳۳۱ [۱۵ اکتبر ۱۹۱۳] داخل مدرسهٔ صاحب منصبان ژاندارمری شده تا یازدهم ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ [۹مارس ۱۹۱۴] در مدرسهٔمزبور مشغول تعلیم و تعلم بودم. در جریان دورهٔ مدرسه در ازاء خدمات راه همدان به‌اعطای یك قطعه مدال طلای نظامی از طرف وزارت جلیلهٔ جنگ مفتخر گردیدم. هنوز یك ماه به‌اختتام دورهٔ مدرسه مانده بود که مأموریت بروجرد پیش آمد و من به‌ریاست یك اسکادران صاحب‌منصب جزء در جزو اردوی اعزامی مأمور شدم. در اولین‌جنگ باالوار با یازده نفر از عدهٔ خودکه ماموریت حفظ جناح را داشتم در سرتپه‌ای‌مجروح شده ــ ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ [۲۱ مارس ۱۹۱۴] لیکن نقطهٔ مأموریت را از دست نداده و قبل از واگذار کردن فرماندهی به‌صاحب‌منصب دیگری از آنجا حرکت نکردم.

پس از بهبودی زخم در اغلب جنگهای بروجرد شرکت داشته و در عرض دو ماه به‌طوری جلب دقت رئیس جدید خود را نمودم‌که مجدداً رتبهٔ یاوری درخواست‌شده ومورد قبول افتاد ــ ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ [۱۳ مه ۱۹۱۴].

پس از آن به‌موجب تقاضای رئیس رژیمان قزوین بجای ماژور تورل به‌ریاست باطالیان همدان منصوب گردیدم ــ ۲۵ رجب همان سال [۱۴ ژوئن ۱۹۱۴] و ازآن تاریخ تا چهاردهم محرم ۱۳۳۴ [۲۲ نوامبر ۱۹۱۵] در آنجا ماموریت داشتم ودر طول این مدت شاید سه ماه در شهر همدان نبوده و دمی آسوده ننموده بودم‌که جنگ عمومی اوضاع را تغییر داده و حسب‌الامر رئیس رژیمان و رئیس کل ژاندارمری وشاید مقامات عالیتر به‌حملهٔ مصلا اقدام کردم ــ ۱۴ محرم ۱۳۳۴ و به‌حمدالله بـا عدهٔ بسیار ناقابلی چون قصد و نیتی جز خدمت به‌وطن و رهایی مملکت از مظالـم قشون تزاری نداشتم به‌طرد و دفع دشمن موفق‌گردیدم. تفصیل این‌حمله در کتاب موسوم به «جنگ مقدس از بغداد تا ایران» به‌زبان آلمانی **به‌طبع رسیده، لیکن بـه** واسطهٔ عدم اتحاد و تذبذب و تردید و عدم صمیمیت هیئت رئیسه و احزاب مختلفه وفقدان اسلحه، استقامت در مقابل قوای عظیمه ممکن نگردید و حرکت الاستیکی[۷۳] شروع شد و بالاخره سقوط بغداد و مسدود شدن راه ما رامجبور به‌عقب‌نشینی دایمی نمود. در مدت این کشمکش چه کشیده و چه دیدم غیر قابل تصور و حقیقت غیر ممکن‌التقریر و تحریر است. همین‌قدر باید متذکر شعر عربی منسوب به‌حضرت زهرا سلام‌الله علیها شد و بگویم:

صبت علی مصائب لوانها　　صبت علی‌الایام صرن لیالیا

آیا خدمتی در جبهات جنگ‌کرده و یا نکرده‌ام بایست به‌کتب مطبوعه درآلمان

۷۳ــ حملهٔ متقابل، پاتك.

وممالك بی‌طرف رجوع نمود، زیرا اگر من شرح بدهم شاید حمل برخودستایی و رجز خوانی شود، درصورتی‌که مقصودی جز بیان حقیقت و شرح مختصری از گزارشات زندگانی خود نداشته و فقط می‌خواهم هموطنانم بدانندکه من‌کیستم و از کجا آمده وکجایی هستم و حرف حسابیم چیست. مخصوصاً در جنگهای پیش‌قراولی توسیرکان اسلحه و مهمات من عبارت از اشعار رزمی شاهنامه بودکه بدان وسیله افراد چریك را به‌جنگ وکشته‌شدن در راه وطن عزیز ترغیب وتحریص‌می‌کردم.

خلاصه در نتیجهٔ بعضی اقدامات و حوادث‌که از ذکر آنها صرف‌نظر کرده و نمی‌خواهم یك بار دیگر بر جراحات قلبم نمکی پاشیده باشم، اضطراراً از کار کناره گیری کرده، از دست بعضی هم‌قطاران بی‌حقیقت و دورو خود را خلاص‌کرده بدون این‌که در نقطه[ای] درنگ و توقف‌کنم برای معالجهٔ ورم‌کبد به‌آلمان رفتم ــ ششم شهر شعبان ۱۳۳۵ [۲۷ مه ۱۹۱۷]. هنوز معالجه به‌اتمام نرسیده بودکه استماع خبر موحش دیاله و درخون خودشناکردن افراد رشید باوفایم دنیا را در جلو چشمم تیره وتار ساخت. برای این‌که خودی به‌آنها رسانیده و اقلا باهم جان داده باشیم به‌سوی حلب و موصل شتافتم ــ ۲۵ ذیحجه ۱۳۳۵ [۱۲ اکتبر ۱۹۱۷] لیکن افسوس‌افسوس صدهزار افسوس آب بی‌رحم نعشهای آن شهداء بی‌گناه را بسرعت امواج وحشت‌آور خود همه‌جا غلطانیده و به‌استراحتگاه قعر دریا رسانیده بود و دیگر بـرای من حتی دیدن آب خون‌آلود نیز میسر نمی‌شد، بلی:

من از بیگانگـان هرگز ننالم که بامن هرچه‌کرد آن آشناکرد

مأیوس به‌برلن مراجعت کردم ــ ۲۵ محرم ۱۳۳۶ [۶ نوامبر ۱۹۱۷].

برای این‌که هیچ دخالتی درکارها نداشته و ضمناً وقت خود رابی‌خود نگذرانده باشم، با این‌که ضعف اعصاب و چشم و کلیة علت مزاج مانع از قبول خدمت هوانوردی بود به‌تصور حصول مقصود داخل این خدمت شدم ــ دهم شعبان ۱۳۳۶ [۲۲ مه ۱۹۱۸] لیکن پس از ختم شناسایی میکانیکی و سی‌وسه‌مرتبه طیران سخت مریض شده‌ونتوانستم تعقیب نمایم، درخواست انتقال داده به‌قسمت پیاده منتقل‌گردیدم ــ ۳ شوال همـان سال [۱۳ ژوئیه ۱۹۱۸] و تا حدوث رولسیون[۷۴] و موقع متارکه جنگ مستمراً در خدمت بودم، ضمناً ریاضیات عالیه و موسیقی نیز تحصیل می‌کردم چنانکه با وجود اطلاعات ناقصه دواثر مختصری از سرودهای ژاندارمری و اشعار ملی ایرانی با نوت به‌طبع رسانده و به‌اسامی «سه سرود ملی» و «هفت آواز محلی ایرانی» با مختصـر مقدمه[ای] به‌زبان آلمانی از خود به‌یادگار گذاشته‌ام که یکی از آنها فوق‌العاده‌طرف توجه موسیقی‌دانهای آلمان شده بود. و نیز عدهٔ زیادی از رگلمانهای[۷۵] مختلفه را ترجمه و حاضر به‌طبع نموده بودم‌که بواسطهٔ عدم استطاعت طبع آنها ممکن نشده و تاامروز هم مقدور نگردیده‌ام. بالاخره از یك طرف زندگی روز به‌روز گرانتر واز

۷۴ــ Revolution انقلاب.

۷۵ــ Reglement قواعد و دستورها

طرف دیگر مختصر وجه پس‌اندازی‌که در مدتهای متمادی خدمت جمع‌آوری شده بود به‌انتهی رسیده و نزدیك بودکه کار به‌فلاکت و ذلت برسد و عده[ای]ازدوستان آلمانی حاضر به‌همراهی و مساعدت شده و حتی معلم انسان‌دوست من آقای سباستیان بگ[۷۶] حاضر بود محلی در دارالفنون لایپسیك برای من تهیه‌کرده و یا این‌که باخود به‌جنوب آمریکا ببرد و همچنین مسیواکسترم[۷۷] سوئدی توسط مادام چلسترم[۷۸] خانم رئیس رژیمان متوفی من مرا به‌سوئد دعوت کرده بود که هرقدر بخواهم در آنجا میهمان باشم. مخصوصاً نوشتجات دوستان اروپایی‌که مقارن حرکت می‌رسید تمام مملو از احساسات دوستانه بوده و حتی دو نفر حاضر شده بودندکه هرقدر قرض بخواهم بدهند و وقتی پس بدهم‌که مقتدر باشم. همه را به‌استغنای طبیعی و جبلی ایرانیت ردکردم. پنج هزار مارك بقیةالسیف دارایی خودرا هزار فرانك سویس خریده‌به‌امید خدا حرکت کردم ــ ۱۷ صفر ۱۳۳۸ [۱۱ نوامبر ۱۹۱۹].

در سویس مجبور شده چهار هزار فرانك دیگر قرض‌کردم. پس از شصت ویك روز مسافرت در موقع ورود به‌بندر انزلی ــ ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ [۱۳ژانویه۱۹۲۵] که از هرطرف جیب و بغلم را میکاویدند چند قرانی بیشتر نداشتم، آن هم به‌مصرف انعام حمالهایی رسیدکه مثل ملك‌الموت دور صندوقهای لباسم را گرفته و می‌خواستند من و صندوقها را باهم ببرند. حقیقتاً تفتیش انزلی یکی از یادگارهای فراموش‌نشدنی دورهٔ زندگانی من است وگویا زمامدار آن وقت تمام این اوامر را از روی اصول مشروطیت و مطابق با قوانین اساسی مملکت صادر می‌کرده است وکسی هم اسم آن کابینه را کابینهٔ سیاه نمی‌گذاشت. لاجرم از یك خانم روسی‌که هم سفر بود مبلغی قرض‌کرده با اتوموبیل به‌طهران حرکت کردیم. پس از ورود به‌مرکز ــ ۳ جمادی الاولی ۱۳۳۸ [۲۴ژانویه ۱۹۲۵] با این‌که به‌کلیهٔ صاحب‌منصبان و اشخاص مهاجر خرج معاودت داده شده ولدی‌الورود به‌خدمتی گماشته شده بودند، به‌علت غیرمعلوم ــ شاید معلوم است ولی از ذکرش صرف‌نظر می‌کنم ــ با این که نسبت به‌دیگران قدیمی‌تر و برای اشغال مقام ریاست رژیمان و غیره مستحق‌تر بودم و اقلا بایستی به‌خاطر برادر و پسرعموی شهیدم از من دلجویی می‌شد، بدون این‌که ذره[ای] از طرف دولت و حتی دوستان صمیمی ملی وکسانی‌که دربارهٔ آنها از هیچ قسم فداکاری مضایقه نکرده بودم مساعدتی ابراز شود، مدت پنج ماه تا تاریخ سقوط کابینهٔ آقای وثوق‌الدوله بیکار ماندم. دراین مدت مشغول ترجمهٔ بعضی از کتب مفیده بودم، از جمله «تاریخچهٔ یك کنیز» تصنیف لامارتین که مقداری از آن در پاورقی‌روزنامهٔ آگاهی به‌طبع رسیده و همچنین یك سرگذشت واقعی به‌اسم «سرگذشت یك جوان وطن دوست» شروع‌کردم که چنانچه عمری باقی باشد و به‌اتمام موفق شده به‌طبع برسانم، شاید قابل توجه باشد و خوانندگان بر نویسندهٔ مظلوم آن‌رحمت‌وشفقت‌آورند.

76- Sebastian Beg
77- Extron
78- Chelstern

بلافاصله پس از تغییر کابینه، آقای کفیل تشکیلات ــ شاید به‌صلاحدید مشاور بدکینهٔ خودشان گویا به‌تصور این‌که حضرت آقای مشیرالدوله نسبت به‌خانوادهٔ ما مرحمت مخصوص داشته و در دورهٔ زمامداری خودشان حتی‌الامکان عدل وانصاف را کنار نخواهند گذاشت و می‌دانستندکه ما البته به‌حضرت معظم‌له تظلم خواهیم‌کرد ــ باکمال عجله من و پسرعمویم را احضارکرده و همان‌روز احضار توسط خودم امر به‌نوشتن حکم عمومی راجع به‌استخدام مجددما ــ با این‌که کسی مارا خارج نکرده بود ــ فرمودند، که شخصاً به‌وزارت برده و به‌امضای معاون برسانند. توضیح این‌که هنوز وزراء معین نشده ولی قطع بودکه آقای مشیرالدوله رئیس‌الوزراء خواهندبود. لیکن به‌علت مجهولی این تصمیم به‌این شدت مدتها به‌عقب افتاد و حتی اگر به‌اصرار دوستان من همه روزه به‌تشکیلات نرفته، شخصاً تعقیب نمی‌کردم و جراید نمی‌نوشتند، ممکن بودکه مسئله به‌کلی مسکوت عنه مانده و باز ما ویلان وسرگردان باشیم.

باری بالاخره، حکم نمرهٔ ۱۷۶ مورخه غرهٔ ذیقعده ۳۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۲۰] در حدود ۶ ذیحجه ۳۸ [۲۱ اوت ۱۹۲۰] به‌امضاء رسید و بنده را با بودن یاور محمد حسین‌میرزا[۷۹] در مشهد و اطلاعاتی که از وضع ژاندارمری خراسان و تسلط کامل والی وقت داشتند، بدون هیچ اسم و رسمی، به‌فلاخن گذاشته به‌سمت خراسان‌پرتاب کردند و برای تشکیلات جدید قوای خراسان امیدواریها دادند ــ شانزدهم ذیحجه ۱۳۳۸ [۳۱ اوت ۱۹۲۰].

برای این‌که بفهمانم در مقابل احکام مطیع صرف بوده و از خود رأی ندارم، با اطلاع به‌مراتب فوق حرکت کرده به مشهد رسیدم و حسب‌الامر والی وقت اداره را از کفیل تحویل گرفته مشغول کار شدم ــ ۲۵ ذیحجه ۳۸ [۹ سپتامبر ۱۹۲۰]. از بدو تصدی دچار یك سلسله اشکالات و مسایل لاینحلی گردیدم که دایماً مرا در زحمت داشته و آنی راحتم نمی‌گذاشتند. از جمله مسئلهٔ حقوقات معوقه بود که با وجود این‌که بودجهٔ ژاندارمری همه ماهه مرتباً از طرف ادارهٔ مالیه پرداخت شده بود، حقوق چندین برج افراد نرسیده و مبلغ معتنابهی نیز اشخاص خارج طلبکار بودند. و خیلی چیزهای دیگر که شرحش کتاب مفصلی لازم دارد. عجیب‌تر از همه این که همه می‌دانستند حقوق نرسیده، ولی هیچ‌کس نمی‌دانست کی چه‌قدر طلب‌دارد و درشعبهٔ‌محاسبات ورق‌پاره[ای] هم نبود که شخص به‌آن رجوع کند. رئیس سابق علاوه براین‌که خودش را مسئول هیچ‌کس نمی‌دانست به‌وسایل ممکنه ازصاحب منصبان دیگر نیز حمایت نموده و نمی‌گذاشت از روی تحقیق طلب افراد نظامی و کسبه معلوم شود و با مزه‌تر این‌که همه روزه بایستی من‌که دخالتی در ایام گذشته نداشته و دیناری از بابت بودجهٔ گذشته اخذ نکرده بودم، از صبح تا غروب با یك مشت طلبکار دست به‌گریبان شده و روزی ده بیست جواب رسمی به‌احکامی که راجع به‌پرداخت طلب این و آن می‌رسید بنویسم. با همهٔ اینها و با این‌که از همه طرف کوشش و جدیت می‌شد که عملیات من بی‌نتیجه مانده و ترتیبات اداره

۷۹ــ محمد حسین میرزا جهانبانی.

کمافی‌السابق درهم‌پیچیده بماند در مـدت قلیلی امورات را بهجریان طبیعی انداخته، شعبات فاقد را تاسیس و شعباتی را که اسماً موجود بودند، صورت خارجی داده و نتیجهٔ زحمات خود را مشهود مخالف و موافق نمودم. پس از فراغت از اصلاحات ابتدایی هم خود را برآن مصروف داشتم که حقوقات معوقه را وصول و بذوی‌الحقوق برسانم. خود همین مسئله بود که مرا بیشتر بدبخت کرده و بیشتر از پیش دچار مشکلات نمود. جوابهای واصله از مقامات عالیه با این‌که اغلب مساعد بود، لیکن همان روی کاغذ و ابداً اثر عملی دیده نمی‌شد و حتی جز بقیهٔ بودجهٔ اولین برج تصدی‌که نقداً دریك‌جا پرداخت شد دیگر حوالجات ماهیانه مطابق معمول به‌اداره داده نشد و برخـلاف تمام قوانین حوالجات بودجهٔ ژاندارمری برای وصول به‌حکومتها فرستاده شده، درخواستهای عاجزانهٔ من به‌جایی نرسید.

بدیهی است راه انداختن چرخهای یك ادارهٔ خراب با نبودن پول غیر ممکن و محال بود، خصوصاً با آن بدحسابیها که دیگر هیچ‌کس معامله به‌اعتبار نکرده، اعضاء اداره را کلیة بچشم آدمهای متعدی و غـارتگر می‌نگریستند. بالاخره چارهٔ منحصر به‌فرد خود را در کناره‌گیری دیده و در عرض دو ماه از گرفتاری سه مرتبه مستقیماً به‌ایالت و مرتبهٔ چهارم توسط کفیل تشکیلات به‌وزارت داخله استعفا داده و نمی‌دانم به‌چه علت هر چهار مرتبه مقبول نیفتاد و به‌مواعد گذشت، زیرا یقین دارم هیچ‌کس در خیال استفاده از وجود من نبود و اگر خیال استفاده داشتند این موانع و اشکال‌تراشیها به‌میان نمی‌آمد. خلاصه طلبکاران لاحق نیز به‌سابق اضافه شده و همه روزه در اداره محشر و غوغایی داشتم. من در ادارهٔ خود نه‌فقط رئیس بلکه بواسطهٔ عدم اعتماد به‌بعضی از اعضاء و عدم اطلاع برخ دیگر، خدمات مختلفه را شخصاً انجام داده و در مقابل‌به‌همان حقوق ریاست قناعت می‌نمودم. هر پیشنهادی که به‌مرکز ادارهٔ خود می‌فرستادم یاجواب نرسیده و یا جواب منفی با نزاکتی می‌رسید و دیگر تعقیب نمی‌گردید و به‌خوبی حس می‌کردم که مقصود از اعزام من به‌خراسان اصلاح ژاندارمری نبوده و کسی در خراسان طالب انتظام حقیقی امور نمی‌باشد، بلکه مقصود این بود که در دست پنجهٔ قادری اسیر مانده و وجود معطله شده، بالاخره به‌بی‌کفایتی معرفی و مفتضح شوم و این‌که می‌گفتند بواسطهٔ عدم رضایت از رئیس قدیم بنده احضار شده‌ام باور کردنی نباید باشد، زیـرا به‌کسی که از ریاست ژاندارمری خلع گشته، ریاست قشون پیشنهاد نمی‌کنند. بـاری الکلام ماقل ودل. اگر در آتیه حیات باقی و لازم شد بیش از این در این موضوع می‌نویسم.

بالاخره دوایر زمامداری کابینه‌های سفید گذشت و به‌قول آقایان امضاءکنندگان دادخواهی دورهٔ کابینهٔ سیاه رسید. اولا برای اطلاع خوانندگان لازم است توضیح دهم که من در تمام عمرم آقای سید ضیاءالدین را ندیده‌ام و بواسطهٔ روزنامهٔ رعد و همراهی‌های جدی آن روزنامه از کابینهٔ آقای وثوق‌الدوله از بانی و موسس [آن] هم مکدر بودم و هیچ چیزجز عملیات معزی‌الیه و اجرای اوامر دولت مرا به‌اقدامات اخیره در خراسان تشویق و تشجیع ننمود.

هموطنان! من یکی از آن مامورین هستم که نویسندگان دادخواهی به‌بی‌وجدانی معرفی می‌کنند. با کمال میل به‌عدم مداخله در امور سیاسی ــ چنانچه تاکنون عضو هیچ حزب سیاسی نبوده و خود را به‌هیچ سلسله و دسته[ای] نبسته‌ام و شاید یکی از گناهان بزرگم هم همین باشد ــ و علاقهٔ تام به‌حفظ احترامات مقامات عالیه، نظر به‌همان عقیدهٔ ثابتی که به‌تمرکز قوای مملکتی و نگاهداری یك مرکز قوی دارم و می‌دانم که عزت و شرافت ما وقتی محفوظ خواهد بود که دارای حکومت مقتدر وطن‌پرستی باشیم و قدرت حکومت باعث سربلندی اهل مملکت خصوصاً ما نظامیان، وضعف آن اسباب سرشکستگی همه می‌باشد، چون می‌دانم جز خودم کسی دفاع نخواهد کرد و سکوت در این موقع شرافت سربازی من و هم‌قطاران مرا لکه‌دار خواهد نمود و ممکن است به‌این مقالات و دادخواهی‌های عوام فریبانه حقیقت مسئله به‌هموطنانی که صاحبان امضاء را نشناخته و سوابق درخشان آنها را ــ اگرچه گمان نمی‌کنم کسی باشد کــه نشناسد ــ نمی‌دانند اشتباه کاری نمایند، برای دفاع از شرافت سربازی و برای این‌که به‌امضاء کنندگان بفهمانم که اگر هم کابینهٔ سیاه افتاده باشد یك نفر در ایران پیدا می‌شود که مطالب ناحق و افتراآت آنها را جوابهای دندان شکن داده و جان خود را فدای راه حق‌گویی و حقیقت نویسی نماید، قلم را به‌دست گرفته و می‌خواهم از حقوق خود دفاع کنم.

اولا از آقای ممتازالملك سئوال می‌کنم که چطور ممکن شد جنابعالی با این همه سوابق و فرمایشاتی‌که حضوراً می‌فرمودید از محاکمه با رئیس کابینه[ای]که شما را بدون محاکمه توقیف و تبعید کرده بود صرف‌نظر فرموده و اینك با همان کسی‌کــه انواع مصایب و بلاها را به‌قول خودتان به‌سر شما آورده بود متحداً برضد اشخاصی که خواسته‌اند دورهٔ چپاول و غارتگری را خاتمه داده و انتقام ملت ستمدیده را بکشد عریضهٔ دادخواهی می‌نویسید. آیا این از مثل شما ناپسندیده نیست. آیا برای چپاول وغارتگری فرمانفرمایان و والیان که هریك خودشان را وارث بالاستحقاق یك قسمتی از مملکت می‌دانستند محکمه و استنطاقی هم لازم است. آیا یك نظر به ثروت موروثی و مکتسبی حضرات و دخل و خرج آنها دست درازی به‌مال ملت و دولت را ثابت و مدلل‌نخواهد نمود. آیا این همه پارکها، املاك، باغها، اتوموبیلها، درشکه‌ها، کالسکه‌ها، شترهــا، قاطرها، اثاثیه، جواهرات و تزیینات از مالیه شخصی تهیه شده است. آیا وجوهات استقراضی در کابینهٔ آقای وثوق‌الدوله همه به‌مصارف ضروری مملکت رسیده است. آیا درجاتی‌که به‌امر همان کابینه در ژاندارمری داده شد همه به‌استحقاق بوده است. آیا قتل ماژور استور[۸۰] از روی عدالت بوده. آیا انتخاب وکلا که بایستی نمایندهٔ افکار ملت و طرف اعتماد و اطمینان و معروف انتخاب کنندگان باشد مطابق قوانین مشروطیت و اصولی که جنابعالی و سایر امضاءکنندگان خودتان را طرفدار آن معرفی می‌کنید بود. آیا هرده‌روز یك‌کابینه عوض‌کردن وهرآن دستهٔ این‌وآن شدن کار مملکت و ملت را

80- Store

اصلاح می‌کند. سبحان‌الله در مدت دو ماه تغییر عقیده و مسلك تاچه‌اندازه. آیا واقعاً با این عقاید متزلزل می‌توان امید اصلاحی داشت. حقیقتاً خیلی جای تاسف و تاثر است که: با هرکه انس گیرم ازو سوخته شوم، بنگر که انس نیز به‌تصحیف آتش است.

ثانیاً از سایر آقایان امضاء کنندگان که یك قسمتشان را کاملا می‌شناسم و قسمت دیگر را ناچار با سایرین باید هم‌عقیده و هم مسلك بدانم سئوال می‌کنم کـه آیا از حیثیت ملی و حرمت مقام حکومت شوروی چیزی باقی مانده و باقی گذاشته بودید که کابینهٔ سیاه لطمه[ای] برآن وارد آورد. آیا می‌دانید چه کرده و چه بلای مبرمی بوده و چه خاکی به‌سر فقراء و ضعفا و اهالی ستمدیدهٔ این مملکت ریخته‌اید. اگر عملیات کابینهٔ گذشته شرم‌آور بوده باشد عملیات قسمت اعظم شما امضاء کنندگان شرم‌آورتر و ننگین‌تر بوده است. خودتان مشتبه هستید و یا این‌که هنوز مردم را این‌قدر عـوام و بی‌مدرك تصور می‌کنید و گمان می‌کنید می‌توان فضاحت و جنایتها را پرده‌پوشی کرد. آیا پس‌از این اتفاق ذره[ای] در عقاید و اخلاق شما تغییری حاصل شده. آیا هیچ در مدت عمر در فکر مملکتی بوده‌اید که شما را به‌ناز و نعمت پرورانید، قدمی برای اصلاح برداشته و قلمی زده‌اید. آیا یك مدرسه، یك بیمارخانه، یك کارخانه و یك شرکت خیریه تاسیس کرده و یا با وجود مالك بودن قسمت اعظم زمینهای حاصل خیز مملکت، اقدامی برای اصلاح و توسعهٔ امور فلاحت و معمول داشتن آلات جدید، با این که به‌خیر خودتان هم بوده، نموده‌اید. آیا هیچ‌وقت به‌ملاحظهٔ خزانهٔ خالی مملکت از حقوق اداری خودتان صرف‌نظر کرده و یا به‌همان قناعت کرده‌اید. بس است! بس‌است! بترسید از آن روزی‌که واقعاً محکمه و مجازاتی باشد زیرا:

می خواران را شه اگر خواهد بر دار زند　　گذر عارف و عامی همه بر دار افتد

از عملیات کابینهٔ گذشته همین بس است‌که رعایای فلك‌زده اقلا یك مرتبه در عمر خود بجای عرایض تظلم و دادخواهی خودشان، که همواره از دست شما و بستگان و کسانتان بود و ستونهای جراید را دایماً اشغال می‌کرد عریضهٔ دادخواهی — ولو به‌مغلطه و اشتباه کاری هم باشد — به‌امضای معروضین خود می‌بینند. واقعاً باید روز انتشار شمارهٔ ۹۲۵ روزنامهٔ ایران را جزو اعیاد متبرکه شمرده و همه‌سال عید گرفت کـه الحمدالله زبر دست و قوی پنجه هم پیدا شد که به‌قول خودتان به‌شما ظـلم بکند و به‌عقیدهٔ من انتقام مظلومان را بکشد.

بلی:

آه دل مظلوم به سوهان ماند　　گر خود نبرد برنده را تیز کند

برفرض مظلومیت چه عیب دارد که یك مرتبه با قسمت اعظم ملت هم‌رنگ شده باشید و بدانید که مظلومیت چه‌قدر تلخ و ناگوار است.

آقایان! اگر شما چند نفر از عملیات کابینهٔ گذشته ناراضی باشید اهمیتی نخواهد داشت، بلکه خود یکی از موجبات افتخار اعضاء آن کابینه خواهدگردید. چنانچه می‌بینید

با جدیت تامی‌که در محو نمودن آثار آن عملیات دارید پایه‌های[۸۱]محکمی ریخته و ساخته شده که فنا ناپذیر خواهد بود و تقریباً مجبور هستید قسمت عمدهٔ آن را پیروی نمائید. بلی:

هر بیشه گمان مبر که خالی است شاید کـه پلنگ خفته بـاشد

وطن ما مردهای بزرگ تربیت کرده و باز هم خواهد کرد. من یکی از مامورین آن کابینه با پیشانی سفید و درخشانی حاضرم ثابت کنم که در مدت دو ماه زمامداری خود با اقتدارات و قدرت فوق‌العاده[ای] که داشتم قدمی برخلاف رضای خدا و صلاح مملکت برنداشته و حبه و دیناری استفادهٔ شخصی نکرده‌ام، با محبوسین خود با این که اغلب در محبس هم عملیات و دسایس خود را ترك نکرده بودند بـا کمال رأفت و مهربانی رفتار نموده و به‌تصدیق دوست و دشمن عفت و شرافت سربازی‌را همیشه محفوظ داشته‌ام. آنچه کرده‌ام مطابق حکم بوده و از قضا احکام هم همه به‌حق صادر می‌شده است و گمان ندارم در تاریخ ایران و مخصوصاً در تاریخ مشروطیت چنین نظم و ترتیبی به‌معرض ظهور و بروز رسیده باشد. من اولین کسی هستم که حساب وجوه دریافتی ایام تصدی خود را به‌میل و رضای خاطر خود پس‌داده و از بودجهٔ مصوبهٔ ایالتی فقط آن مقدار به‌خرج آوردم که استحقاقش را داشته و برای پرداخت مستمریهای فقرا و ضعفاء لازم و واجب بود. برای اولین دفعه اعانه[ای] که برای قشون گرفته می‌شد به‌همان مصرف خودش رسانده، و به‌کمك صاحب منصبان لایق و فداکار خود به‌سرعت برق چندین باطالیان پیاده و فوج سوار حاضر خدمت نموده، با صاحب منصبان یك باطالیان، شش مقابل آن را اداره کردم. در حکومت من چندین فقره حسابهای پیچ در پیچ مؤدیان مالیاتی‌که سالها مطرح مذاکرهٔ وزارتخانه‌ها بوده و به‌جایی نرسید، خاتمه یافت. اشرار نامی خراسان مثل خـداوردی، الله وردی، مرسل، دیـن محمد، حضرتعلی و غیره که با اردوهای دو سه هزار نفری و مخارج گزاف دستگیریشان ممکن نبود، دستگیر و به‌مجازات اعمال جنایتکارانهٔ خود رسیدند. حل وتصفیهٔ مسایل‌سرحدی، شروع به‌اصلاحات بلدی، اتحاد شکل قوای نظامی خراسان وانتظام ادارات و شعبات مختلفه آن از یادگاریهای فراموش نشدنی دورهٔ حکومت و ریاست من است. بالاخره این در حکومت من و برحسب پیشنهاد من بود که دولت وقت براصلاح آستانهٔ مقدسه تصمیم گرفته به‌رجوع این ماموریت مقدس خستگیها و دلتنگیهای مرا جبران نمود. با یك دنیا اشتیاق کمیسیونها تشکیل و نظامنامه‌ها[۸۲] نوشته شده و نزدیك بود که به‌اوضاع اسفناك بقعهٔ متبرکه خاتمه داده شود که ظلمت به‌نور مبدل ــ مقصود سیاهـی کابینهٔ سابق و سفیدی لاحق استــ و ترتیبات سابق از سر گرفته شده، یك مشت اوراق برای‌ما به‌یادگار ماند.

اکنون حسب‌الامر اعلیحضرت قوی شوکت همایونی ارواحنا فداه فرماندهی

۸۱ــ اصل: پایهای.

۸۲ــ اصل: نظامنامها.

کلیهٔ قوای خراسان را عهده‌دار و تا موقعی که برخلاف تعهدات و مواعد صریحه [ای] که از طرف دولت داده شده رفتاری نبینم درصداقت و وفاداری نسبت به‌ذات ملکوتی صفات همایونی، دولت و ملت پایدار بوده و اقدامی برخلاف اوامر صادره نخواهم نمود و امیدوارم هیئت دولت نیز احترام دستخط تلگرافی ملوکانهٔ مورخه لیلهٔ ۲۵ رمضان ۱۳۳۹ [۲ ژوئن ۱۹۲۱] و موقع باریك و خطرناك مملکت را درنظر گرفته و خدانکرده به وسوسهٔ سیاست‌مداران مرکز فساد و انتریك، اقدامی برخلاف انتظار نفرمایند.

من خود برای هرقسم محاکمه و درصورت ثبوت تقصیر برای هرگونه‌مجازات حاضرم به‌شرط این‌که قضات محکمه معلوم و همه به‌نوبت محاکمه شویم، تا سیه روی شود هرکه درو غش باشد.

درخاتمه حق ناشناسی می‌دانم که بدون تشکر از دوستان غیرنظامی‌وصاحب‌منصبان وافراد رشید قسمت خود، لایحهٔ دفاعیه یا تاریخچهٔ مختصر زندگانی خود را به‌انتهی برسانم و دراین نصف‌شب از پشت میز تحریر درحالی‌که قطرات اشك زیر پلکها حلقه زده آنها را در جلو چشمهای از تحیر خسته‌ام مجسم نساخته ونگـویم: دوستان و هم‌قطاران عزیزم! تصور نکنیدکه من از نسبت‌دادن تمام این عملیات به‌خود، خودپسند شده و ناسپاسی‌کرده باشم، خیرخیر هرگزهرگز، بلکه من خودم را شما دانسته وشما را خودم. می‌بینم فـداکاری، صداقت، لیاقت و وفاداری شما چیزی نیست که بتوان فراموش‌کرد، هیچ قوه[ای] مقتدر نیست‌که محبت شما را از من گرفته و رشتهٔ‌اتحاد مارا از هم بگسلد و ممکن نیست‌که من ناسپاس و فراموشکار باشم. خداوند همواره من و شمارا در پناه و امان خود نگاهداری فرموده و درخدمت به‌وطن مؤید ومنصور ومظفر فرماید.

هموطنان! این دفاعیه را ننوشتم که کسی را بیازارم، بلکه خواستم یك مرتبه درعمر خود خواهش دلم را انجام داده و خودرا راضی‌کرده باشم. من ایرانی و ایران را نه‌فقط دوست داشته، بلکه پرستش می‌کنم و به‌همین دلیل اگرکسی در مقابل ازمن بدگفته و یا بنویسد جواب نخواهم داد.

مرا اگر بکشند قطرات خونم کلمهٔ ایران را ترسیم خواهد نمود واگر بسوزانند خاکسترم نام وطن را تشکیل خواهد داد.

محمدتقی

مشهد ــ لیلهٔ ۱۳ سرطان ۱۳۰۰

پیوست شماره ده

نامهٔ ژنرال حمزه عموی کلنل به‌شاه

به‌عرض خاکپای اقدس همایونی می‌رساند.

دو چیز تیره عقل است، دم فروبستن به‌وقت گفتن، گفتن به‌وقت خـاموشی.

بعداز آن‌که از تشرف به‌خاکپای همیونی و تظلمات حضوری (به‌توسط شاهزاده شهاب الدوله رئیس تشریفات درخواست‌کرده منوط به‌امر و اجازه شخص اول‌داشتند) مأیوس شدم، برای حفظ شرافت سربازی اسلاف و اخلاف وافتخار به‌شغل سربازی پنجاه سالهٔ خود به‌وسیلهٔ قلب پاك وامیدواری به‌حق‌گذاری اقدس ملوکانه به‌عرض تظلم و دادخواهی مبادرت می‌نماید.

اعلیحضرتا! کلنل محمدتقی‌خان که از پدران به‌اسارت رفتهٔ در مرو وجانبازی کرده در واقعات ایران در جنگ روسیه و هرات وتمام سرحدات برای دولت‌پادگار مانده، در مقابل وظیفه‌شناسی واجراء اوامر دولت (درکابینهٔ سابق) دچار مشکلات گردیده و می‌خواهند اورا متمرد ومتکی به‌اجانب معرفی نمایند.

اعلیحضرتا! این هتك ناموسی‌که از یك نفر سرباز ایرانی می‌شود یك توهین معنوی از نوامیس مقدسهٔ اسلام است ولاتقولوالمن القی الیکم السلام لست مومنا.

اعلیحضرتا! کلنل محمدتقی‌خان برای تثبیت عرایض حقهٔ خود در پیشگاه‌اقدس به‌اشخاص درجهٔ اول مملکت از قبیل آقایان مستوفی‌الممالك و مشیر الدوله و مؤتمن‌الملك و غیرهم متوسل گردیده؛ اهالی مملکت خراسان هم خدمات و ایرانیت وصداقت سربازی کلنل محمدتقی‌خان را در خاکپای همیونی به‌وسیلهٔ همان اشخاص وآقایان علماء تصدیق نمودند، معذلك مورد هیچگونه توجه واقع نشده‌اند.

اعلیحضرتا! خدمات کلنل محمدتقی‌خان از قزوین و همدان و بروجرد و کرمانشاه تا اسلامبول وبرلن ممتد وروزنامجات «طیمس‌لندن» و «نویه‌رومیای پطرو گراد» ناطق است.

اعلیحضرتا! کلنل محمدتقی‌خان فرزند پدران مهاجر است که به‌نام اسلام و ایران به‌دولت علیه جانبازیها کرده، در هرات و مرو وفتنهٔ سالار و زنجان و همه‌جا کشته شده‌اند. هرگاه رضایت خاطر و ترفیه حال عامهٔ اهالی مثل خراسان مملکت‌مهمی به‌صداقت و خدمتگذاری کلنل محمدتقی‌خان مدخلیت نداشته و صلاح دولت‌واستقلال مملکت مقتضی قتل و اضمحلال یك نفر سرباز مهاجر خانه‌زاد باشد، درمذهب‌خانزادان، سروجان را نتوان گفت‌که مقداری هست. ایکاش امر ملوکانه صادر و این چاکرپنجاه سال سربازی‌کرده مأمور می‌شدم پسر یا برادرزادهٔ خود را برای تصدق خاکپای‌همیونی حاضر و به‌خود می‌بالیدم که خدمت و صداقت را به‌پایان رسانیده‌ام و اگر اجدادم در راه دولت کشته شده و یا در مرو اسیرگردیدند و دو پسر جوانم نیز در شیراز به دشمنی اجانب مقتول شدند فرزند سیمی را به‌امر ولی‌نعمت تاجدارم سرمی‌بریدم تا دولت قوی شوکت در چنین روزی امر به‌سوق‌الجیش و حملهٔ عشایر و ایلات‌سرحدی مملکت منظم خراسان ننموده و ابناء وطن مقدس و برادران اسلامی دچار خسارت جانی مالی نشوند.

اعلیحضرتا! به‌حقوق سربازی چاکرانت به‌نظر رحم و عنایت نگریسته خدمات دویست سالهٔ فدویان را به‌القاء شبهات دیگران محو و نابود نفرمائید.

بر تست پاس خاطر بیچارگان و شکر برما وبر خدای جهان آفرین جزا

سرباز پنجاه ساله واقعی دولت ایران
سنبلهٔ ۱۳۰۰
ژنرال حمزه پسیان

وقایع هفتهٔ پیش از سوم سپتامبر

* فرمانده پادگان ژاندارمری تربت حیدریه در بیست و هشتم اوت بوسیلهٔ تلفن گزارش دادکه ظاهراً هیئت مأمور مذاکره با شجاع‌الملك باوی تبانی‌کرده‌اند وممکن است هرآن افراد شجاع‌الملك دست به‌حمله بزنند. به‌فرمانده مذکور دستور داده شدکه آنها را تحت‌الحفظ به‌مشهد بازگرداند. در روز سی‌ام اوت اعضای نه‌گانه هیئت روانه مشهد شدند.

* در روز بیست ونهم اوت سید حیدر در رأس نیروهای بربری و افراد باخرزی‌که اخیراً به‌وی پیوسته‌اند فریدن را اشغال‌کرد. نیروهای ژاندارمری‌به‌دستور کلنل محمدتقی‌خان برای بازپس‌گرفتن فریدن وارد عمل شدند و در زدوخورد بین طرفین یك نفر از افراد باخرزی‌کشته و دیگری اسیر شد. در روز سی‌ویکم اوت‌افراد ژاندارمری بدون برخورد با مقاومت جدی فریدن را متصرف شدند. روز بعد کلنل محمدتقی‌خان نامه‌ای به‌امضای بیست‌وچهار نفر از ریش‌سفیدان طایفهٔ سید حیدر دریافت‌کرد. ریش‌سفیدان در نامهٔ خود متذکر شده بودندکه اگر کلنل ستونهای‌نظامی خود را از سرزمین آنها فراخواند، دست از دشمنی باوی برخواهند داشت. نیروهای ژاندارمری نیز پس از موافقت کلنل با درخواست ریش‌سفیدان حملات خود رامتوجه قلعه نو یعنی روستایی‌که متعلق به‌خود سید حیدر بودکردند.

* مذاکرات غیر مستقیم بین رئیس‌الوزراء و کلنل محمدتقی‌خان با وساطت سفارت انگلیس در تهران و کنسولگری مشهد همچنان ادامه دارند ما در حال‌حاضر منتظر جواب رئیس‌الوزراء هستیم.

* در محافل عمومی مشهد تبلیغات شدیدی در حمایت از کلنل محمدتقی‌خان انجام می‌شود. در برنامه‌های هنری‌که در عصر دو روز برگزار شد، عارف ستارهٔ‌مجلس بود. وی در یکی از این مراسم به‌شاهزادگان قاجار و سرسلسلهٔ آنها ناسزا گفت، در نتیجه کلنل محمدتقی‌خان الزاماً اورا به‌قوچان فرستاد.

* خزانهٔ ایالت کاملا تهی است. در چهاربرنامهٔ هنری‌که به‌نفع ژاندارمری در طول دو هفتهٔ گذشته برگذارگردید تقریباً سه‌هزار تومان جمع‌آوری شد.

* همان‌گونه‌که قبلا پیش‌بینی‌کرده بودم مترجم‌الملك به‌قصد بست نشستن به کنسولگری آمد. من فکر می‌کنم کلنل‌محمدتقی‌خان هنوز از جریان فرستادن‌تلگراف کذایی[۸۳] به‌بیرجند بی‌اطلاع باشد، ولی وقتی جواب تلگراف را دید مانع مخابرهٔ‌آن

۸۳ــ نگاه کنید به صفحه ۸۲ سطر دوم تا چهارم.

به‌تهران شد. شوکت‌الملك در جواب تلگراف مذکور متذکر شده بودکه امور حکومت را به‌دست حسام‌الدوله[۸۴] سپرده و مشغول تـدارك تجهیزات و جمع آوری نیروهـای رزمنده است. دوتلگراف‌دیگر شوکت‌الملك خطاب‌به‌رئیس‌الوزراء نیزتوسط تلگرافچی‌های انگلیسی به‌تهران مخابره شد و من هردو تلگراف را امضاءکردم. شوکت‌الملك‌درضمن با استفاده از شیوه های دیپلماسی در فکر برقراری صلح است و به‌همین منظور بوسیلهٔ تلگراف حضوری با دوستش، معتصم‌السلطنه کارگزار، مذاکراتی انجام داده و ازوی خواسته است تا کلنل محمدتقی‌خان را وادار به‌تسلیم نماید.

* وقتی من کلنل محمدتقی‌خان را متهم‌کردم‌که از بلشویکهـای عشق‌آبـاد درخواست‌کمك کرده است، وی پس‌از تکذیب این‌گونه شایعات اعتراف‌کردکه اگر شدیداً تحت فشار قرارگیرد ناگزیر هر پیشنهاد کمکی را خواهد پذیرفت. کلنـل محمدتقی‌خان در حال‌حاضر هر بی‌سروپایی را به‌خدمت می‌گیرد، بسیاری از این‌افراد فراریان روسی هستند و بعضی نیز جاسوس بلشویکها و مأموران قفقازی که حداقل در ضد انگلیسی بودن آنها نمی‌توان شکی به‌خود راه داد. فرانکنشتاین سرگرم خلق هیولایی است‌که معلوم نیست پیروزی نهایی برآن از راه گفتگو حاصل‌می‌شودیاجنگ.

* آقای دبوا به‌من اطلاع دادکه بزودی حدود ده‌نفر از اعضای هیئت تجاری روسیه به‌سرپرستی پروتوپوپف[۸۵] وارد مشهد می‌شوند.

* اعضای هیئت مأمور مذاکره با شجاع‌الملك روز دوم سپتامبر همراه باشوکت الدوله به‌مشهد بازگشتند. آنها گفتندکه هرچند شجاع‌الملك حکومت کلنل‌محمدتقی‌خان را به‌رسمیت نمی‌شناسد، ولی درحال حاضر قصد جنگ باوی را ندارد. کلنل‌محمدتقی خان ضمن ارسال تلگراف برای شجاع‌الملك به‌وی متذکر شدکه می‌تواند او را در باخرز وتربت جام آزاد بگذارد و مزاحمش نشود، لیکن به‌منظور تضمین صلح باید پسرش را به‌عنوان گروگان به‌مشهد گسیل دارد. به‌اعتقاد من شجاع‌الملك هرگز تن به‌این کار نخواهد داد.

* گفته می‌شودکه کلنل محمدتقی‌خان به‌منظور تشکیل یك ارتش واحد، متشکل ازنیروهای مبارز، برای مقابله با رئیس‌الوزرا به‌طور محرمانه با شورشیان‌مازندران، گیلان و آذربایجان مکاتبه می‌کند.

* گروههای ضد صمصام‌السلطنه همچنان جزوه‌هایی علیه وی انتشار می‌دهند. دریکی از این جزوه‌ها پس ازا بیان تاریخ گذشتهٔ خراسان، زیادمرویهاوسوءاستفاده‌های والیان سابق مسبب اصلی شرایط مصیبت‌بار کنونی قلمدادگردیده و در پایان ازبرقراری عدالتی که کلنل محمدتقی‌خان بانی و حافظ آن بوده شکرگزاری شده است. درحال حاضر متنفذترین افراد طرفدار کلنل محمدتقی‌خان عبارتند از سید مصطفی سرابی، مجتهد حاج‌حسن پائین خیابانی، معتصم‌السلطنه، ماژوراسماعیل‌خان، شاهزاده امجد

۸۴ــ امیر معصوم‌خان حسام‌الدوله برادرزادهٔ امیر شوکت‌الملك علم.

الملك، اسدآقا زوارزاده، سید کاشفی و آقاداود سرداروزین.

وقایع هفتهٔ پیش از دهم سپتامبر

* پرویزخان شجاع نظام از ریاست نظمیهٔ تربت حیدریـــه برکنار و غلامحسین خان رئیس نظمیه سابق جانشین وی شد.

* پس از حمله ژاندارمها به‌روستای قلعه‌نو که در گزارش هفتهٔ پیش به‌آن اشاره کردم، جنگجویان محلی تربت جام با کمك سالارخان بلوچ در روز سوم سپتامبر به یك واحد ژاندارمری هجوم بردند.

* در روز چهارم سپتامبر کلنل محمدتقی‌خان به‌منظور توجیه عملیات نظامی و همچنین پایان بخشیدن به‌اختلاف نظرهای موجود بین افسرانش با اتومبیل ازمشهد عازم فریدن شد. وی شب به‌مشهد بازگشت.

* یك دسته از افراد ژاندارمری مستقر در تربت حیدریه در پنجم سپتامبربرای تصرف قلعهٔ سنگان بالاکه دویست نفر از جنگجویان طوایف درآن سنگر گرفته بودند، دست به‌یك هجوم ناموفق زدند.

* روزنامهٔ بهار در شمارهٔ سوم سپتامبر خود اقـدام به‌درج یك مقالهٔ ضد انگلیسی کرد و روزنامهٔ شرق ایران نیز در شماره پنجم سپتامبر مقالهٔ مشابهی انتشار داد.

* در پنجم ماه جاری کلنل محمدتقی‌خان با پخش یك بیانیه بلندبالا سردار معزز بجنوردی را به باد انتقاد گرفت. دراین بیانیه آمده بود «او همان کسی‌است که وقتی روسها مرقد امام‌رضا را بمباران می‌کردند از خود هیچ عکس‌العملی نشان نداد». در این بیانیه به‌امیرشوکت‌الملك هم انتقاداتی شده بود، از جمله این که«او قادر به‌حراست از جاده‌های ایالت خویش نیست». در روز هفتم سپتامبر نیزبیانیه‌ای برضد شجاع‌الملك منتشر شد.

* کلنل محمدتقی‌خان در ششم سپتامبر با اتومبیل عازم تربت حیدریه شد. پیش از عزیمت وی سیصد ژاندارم و دو توپ ساخت اتریش به‌منظور تقویت بنیهٔ نظامی به‌طرف تربت حیدریه حرکت داده شده بودند.

* پس از آن‌که ۷۵۰ نفر از جنگجویان طوایف به‌مدافعان قلعهٔ سنگان بـالا پیوستند، کلنل محمدتقی‌خان در روز هفتم سپتامبر فرماندهی عملیات را شخصاًبه‌عهده گرفت. در حملهٔ روز نهم سپتامبر تنها توپ موجود به‌صحنهٔ جنگ برده شد. توپدیگر پس از انفجار گاری مهمات در راه تربت حیدریه از کار افتاده بود. قلعهٔ سنگان بالا سرانجام به‌تصرف نیروهای ژاندارمری درآمد و مدافعان آن پا به‌فرار نهادند. کلنل محمدتقی‌خان در شامگاه دهم سپتامبر به‌مشهد بازگشت.

* در اوایل هفته وقتی گروهی از افراد سیدحیدر که مهماتشان تمام شده بود وارد گاریز شدند دریافتندکه شجاع‌الملك با به‌همراه بردن اعضای خانواده و اموال منقول خویش از مرزکفیرکله به‌خاك افغانستان گریخته است. افراد مزبور هم بـا استفاده از فرصت به‌غارت بازار گاریز پرداختند و مأموران ایرانی گمرك و مالیه و

صدور گذرنامه همگی به‌خانهٔ راپرت‌نویس ما پناه می‌برند.

* سلطان جعفرخان که در غیاب کلنل محمدتقی‌خان فرماندهی پادگان مشهد را به‌عهده داشت، در دهم سپتامبر دستگیر و سلطان علی‌اصغرخان جانشین وی شد. سلطان جعفرخان از طرفداران حزب «آزادیخواهان»[۸۶] است.

* به ماژور اسماعیل‌خان در سبزوار دستور داده شد که برای مقابله با قزاقهای اعزامی از تهران به‌سوی عباس‌آباد حرکت کند.

* وزیرمختار در روز هفتم سپتامبر به‌من اطلاع داد تمام شرایط پیشنهادی من دربارهٔ کلنل محمدتقی‌خان که پس از تبادل نظر با آقای دبوا و سرگرد برونیکوفسکی تنظیم شده بود، مورد قبول حکومت مرکزی قرارگرفته است. فکر پیشنهاد این‌شرایط درواقع پس از گفتگوهای روز بیست‌ونهم اوت با کلنل به‌ذهن من راه یافت. من در همان موقع پیش‌بینی می‌کردم‌که او به‌رغم مخالفت ظاهری سرانجام با آن موافقت خواهدکرد. وقتی کلنل محمدتقی‌خان در تربت حیدریه بود، من‌دربارهٔشرایط‌پیشنهادی مورد قبول تهران با معتصم‌السلطنه و متولی‌باشی‌که قوام‌السلطنه با جانشینی یکی از آنها بجای کلنل موافق بود به‌گفتگو نشستم. هردوی این آقایان شرایط پیشنهادی رامعقول توصیف‌کردند و معتصم‌السلطنه قول داد دراولین فرصت دراین‌باره باکلنل گفتگوکند، ولی تا غروب روز هشتم سپتامبر از رفتن به‌نزد کلنل و مذاکره باوی خودداری نمود. لازم به‌تذکر است‌که قبل از این جلسه امجدالملك، راپرت‌نویس‌محلی من، خلاصه‌ای از شرایط پیشنهادی یادشده را با رفقای حزبی خود (حزب آزادی خراسان) درمیان می‌گذارد و متأسفانه دوتن از ترکهای طرفدار کلنل یعنی علم‌الدوله رئیس پلیس و زوارزاده قنوادل با آن به‌مخالفت می‌پردازند و ماجرارا درست در زمانی‌که معتصم‌السلطنه مشغول گفتگو با کلنل بوده به‌وی گزارش می‌دهند. حاضران پس از تبادل نظر با یکدیگر به‌این نتیجه می‌رسندکه علیه حکومت کلنل محمدتقی‌خان توطئه شده است. کلنل در روز نهم سپتامبر بوسیلهٔ تلگراف به‌من اطلاع داد تا زمانی که نیروهای او در حال جنگ با سران طوایف هستند، تن به‌هیچ‌گونه مذاکره‌ای نخواهد داد. وی هم‌زمان با مخابره این تلگراف دستور دستگیری کلیهٔ دوستان و مأموران ایرانی ما راکه گمان می‌کرد طرفدار اجرای شرایط پیشنهادی باشند صادر کرد، در نتیجه عده‌ای بی‌گناه مانند سرگرد والیس رئیس مأموران‌محلی، کاشف‌الملك، صدرالادبا، گروهی از اعضای حزب آزادیخواهان خراسان، مجدالادبا و تعدادی از قاصدان دستگیر گردیدند. امجدالملك نیزکه تحت تعقیب بود به‌کنسولگری‌پناهنده‌شد.

وقایع هفتهٔ پیش از هفدهم سپتامبر

* درگزارش هفتهٔ پیش متذکر شدم‌که کلنل‌محمدتقی شامگاه روز یکشنبه به مشهد بازگشت. در این هفته کنسولگری به‌علت اعمال خصومت‌آمیز عناصر ترك و

86- Freedom Wishers

قفقازی ــ چه لشکری و چه‌کشوری ــ سخت‌ترین‌دوران خود را پشت سر گذاشت. افرادی مانند علم‌الدوله رئیس پلیس، نیرهمایون رئیس جدید تلگراف و معتصم‌السلطنه محرك اصلی قفقازیها بودند.

* در صبح روز یازدهم ماه جاری کلنل مرا متهم به‌پخش گزارشات نادرست کرد؛ از جمله این‌که من گفته‌ام ۱۵۰۰ قزاق [از تهران] وارد شاهرود شده‌اند و خود او به‌هنگام فرار از مشهد با اتومبیل غلامرضا سبزواری دلال بانك زخمی‌شده است و بالاخره این‌که سلطان جعفرخان و ناظم‌التولیه باگرفتن رشوه حاضرشده‌اند مقامات ژاندارمری و آستانه را راضی به‌قبول پیشنهادات تهران نمایند. کلنل همچنین متذکر شدکه عملیات نظامی او در غرب و در جنوب شرقی آنچنان قرین موفقیت بوده است‌که با بی‌میلی تمام حاضر به‌ترك فرماندهی آن شده و به‌همین دلیل درنظر دارد در این مورد با ماژور اسماعیل‌خان گفتگوکند. در بعداز ظهر رفتار کلنل سخت‌تر و خشن‌تر شد و به‌من چنین نوشت «به‌این نتیجه رسیده‌ام‌که کابینه میل دارد مرا به‌داشتن یك امنیت کاذب دلخوش دارد، درحالی‌که خود سرگرم تحریك طوایف برعلیه من است. تازمانی‌که حکومت تهران مرا به‌عنوان والی به‌رسمیت نشناسد من هم آنان را به‌رسمیت نخواهم شناخت. هرکس که صلح و آرامش را برهم زند و یا برعلیه من فعالیت نماید ــ هرکس‌که باشد ــ با عکس‌العمل شدید روبرو خواهدشد.»

* در روز دوازدهم سپتامبر به‌قصد مطمئن‌کردن کلنل محمدتقی‌خان به‌این که من هرگز برضد وی عملی خلاف شیوهٔ بی‌طرفی انجام نداده‌ام به‌ملاقاتش رفتم. کلنل به‌من‌گفت اسرار محرمانه‌ای دارد که یکی از آنها را برای من فاش می‌کند، و سپس افزود که با حمزه عمویش در تهران مکاتبه دارد و درصورت به‌بن‌بست‌رسیدن‌مذاکرات جاری با کابینهٔ ایران عمویش برای وی از بلشویکها تقاضای کمك خواهدکرد. کلنل درپایان یادآور شدکه دولت انگلیس چه از طریق سفارت، چه از طریق بانك خود وبالاخره چه از طریق شرکت نفت بادادن پول حکومت مرکزی را تحت سلطه‌خویش دارد. در جریان این‌گفتگو من به‌کلنل تذکر دادم، آن دسته از بربریهایی‌که تحت حمایت دولت انگلیس هستند و یا نامشان در فهرست وظیفه‌بگیرهای من قید شده‌است، باید از خدمت ژاندارمری مرخص شوند. دراینجا بودکه کلنل سخت برآشفت و به وضع ناخوشایندی تهدیدم‌کردکه مبادا کاری به‌افراد او داشته باشم.

* عده‌ای از سرشناسان شهر از جمله معتضدالسلطنه (حاکم سابق مشهد)، مجلل التولیه، ناظم‌التولیه، قائم‌مقام تولیه، شجاع‌التولیه (برادر زن سردار معزز بجنوردی) و سلطان اسماعیل‌خان به‌اتهام طرفداری از شرایط صلح تهران در روز یازدهم‌سپتامبر دستگیر شدند.

* هفته‌گذشته در روز نهم سپتامبر از بیرجند به‌من اطلاع دادندکه شوکت‌الملك به‌توصیهٔ معتصم‌السلطنه مصباح‌دیوان[۸۷] مستوفی خود را به‌مشهد گسیل داشته تا دربارهٔ

۸۷ــ محمد ولی‌خان اسدی ملقب به‌مصباح دیوان و مصباح‌السلطنه.

امکان برقراری صلح با کلنل محمدتقی‌خان مذاکره کند. من چون به‌کامیابی مأموریت مصباح‌دیوان امیدی نداشتم، طی تلگرافی ضمن شرح نظرات خود از شوکت‌الملك خواستم تا مانع حرکت وی شود، ولی مصباح‌دیوان که در زمان مخابرهٔ تلگراف من در راه بود، روز دوازدهم سپتامبر همراه با میرزا عبدالله‌خان رئیس نظمیه بیرجند وارد مشهد شد. کلنل محمدتقی‌خان قبلا به‌من یادآور شده بود که مصباح‌دیوان بـه دعوت معتصم‌السلطنه کارگزار به‌مشهد می‌آید و وی شخصاً هیچ‌گونه تعهدی درمورد این مأموریت و مجریان آن به‌عهده نگرفته است. مصباح دیوان در روز سیزدهم سپتامبر به‌ملاقات من آمد و روز بعد به‌قصد مذاکره با کلنل محمدتقی‌خان به‌دارالایاله رفت. مصباح‌دیوان که به‌هنگام گفتگو متوجه سازش ناپذیری و سرسختی کلنل‌محمدتقی‌خان شده بود، محرمانه به‌من خبر داد که «معتصم‌السلطنه دو دوزه بازی می‌کند» و درنظر دارد در نخستین فرصت مقتضی مشهد را ترك کند. من فکر می‌کنم که‌مصباح‌دیوان برای «فرار» از مشهد شانس کمی داشته باشد، چون کلنل می‌خواهد از وی‌به‌عنوان دست آویزی جهت ساکت‌کردن شوکت‌الملك استفاده کند.

* نیروهای ژاندارمری به‌طور کامل بر اوضاع تربت‌حیدریه، کاریز و تربت جام مسلط شده‌اند. تربت‌جام و کاریز در یازدهم سپتامبر محاصره شدند. محمدرضا شجاع‌الملك رئیس طایفهٔ هزاره پس از تحمل شکست به‌افغانستان گریخت و تقاضای پناهندگی کرد، ولی سالارخان بلوچ، عمادالملك و سردار حیدر تا آخر در صحنهٔ پیکار ماندند.

* چند گروه مسلح که پرشمارترین آنها عدهٔ دویست‌نفری محمدقاسم‌خان غرائی بود، در یازدهم سپتامبر وارد مشهد شدند و به‌نیروهای تحت فرماندهی کلنل محمد تقی‌خان پیوستند.

* به‌نظر می‌رسد که مذاکرات صلح به‌بن‌بست‌رسیده باشد. من در روز دوازدهم سپتامبر به‌سرگرد برونیکوفسکی توصیه‌کردم پس ازکسب اجازه از کلنل محمدتقی‌خان مشهد را ترك‌کند. سرگرد پس از یکی دو روز این‌دست وآن دست‌کردن سرانجام در چهاردهم سپتامبر عازم تهران شد. سرگرد برونیکوفسکی پیش از ترك مشهد اطلاع دادکه کلنل محمدتقی‌خان به‌وی گفته است می‌خواهد من و سرگـرد والیس را بازداشت کند.

* چهل نفر از افراد پلیس مشهد به‌رغم میل خود به‌ژاندارمری منتقل و سپس به‌تربت حیدریه اعزام شدند.

* کمیتهٔ جدید حزب ملیون خراسان نخستین بیانیهٔ خود را در پانزدهم سپتامبر منتشر کرد. اکثر اعضای این حزب را ترکهای تبریز و قفقازیها تشکیل می‌دهند. رهبران حزب ملیون خراسان عبارتندازنورمهدی، اسدآقازوارزاده، اسماعیل‌نخجوانی (باعقاید آنارشیستی) مشهدی حسینقلی و میر مرتضی. آنها مشهدی غلام دواخانه را که ما در سال ۱۹۱۹ تبعیدش‌کرده‌بودیم، به‌همراه برادرزن وی، برای انجام مأموریتی ازطریق خاکستر به‌عشق‌آباد فرستادندکه‌بابلشویکها ملاقات وگفتگو نماید. روزنامه‌های

«شرق ایران» و «بهار» توسط این‌حزب منتشر می‌شود. «شرق‌ایران» چندی‌پیش مقالهٔ توهین‌آمیزی علیه حزب آزادیخواهان خراسان چاپ‌کرد. در این مقاله آن دسته از ایرانیانی‌که به‌کنسولگری رفت و آمدمی‌کنند به‌مرگ تهدید شده بودند. ازآنجایی که روبروی هردو در ورودی کنسولگری مأمورانی گمارده‌اند، عملی‌کردن این‌گونه تهدیدات کار آسانی به‌نظر می‌رسد. جلسات حزب ملیون اکثراً در خانهٔ اسماعیل نخجوانی تشکیل می‌شود.

* کلنل محمدتقی‌خان در صبح روز شانزدهم سپتامبر طی یادداشتی به‌من‌اطلاع داد‌که «از این تاریخ تلگرافهای کنسولگری و تمام اتباع انگلیس می‌بایست‌به‌صورت غیر رمز و فقط توسط تلگرافچی‌های ایرانی مخابره شود و استفاده از وسایل دیگر هم ممنوع اعلام‌می‌شود». من پس‌از آن‌که مطلع شدم خط تلگراف مشهد-سبزوار دور از چشم ما مدت دوسه شب توسط نظامیان ایرانی قطع شده و مزاحمتهایی برای نیومن[۸۸] تلگرافچی ما فراهم آورده‌اند به‌ملاقات‌کلنل رفتم و به‌وی‌گفتم‌که نمی‌توانم این داستان را باورکنم. کلنل محمدتقی‌خان اول اصرار داشت‌کلیه اماکن مخابرهٔ تلگراف ما تعطیل شود، ولی وقتی به‌وی خاطرنشان کردم‌که مخابره تلگراف به‌صورت غیر رمز اسباب زحمت ما و حتی خود او می‌شود تغییر عقیده داد و موافقت‌کرد تلگرافها به‌صورت رمز مخابره شود به‌شرط آن‌که پیش‌نویس آنها قبلا به‌تأئید وی برسد. در این مورد هم من ظاهراً التزام سپردم‌که هیچ مطلبی پنهان از وی مخابره نشود. باید صبرکرد ودید کاراین موافقت به‌کجا می‌کشد.

* تاکنون نامه‌های ارسالی از هندوستان و تهران تحت سانسور قرارنگرفته است، ولی گاهی اوقات پاکت نامه‌هایی‌که از سیستان فرستاده می‌شود قبلا گشوده شده است. نامه‌های وابستهٔ نظامی کنسولگری نیز که توسط مأموران مرزی ارسال می‌شود قبلا مورد مطالعه قرار می‌گیرند و بعضی از آنها هم ضبط می‌شود.

* دوتن از افسرانی‌که در تربت حیدریه از جنگیدن با افراد طوایف خودداری کرده بودند اعدام شدند. اسامی اعدام شدگان عبارت است از نایب‌عبدالرسول‌ووکیل یارمحمدجاجرمی.

* درمورد جنگهای این هفته اخبار زیادی به‌مشهد نرسیده است. اطلاعیهٔ صادره در شانزدهم سپتامبر حاکی از آن بود که ناصر آباد، کنگ و دولت‌آباد به‌تصرف ژاندارمری درآمده است.

* پس از مدتها انتظار سرانجام اعضای هیئت‌تجاری روسیه در بعدازظهر هفدهم سپتامبر باسه گالسکه وارد مشهد شدند.

* کلنل محمدتقی‌خان چشم کمک به‌روسها دوخته است. درحال حاضر شاید مذاکراتی برای ارسال خواربار ــ که ارتش بلشویکها به‌آن نیاز دارد ــ بین طرفین درجریان باشد، ولی بعید است روسها معاهدهٔ دوستی خود با ایران را زیرپابگذارند.

88- Newman

* کلنل محمدتقی‌خان یك مهندس آلمانی را مأمور مطالعه در معادن زغال سنگ اطراف مشهدکرده است.

* در حال حاضر برآورد توان رزمی جنگجویان طوایف کاری است مشکل، چون آنهاکه شکست خورده‌اند بیشتر دچار سرخوردگی شده‌اند تا از هم‌پاشیدگی ونابودی. عده‌ای از بربریها ازگروه سردار حیدرگریخته و به‌نیروهای هفتصدنفری عمادالملك رئیس طایفهٔ ترشیز پیوسته‌اند. غلام‌شاه کار متحدکردن طوایف را به‌عهده گرفته است و فرهادخان و ولی‌خان در حال‌گردآوردن افراد جنگجو برای مقابله باکلنل‌محمدتقی‌خان هستند.

* کلنل محمدتقی‌خان به‌من‌گفت‌که او به‌هیچ دولت خارجی اجازهٔ مداخله در امور داخلی ایران را نخواهد داد.

* مراسم مذهبی ماه محرم با نظم تمام به‌اتمام رسید.

وقایع هفتهٔ پیش از بیست و چهارم سپتامبر

* ریاست هیئت تجاری روسیه به‌عهده پروتوپوپف و خاشچاب۸۹ (مسیحی سوری و رئیس سابق بانك روس در قوچان) است. گفته می‌شودکه آنها با خود معادل۲۰۰۰۰ پوند شمش طلا، نقره، سکه و همچنین نمونه‌هایی از پوست دباغی شده به‌ایران حمل کرده‌اند. هیئت تجاری روسیه آمادگی خود را برای مبادلهٔ شکر، نفت چراغ، پوشاك وآهن با پنبه، پشم و مواد غذائی اعلام‌کرده‌اند.

* اموال و اجناس به‌غنیمت‌گرفته شده از طوایف برای فروش به‌مشهد حمل می‌شود. من دربارهٔ زنان وکودکانی‌که برای نشان‌دادن محل دفن اشیاء با ارزش تحت شکنجه شدید قرار گرفته‌اند داستانها شنیدم. می‌گویند گوشهای پسر پانزده‌سالهٔ سید حیدر را بریده‌اند.

* رکن اعظم از حکومت سبزوار استعفا داد و یك افسر ژاندارمری جانشین وی‌شد.

* سردار نصرت (نصرت‌الملك سابق) رئیس طایفهٔ تیموری به‌حکومت تربت جام منصوب‌گردید.

* آیت‌الله‌العظمی آقازاده که برای زیارت به‌مکه رفته بود، در راه بازگشت به‌مشهد در اوایل هفته وارد سیستان شد. حاج‌حسین‌آقا به‌دستور کلنل محمدتقی‌خان به‌بیرجند رفت تا ضمن برطرف‌کردن نگرانیهای آقازاده، وی‌را تا مشهد همراهی کند. بازگشت آقازاده باعث تقویت موقعیت ژاندارمهای شورشی خواهد شد.

* در هیجدهم سپتامبر کاریز کاملا به‌تصرف نیروهای ژاندارمری درآمد.

* به‌مصباح‌دیوان اجازه داده نمی‌شودکه به‌بیرجند بازگردد. وی تا بازگشت حاج‌حسین‌آقا نقش گروگان را ایفا خواهدکرد.

89- Khashchab

* سالارنصرت حاکم تربت حیدریه به‌مشهد فراخوانده شد و یك افسرژاندارمری جانشین وی گردید.

* آقای برناردی[۹۰] رئیس ادارهٔ مالیاتهای غیر مستقیم از کار برکنار ووظایف وی به‌دست بهاء دفتر سپرده شد. آقای برناردی به‌شدت از طرف جانشین خود مورد حمله قرارگرفت و حتی تهدید به‌بازداشت شد، ولی باوساطت آقای دبوا که به‌خواهش من انجام گرفت خطر از سرش گذشت.

* کلنل محمدتقی‌خان برای تأمین مخارج ژاندارمری به‌هرشیوه‌ای توسل می‌جوید. گزارش می‌شودکه وی ۵۰۰۰۰ تومان گندم به‌هیئت تجاری روسیه‌فروخته وروسها بخشی از پول‌گندم را با طلا پرداخته‌اند. کلنل همچنین با دعوت‌ازنمایندگان تجار و زمین‌داران بزرگ از آنها خواسته است وامی به‌مبلغ ۶۰۰۰۰ تومان برای مدت دو ماه، در اختیار وی قرار دهند. نمایندگان مذکور با بیان این واقعیت که در حال حاضر پول کمیاب است درخواست کردند تا به‌آنها فرصت بیشتری داده شود. کلنل محمدتقی‌خان ضمن تشویق صادرات به‌روسیه و افغانستان ازکالاهای صادراتی ده‌درصد مالیات اخذ می‌کند، وی در نظر دارد بانك جدیدی در محل سابق بانك روس تأسیس‌کند. قانی‌اف[۹۱] کارمند سابق بانك‌روس ازهم‌اکنون به‌ریاست بانك‌منصوب شده‌است.

* می‌گویند پول جدیدی رواج داده خواهد شد. کلنل محمدتقی‌خان از آقای باترز مدیر بانك شاهنشاهی ایران تقاضای وامی به‌مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان کرده است. آقای باترز بادادن این وام مخالفت ورزید و کلنل نیز زیاد اصرارنکرد.

* کلنل محمدتقی‌خان اعلام‌کردکه آمادهٔ واگذاری امتیاز استخراج معادن فیروزهٔ نیشابور است، ولی هیچ‌کس از پیشنهاد کلنل استقبال نکرد.

* اوضاع و احوال تغییر چندانی نکرده است. کلنل محمدتقی‌خان همچنان باقدرت تمام سراسر ایالت را درکنترل خویش دارد.

* کلنل محمدتقی‌خان صدور بیانیهٔ اعلام جمهوری خراسان را که از طرف حزب ملیون تهیه شده است به‌بعد موکول کرد. طرح پرچم ملی نیز تهیه شده است.

* روزنامهٔ شرق ایران در شماره‌های مورخ بیستم و بیست و سوم سپتامبر با عنوان درشت به‌دولت انگلیس و قوام‌السلطنه حمله‌کرد. روزنامهٔ بهار نیز در شمارهٔ بیستم سپتامبر خود با درج شعر طولانی و بلندبالایی سیاست بین‌المللی و همچنین سیاست و عملکرد ما را در ایران سخت مورد انتقاد قرارداد.[۹۲] بدون شك این مطالب وعناوین درشت پس از تأئید کلنل محمدتقی‌خان به‌چاپ می‌رسد.

90- Bernardi

91- Ghanioff

۹۲ـ نگاه کنید به: پیوست شماره یازده.

وقایع هفتهٔ پیش‌از اول اکتبر

* سالار اشجع حاکم خواف در روز بیست و سوم سپتامبر درگذشت. مرگ وی احتمالا از باد فتق بوده است. جنازهٔ سالاراشجع به‌مشهد حمل‌گردید و با تشریفات کامل نظامی به‌خاك سپرده شد.

* انجام امور مربوط به‌افتتاح بانك جدید با سرعت ادامه دارد. فرم اسکناسهایی که می‌بایست رواج یابد به‌تصویب رسیده است. پس ازآن‌که قانی‌اف از امضای اسکناسهای جدید سرباز زد آقای دبوا انجام این‌کار را به‌عهده‌گرفت.

* تجار عمده‌ای‌که با پرداخت وام دوماهه به‌کلنل محمدتقی‌خان موافقت‌کرده‌اند ومیزان وام هریك به‌شرح زیر است:

غلام‌رضا سبزواری	۵۰۰۰	تومان
حاج عبدالحسین تهرانی	۱۵۰۰	تومان
سیزده تاجر هریك ۵۰۰ تومان ــ مجموعاً	۶۵۰۰	تومان
جمع	۱۳۰۰۰	تومان

* در ملاقاتی‌که با معتصم‌السلطنه داشتم وی گفت اگر جنگ به‌زمستان کشیده شود برای صرفه‌جویی در مخارج، تمام ادارات را تعطیل‌کرده و از طلاها ونقره‌های موجود در آستان قدس به‌صورت وام استفاده خواهندکرد.

* کلنل محمدتقی‌خان دستور داده است‌که از قوچان پنج‌هزار تومان، تربت حیدریه شش‌هزار تومان، سبزوار سه‌هزار تومان و نیشابور سه‌هزار تومان جمع‌آوری و به‌مشهد حواله شود.

* مشهدی غلام دواخانه از عشق‌آباد نوشته است بلشویکها در صورتی حاضر به‌تحویل اسلحه و بمب هستندکه کلنل محمدتقی‌خان از طریق وزیر مختار روس در تهران موفق به‌کسب مجوز لازم شود.

* معتصم‌السلطنه کارگزار به‌مترجم من گفته است برای وکلای خراسان در مجلس پیغام تهدیدآمیزی فرستاده است حاکی از آن‌که اگر با اعزام نیرو جهت‌مقابله باکلنل محمدتقی‌خان موافقت کنند خانه‌های ایشان خراب، اموال و زمینهایشان ضبط خواهد شد و بستگانشان به‌قتل خواهند رسید.

* در درگیری شدیدی‌که از غروب آفتاب روز بیست‌وهفتم سپتامبر تانیمه‌های شب در جبههٔ الیك ادامه داشت همهٔ افراد سالارخان بلوچ به‌اسارت نیروهای‌ژاندارمری درآمدند. سالارخان بلوچ با استفاده از تاریکی شب به‌قائنات گریخت و به‌نیروهای شوکت‌الملك پیوست. ژاندارمها پس از این پیروزی دست به‌غارت الیك، دولت‌آباد وسیاه‌حصار زدند.

* می‌گویند افراد شوکت‌الملك در خدری واقع در سی‌میلی جنوب گناباد‌تمرکز یافته‌اند و نیروهای ژاندارمری هم در گناباد مستقر شده‌اند.

* سردار معزز بجنوردی به‌دستور تهران دوهزار نفر از افراد کرد را در

شیروان گرد آورده است و قرار است عده‌ای از ترکمن‌های یموت نیز به آنها ملحق شوند.

* یك افسر ژاندارمری به‌من گفت تاکنون در جنگ با طوایف ۱۹۲ ژاندارم به‌هلاکت رسیده‌اند.

* بازرس هندی خط تلگراف تربت‌حیدریه گزارش دادکه ژاندارمها او را از محل کارش بیرون انداخته و سپس تمام وسایلش را ضبط‌کرده‌اند.

* میرزاعلی مأمور مرزی وابستهٔ نظامی کنسولگری که به‌خاطر تهیهٔ گزارش و ارسال اطلاعات دستگیر و به‌نیشابور تبعید شده بود، پس‌از پادرمیانی من به‌دستور کلنل محمدتقی‌خان به‌مشهد فراخوانده شد و سپس آزاد گردید.

* مسافرانی که به‌شهر می‌آیند می‌گویند ژاندارمهای تحت فرماندهی ماژور اسماعیل‌خان دو فرسخ به‌طرف مشهد عقب‌نشینی کرده‌اند و نیروهای اعزامی از تهران سبزوار را به‌اشغال خود درآورده‌اند.

* برآورد می‌شود که اموال به‌یغما گرفته شده از شجاع‌الملك و سید حیدر بالغ بر ده هزار تومان گردد.

* قوچان، شیروان و بجنورد دستخوش ناآرامی است وسردار معزز وفرج‌الله‌خان علناً سربه‌شورش برداشته‌اند.

* حزب ملیون بیش از پیش به‌مسلك بلشویکها نزدیك می‌شود. اخیراً این حزب اقدام به‌تشکیل حوزه‌های حزبی کرده که در هریك از آنها ده تا دوازده نفر عضویت دارند. تاکنون سی‌حوزه تأسیس شده‌است. تشکیلات حوزهٔ حزب‌ملیون شبیه یاشیکاس[93] یا سلول [94] در حزب کمونیست روسیه می‌باشد. اکثر افراد این حزب قفقازی و ترك هستند. کلنل محمدتقی‌خان هم ترك است.

* برفراز منبرها گفته می‌شود که خرید اجناس مصادره شدهٔ طوایف خلاف شرع است.

* کلنل محمدتقی‌خان در عصر روز بیست و ششم سپتامبر مشهد را به‌قصد بازدید از تربت حیدریه و گناباد ترك گفت.

* کلنل محمدتقی‌خان عصر روز شنبه اول اکتبر سوار بر یك شتر، درحالی‌که اسب از نفس افتاده‌اش را یدك می‌کشیدند، از تربت حیدریه وارد مشهد شد و برای گفتگو با کلنل محمودخان معتصم‌السلطنه و یکی دو افسر دیگر بوسیلهٔ تلگراف حضوری مستقیماً به‌تلگرافخانه رفت. وی سپس با یك کالسکه عازم قوچان آشوب زده شد.

* سردار معزز بجنوردی بسیار مضطرب است وشبها ازترس ژاندارمها نمی‌خوابد. رئیس الوزراء بوسیلهٔ تلگراف به‌وی اطمینان داده است که با مداخلهٔ کنسولگری و

93- Yachekas
94- Cell

وزیر مختار انگلیس بزودی به‌اوضاع نابسامان فعلی خاتمه داده خواهد شد.

پیوست شماره یازده

در پایان نطق لرد کرزن

خوانندگان جریدهٔ بهار ازخواندن بیانات لردکرزن وتحریرات مسلسل‌ما به‌تنگ آمده‌اند، ماهم می‌بینیم یك نطق ریائی را بیشتر از این نباید توضیح داد.

اینك برای آن‌که بدانند دولت انگلیس نه‌تنها مانع ترقی و سعادت ماست، بلکه خاریست که در راه سعادت نوع بشر روئیده و نیز بدانند که درمیان ایرانیان اشخاصی یافت می‌شوند که به‌خوبی هر نطق و بیان ریائی را از غیر آن تشخیص می‌دهند، یکی از قصاید خود را (که در نتیجه توقیف جریدهٔ بهار در سال ۱۳۳۷ در موقع عقدقرارداد [۱۹۱۹] و مسافرت ما به‌قفقاز و قسطنطنیه ساخته شده) در پایان نطق لرد معظم طبع کرده و تحریرات خود را به‌همین‌جا خاتمه می‌دهیم.

اشعار ذیل در رمضان ۱۳۳۸ در شهر تفلیس سروده شده و اینك مختصری به‌آن علاوه ساخته برای ادبای معظم به‌رسم هدیه و یادگاری می‌فرستیم و نیز برای مشترکین سابق جریدهٔ بهار که تاکنون بعضی از آنها به‌واسطهٔ عدم ارسال روزنامه از ما گله‌مند شده‌اند ارسال می‌داریم.

کلیات

درجهان غوغا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
خلق را بی‌پا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
بهر کشور گیری و خاموشی هندوستان هر زمان در این جهان
طرح بدعتها نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
از پی کشتار مردم حیله‌های بی‌شمار روز و شب بردی بکار
پرده‌ها بـالا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
در سر پیری به‌سودای فریب و مکروغدر جای بگزیدی به‌صدر
کار صد برنا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
بر ضعیفان حمله‌بردی باسلاحی‌رنگ‌رنگ که به‌صلح‌وگه‌به‌جنگ
قصد خود اجرا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
گاه چون مردان جنگی خویشتن را ساختی گاه شمشیر آختی
بانگ رعدآسا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
گاه نوحه‌گاه زاری گاه آه والامان که چو شوهر مردگان
داد و واویلا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس

عهدها بستی تو با هرقوم با مکر عجوز لیك بعداز چند روز
جمله را حاشا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
خلق را بردی بەقربانگاه از پیروجوان آنچەزن بد درجهان
از ستم ثکلی نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
سوریا و مصر آن دو کشور آبـــاد را بصره و بغداد را
سر بەسر یغما نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
بالکان و بالکانی‌را بەخون‌کردی غریق سوختی‌شان درحریق
جمله را اغوا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
آمدی قسطنطنیه ای طمعکار سترك بـــهر اضمحلال تـــرك
واندر آن مأوا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
آنکەرا دشمن‌شمردی‌کندیش ازکله‌پوست‌وآنکەراخواندیش‌دوست
کی بەوی ابقا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
روس رابردی بەقربانگاه خونین اروپ در بر توپ کروپ
طعمهٔ اعدا نمـــودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
گه دنیکین را علم‌کردی به زور سیم و زر گاه با کولچاك‌شر
روز و شب نجوا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
گه شدی در قتل‌وغارت معین منشویك گه برضد بولشویك
سیم و زر اعطا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
جمله فرزندان اسلو را زکین‌کردی تباه روز ژرمن را سیاه
چون شب یلدا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
مملکت‌گیری توکردی قوم‌لاتین شد تلف شد به‌تیرکین هدف
بی‌ضرر سودا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
ملت ایتالیا گردید ناچیز وفقیر آنچه رست از تیغ و تیر
خدعه با روما نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
کشور بلژیك ویران گشت‌و بغداد ازتو شد مصرآباد از تو شد
خوب قسمتها نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
ازاروپا آنچه‌خون‌خوردی تراچون‌بس‌نبود رخت‌بستی‌زآن‌حدود
قصد آمـــریکا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
آنچه در صحرا توانستی بکشتی از بشر پس بەانواع دگـــر
غرقه در دریا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
آنچه صد چنگیز درصدقرن با عـــالم کند بابنی‌آدم کند
یکه و تنهـــا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
نیست‌دردنیا زمینی‌کو بەخون‌آغشته‌نیست یاکه‌در وی‌کشته نیست
جنگ با عیسی نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس

با ما

نی ز انجیل اعتنا کردی نه از عیسی حیا نی ز جمله انبیا
نی ز حق پروا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
ناگهان از مکر ابلیس و سپاه سلم‌و تور سخت از نزدیك‌ودور
حمله سوی ما نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
هرکجا بد بدنژاد و بد دل و بد باطنی هرکجا بد خائنی
گشتی و پیدا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
گرد کردی گردخود هردزد بی‌ناموس را لوس‌را جاسوس‌را
هرچه گفت اصغا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
هرکجا دیدی یکی دون همت صد رنگ‌را ریختی صد رنگ‌را
تا به‌ما آقا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
بهر تهدید وطـن خواهان ما بشتافتی هـرچه بینا یافتی
زود نـابینا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
قحطی و تنگی فکندی سخت در هر مرز و بوم وزپی قتل‌عموم
هرکجا بلوا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
با وثوق‌الدوله بربستی به‌نفع خود قرار تا کشی از ما دمار
قصد خود افشا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
کشور مارا زقزوین تا به‌قصر ازکوه‌ودشت وز دگرسو تابه‌رشت
مرکز دعوا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
بلشویك را تو آوردی به‌خاك پاك ما از پـــی اهلاك ما
عهد خود ایفا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
موقع تعیین مبعوثان چهارم پارلمان سخت با تیغ و سنان
حمله بر آرا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
مردم شیراز و کرمانشاه و کرمان را به‌زور درکف قومی‌شرور
جسم بی آوا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
کودتای سیدضیا ایجاد شد با دست تو خوب مزد شست تو
همتی والا نمـودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
هرچه‌میلت بودکردی درشمال ودرجنوب‌خوب‌کردی خوب‌خوب
خوب با ما تا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
هرچه در ایران نمودی از برای خویشتن حرف حق بشنو ز من
بیخود و بیجا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس
در «بهار»خویش«احمد» گفته‌دائم این‌کلام‌گرچه بادست قوام
بر وی استهزا نمودی از جناب انگلیس ای جناب انگلیس

روزگار آخر تو را هم خوارو رسوا می‌کند باتو دنیا می‌کند
آنچه با دنیا نمودی ای جناب انگلیس ای جناب انگلیس

احمد

وقایع هفتهٔ پیش از هشتم اکتبر

*آقا زاده عصر روز سوم اکتبر همراه با حاج حسین آقا به مشهد بازگشت. به‌مناسبت ورود آقازاده تمام دکانها یکسره تعطیل شده بود.

* به‌علت برقراری سانسور نظامی کسب اخبار و گزارشها دربارهٔ اتفاقات خارج از مشهد بسیار مشکل شده است. اخبار مربوط به‌حوادث گذشته که اخیراً دریافت شد حاکی از شورش گستردهٔ کردها علیه حکومت‌کلنل محمدتقی‌خان است.طبق گزارشهای واصله کلیه پست‌های ژاندارمری در مرزهای شمالی اشغال و افراد آن خلع سلاح شده‌اند و در یك مورد (باجگیران) نیز ژاندارمها به‌خاك روسیه گریخته‌اند. در زدو خورد شدیدی که در میانهٔ راه قوچان ــ سبزوار به‌وقوع پیوسته، کردهای تحت فرمان فرج‌الله‌خان، نیروهای ژاندارمری را تار و مار کرده‌اند و پس‌از اشغال قوچان به‌نفرات سلطان تاج محمدخان افسر کرد ژاندارمری پیوسته‌اند.

* کلنل محمدتقی خان بعدازظهر یکشنبه دوم اکتبر وارد جعفرآباد، واقع در دوازده میلی جنوب قوچان شد، جایی‌که مرگ به‌دیدارش آمد. عدهٔ معدودی از افراد ژاندارمری وی را در این سفر همراهی می‌کردند که از آن میان دوازده نفر کشته، دوازده نفر دستگیر و بقیه نیز در همان اوایل درگیری بین کلنل و مهاجمان، متواری شدند. کلنل محمدتقی‌خان پس‌از اصابت گلوله به‌پایش به‌نوبت دو تن از گماشتگان را به‌دنبال اسب خویش می‌فرستد و زمانی‌که از مراجعت آنها ناامید می‌شود، با شلیك یك گلوله به‌سینهٔ خود به‌زندگیش خاتمه می‌دهد. اکراد پس از بریدن سر کلنل محمدتقی‌خان آن را برسر چوب کردند و همراه با سردوشی و نامه‌ای که مرگ وی را اعلام می‌کرد به‌مشهد فرستادند. مقامات نظامی مشهد تا بیست و چهار ساعت از افشای خبر مرگ کلنل خودداری کردند و در تمام این مدت ماژور محمودخان فرمانده پادگان مشهد با استفاده از تلگراف حضوری مشغول مذاکره و صلاح اندیشی با ماژور اسماعیل‌خان فرمانده پادگان سبزوار بود. ایشان سپس با مخابرهٔ تلگراف به‌تهران وفاداری خویش را نسبت به‌حکومت مرکزی اعلام داشتند.

* اکراد و نیروهای طرفدار حکومت مرکزی در چهارم اکتبر از قوچان به‌سوی کاظم‌آباد حرکت کردند. سرشناسان شهر مشهد با اجتماع درخانهٔ آقازاده به‌بحث‌دربارهٔ راههای جلوگیری از هجوم اکراد به‌شهر پرداختند.

* آقازاده با ارسال تلگراف برای رئیس‌الوزراء از وی خواسته است تا جلو نیروهای خود را بگیرد.

* آقا دیوا با پیغامی از طرف ماژور محمودخان به‌دیدار من آمد. ماژور در پیغام خویش از من خواسته بودکه اجازه دهم خان بهادر سیدالله باندا مترجم

کنسولگری همراه با آقازاده با فرمانده اکراد مذاکره نماید.

* صبح روز پنجم اکتبر تائید شد که اکراد خود را بجنوب چناران رسانیده‌اند.

* خلاصهٔ واقعهٔ قوچان که به‌مرگ کلنل محمد تقی‌خان انجامید به‌روایت مأمور گزارشگر ما به‌شرح زیر است.

در بیست و هشتم سپتامبر فرج‌الله‌خان با بیست و چهار سوار همراه، وارد شیروان می‌شود و یك واحد ژاندارمری را که از نظر تعداد برابر با نفرات وی بوده‌اند محاصره می‌کند. در بیست و نهم سپتامبر فرج‌الله خان روستای بزرگ فاروج، بین شیروان و قوچان را متصرف می‌شود. همزمان با این وقایع نیروهای ژاندارمری در سه ناحیه استقرار می‌یابند، یعنی در قوچان قدیم واقع در هفت میلی شهر قوچان فعلی، تپهٔ نادری که گفته می‌شود نادرشاه قبل‌از کشته شدن آخرین نبرد خود را در آن تپه رهبری کرد و بالاخره دروازهٔ قوچان. در سی‌ام سپتامبر علی‌خان و ابراهیم‌خان از رؤسای طایفهٔ کرد زعفرانلو از راه بدون حفاظ جنوب شرقی وارد قوچان می‌شوند و به‌زدو خورد با ژاندارمها می‌پردازند. در پایان درگیری پنج ژاندارم و یك کرد به‌هلاکت می‌رسند و پادگان به‌محاصرهٔ نیرو های مهاجم درمی‌آید. محاصرهٔ پادگان تا روز بعد (اول‌اکتبر) که خبر اعزام نیروهای تقویتی به‌قوچان می‌رسد ادامه داشت. در شامگاه اول اکتبر ژاندارمهای محاصره شده با توافق مهاجمان از محل پادگان خارج و قوچان را به‌قصد روستای جعفرآباد ترك می‌کنند. در روز دوم اکتبر اکراد که تعداد آنها پس‌ازپیوستن افراد جدید به‌هفتصد نفر می‌رسید سراسر قوچان را به‌اشغال خود درمی‌آورند و سپس به‌نیروهای تحت فرماندهی سردار معزز بجنوردی ملحق می‌شوند.

کلنل محمدتقی‌خان، همان‌طورکه در گزارش هفتهٔ پیش متذکر شدم، پس‌از اطلاع از وقایع قوچان به‌سرعت خود را به‌منطقه می‌رساند، ولی پیش‌از ورود به‌قوچان توسط سواران ولی‌خان محاصره می‌شود و با گلولهٔ تفنگ ولی‌خان ازپای می‌افتد. افراد ولی‌خان پس‌از شناسایی جنازهٔ کلنل محمدتقی‌خان سر از بدنش جدا می‌کنند. اکراد پس‌از آن به‌سوی چناران، یعنی همان جایی‌که هنوز اقامت دارند عزیمت می‌کنند.

* پس‌از مرگ کلنل محمدتقی‌خان قیام فروکش کرده است. ژاندارمها گروه گروه به‌مشهد می‌آیند و بسیاری از ایشان برای فرار از دستگیر شدن تغییر لباس می‌دهند و یا به‌خاك روسیه پناه می‌برند. از یك مشت دهاتی‌که مدتی تفنگ بردوش گرفته و به‌هیئت ژاندارم در شهرها زیسته بودند انتظاری جز این نمی‌توان داشت.

* همه‌چیز فرو می‌ریزد و تغییر ماهیت می‌دهد. شماری از پیزوان مردی‌شیطان صفت و آشوبگرانی‌که زمانی به‌شاه و وزرای او ناسزامی‌گفتند به‌تلگرافخانه‌ها هجوم می‌برند تا مراتب بندگی و شاهدوستی خودرا به‌مرکز اطلاع دهند. معتصم‌السلطنه کارگزار نیز که همیشه مشوق محمدتقی در ضدیت باانگلیس بود وزمانی خودرانایلئون ایران می‌نامید، درمیان آنها دیده می‌شود. او پس‌از مخابرهٔ تلگراف به‌اتفاق‌همسرش باضبط اتومبیل مصباح‌دیوان میهمان خود، دوزاز چشم دیگران وبا استفاده ازتاریکی شب، به‌بیرجند گریخت.

* کلنل اسماعیل‌خان بهادر که رتبهٔ «کلنلی» و لقب «بهادر» را مدیون کلنل محمدتقی‌خان است، پس از تسلیم و اعلام وفاداری به‌شاه برای رفتن به‌کربلا تقاضای سه‌ماه مرخصی‌کرد. او زمانی بالاف وگزاف‌گفته بود می‌تواند با ژاندارمهای تحت فرماندهی خود سراسر قلمرو ایران وهمچنین ترکستان را فتح‌کند.

* روزنامهٔ بهار در شمارهٔ پنجم اکتبر خود تلگرافهای رد و بدل شده بین آقازاده و رئیس‌الوزرا در مورد انتصاب محمودخان به‌سمت فرمانده ژاندارمری‌وکفالت ایالت را منتشرکرد. دریکی از تلگرافها جناب قدسی‌مآب [آقازاده] از انتصاب محمودخان به‌سمت‌های یاد شده حمایت‌کرده بود. جناب اشرف [قوام‌السلطنه] نیز در یکی دیگر از تلگرافها پاسخ داده‌بود «من مستقیماً به‌ماژور محمودخان تلگراف زدم و مسئولیت امور را تا ورود فرمانده جدید به‌دست وی سپردم، تمام افسران مورد عفو قرارگرفته‌اند و دولت با آنها خوش‌رفتاری خواهدکرد، دستورهای لازم فوراً بوسیلهٔ تلگراف به‌قوچان ابلاغ شد و نیروهای بجنوردی به‌پیشروی خود ادامه نخواهند داد.»

* روزنامهٔ بهار در ششم اکتبر شروط یازده‌گانه‌ای را که ماژور محمودخان تسلیم تهران‌کرده بود به‌شرح زیر منتشرکرد:

۱ــ اعلام عفو عمومی.
۲ــ تحویل سروپیکر محمدتقی به‌قاصدی‌که از سوی آقازاده اعزام می‌شود.
۳ــ انتصاب یك والی مناسب از طرف تهران در نخستین فرصت.
۴ــ به‌خاك سپردن جنازهٔ کلنل با تشریفات نظامی.
۵ــ تائید ترفیعات داده شده از طرف کلنل وعدم تغییر سازمان نظامی ژاندارمری.
۶ــ عدم برکناری افسران از سمتهای خویش و خودداری از دعوت به‌کار آنهایی‌که با بیگانگان روابط دوستانه داشته‌اند.
۷ــ بازگرداندن اموال به‌یغمارفتهٔ افسران در قوچان.
۸ــ خلع‌سلاح و تبعید ژاندارمهای مظنون.
۹ــ تحویل سلاحهای ضبط شده توسط قبایل به‌منظور انجام عملیات ضروری.
۱۰ــ تائید فرماندهی خود او و یا موافقت با مرخصی و عزیمت وی به‌تهران.
۱۱ــ بازگشت سی‌وشش ژاندارم تحت فرماندهی سلطان سید عزیزالله خان‌که از راه باجگیران به‌روسیه گریخته‌اند، با سلاحهای خویش به‌سرخدمت.

روزنامهٔ بهار اعلام داشت‌که چهار شرط نخست مورد تائید قرار گرفته و شروط باقیمانده تحت بررسی است.

* جنازهٔ محمدتقی در هفتم اکتبر به‌شهرنو منتقل گردید و روز بعد مراسم تشییع جنازه به‌صورت رسمی و همراه با تشریفات کامل نظامی به‌عمل آمد و جنازه در آرامگاه نادرشاه به‌خاك سپرده شد. البته من تصورنمی‌کنم مقامات تهران اجازه‌دهند که جنازه برای همیشه دراین محل دفن باشد. یك واحدنظامی شامل هفتاد و پنج ژاندارم سوار و پانصد پیاده جنازه را تا محل دفن بدرقه‌کردند. در این مراسم‌همچنین

پانصد نفر از افراد ترك و قفقازی رژه رفتند.

* روزنامه‌ها اعلام‌کردندکه [کریم‌آقا حکیموف] سرکنسول شوروی درمشهد وارد باجگیران شده است.

* دفتر تلگراف هند واروپا در روز هشتم اکتبر توسط کلنل محمودخـان بازگشایی شد و همچنین محدودیتهای سابق در مورد امور تلگرافی ما برطرف‌گردید. در صبح همین روز دادگاه کار رسیدگی به‌پروندهٔ آقای نیومن تلگرافچی ماومداخلهٔ مکرر نظامیان ایران در امر مخابرهٔ تلگراف بین سبزوار و مشهد را آغازکرد. امید می‌رودکه این پرونده نیز به‌خوبی و خوشی بسته شود.

* روزنامهٔ بهار اعلام کردکه محمد ابراهیم‌خان میلانلو از طرف تهران بـه سمت حاکم قوچان منصوب شده و به‌فرج‌اله‌خان شیروانی هم لقب ضیغم‌الملك اعطاء گردیده است.

* در آخر هفته شهر ناآرام بود. در زمان کلنل‌محمدتقی‌خان حداقل امنیت ونظم وجود داشت. در حال‌حاضر قدرت دردست افراد تندرو و آقازاده است، لیکن هیچ‌یك قادر به‌برقراری نظم نیستند.

* کلنل محمودخان به‌سلطان عزیزاله‌خان فرمانده باجگیران‌که به‌روسیه‌گریخته است اطلاع دادکه می‌تواند با افراد خویش به‌مشهد مراجعت‌کند و موردعفوقرارگیرد.

وقایع هفتهٔ پیش‌از پانزدهم اکتبر

* در یازدهم اکتبر ماژورعلی‌رضاخان در رأس ژاندارمهای مستقر در کاریز وتربت حیدریه وارد مشهد شد.

* در اوایل هفته سرشناسان شهر و تعدادی از نظامیان ارشد از حکومت‌مرکزی تقاضاکردند با انتصاب شوکت‌الملك به‌سمت والی موقت ایالت خراسان موافقت‌شود. لازم به‌یادآوری است‌که مصباح‌دیوان در عنوان‌کردن این پیشنهاد نقش مهمی ایفاکرد. البته بعداً معلوم شدکه رئیس‌الوزراء قبلا خود به‌شوکت‌الملك چنین پیشنهادی کرده بوده است، ولی شوکت‌الملك ظاهراً به‌علت ضعف‌مزاج از قبول آن سرباززده است. باتوجه به‌طبع آرام و محتاط این دوست قدیمی من، اطمینان دارم‌که در شرایط بحرانی‌کنونی به‌مشهد نخواهد آمد. ما در واقع به‌مرد نیرومندی نیازمندیم‌که در برخورد با عناصر ترك و قفقازی از خود قاطعیت نشان دهد.

* رهبران گروهها و دسته‌های سیاسی‌که اکثراً ترك هستند از تغییر اوضاع به‌شدت سرخورده‌اند. آنان دایماً با ماژور اسماعیل‌خان در تماس هستند. اطلاع‌یافتم که می‌خواهند با متمرکزکردن ژاندارمها در مشهد ــ به‌این امیدکه کابینه جرئت صدور دستور گلوله‌باران‌کردن شهر را نخواهد داشت ــ به‌شورش خود علیه تهران ادامه دهند. رهبران‌توطئه‌گر آنان عبارتند از علم‌الدوله رئیس‌پلیس، نیرهمایون رئیس‌تلگراف، معتمدالوزاره رئیس پست، بهاءدفتر رئیس تحدید، محسن‌خان قریب رئیس معارف، اسدآقا زوارزاده زمین‌دار، حاجی رحیم‌طاهباز تاجر، علی‌اکبرخان طاهباز، میرمهدی

مدیر مطبعهٔ توس، محمدعلی کارمندگمرك، سیدمصطفی سرابی عضو عدلیه، حاجی‌احمد سردبیر بهار، غلام دواخانه، رضاملت وحاج محمدابراهیم میلانی. خوشبختانه ماژور محمودخان فارس است و به‌همین خاطر ترکها به‌او اطمینان ندارند. آقای دبوا هم با این یاغیان همکاری می‌کند، هرچندکه احتمالا از مذاکرات مبسوط ایشان با بلشویکها خبرندارد. وی در دهم اکتبر به‌من‌گفت‌که از طرف محمودخان به‌کار دعوت شده است و مقامات در نظر دارند باگرفتن مالیات از ثروتمندان مواجب ژاندارمها را پرداخت نمایند. آقای دبوا همچنین برای چندمین‌بار یادآور شدکه به اعتقاد او کابینهٔ قوام‌السلطنه در لبهٔ پرتگاه قراردارد.

* این هفته در مشهد شایع شدکه شش‌نفر از روسها، از جمله سرکنسول‌اعزامی ویکی دو نفر از اعضای هیئت تجاری روس‌که برای استقبال از سرکنسول مشهد را ترك‌کرده بودند، همگی در نزدیکی قوچان به‌دست اکراد به‌هلاکت رسیده‌اند. این خبر به‌کلی بی‌اساس است و چنین به‌نظر می‌رسدکه ملیون به‌منظور مشوب‌کردن‌افکار عمومی آن را از خود ساخته و پرداخته باشند.

* ماژور اسماعیل‌خان با نیروهای عمدهٔ خود، در نهم اکتبر از سبزوار وارد نیشابور شد و در سیزدهم اکتبر این شهر را به‌قصد قریهٔ طرق ترك‌کرد.

* درسراسر هفته مراسم سوگواری به‌خاطر مرگ کلنل محمدتقی‌خان درمحل آرامگاه وی و همچنین درآستانه ادامه داشت. دریکی از روزهای سوگواری آقازاده هم به‌جمع عزاداران پیوست. ماژور محمودخان و ماژور اسماعیل‌خان، هریك همراه بانیروهای تحت فرماندهی خود، دراین هفته به‌سوی آرامگاه کلنل‌محمدتقی‌خان رژه رفتند و با ایراد سخنرانی‌های تند، قوام‌السلطنه را به‌خاطر کشتن یك «قهرمان» به‌باد دشنام‌گرفتند. در روز دوازدهم اکتبر نیز هشتصد نفر از ژاندارمهای وابسته به‌گروه «کاوه» به‌سوی آرامگاه کلنل رژه‌رفتند.

* بهره‌برداریهای سیاسی از مرگ کلنل محمدتقی‌خان همچنان ادامه دارد. گروههای سیاسی در اطراف قبر کلنل میتینگ تشکیل می‌دهند. انبوهی از زنان بر سر قبر وی می‌نشینند و به‌گریه‌وزاری می‌پردازند و سپس مواد خوراکی وچیزهای دیگر بین فقرا تقسیم می‌کنند. یك ترك در جواب این سؤال که چرا بسر قبر کلنل محمدتقی‌خان آمده است، گفت «او شاه خراسان بود».

* ملیون مشغول شایعه‌پراکنی هستند. بعضی از جملات و اشارات کلنل‌محمد تقی‌خان مانند «چه‌کسی کمر دنیا را خردکرده» یا «دسیسه‌های انگلیس» بهانه به‌دست گروههای ضد انگلیسی داده‌که بگویند ما انگلیسیها در ماجرای قوچان و مرگ‌کلنل دست داشته‌ایم. ضدیت با انگلیس متعاقب انتشار مقالات روزنامهٔ بهار شروع شد و زمانی‌که کلنل محمدتقی‌خان و اقمارش از جمله معتصم‌السلطنه کارگزار در خفا به آن دامن می‌زدند، دستجات ترك و قفقازی علناً به‌تبلیغات ضد انگلیسی می‌پرداختند. این افراد و گروهها پس از مرگ کلنل می‌خواهند با شهید خواندن و قهرمان وطن جلوه‌دادن وی و همچنین دفن او به‌عنوان «نادرشاه دوم» در آرامگاه آن جنگجوی

بزرگ یکه‌تاز عرصهٔ قدرت شوند.

وقایع هفتهٔ پیش‌از بیست و دوم اکتبر

* در روز شانزدهم اکتبر نایب‌عبدالله بربری‌که قبلا با ماژور اسماعیل‌خان در سبزوار خدمت می‌کرد و در حال‌حاضر با افراد خود در قریهٔ طرق اقامت دارد، به ملاقات من آمد. هرچندکه من می‌دانم او در خلع‌سلاح کلنل گلروپ دست داشته‌است، باوصف این می‌گفت هرگز علیه نیروهای وفادار به‌حکومت مرکزی نجنگیده است. درواقع تنها افسری‌که تن به‌درگیری با نیروهای دولتی نداده براتعلی‌خان تیموری است. وی سابقاً در یکی از واحدهای نظامی ما خدمت‌می‌کرد.

* در همین روز شانزدهم اکتبر ماژوراسماعیل‌خان و ماژورمحمودخان‌درحضور آقازاده، حاج حسین‌آقا و ماژور علی‌رضاخان بایکدیگر به‌گفتگو نشستند. در این‌جلسه ماژورمحمودخان به‌ماژور اسماعیل‌خان می‌گوید که طبق تلگراف [رضاخان] وزیر جنگ باید ظرف چهل و هشت ساعت از خراسان خارج شود و درغیراین صورت تن‌به بازداشت بدهد. پس ازآن‌که ماژوراسماعیل‌خان با خشونت تمام هردوپیشنهاد را رد می‌کند، آقازاده قول می‌دهدکه با ارسال تلگراف به‌تهران از ایشان شفاعت‌کند.

* کوشش در راه بازگردانیدن اوضاع به‌حالت عادی با شورش ماژوراسماعیل خان در شامگاه شانزدهم اکتبر با شکست مواجه شد. ماژور اسماعیل‌خان به‌مجرد اطلاع از این که محمودخان قصد دارد گروهی از قزاقهای ایرانی مستقر در سبزوار را به‌تردیك مشهد فراخواند، با عده‌ای از ژاندارمهای تحت فرماندهی براتعلی‌خان که از طرق به‌مشهد آمده بودند، محمودخان را دستگیر و شخصاً مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد و سپس تحت‌الحفظ به‌اردوگاه طرق ــ در هفت میلی مشهد ــ جایی‌که ششصد ژاندارم بربری در آن اتراق دارند گسیل می‌دارد.

* ماژوراسماعیل‌خان به‌تحریك هم‌فکران خود از جمله آقای دبوا مدعی‌جانشینی کلنل‌محمدتقی‌خان شده است.

* صبح روز هفدهم اکتبر به‌خیاطهای شهر سفارش داده‌شدکه معادل پنج‌هزار تومان لباس نظامی بدوزند و همزمان باآن تمام پارچه‌های قرمزرنگ موجود دربازار برای تهیه پرچمهایی شبیه پرچم بلشویکها جمع‌آوری‌گردید.

* ماژور اسماعیل‌خان پس از بازداشت و اعزام ماژورمحمودخان به‌طرق خود به‌خانهٔ آقازاده رفت. دراین بین من از منبع موثقی اطلاع یافتم‌که وی قصد دارد اولا بانك شاهنشاهی ایران و کنسولگری انگلیس را مصادره کند و تمام اتباع انگلیس را ازمشهد اخراج نماید، ثانیاً بیست و چهارنفر از طرفداران سرشناس قوام‌السلطنه و دولت انگلیس و همچنین دونفری‌راکه درکنسولگری بست‌نشسته‌اند اعدام کند. خوشبختانه در چنین موقعیت بحرانی، ماژور اسماعیل‌خان بوسیلهٔ تلفن مطلع شد که اوضاع طرق ناآرام است. وی‌به‌اتفاق یکصد سوار عازم‌طرق‌شد و درآنجا دریافت‌که نه‌تنها ماژورمحمودخان به‌کمك نایب‌عبدالله‌خان آزاد شده، بلکه زندگی خودش نیز درخطر

است. به‌هنگام بازگشت به‌مشهد افراد وی پا به‌فرار نهادند و خود او پس از ورود به‌مشهد به‌قصد بست‌نشستن به‌خانهٔ آقازاده رفت. شب‌هنگام ماژور اسماعیل‌خان به‌داخل اتومبیل مصباح‌دیوان منتقل و تحت نظر معین‌همایون (برادر مشیرهمایون) رئیس نظمیه بیرجند به‌آن شهر اعزام شد. عصر همین‌روز آقای دبوا درحالی‌که سخت‌آشفته به‌نظر می‌رسید، به‌منظور کسب موافقت برای پناهنده‌شدن به‌کنسولگری، به‌نزد من آمد. من به‌آقای دبوا پیشنهادکردم‌که او نیز همراه ماژوراسماعیل عازم بیرجندشود، ولی وی پس از رد پیشنهاد من‌گفت سالارخان بلوچ تربت‌حیدریه را اشغال‌کرده و اگر او را دستگیر نماید اعدامش خواهدکرد. البته من می‌دانم‌که ماژور محمودخان بوسیلهٔ تلفن از وی خواسته است‌که مشهد را ترك نکند.

* واحد تحت فرماندهی براتعلی‌خان تیموری در شامگاه هفدهم اکتبر بابه‌همراه برداشتن تفنگهای‌خویش متواری شدند. ماژور محمودخان کوشید تا ایشان را وادار به بازگشت نماید و به‌همین‌منظور با ارسال یك قرآن مهر شده به‌متواریان قول‌دادکه مورد عفو قرارگیرند.

* در هفدهم اکتبر یکی از افسران طرفدارقوام‌السلطنه نامه‌ای راکه ماژور محمودخان در تاریخ چهارم اکتبر برای یك ایرانی مقیم عشق‌آباد نوشته بودبه‌من‌داد. دراین‌نامه‌که ترجمهٔ آن به‌پیوست ارسال می‌شود، از بلشویکها تقاضای کمك شده است. من اطمینان دارم‌که درزمان محمدتقی نیز نامه‌های مشابهی توسط غلام دواخانه برای بلشویکها ارسال‌گردیده است.

* صبح روز هیجدهم اکتبر ماژورمحمودخان در حالی‌که افراد بربری ازوی محافظت می‌کردند به‌دارالایاله رفت. ماژور محمودخان از آن می‌ترسد که ترکها قصد جانش را بکنند. ترکها با استناد به‌تلگرافهای ارسالی محمودخان، معتقدندکه وی ایشان را به‌تهران فروخته است.

* سیدکاشف‌الملك (سیدکشفی) راپرت‌نویس کنسولگری‌که‌درنهم اکتبردستگیر شده بود، پس از سپردن تعهد در مورد عدم خروج از خانهٔ خود، در دهم اکتبرآزاد گردید. وی تاکنون به‌تعهد خود عمل‌کرده و از آن تاریخ تاکنون من اوراندیده‌ام. سیدکاشف‌الملك فقط پس از درگذشت یکی از بستگانش به‌نام سید مصطفی‌تهرانی‌مجتهد دربیستم اکتبر در مراسم ختم وی‌که در آستان‌قدس برگزار شد شرکت‌کرد.

* ژاندارمهای سرخورده و ناامید گروه‌گروه ترك خدمت می‌کنند و چون شنیده‌اندکه دولت قادر به‌پرداخت مواجب عقب‌افتادهٔ ایشان نیست، تفنگها واسبهای خودرا نیز به‌همراه می‌برند. می‌گویند در حضور و غیاب اخیر تنها ۱۵۰۰ ژاندارم درسر خدمت بوده‌اند.

* خبر موحش این است‌که براتعلی راهزن مشهور مجدداً به‌فعالیت‌پرداخته‌است.

* می‌توان گفت‌که اکثر افسران ژاندارمری به‌رغم نگرانی از آیندهٔ خویش به‌حکومت مرکزی وفادارند و تنها شماری از ایشان مانند تقی‌خان ازگروه‌کاوه و علی‌رضاخان فرمانده واحد شمشیر سرناسازگاری دارند.

* گزارش می‌شودکه ترکها دست‌اندرکار آماده‌کردن مردم شهر برای قبـول مسلك بلشویسم هستند، آنها مدعی شده‌اندکه بزودی همهٔ انگلیسیها را به‌دار خواهند آویخت، کنسولگری را تعطیل و اموال بانك شاهنشاهی را مصادره خواهند کرد.

پیوست شماره دوازده

ترجمهٔ نامهٔ شماره ۱۱۸۸ مورخ دهم برج میزان ۱۳۰۰ برابر چهارم‌اکتبر۱۹۲۱ از کلنل محمودخان به‌حاجی اسدالله کاشانی مقیم عشق‌آباد.

دفتر والی خراسان و سیستان

به‌موجب این نامه شما به‌سمت مأمور رسمی منصوب می‌شویدکه به‌منظور مذاکره با ناسیونالیستها و رهبران ایشان و همچنین جلب همکاری آنان با حزب انقلابـی خراسان وکمك به‌آن، جهت نیل به‌هدف ملی‌که همانا آزادی خراسان باشد به‌ترکستان وقفقاز عزیمت نمائید. شما باید به‌ایشان توضیح دهیدکه هدفهای این حزب عبارت است از اتحاد مجدد اسلامی و شکستن زنجیر اسارتی که کاپیتالیست‌ها و زمین‌داران ثروتمند برگردن کارگران و فقرا انداخته‌اند، همچنین ملتمسانه از آنان بخواهیدکه ازارسال کمکهای واقعی و اساسی غفلت نورزند.

محمودخان نوذری

محل مهر رسمی فرمانده کل خراسان

وقایع هفتهٔ پیش‌از بیست و نهم اکتبر

* قفقازیها در بیست و دوم اکتبر کمیته‌ای به‌نام «فولاد» تأسیس‌کردند. هدف این کمیته پی‌گیری و تحقق آمال انقلابی کلنل محمدتقی‌خان است. گروهی از افسران نیز به‌این کمیته پیوسته‌اند.

* بدیع‌الممالك به‌عنوان کارگزار و سرحددار کلات نادری و درگز، در بیست ودوم اکتبر از تهران وارد مشهد شد. بدیع‌الممالك پس از اظهار علاقهٔ شدید نسبت به‌انگلستان ازمن خواست تا در نخستین فرصت سفارش‌کنم اورا به‌محلی‌که‌فاصلهٔ‌بیشتری باخاك روسیه داشته باشد مأمورکنند.

* آقای کورتو[95] باژیکی، جانشین آقای دبوا، در بیست و چهارم اکتبر وارد مشهد شد. این‌که او تقریباً دو ماه در راه بوده نشان دهندهٔ آن است‌که آقای دبـوا ودوستان انقلابیش در پنهان داشتن مأموریت وی در طول این مدت‌بسیار موفق‌بوده‌اند.

* نیرهمایون تلگرافچی دمکرات که تقریباً نه‌سال پیش در سیستان به‌شاهرخ

95- Courtehoux

میرزا معروف بود و سه یا چهارسال قبل به‌علت تمایلات ضد انگلیسی شهرتی بهم رسانید در بیست وپنجم اکتبر مشهد را به‌قصد تهران ترك گفت.

* سلطان جعفرخان که در روزهای اول شورش ژاندارمها به‌سختی‌ازتیرباران شدن جان‌بدر برد، از طرف تهران به‌رتبهٔ ماژور ارتقاء یافت و محمودخان وی‌را به سمت رئیس نظمیه منصوب‌کرد.

* کلنل‌علی‌خان رئیس سابق کارگزینی ژاندارمری در بیست و پنجم اکتبر به همراه شاهزاده اسدالسلطنه وارد مشهد شد. کلنل می‌گوید فقط برای بازرسی به‌مشهد آمده و قصد ندارد زیاد دراین شهر ماندگار شود. نخستین‌جایی‌که کلنل‌علی‌خان از آن بازدیدکرد ــ حتی قبل از زیارت آستان قدس ــ آرامگاهی بودکه هنوز جنازهٔ محمدتقی در آن مدفون است.

* تاج‌محمدخان از خانهایی‌که در سقوط حکومت کلنل‌محمدتقی‌خان نقش‌مهمی به‌عهده داشت به‌سمت حاکم درگز منصوب شد. وی در بیست و پنجم اکتبر همراه با صدوپنجاه نفر از سواران خویش عازم درگز گردید.

* مصباح‌دیوان، مستوفی شوکت‌الملك در بعداز ظهر بیست و هفتم اکتبر مشهد را به‌قصد بیرجند ترك‌کرد. مصباح‌دیوان در ترغیب اربابش برای آمدن به‌مشهد از هیچ اقدامی فروگذار نکرد، هرچندکه آرزویش برآورده نشد. وی برای هرکس‌که والی خراسان شود مشاور خوبی است. مصباح‌دیوان قادر است، باکارشبانه‌روزی، کلیه تشنجات و ناآرامی‌های محلی را برطرف سازد. من شخصاً از بازگشت مصباح‌دیوان به‌بیرجند متأسفم و اعترافمی‌کنم‌که نتایج مفید دیدار او از مشهد خارج از انتظار من‌بود.

* محمودخان ضمن آن‌که از هیچ‌کاری برای جلب توجه [رضاخان] وزیر جنگ خودداری نمی‌کند، می‌خواهد با ترکهای سرکش محلی نیزکنارآید.

* مترجم‌الملك رئیس سابق تلگرافخانه‌ها که از بیست و هشتم‌اوت‌درکنسولگری بست‌نشسته بود، در بیست و هفتم اکتبر عازم تهران شد. وی از روی احتیاط تامنزل اول راه را با کالسکهٔ من طی‌کرد.

* غلام‌دواخانه‌که اخیراً از روسیه بازگشته است می‌گوید هزاران ایرانی مسلح درمرز آماده‌اند تا درصورت لزوم از راههای مختلف روانهٔ خراسان شوند.

* ترکها می‌کوشند تا دیدار از آرامگاه کلنل‌محمدتقی‌خان را به‌عنوان یك وظیفهٔ ملی جلوه دهند.

* وظیفهٔ برقراری نظم و امنیت در ایالت خراسان از ژاندارمری سلب و به نیروهای قزاق سپرده شد.

* اسامی اعضای هیئت تجارت خارجی روسیه عبارت است از پروتوپوپف،

پاولنکو۹۶، خاشچاف، سکرورتسف۹۷، برگر۹۸، نمات۹۹، الکساندروف۱۰۰ وکوهن۱۰۱. سه نفر آخر یهودی هستند. من به‌دلایلی‌که در اختیار دارم مطمئنم‌که هفتهٔ پیش بعضی ازاین افراد برای استخدام و اعزام‌عده‌ای به‌ایران‌ازماژور اسماعیل‌خان بیعانه‌گرفته‌اند.

وقایع هفتهٔ پیش‌از پنجم نوامبر

* روزنامهٔ بهار در شمارهٔ سی‌ام اکتبر اعلام کرد کـه نظام‌السلطنه۱۰۲ به‌سمت والی ایالت خراسان منصوب شده است. سرشناسان شهر با مخابرهٔ چندین تلگراف‌برای نظام‌السلطنه انتصاب وی را تبریك گفتند، ولی نکته قابل توجه این‌که تاکنون به‌هیچ یك از تلگرافها پاسخ داده نشده و همه از من می‌پرسندکه نکند سفارت ما در تهران بااین انتصاب مخالف است.

* امیرپنجه حسین‌آقا۱۰۳ فرمانده قزاقهای اعزامی از تهران در سی‌و یکم‌اکتبر وارد مشهد شد. امیرپنجه در دوم نوامبر مترجم هندی مرا به‌حضور پذیرفت. وی به مترجم‌گفته بودکه دستور دارد بامن روابط نزدیك‌برقرارکندو به‌توصیه‌های‌کنسولگری عمل نماید، ولی تازمانی که کلیهٔ شورشیان دستگیر نشده‌اند از حضور در محـل کنسولگری و اظهار دوستی علنی باماخودداری خواهدکرد.

* نخستین نفرات نیروهای اعزامی از تهران درسی‌ویکم‌اکتبروارد مشهد شدند. می‌گویند بسیاری از ایشان خراسانی هستند. درمیان واحدها یك دستهٔ ارمنی نیزوجود داردکه ماژورکریشن فرمانده آنان به‌سمت حاکم نظامی مشهد منصوب شده است.

* شاهزاده شجاع‌السلطان برادر سالار مظفر، رئیس سابق قشون، از طرف‌تهران به‌حکومت تربت حیدریه منصوب شد.

* سروان اف. دابلیو. سالمون۱۰۴ در سی‌ویکم اکتبر برای تصدی مقام‌معاونت کنسولگری از هند وارد مشهد شد.

* **پس ازا رد اعتبارنامهٔ معتصم‌السلطنه نمایندهٔ سیستان در مجلس**، دو تـن از دوستان به‌نامهای رکن اعظم و مصباح‌دیوان جـداگانه از من خـواسته‌اند کـه از نامزدی ایشان حمایت شود. من تصور می‌کنم مصباح‌دیوان مناسب‌ترین فرد باشد.

* سالارمعتمد آخرین حاکم انقلابی نیشابور توسط قزاقها دستگیرشد.

* سالار خبیر رئیس سابق تلگراف‌که در آوریل‌گذشته همراه با قوام‌السلطنه دستگیر و به‌تهران اعزام شد، برای تصدی مقام پیشین خود عازم مشهدشده است.

96- Pavlenko
97- Skrortsoff
98- Birgir
99- Namat
100- Alexandroff
101- Kohen

۱۰۲ــ رضاقلی‌خان مافی ملقب به‌نظام‌السلطنه.
۱۰۳ــ تیمسار حسین خزاعی.

104- F. W. Salmon

* علم‌الدوله رئیس انقلابی سابق نظمیه‌که در اول نوامبر مشهد را به‌قصد تهران ترك‌کرده بود، در سبزوار دستگیر و برای محاکمه به‌مشهد منتقل‌گردید.

* اعضای حزب ملیون، همان انقلابیهایی‌که برضد رئیس‌الوزراء بیانیه صادر می‌کردند و سرمقاله‌های تند می‌نوشتند و همانهایی‌که خواستار انتصاب رسمی کلنل محمدتقی‌خان به‌مقام والیگری بودند، اینك آزادی وحتی حیات خودرا در خطر می‌بینند. قراراست در چهارم یا پنجم نوامبر جنگ خونینی علیه این خاینین‌آغازشود.

* ماژور اسماعیل‌خان، عامل‌کودتای ناموفق شانزدهم اکتبر، تحت‌الحفظ از بیرجند به‌تهران منتقل گردید.

* خوانین قوچان به‌جان یکدیگر افتاده‌اند. از گروهی بی‌سوادکه یك‌شبه به قدرت دست‌یافته باشند، انتظاری جز این نمی‌توان داشت. ایرانیان مستحق خواری و خفت‌اند. به‌گفتهٔ یکی از حکام، ایرانیان چیزی بجز یك مشت «وحوش[۱۰۵]» نیستند.

* خوانین توجه چندانی به‌امر حراست از مرزها از خودنشان نمی‌دهند. یکی ازایشان با سی‌نفر از افراد خود در باجگیران مستقر شده است، ولی روسهای حاضر درپست نگهبانی مقابل ایشان هرروز بدون مزاحمت برای خریدن نان وارد قلمرو ایران می‌شوند.

* رئیس‌الوزراء با اعطای لقب «صارم‌الملك» به‌میرزا محمودخان که در خلع سلاح افراد کلنل محمدتقی‌خان در ناحیه درگز نقش مهمی داشته موافقت‌کرد.

* آقای دبوا در چهارم نوامبر همراه با خدمتکار روسی خود مشهد را به‌قصد تهران ترك‌کرد.

* سرگرد برونیکوفسکی در بعداز ظهر چهارم نوامبر به‌مشهد بازگشت. کالسکهٔ سرگرد در فاصلهٔ بیست و پنج میلی مشهد دچار حادثه شد و من بوسیلهٔ تلفن اطلاع دادم‌که در صورت نیاز می‌توانم سرگرد هرون را برای‌کمك به‌وی‌بااتومبیل‌کنسولگری به‌محل حادثه اعزام دارم. سرگرد برونیکوفسکی احتمالا ظرف هشت تا ده روز آینده سلامتی خود را بازخواهد یافت.

* قزاقها در شامگاه روز چهارم نوامبر کلیهٔ انقلابیون معروف غیر نظامی راکه دستگیر کرده بودند به‌جوخه اعدام سپردند. سردبیر روزنامهٔ شرق ایران تنها کسی بودکه بافرار به‌داخل آستانه از مرگ جان بدر برد. حدود پنجاه نفر از اعضای‌حزب ملیون نیز همچنان در زندان بسر می‌برند.

* در طول هفته، امیرپنجه حسین‌آقا گام‌به‌گام به‌تثبیت موقعیت خود در مقابل محمودخان پرداخته است. مقامات تهران هنوز به‌طور رسمی مسئولیت ادارهٔ ایالت‌را از ماژور محمودخان سلب‌نکرده‌اند. امیرپنجه حسین‌آقا قصد دارد بدون به‌راه‌انداختن سروصدا، تعداد افراد ژاندارمری را به‌هشتصد نفر کاهش دهد و سلاحها و مهمات اضافی را به‌تهران منتقل‌کند.

۱۰۵ــ اصل: Vahush

پیوست شماره سیزده

فهرست اسامی کسانی که در چهارم نوامبر به‌دستور امیر پنجه حسین آقا دستگیر شدند

شیخ احمد
بهاءدفتر
میرمهدی
اسدآقازوارزاده
میرمرتضی
سیدحسین خرازی، با دو پسرش
حاجی محمدابراهیم میلانی
مشهدی عبدالله
شیخ حسین، برادرزن سیدکشفی
صدرالادبا
مجدالادبا
حاجی‌حسن
عدل‌السلطنه
معتمدالوزاره
میرزا محسن‌خان
سید مصطفی سرابی
سیدعلی‌خان
علی‌رضاخان
اوبلیناتس ارمنی
کلنل‌رضاخان
حاجی ابوالقاسم
حاجی محمدحسن مرندی
نصرت‌الممالک

مشهدی‌حسین جواهری
انتخاب‌الملک
بدیع‌الملک
غلام‌رضااف
محمدآقاترک
مشکاة نظام
طاهباز، با دو پسرش
حاجی ابراهیم طاهباز
حاجی همت‌علی
حاج علی ترک
غلام‌مهدی‌اف
صفدربیگ
میرزاحسن‌خان
جعفرزاده
مترجم‌السلطان
اسدآقا میلانی
شاهزاده محمدرضامیرزا ــ دامادبهاءدفتر
میرزا علی‌اکبرخان
حاجی احمد قناد
میرزا عبدالحمید محسن‌زاده
دهقان
میرزا جوادخان

حکم بازداشت افراد زیر نیز صادر شده است.

علم‌الدوله ــ متواری به‌سبزوار
رفعت‌التولیه ــ متحصن در آستانه
جلال‌الممالک ــ مخفی

پیوست شماره چهارده

بیانیهٔ صادره از طرف امیرپنجه حسین‌خزاعی‌در تاریخ‌پنجم‌نوامبر

به‌اطلاع عموم می‌رسدکه پس از مرگ کلنل‌تقی، شاه با ابراز شفقت کلیه مجرمین درجهٔ دوم را مشمول عفو قرار دادند، ولی فتنه انگیزان دست از اعمال‌خود برنداشتند. آنان در خفا جلسه تشکیل دادند، آنان برای کشتن افراد محترم‌وسرشناسان شهر نقشه کشیدند و همچنان در راه رسیدن به‌هدفهای خود گام برداشتند. تاآن‌که ازطرف رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ به‌من دستور داده شدکه این فتنه‌انگیزان را دستگیر ونظم را برقرار سازم. در اجرای اوامر صادره من شب‌گذشته افرادی راکه مردم در فتنه‌انگیزی ایشان شکی ندارند دستگیر کرده‌ام.

اینان همان‌کسانی هستندکه پس از مرگ کلنل‌تقی در مقابل اقدامات‌کلنل‌محمود برای بازگرداندن آرامش و نظم مانع ایجاد کردند و کلنل اسماعیل را به‌پی‌گیری شورش واداشتند. اینان همان‌کسانی‌هستندکه پس از دستگیری کلنل‌اسماعیل‌کمیته‌ها تشکیل دادند و برای اطفای شهوت خونخواری خود خیال کشتن بسیاری از مردم بی‌گناه را درسر داشتند. اینان همان مردمانی هستندکه طبیعتشان جنایتکار است. بنابه خواست خدا و نیات خیرخواهانهٔ شاه کلیه این فتنه‌انگیزان دستگیر و اینک درزندان بسر می‌برند و همگان در یك دادگاه نظامی متشکل از افسران واحدهای مختلف و دونفر از معتمدان شهر محاکمه خواهند شد.

وقایع هفتهٔ پیش از دوازدهم نوامبر

* آقای الیس[۱۰۶] رئیس سازمان تلگراف هند و اروپا در دنبالهٔ بازدید خود از منطقه در هفتم نوامبر از تهران وارد مشهد شد.

* انتصاب نظام‌السلطنه به‌سمت والی ایالت خراسان قطعی است. ماژورمحمودخان از جملهٔ‌کسانی بودکه در هفتم نوامبر تلگراف دوستانه‌ای از وی دریافت داشت. به‌من گفتندکه محمودخان و مرحوم محمدتقی‌خان هردو از مریدان نظام‌السلطنه بوده‌اند ودرسال ۱۹۱۵ محمدتقی‌خان به‌همراه‌گروهی از ترکها بر علیه روسها جنگیده‌است.

* میرزا حسین‌خان کشفی به‌عنوان رئیس تحدید از تهران وارد مشهد شد. وی ازدوستان بسیار نزدیك رئیس‌التجار و برادرش ملك‌التجار است.

* در مدتی‌که سرگرد برونیکوفسکی بستری بود، محتسب‌الملك مسئولیت‌ادارهٔ پلیس را به‌عهده داشت.

* شاهزاده مرتضی‌میرزا رئیس کمیتهٔ ایرانی حل‌اختلاف آبهای مرزی ازدرگز به‌مشهد بازگشت.

106- R. Elliss

* ماژور محمودخان در دهم نوامبر اعلام‌کردکه از سرپرستی ایالت وفرماندهی ژاندارمری استعفا داده است. به‌دستور تهران ماژور جعفرخان موقتاً فرماندهی ژاندارمری را به‌عهده‌گرفت.

* رئیس‌الوزراء بوسیلهٔ تلگراف به‌مشیرهمایون دستور داد که همچنان در پست ریاست بلدیه انجام وظیفه‌کند.

* سردار سپه خواستار انتقال کلنل‌محمودخان به‌تهران و ادامهٔ خدمت وی در مرکز شده است، ولی امیرپنجه حسین‌آقا می‌گوید محمودخان قبل از عزیمت باید حساب یکصدهزارتومان (۲۰۰۰۰ پوند) بودجه ایالت راکه در دوران کفالت خود خرج‌کرده است تسویه نماید.

وقایع هفتهٔ پیش از نوزدهم نوامبر

* امیرپنجه حسین‌آقا در یك محفل خصوصی گفته که وی چشم به‌رفتار و کردار محمودخان و سایر افسران مشکوك، از جمله علی‌رضاخان، عبدالرضاخان و علی‌اصغرخان، دوخته است.

* امیرپنجه حسین‌آقا در چهاردهم نوامبر از من برای انجام پاره‌ای‌مذاکرات دعوت‌کرد. وی پس از گله و شکایت از ماژور محمودخان‌گفت از وزیرجنگ‌خواسته است‌که فوراً محمودخان را به‌تهران فراخواند.

* امیرپنجه حسین‌آقا دیگر قادر به‌خویشتن‌داری نیست و همین‌روزها است‌که کلنل‌محمودخان را دستگیر نماید.

* افسران ژاندارمری تهدیدکرده‌اندکه اگر ترفیعات مصوب در زمان کلنل محمدتقی‌خان به‌ایشان داده نشود، دسته جمعی از خدمت استعفا خواهند داد.

* در بیانیه‌های ارسالی بوسیلهٔ پست اتمام حجت شده است که اگر زندانیان سیاسی آزادنگردند، افسران وفادار به‌دولت و همچنین رئیس‌سوئدی پلیس به‌قتل خواهند رسید. حسین‌آقا میرپنج این کار را به‌کلنل محمودخان نسبت می‌دهد ودستور داده است‌که پلیس بیشتر مواظب او باشد.

* سالارامجد فرمانده سابق پیاده‌نظام مشهدکه به‌دستور کلنل محمدتقی‌خان از کاربرکنار شد پس از ارتقاء به‌رتبهٔ ماژور به‌خراسان بازگشت.

* در چهاردهم نوامبر محمودخان از نظام‌السلطنه تلگرافی دریافت‌کردکه طی آن از وی خواسته شده بود همچنان به‌عنوان کفیل موقت ایالت خراسان انجام‌وظیفه کند. حسین‌آقا میرپنج، کلنل علی‌خان، آقازاده و متولی‌باشی ضمن ارسال تلگراف برای رئیس‌الوزراء به این اقدام نظام‌السلطنه اعتراض کردند.

* امیرپنجه حسین‌آقا از عبدالله‌خان به‌خاطر اقداماتی‌که در جهت سرکوب بلوای اسماعیل‌خان انجام داده بود تشکرکرد.

* نظام‌السلطنه در هیجدهم نوامبر تهران را به‌قصد مشهد ترك‌کرد.

*** شیرالله‌خان برادر سردار معزز بجنوردی به‌حکومت سبزوار منصوب شد.**

* حکومت نیشابور مجدداً به‌دست سردار سعید (شاهزاده فتح‌السلطنه سابق) سپرده شد. وی که در بلوای اخیر مورد خشم و غضب ماژور اسماعیل‌خان قرارگرفته بود به‌بجنورد گریخته بود.

* طی یکی از دستورهای ارسالی برای متولی‌باشی از وی خواسته شده است که موقتاً کفالت ایالت را به‌عهده‌گیرد. محمودخان نیز به‌تهران فراخوانده شده است، ولی می‌گویند وی ترجیح می‌دهد به‌بیرجند عزیمت نماید.

* در چهلمین روز مرگ محمدتقی مراسمی باحضور جمعی از افسران‌ژاندارمری درخانهٔ محمودخان برگزار شد و سپس همگی به‌سر قبر آن مرحوم رفتند. می‌گویند محمودخان بیش از دیگران گریه و زاری‌کرده است.

وقایع هفتهٔ پیش از بیست و ششم نوامبر

* ارفع‌الممالك حاکم جدید دزدآب در نوزدهم نوامبر مشهد را به‌قصد محل مأموریت خود ترك گفت.

* دویست و پنجاه نفر از افراد دیویزیون عراق[۱۵۷] در روز نوزدهم نوامبر از مشهد عازم تهران شدند. همراه این عده یك هزار تفنگ و یك میلیون فشنگ‌به‌تهران ارسال گردید. سیصد نفر از قزاقهای دیویزیون تهران نیز بزودی عازم خواهند شد.

* قزاقها و ژاندارمها به‌یکدیگر دشمنی می‌ورزند و ماژور محمودخان و طرفدارانش نیز به‌آن دامن می‌زنند. تاکنون اقدامات انجام شده برای انتقال محمودخان به‌تهران به‌نتیجه نرسیده است. بدون تردید وی از حمایت قدرت ناشناخته‌ای برخوردار است. وزیر جنگ بار دیگر از محمودخان دعوت کرد که به‌تهران عزیمت کند، ولی او به‌بهانهٔ کسب اجازه از رئیس‌الوزراء از رفتن به‌مرکز سرباز می‌زند.

* سالار خبیر رئیس تلگراف در بیست و پنجم نوامبر وارد مشهد شد.

* اعضای خانوادهٔ زبردست‌خان از روسیه به‌درگز بازگشتند.

* سردار انتصار رئیس معارف و اوقاف در بیست و پنجم نوامبر وارد مشهد شد.

* مجلل‌التولیه و ملاباشی مشهد را به‌قصد تهران ترك کردند. ملا باشی قصد دارد قالیچه‌ای به‌قیمت چهار هزار تومان به‌قوام‌السلطنه تقدیم کند.

* ماژور محمودخان بالاخره زحمت را کم کرد و در بیست و ششم نوامبر عازم تهران شد. وی پیش از ترك‌مشهد طی نامه‌ای که در روزنامهٔ خراسان درج شد اعلام داشت همیشه عشق به‌میهن محرك وی در انجام وظایف نظامی و غیر نظامی‌اش بوده است. محمودخان همچنین درکمال گستاخی ضمن ارسال نامه‌ای تقاضا کرد تا به‌منظور خداحافظی با من ملاقات کند که البته من به‌او جواب ندادم.

* میرزا جوادخان اعتلاءالملك وزیر مختار ایران در کابل بزودی تهران را به‌قصد محل مأموریت خویش ترك خواهد کرد.

۱۵۷ـ سلطان‌آباد سابق و اراك کنونی.

وقایع هفتهٔ پیش از سوم دسامبر

* نایب حسن‌خان پلتیك مأموریت یافت که تفنگ‌ها و مهمات موجود در قوچان را به‌مشهد حمل کند و تحویل انبار دهد.

* فرار انفرادی ژاندارمها با تفنگ‌های سازمانی خویش همچنان ادامه دارد.

* رضا خان فرمانده فوج بجنورد که در سقوط کلنل محمد تقی‌خان نقش مهمی ایفا کرد، همراه با سی‌نفر از افراد خود به‌قصد زیارت وارد مشهد شد.

* خوانین قوچان تاکنون فقط چهارصد و پنجاه تفنگ، دو توپ و دو مسلسل را به‌پادگان تحویل داده‌اند. آنان می‌گویند به‌علت مهاجرت گروههای مسلح قادر به‌جمع‌آوری اسلحهٔ بیشتری نیستند، ولی به‌موجب یك گزارش نظامی، خوانین از جمله ولی‌خان، فرج‌الله خان ومحمد ابراهیم‌خان برای عدم تحویل سلاحهای به‌غنیمت گرفته شده، آنها را به‌روستاهای اطراف انتقال داده‌اند.

* در صبح روز بیست و هشتم نوامبر گروهی قزاق مأمور ضبط سلاحهای موجود در سربازخانه‌ها شدند. ژاندارمها از تحویل اسلحه سرباززدند و فرمانده قزاقها پس‌از صدور فرمان آماده‌باش به‌افراد مستقر در شهرنو، با عده‌ای رهسپار سربازخانه‌های شهر شد. متعاقب این عملیات کلیه سلاحهای موجود جمع‌آوری و تحویل قزاقها گردید.

* از طرف وزیر جنگ به‌امیر پنجه حسین آقا دستور داده شد با ضبط وجوه اضافی صندوق ادارات دولتی مواجب افراد زیردست خود را پرداخت کند. امیرپنجه طبق دستور برای دریافت پولهای اضافی به‌آقای کورتو پیشکار مالیه و گمرك مراجعه کرد. آقای کورتو با استناد به‌این‌که در این مورد دستوری از رئیس مستقیم خود دریافت نکرده است، از تحویل پولها خودداری ورزید و زمانی‌که دید امیرپنجه حسین آقا دست‌بردار نیست ادارهٔ تحت سرپرستی خود را تعطیل نمود.

* نصرت لشکر که در رأس نیروهای قزاق تحت فرماندهی خود به‌مشهد آمده بود، در سی‌ام نوامبر این شهر را به‌قصد سبزوار ترك کرد.

* منصورالملك مجدداً به‌حکومت درگز منصوب شد.

* به‌گفتهٔ سرپرست موقت کارگزاری، میرزا ابوالقاسم خان رشتی مقرب‌السلطنه به‌سمت کارگزار ایالت خراسان تعیین گردیده است.

* سردار منتصر برادر سردار معزز بجنوردی به‌سمت حاکم سبزوار منصوب شد.

* وزیر جنگ بوسیلهٔ تلگراف به‌امیر پنجه حسین آقا دستور داد تشکیلات ژاندارمری را به‌علت شهرت بد آن منحل کند و از افراد جوان ژاندارمری برای عضویت در نیروی قزاق ثبت‌نام به‌عمل آورد.

* رئیس‌الوزراء بوسیلهٔ تلگراف به‌امیرپنجه حسین‌آقا دستور داد شیخ احمد سردبیر «بهار» و میر مرتضی را از زندان آزاد کند. آقازاده برای آزادی کلیه زندانیان سخت فعالیت می‌کند، و این البته حاکی از آن است‌که زندانیان رشوهٔ کلانی

به‌او داده‌اند و شاید هم مقداری از این پولها سر از تهران درآورده باشد. امیرپنجه حسین‌آقا فرمانده قزاقها ضمن ارسال تلگراف برای وزیر جنگ از دخالتهای نابجای مقامات در مورد زندانیان سیاسی شکایت کرد و از وی خواست تا حداقل با تبعید حامیان بلشویکها از خراسان موافقت شود.

* آقای الیس رئیس سازمان تلگراف هند و اروپا در سوم دسامبر عازم تهران‌شد.

وقایع هفتهٔ پیش از دهم دسامبر

* آقای دوکرکر[۱۰۸] جانشین آقای کورتو ظرف چند روز آینده وارد مشهد خواهد شد.

* آقازاده در پنجم دسامبر از حسین‌آقا میرپنج خواست که طبق دستور رئیس‌الوزراء زندانیان سیاسی را آزاد کند. حسین‌آقا در پاسخ یادآور شد که وی زندانیان را فقط به‌دستور وزیر جنگ آزاد خواهد کرد. وی سپس به‌آقازاده نصیحت کرد که بهتر است به‌کار دیگران دخالت ننماید و سرش گرم کار خودش باشد. می‌گویند آقازاده که از این جواب امیرپنجه پکر شده است قصد دارد با به‌راه انداختن مردم به‌رفتار فرمانده قزاقها و عدم اجرای دستور رئیس‌الوزراء اعتراض کند.

* صدرالادبا و برادرش مجدالادبا در روز ششم دسامبر آزاد شدند. هنوز سی‌و شش نفر دیگر در زندان بسر می‌برند. صدرالادبا به‌من گفت بسیاری از زندانیان سیاسی معتقدند گزارشهای ارسالی از طرف کنسولگری انگلیس به‌تهران باعث دستگیری ایشان شده است.

* روز چهارم و ششم دسامبر صرف دید و بازدید با کریم آقا حکیموف سرکنسول روس در خراسان شد. وی ضمن گفتگو از اشتیاق شوروی به‌برقراری روابط دوستانه با ما یاد کرد.

* افسران سابق ژاندارمری تفنگهای انگلیسی خود را به‌قیمت هفت پوند و تفنگهای روسی را به‌قیمت پنج پوند به‌فروش می‌رسانند.

* قرار است فقط افراد خراسانی نیروی قزاق که بزودی تعدادشان به ۲۱۰۰ نفر افزایش می‌یابد در ایالت استقرار یابند. حسین‌آقا میرپنج تنها با ادامهٔ خدمت چهار نفر از افسران ژاندارمری در نیروی قزاق موافقت کرده است. می‌گویند افسران ژاندارمری تهران در اعتراض به‌انحلال واحدهای خویش در سفارت فرانسه بست نشسته‌اند و باز می‌گویند افسران ژاندارمری خراسان نیز پس‌از ورود والی جدید قصد دارند در کنسولگری بست بنشینند، که البته من به‌ایشان روی خوش نشان نخواهم‌داد.

* روز دهم دسامبر به‌مناسبت سالگرد بمباران مرقد رضا توسط روسها تعطیل عمومی اعلام شد.

108- de Kheerkeer

وقایع هفتهٔ پیش از هفدهم دسامبر

* آقای دوکرکر پیشکار مالیه در روز یازدهم دسامبر وارد مشهد شد، وی از هفتهٔ آینده آغاز به‌کار خواهد کرد. انتظار می‌رود آقای کورتو پیشکار فعلی به‌یکی از شهرهای ساحلی دریای خزر مأمور شود.

* در روز دوازدهم دسامبر دویست و پنجاه نفر از افراد قزاق مشهد را به‌قصد تهران ترك گفتند و قرار است دویست و پنجاه نفر نیز عازم استرآباد شوند.

* کلنل علی‌خان دو دستگاه تلفن و بعضی وسایل مخابرات را که ژاندارمها در سپتامبر گذشته در تربت حیدریه ضبط کرده بودند مسترد داشت.

* به‌میرزا ناظر که در بلوای اخیر از مأمور اسماعیل‌خان حمایت کرده بود دستور داده شد تا از راه هند به‌سوی کربلا حرکت کند. وی باکمال گستاخی از من خواست تا برایش سفارشنامه خوبی بنویسم.

* کریم آقا حکیموف سرکنسول روسیه دربارهٔ طولانی شدن مدت اسارت اتباع روس در زندان، تلگرافی به‌نظام‌السلطنه مخابره کرد. والی جدید به‌تلگراف حکیموف پاسخ نداد.

* خانم حکیموف همسر سرکنسول روس در دهم دسامبر از عشق‌آباد وارد مشهد شد. وی اناستازیا نیکولایف[۱۰۹] نام دارد و قبلا هنرپیشه بوده است.

* سروان سالمون، معاون کنسولگری به‌علت ضعف مزاج از مقام خویش استعفا داد. وی در سیزدهم دسامبر مشهد را به‌قصد دزدآب ترك گفت.

* جناب نظام‌السلطنه درحالی‌که بیست نفر از سواران بختیاری به‌فرماندهی رضاقلی‌خان برادرزادهٔ صمصام‌السلطنه وی را اسکورت می‌کردند، در چهاردهم دسامبر وارد مشهد شد. در این سفر محمدتقی‌خان پسر نظام‌السلطنه و همچنین مغیث‌السلطنه معاون والی و سعدالملك وی را همراهی می‌کردند. می‌گویند جناب ایشان برخلاف رسم معمول از قبول هدایای حکام نواحی کـه تقدیم والی جـدید می‌شود، خودداری می‌ورزد. دراین میان سردار معزز بجنوردی تعدادی اسب و مقداری پول برای والی جدید فرستاد که به‌دستور نظام‌السلطنه پولها را پس فرستادند ولی اسبها را به‌اصطبل والی بردند.

والی جدید به‌هنگام آشنایی با سرشناسان و مقامات محلی که به‌احترام وی گـرد آمده بودند رفتاری خشن و دور از ادب داشت، ولی من شخصاً او را آدمی مهربان و خوشخو یافتم. شنیدم که سعدالملك خطاب به‌مردم گفته است مقامات انگلیسی درگذشته به‌جناب والی اجازه ندادند برای زیارت وارد نجف شود و همچنین وزرای مختار روس و انگـلیس در تهران با انتصاب وی به‌سمت والی ایالت خراسان مخالفت می‌کردند.

* انتصاب محمد ابراهیم‌خان به‌حکومت قوچان مورد تائید والی جدید قرار گرفت. این خان نیز مانند خوانین دیگر معتاد به‌تریاك است.

109- Anastasia Nikolaieff

* همهٔ خوانینی که به‌طریقی به‌سقوط کلنل محمدتقی‌خان کمك کرده بودند مورد مرحمت والی جدید قرار گرفتند و ملقب به‌لقبی شدند.
* رضا قلی‌خان بختیاری به‌همراه بیست نفر از سواران اسکورت والی جدید عازم تهران شد.

وقایع هفتهٔ پیش از بیست و چهارم دسامبر

* آقای تی. ای. اف. لاول[۱۱۰] از سازمان تلگراف هند و اروپا در هفدهم دسامبر به‌عنوان جانشین آقای نیومن که قرار است مأمور بیرجند شود، وارد مشهد شد.
* کلنل علی‌خان که فرماندهی نیروهای ژاندارمری را تا پیش از ادغام آن در نیروهای قزاق به‌عهده داشت، در هیجدهم دسامبر عازم تهران شد.
* معین الاسلام رئیس جدید عدلیه بزودی از تهران وارد مشهد خواهد شد.
* آقای دبوا پیشکار سابق مالیه و گمرك طی نامه‌ای به‌دوستانش اطلاع داده‌است که پس از حل اختلافات خود با رئیس‌الوزراء برای مدت چند ماهی که طبق قرارداد به‌پایان خدمتش در ایران مانده، مأمور انزلی شده است.
* طبق بیانیهٔ صادره از طرف والی از این‌پس کلیه مرافعات مدنی می‌بایست در عدلیه طرح شود و واحد اجرا[۱۱۱] وابسته به‌دفتر والی نیز منحل می‌شود.
* والی به‌خدام آستانه اخطار کرد که چنانچه ظرف مدت شش ماه به‌امور آستان قدس، به‌صورت رضایت بخشی، سرو سامان داده نشود خود شخصاً انجام اصلاحات را به‌عهده خواهد گرفت.
* حسین‌آقا میرپنج می‌گوید از پنج هزار نفر قزاق اعزامی تاکنون سه‌هزار نفر مشهد را به‌قصد تهران ترك کرده‌اند.
* والی جدید، رئیس پلیس و آقازاده هریك نامه‌های مشابهی دریافت کرده‌اند که طی آن به‌ایشان اخطار شده است اگر زندانیان سیاسی معروف راآزاد نکنند به‌قتل خواهند رسید. درهمین رابطه بشیخ احمد سردبیر روزنامهٔ بهار که اخیراً از زندان آزاد گردید، دستور داده شد به‌تهران عزیمت کند.

وقایع هفتهٔ پیش از سی‌و یکم دسامبر

* به‌دستور میرپنجه حسین آقا پس‌از نبش‌قبر کلنل محمدتقی‌خان، در شامگاه بیست و ششم دسامبر، جنازهٔ وی درکمال اختفا به‌قبرستان سراب منتقل و دفن گردید.
* کارگزار جدید به‌من اطلاع داد اقتداءالملك کنسول ایران در عشق‌آباد بزودی وارد مشهد خواهد شد.
* نصرت لشکر به‌سمت رئیس امنیهٔ کل خراسان منصوب شد.

110- T. E. F. Lovell

۱۱۱ــ اصل: Ijra

* ارسال نامه‌های تهدید آمیز همچنان ادامه دارد. در یکی از نامه‌ها آمده است که انگلیسیها می‌خواهند با فرستادن شاه به‌فرنگ مجدداً سید ضیاء را برسر کار آورند.

* به‌دستور وزیر جنگ نایب‌ابراهیم‌آقا، احمدآقا و قاسم‌خان تحت‌الحفظ به‌تهران اعزام شدند.

* یك یهودی روس به‌نام استرانکن[۱۱۲] که سالها در مشهد دواخانه داشت در بیست‌و هفتم دسامبر خودکشی کرد.

* مهام‌الملك کنسول ایران در هرات در راه عزیمت به‌محل مأموریت خود در بیست و هشتم دسامبر وارد مشهد گردید.

* کلیه زندانیان سیاسی پس‌از سپردن التزام به‌عدم خروج از مشهد تا پیش‌از ششم ژانویه ۱۹۲۲ از زندان آزاد گردیدند. غلام دواخانه و میر مرتضی به‌روسیه تبعید شدند و اسدآقا زوارزاده به‌خواف، مصطفی سرابی به‌نیشابور، رحیم‌زادهٔ طاهباز به‌نوبهار و شیخ احمد بهار به‌قوچان عزیمت کردند.

وقایع هفتهٔ پیش از هفتم ژانویه ۱۹۲۲

* مثل همیشه حلول سال نو [میلادی] جشن گرفته شد. پیش‌ازظهر حدود شصت نفر از اتباع انگلیس و وظیفه‌بگیران از جمله هشت افسر سابق بربری عضو ارتش انگلیس در هند دسته جمعی برای تبریك سال نـو در کنسولگری حضور یافتند. تقریباً یکصد نفر از سرشناسان ایرانی و مقامات خارجی نیز بعدازظهر به‌کنسولگری آمدند. برای سرکنسول روسیه ساعت سه و نیم و برای والی ساعت چهار و نیم بعدازظهر وقت ملاقات تعیین شد.

* در روز اول ژانویه یکی از انبارهای شهر دچار آتش سوزی شد و هشتصد خروار پشم حاج غلامرضا سبزواری و سیصد خروار پشم متعلق به‌نمایندگی‌های محلی شرکت الیاس سوخت. خسارات وارده حدود چهل هزار تومان برآورد شده است.

* معین‌الاسلام رئیس عدلیه در روز اول ژانویه وارد مشهد شد.

* میرزا علی‌اصغرخان که همراه والی به‌مشهد آمده است به‌دستور وی‌به‌حکومت ترشیز منصوب شد. درهمین حال بنابه‌حکم تلگرافی رئیس‌الوزراء عمادالممالك حاکم پیشین ترشیز مجدداً به‌حکومت آن ناحیه گمارده شد. این انتصاب یکـی از سلسله انتصابهایی است‌که مستقیماً از طرف خود رئیس‌الوزراء تا به‌امـروز انجام شده است. می‌گویند والی که از مداخلات رئیس‌الوزراء در امور ایالت خـود به‌تنگ آمده یك‌بار استعفا داده، لیکن مورد قبول رئیس‌الوزراء قرار نگرفته است. والی با امیرپنجه حسین‌آقا هم درگیری داشت. امیرپنجه اعلام کرده بود که فقط مجری دستورهای وزیر جنگ است و هیچ‌گونه مسئولیتی دربرابر والی ندارد. امیرپنجه حسین‌آقا اخیراً از وزیر جنگ دستوری دریافت کردکه طبق آن بایستی زیر نظر والی انجام وظیفه نماید.

112- Stronken

* سید مرتضی رئیس طایفهٔ بربری با سپردن التزام جهت حضور به‌موقع در محکمه از زندان آزاد گردید.

* عمیدالسلطنه نمایندهٔ نیشابور و امیر اعلم یکی از نمایندگان مشهد در مجلس از سمت نمایندگی استعفا دادند. از تهران دستور داده شده است که برای انتخاب جانشینان نمایندگان مستعفی و همچنین نماینده‌ای که می‌بایست بجای شیخ محمد جواد متوفی در مجلس حضور یابند اقدام لازم معمول شود.

* رفعت التولیه سردبیر «شرق ایران» از بست آستانه خارج گردید. به‌وی دستور داده شد مشهد را ترك گوید.

* همتای روسی به‌مناسبت سال نو از من و والی و حدود چهل نفر از مقامات دیگر دعوت کرد تا در دفتر جدید وی حضور یابیم و ضمناً برای نخستین‌بار شاهد به‌اهتزاز درآمدن پرچم شوروی باشیم. آقای حکیموف سرکنسول در سخنرانی خویش به‌تکرار جملات کلیشه‌ای بلشویکها پرداخت و مانند آنها متذکر شد که دوران‌ستمکاری حکومت تزارها به‌پایان رسیده و ایران و روسیه باید در راه آزادی گام بردارند.

* قیمت گندم در مشهد به‌علت نباریدن برف و همچنین حمل آن به‌تهران از خرواری هفت یا هشت تومان به‌دوازده تومان افزایش یافته است.

* مقرب‌السلطان کارگزار جدید در پنجم ژانویه وارد مشهد شد.

پیوست شماره پانزده

امتعه و اجناس

نوع جنس	وزن	قران
آرد گندم	۱۰۰ من	۷۰
جو	۱۰۰ من	۵۵
کاه	۱۰۰ من	۱۸
زغال بسته	۱۰۰ من	۱۰۰
زغال سنگ	۱۰۰ من	۴۰
هیزم	۱۰۰ من	۴۰
شکر	۱۰۰ من	۱۴۰۰
برنج صدری رشتی	۱۰۰ من	۷۰۰
گرده اعلا	۱۰۰ من	۳۰۰
روغن اعلا	۱۰۰ من	۱۵۰۰
نان سنگکی	۱ من	۱
بربری	۱ من	۱
گوشت	۱ من	۶

قند شهری	۱	من	۱۶
قند انگلیسی	۱	من	۱۹
چای کلکته	۱	من	۴۰
تریاك لوله باندرول‌دار	۱	من	۱۴۵۰
تریاك لوله بی‌باندرول	۱	من	۴۸۰
شیره تریاك اعلا	۱	من	۳۰۰
شیره متوسط	۱	من	۲۵۰

پیوست شماره شانزده

خلاصهٔ تشکیلات فعلی قوای مسلح موجود ایران

کلیات

قوای مسلح ایران به‌استثنای قوای خارجی مرکب از دستجات و تشکیلات مختلفه می‌باشندکه هر یك به‌طرز مخصوص اداره و تربیت شده‌اند. یك‌قسمت از آنها نتیجهٔ عملیات هیئت‌های نظامی که از ملل مختلفه می‌باشند تشکیل و قسمت دیگر به‌واسطهٔ اقدامات مستقیمه دول خارجی‌که در ازمنه مختلفه در ایران نفوذ خود را بکار برده‌اند تولید شده.

برای مطالعه قوای فوق‌الذکر لازم است این قوا به‌سه دسته تقسیم شوند.

۱ــ قوای نظامی که به‌توسط وزارت جنگ یا مستقیماً به‌توسط دول خارجه اداره می‌شوند.

۲ــ قوای ژاندارمری که یك قوهٔ نظامی است و توسط وزارت داخله اداره می‌شود، در بعضی از نقاط خدمات نظامی و در بعضی دیگر خدمات تابینی را عهده‌دار هستند.

۳ــ قوای پلیس در تحت اوامر وزارت داخله.

برای این‌که ترتیبات قوای موجوده را بهتر شرح دهیم به‌تقسیمات ذیل‌جداگانه شرح داده می‌شود.

قوای نظامی واقعی

۱ــ قشون جنوب ایران.

۲ــ دیوزیون[۱۱۳] قزاق.

۳ــ بریگاد[۱۱۴] مرکزی.

۱۱۳ــ Division لشکر

۱۱۴ــ Brigade تیپ.

۴ــ نظام ایالات و ولایات.
۵ــ قوای داوطلب شرقی ایران.

ژاندارمری

۶ــ ژاندارمری سوئدی
۷ــ امنیه و قوای مشابه به‌آن که توسط حکام اداره می‌شوند.

پلیس

۸ــ پلیس منظم.
۹ــ پلیس ایالات و ولایات.

۱

قوای نظامی قشون جنوب ایران

کلیات

در زمان جنگ بزرگ، قوای قشون جنوب را برای کمك به‌دولت ایران در حفظ امنیت داخلی، تجارتی و جلوگیری از بی‌نظمی‌هائی‌که بیشتر به‌واسطهٔ آلمانی‌ها و نماینده‌های دیگران تولید می‌شد تشکیل نمود. تعداد قوای این تغییراتی یافته و پس از خاتمه جنگ بی‌نهایت کسر شده، فقط تشکیلاتی از رژیمان‌های[۱۱۵] مختلف‌باقی مانده که در آتیه دولت ایران باید تصرف نماید.

قوای تخمینی قبلی این اداره موافق شرح مفصلهٔ ذیل است:

۴۷ صاحب منصب انگلیسی.
۱۹۰ صاحب منصب ایرانی.
۱۱۸۷ اسب.
۵۶ صاحب‌منصب جزء انگلیسی و ۵۴۰۰ هندی.
۸۶۷ قاطر.
۱۰۰۰ الاغ.

این قوا در تحت اوامر یك صاحب‌منصب انگلیسی قرارگرفته‌اند و مرکز ارکان حرب آن در شیراز است و هشت نفر صاحب‌منصب اتاماژور[۱۱۶] انگلیسی و سه نفر صاحب‌منصب ایرانی جهت کمك و معاونت در تحت اوامر آن گذارده شده‌اند. این قوا تقسیم به‌دو بریگاد شده‌اند: بریگاد فارس و بریگادکرمان. مرکز فرماندهی‌یکی درشیراز و دیگری درکرمان می‌باشد. فرماندهی بریگادهای فوق‌الذکرباصاحب‌منصبان انگلیسی است. به‌هریك از فرماندهان چهار صاحب‌منصب و دوایرانی جهت‌کمك داده

۱۱۵ــ Regiment فوج.
۱۱۶ــ Etat Major افسر ستاد.

شده. بریگاد فارس از سه باطالیان[۱۱۷] پیاده، سه اسکادران[۱۱۸] سوار، یك باطری[۱۱۹] چهارتوپی، یك دسته مترالیوز[۱۲۰] چهارتوپی، یك گروهان مهندس، یك دسته‌صحیه متحرك، یك مریضخانه بیطاری، یك شعبه ادارهٔ قاطرخانه و ادارهٔ گاری‌خانه و یك‌انبار سیورسات تشکیل یافته.

بریگاد کرمان به‌همین‌طریق تشکیل یافته، مگر از حیث قواکه عوض سه‌باطالیان فقط دوباطالیان و در عوض سه اسکادران سوار، چهار اسکادران و گروهان مهندس ندارد. باطالیان‌های پیاده از سه یا چهار گروهان تشکیل می‌یابد و هر گروهان‌مرکب از چهار رسد[۱۲۱] و هر رسد مرکب از چهار جوقه می‌باشد.

جهت تشکیلاتی اتاماژور هر باطالیان، سه صاحب منصب انگلیسی، پنج صاحب منصب ایرانی و سه صاحب‌منصب جزء انگلیسی معین شده است. فرماندهی گروهان‌ها با یك نفر سلطان و فرماندهی رسدها با یك نفر آسپیران می‌باشد.

سوار نظام از رژیمان‌های سه یا چهار اسکادرانی تشکیل یافته و هر اسکادران دارای چهاردسته و هر دسته مرکب از سه جوقه می‌باشند. ارکان حرب هر رژیمان دارای دو صاحب‌منصب انگلیسی و دو صاحب‌منصب ایرانی و چهار صاحب‌منصب‌جزء انگلیسی می‌باشد. فرماندهی اسکادران‌ها توسط یك سلطان و فرماندهی دسته‌ها توسط یك نفر نایب یا آسپیران صورت می‌گیرد.

باطری‌های توپخانه هریك مرکب از دو رسد و هر رسد دارای دو توپ‌می‌باشد. باطری‌کرمان دارای چهار توپ انگلیسی (دەپوندی) و باطری شیراز دارای دوتوپ (دەپوندی) و دو توپ شیندرکوهستانی می‌باشد. فرماندهی باطری‌ها به‌عهدهٔ یك‌نفر صاحب‌منصب انگلیسی به‌کمك یك نفر صاحب‌منصب انگلیسی دیگر و سه‌نفر صاحب منصب جزء انگلیسی محول شده و فرماندهی رسدها به‌عهدهٔ یك نفر سلطان یا نایب می‌باشد. ۱۳۷ تیر جهت هر توپ حمل می‌شود. مقدار قورخانه لازمه از هندوستان حمل می‌شود، لذا انبار ذخیره مخصوص تشکیل داده نشده.

اسکادران مترالیوز مرکب از دودسته می‌باشدکه هریك دارای دو توپ هستند دربریگاد کرمان هر دو دستهٔ سواره و در شیراز یك‌دسته سواره و یك پیاده می‌باشد.

تجهیزات

اسلحه و لوازمات آنها از سیستم انگلیسی است‌که از زمان‌گذشته تا به‌حال به

۱۱۷ــ Battalion گردان.

۱۱۸ــ Squadron بهادران.

۱۱۹ــ Battery آتشبار.

۱۲۰ــ Mitralleuse (به‌فرانسه Mitrailler)به معنی تیربار، مسلسل و مسلسلچی. نظامیان فرانسوی که در جبهه‌های جنگ داخلی ایالات متحده شرکت داشتند با مشاهدهٔ سرعت و قدرت شلیك این سلاح آمریکایی آن را مترالیوز نامیدند. کارخانه‌های اسلحه‌سازی فرانسه بعدها مسلسل‌های ساخت خود را به‌طور اعم مترالیوز نامیدند.

۱۲۱ــ دسته.

قشون هندی داده شده است.

پیاده نظام با تفنگ بلند۱۲۲ لی‌انفیلد۱۲۳ و سواره نظام با کارابین۱۲۴مدل۳۰۳ مسلح شده‌اند.

توپخانه دارای توپهای ده‌پوندی کوهستانی انگلیسی می‌باشد. به‌استثنای دوتوپ که از سیستم شنیدر و فرانسوی است، اسلحهٔ توپچی‌ها کارابین و قاطرچی شمشیر می‌باشد. البسه عده مطابق با البسهٔ قشون هندی، مگر کلاه‌که ایرانی است. یك دست لباس خاکی به‌جهت خدمت به‌اضافهٔ یك دست‌لباس آبی جهت بیگاری به‌هر نفر داده می‌شود. کلیه عده به‌یك طریق ملبس شده‌اند، مگر سواره‌نظام که در عوض بلوز نیم وشلوار سواری دارند. جهت نفراتی‌که مشاغل فنی و خدمات فوجی را دارا هستند، ازقبیل آشپز و غیره، البسهٔ مخصوص تهیه شده است. تجدید لباس، مطابق ترتیب مخصوص، یك یا دو مرتبه در سال صورت می‌یابد. در پیاده‌نظام هر نفری دارای هفتاد فشنگ و سوار دارای نود فشنگ می‌باشد. مقدار معین جهت ذخیره در هریك از قسمت‌ها موجود می‌باشد.

نفرات به‌طور داوطلب برای مدت سه سال استخدام، ولی ممکن است پس از انقضای این مدت به‌میل خود مجدداً قبول خدمت نمایند. نفرات قشون جنوب ازتاریخ دخول موظف می‌باشدکه به‌هریك از نقاط ایران مأمور شوند خدمت نمایند. صاحب منصبان انگلیسی قشون جنوب حقوق قشون هندی را دریافت می‌دارند به‌اضافهٔ فوق العادهٔ شغل و فوق‌العادهٔ مأموریت‌که معادل ۲۰۰ روپیه در ماه می‌باشد. صاحب‌منصبان جزء حقوق ذخیره خود را به‌اضافهٔ فوق‌العاده با سی روپیه در ماه دریافت می‌دارند.

حقوق صاحب‌منصبان ایرانی در ماه مطابق شرح مفصلهٔ ذیل است

درجه	حقوق قران	حقوق‌خدمت	جمع قران
یاور	۸۰۰	۴۰۰	۱۲۰۰
سلطان	۶۰۰	۳۵۰	۹۵۰
سلطان دوم	۳۵۰	۳۰۰	۶۵۰
نایب اول	۳۰۰	۲۰۰	۵۰۰
نایب دوم	۲۵۰	۱۵۰	۴۰۰
آسپیران اول	۲۰۰	۱۵۰	۳۵۰
آسپیران دوم	۱۵۰	۱۰۰	۲۵۰

حقوق خدمت زمانی پرداخت می‌شودکه صاحب‌منصبی در قسمت خود مشغول باشد و به‌همین ترتیب زمانی‌که صاحب‌منصبی بواسطهٔ مرض در مریضخانهٔ اداره می‌باشد، این حقوق به‌او تعلق می‌گیرد، مگر آن‌که مرض تناسلی داشته باشد. اضافه برحقوق

122- Long Rifle
123- Lee Enfield
124- Carbine

فوق، صاحب‌منصب ایرانی روزی دو قران جیرهٔ نقدی دریافت می‌نماید.
به‌هریك از صاحب‌منصبان به‌ترتیب ذیل فوق‌العادهٔ مسافرت داده می‌شود:
از درجه سلطان به‌بالا ۸ قران در روز.
از نایب الی آسپیران ۴ قران در روز.

حقوق صاحب‌منصبان جزء ایرانی و نفرات از قرار ذیل می‌باشد

وکیل‌باشی	۱۲۵	معین‌سرجوقه	۶۰
ناظر	۱۱۵	تابین	۴۵
شیپورچی	۱۰۰	وکیل پرستار	۱۵۰
میرزا و وکیل	۱۰۰	معاون پرستار	۷۵
سرجوقه	۸۰		

مخارج

مخارج سالیانه قوای قشون جنوب، مطابق تخمینی‌که در مخارج هفت‌ماهه سال اخیر زده شده، به‌مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰ قران بالغ می‌شود.
کلیهٔ مخارج قشون جنوب را دولت انگلستان عهده‌دار می‌باشد.

۳

دیویزیون قزاق

دیویزیون فعلی از یك رژیمان ۵۰۰ نفری که توسط صاحب‌منصبان روسی در ۱۸۷۹ تشکیل یافته بود متدرجاً توسعه پیداکرده و به‌پایهٔ حالیه رسیده است. اگرچه مخارج این قوا توسط دولت ایران تادیه می‌شود، لیکن روسها این قوه را قوهٔ روسی دانسته و توسط آن اقتدارات خود را در ایران حفظ می‌نمایند. صاحب‌منصبان روسی بدون اطلاع دولت ایران انتخاب و مامور شده و هیچگاه فرمانده کل حساب مخارج خود را به‌دولت ایران نمی‌دهد.

قوای فعلی به‌عدهٔ مفصلهٔ ذیل بالغ می‌شوند

صاحب منصب روسی	۵۶	افراد ایرانی	۷۸۶۶
صاحب‌منصب جزء روسی	۶۶	اسب	۳۱۴۱
صاحب‌منصب ایرانی	۲۰۲		

تشکیلات

دیویزیون مرکب از یك مرکز ارکان حرب و نه آتریاد[۱۲۵] یادسته می‌باشد.

۱۲۵ــ Otriad کلمهٔ روسی به‌معنی دسته.

فرماندهی این قوه به عهدهٔ یك نفر صاحب‌منصب‌روسی و معاونت صاحب منصب اتاماژور می‌باشد.

ارکان حرب از دو اداره تشکیل یافته.

۱ــ شعبه اجرا

۲ــ شعبه تشکیلات

اجزاء هریك از این ادارات از صاحب‌منصبان روسی و ایرانی مرکب‌می‌باشد. اتریادها مرکب از صنوف مختلفه و به‌اسم محلهائی‌که در آن مأموریت دارند نامیده می‌شوند. قوای هریك از اتریادها به‌ترتیب مفصلهٔ ذیل تغییر می‌یابد:

قوای اکثر یك باطالیان، یك رژیمان سوار، دوازده توپ داخل آن،یك گروهان، یك اسکادران و یك دسته مترالیوز می‌باشد.

قوا و محل توقف اتریادها به‌مناسبت‌اهمیت موقع و محل بعضی از اوقات تغییر می‌یابد.

نه آتریاد فعلی به‌اسامی مفصلهٔ ذیل نامیده می‌شود:

اتریاد طهران	اتریاد همدان
اتریاد تبریز	اتریاد گیلان
اتریاد اصفهان	اتریاد اردبیل
اتریاد ارومیه	اتریاد مازندران
اتریاد مشهد	

اتریاد اصفهان فعلا مقیم بروجرد، اتریاد مشهد مقیم استرآباد و اتریادمازندران مقیم بندر گز می‌باشد. کلیتاً عدهٔ جمعیت اتریادها به۲۸ گروهان پیاده، ۱۷ اسکادران، ۲۵توپ و ۲۷ مترالیوز بالغ می‌شود. باطری‌های توپخانه دارای چهار توپ‌ورسدهای توپخانه دارای دو توپ و دسته‌های مترالیوز دارای دو مترالیوز هستند.

اکثر از تفنگ‌های دیویزیون سیستم روسی و از کارخانه‌های روس ابتیاع شده‌اند. یك‌عده قلیلی تفنگ و پنج‌تیر نیز دارا هستند. مترالیوزها از سیستم مختلف است و ده مترالیوز آلمانی، چهار روسی و چهارده از نوع دیگر است. ازقرارمذکور، قورخانهٔ تفنگ و اسلحه سبك چندان زیاد نیست. یك قسمت از توپخانهٔ کوهستانی وقسمت دیگر صحرائی که از سیستم روسی و شنیدر فرانسوی است. قورخانهٔ توپهای فوق نیز چندان زیاد نیست.

البسهٔ عده یا در کارخانه‌های دیویزیون یا در محل تهیه می‌شود. لباس نفرات مطابق لباسهای قزاق روسی است. جهت مخارج تهیهٔ البسه مبلغ ۲۲ تومان جهت هر نفر در بودجه برآورده شده.

شرایط خدمت

استخدام قوا معمولا به‌طور داوطلب صورت می‌گیرد، ولی اخیراً یك عده از افواج به‌دیویزیون واگذار و نفرات آن را مطابق قوانین بونیچه استخدام می‌نمایند.

مطابق این سیستم نفرات خوبی جمع‌آوری می‌شوند، لیکن به‌واسطهٔ طرز اجرای‌فعلی این قانون اشکالاتی در جمع‌آوری نفرات فراهم شده است. پس از پانزده سال خدمت یك‌نوع حقوق تقاعدی به‌نفرات داده می‌شود. اسب جهت توپخانه، وسایل نقلیه توسط دیویزیون ابتیاع، لیکن نفرات هریك اسب خود را خودشان تهیه می‌نمایند.

مقدار حقوق سالیانه مطابق شرح‌ذیل است

افراد ایرانی	قران	افراد ایرانی	قران
سرتیپ (فرمانده فوج)	۱۵۰۰۰	وکیل باشی	۹۶۰
یاور (فرمانده باطالیان)	۱۲۰۰۰	وکیل دسته	۷۸۰
سلطان (فرمانده گروهان)	۹۰۰۰	وکیل رسد	۷۲۰
نایب اول	۶۰۰۰	سرجوقه	۶۰۰
نایب دوم	۴۸۰۰	شیپورچی طبال	۴۸۰
صاحب‌منصب‌صحیه	۷۰۰۰	قزاق	۴۸۰

افراد روسی	قران	افراد روسی	قران
فرمانده	۷۲۰۰۰	صاحب‌منصبان صحیه	۲۷۰۰۰
معاون فرمانده	۶۰۰۰۰	محاسب	۲۴۰۰۰
رئیس اتاماژور	۴۸۰۰۰	اسلحه‌ساز	۱۵۰۰۰
مباشر	۴۸۰۰۰	صاحب‌منصب جزء	۹۶۰۰
فرمانده اتریاد	۴۸۰۰۰	معاون محاسب	۷۲۰۰
صاحب‌منصبان	۲۷۰۰۰	اجزاء دفتری	۷۲۰۰

محل و مسکن دیویزیون در عمارت دولتی است و جهت مخارج تعمیرات سالیانه مبلغ ۳۴۵۰۰۰ قران برآورد می‌شود. مخارج سوخت و روشنائی کلیتاً از طرف دولت پرداخت می‌شود و مبلغ سالیانه آن به ۱۳۹۰۰۰ قران بالغ می‌شود. به‌هریك از نفرات مقدار دوازده سیر نان در روز جهت جیره و سی‌قران در ماه جهت جیره نقدی داده می‌شود. روزانه به‌هریك از نفرات غذای گرم داده می‌شود. صاحب‌منصبان ایرانی‌توسط رئیس دیویزیون استخدام و اکثر آنها از بین عده‌ای انتخاب می‌شوند. جهت‌ترفیع به‌درجه صاحب‌منصبی از بین عده، مدتی باید در صف خدمت نمود. مشق و طرز تشکیل ادارات مطابق اصول معمولهٔ نظام روسی است، ولی فرامین کلیتاً به ایرانی داده می‌شود.

مخارج

مخارج دیویزیون در سال کلیتاً به‌مبلغ ۱۹۱۵۱۰۰۰ قران بالغ می‌شود و ازاین وجه مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰۰ قران اخیراً توسط دولت انگلیس پرداخت شده است.

۳
بریگاد مرکزی
کلیات

گرچه بریگاد مرکزی جزو قشون معمول مملکت است وعدهٔ آن مطابق قوانین بونیچه استخدام می‌شوند، ولی به‌واسطهٔ آن که مرکز آنها در پایتخت واقع شده طرز تشکیلات و ادارات آن به‌وضع مخصوصی صورت یافته. قوای فعلی بریگاد از قرار مفصلهٔ ذیل می‌باشد:

یك صاحب‌منصب سوئدی
یك صاحب‌منصب لهستانی
۱۲۶ صاحب منصب ایرانی
۲۱۴۲ درجه‌دار و تابین ایرانی
۲۲۵ اسب

تشکیلات

بریگاد مرکزی مرکب از یك ارکان حرب، یك رژیمان پیاده (سه باطالیان) یك رژیمان سوار (پنج اسکادران) یك رژیمان توپخانه (پنج باطری) و یك مدرسه‌جهت صاحب‌منصبان جزو می‌باشد. و ارکان حرب از یك نفر صاحب‌منصب سوئدی فرمانده، دوازده صاحب‌منصب ایرانی و نوزده نفر ایرانی از درجات مختلف تشکیل یافته ومحل آن در میدان توپخانه می‌باشد. ارکان حرب از دو شعبه تشکیل یافته: شعبهٔ خدمات عمومی و شعبهٔ مباشرت. شعبهٔ اول امورات پرسنل تشکیلات و مشق و شعبهٔ ثانی‌پرداخت حقوقات، نگاهداری محاسبات، تهیهٔ لوازمات از هرقبیل به‌اضافهٔ تهیهٔ اسلحه و غیره راعهده‌دار می‌باشند.

رژیمان پیاده مرکب از سه باطالیان و هر باطالیان دارای چهار گروهان می‌باشد. عدهٔ آن بالغ بر پنجاه صاحب‌منصب، یکصد آسپیران و ۱۲۶۳ نفر می‌باشند. گروهان نمره ۹ را مخصوصاً جهت خدمات گروهان مهندسی تعیین نموده‌اند.

باطالیان اول در رشت و به‌دیویزیون قزاق الحاق شده. دو باطالیان دیگر در طهران می‌باشند.

رژیمان سوار به‌دو قسمت تقسیم شده و هریك از قسمت‌ها مرکب ازدواسکادران می‌باشند، به‌اضافه یك اسکادران احتیاط نیز دارا هستند. جمع‌کل قوا بالغ بر بیست وهشت صاحب‌منصب، دو آسپیران، ۳۷۹ سرباز و ۱۵۲ اسب می‌شود. رژیمان‌توپخانه به‌دوقسمت تقسیم شده. قسمت اول دارای دو توپ صحرائی و قسمت دوم دارای سه باطری کوهستانی است. جمع کل قوا بالغ به سی و یك‌نفر صاحب‌منصب که پنج نفر آنها آسپیران می‌باشند، ۳۵۸ نفر عده و درجه‌دار و هفتاد اسب می‌شود. مدرسه

صاحب منصبان جزء توسط یك نفر صاحب‌منصب لهستانی و سه‌نفر صاحب‌منصب کمك معلم ایرانی اداره می‌شوند. عدهٔ شاگردان پنجاه نفر می‌باشند. و یك بودجه ماهیانه به مبلغ ۵۰۰ تومان جهت مدرسه اختصاص داده شده. دخول در مدرسه به‌طور داوطلب می‌باشد، زیرا نفرات بریگاد معلومات و تربیت کافی که دخول در مدرسه را اجازه دهد دارا نیستند.

یك دسته موزیك که عدهٔ آنها بالغ بر سه صاحب منصب و پنجاه و پنج نفر موزیکانچی است جهت کلیهٔ بریگاد تشکیل شده و در رژیمان پیاده می‌باشند.

تجهیزات

باطالیان پیاده رشت از دیویزیون قزاق اسلحه دریافت داشته، بقیه بریگادتقریباً بدون اسلحه می‌باشند. مقدار قلیلی کارابین و تفنگ از سیستم‌های مختلف و اکثر غیر قابل استعمال جهت مشق به‌بریگاد داده شده. رژیمان توپخانه از قراری‌که اظهار شده باید دارای توپهای مفصلهٔ ذیل باشد:

چهار شنیدر صحرائی
چهار اخاسیوس۱۲۶ ۹سانتیمتری صحرائی
دو اخاسیوس ۸ سانتیمتری صحرائی
سه شنیدر کوهستانی
دو اخاسیوس کوهستانی

توپهای کوهستانی هیچ وجود ندارد. از قرار مذکور یك‌عده‌به‌ادارهٔ ژاندارمری به‌طور قرض داده شده و بعد به ذخیره مسترد شده است. توپهای شنیدر به‌واسطهٔ خراب بودن گهواره و نداشتن تلمبه غیر قابل استعمال می‌باشند، ولی مقداری یراق جهت توپخانه یافت می‌شود. کلیه رژیمان فقط می‌تواند چهار توپ اخاسیوس با تمام‌لوازمات حاضر نماید. قورخانه جهت تفنگ تقریباً وجود ندارد و جهت هریك از توپهای اخاسیوس یکصد نیرو، جهت توپهای شنیدر هیچ گلوله وجود ندارد.

لوازمات و البسه در محل و به‌موجب کنترات تهیه می‌شود. سالی بیست تومان جهت تهیهٔ لباس هریك از نفرات در بودجه تعیین شده که با این مبلغ باید دو دست لباس، یك پالتو، یك زوج کفش و یك زوج گیوه به‌نفرات داده شود. البسه کلیهٔ صنوف نظامی به‌یك فرم می‌باشد، مگر رنگهای سردوشی و زیر نشان کلاه‌که درسوار «سبز» در پیاده «سرخ» و جهت توپخانه «آبی» است. مدرسهٔ نظامی وزارت جنگ باید صاحب‌منصب برای بریگاد تهیه نماید.

شرایط خدمت

نفرات بریگاد مرکزی مطابق قوانین بنیچه استخدام می‌شوند. افواجی که به بریگاد داده شده اکثر از افواج اطراف طهران می‌باشند. نفرات جهت سه سال‌استخدام

۱۲۶ــ Uchatius اوکاتیوس. نوعی توپ سرپر ساخت اتریش.

شده و مجازندکه پس از اتمام این مدت خدمات خودرا ادامه دهند. صاحب‌منصبان به‌موجب حکم وزارت جنگ پذیرفته، بعضی از آنها پیروازکار افتاده می‌باشند و نگاهداری آنها فقط از نقطه‌نظر نظامی است. ترفیع درجات توسط وزارت جنگ داده می‌شود. صاحب‌منصبان جزء یا از بین نفرات لایق یا از مدرسه صاحب‌منصبان جـزء انتخاب می‌شوند.

مقدار حقوق در ماه مطابق مفصلهٔ ذیل است

صاحب‌منصب سوئدی	۲۳۳۰قران	نایب دوم	۳۰۰ قران
معلم لهستانی	۱۹۰۰قران	آسپیران	۱۵۰ قران
سرهنگ	۱۲۵۰قران	وکیل اول	۹۰ قران
نایب سرهنگ	۱۰۰۰قران	وکیل	۸۰ قران
یاور	۷۰۰ قران	سرجوقه	۵۰ قران
سلطان	۵۵۰ قران	تابین	۳۰ قران
نایب اول	۴۰۰ قران		

کلیهٔ نفرات روزی شانزده سیر جیره جنس دریافت می‌دارند. نان نفرات توسط نانواخانه‌های دولتی در شهر تهیه می‌شود، بدین ترتیب‌که هریك از فرماندهان‌روزانه بلیط نان از مرکز بریگاد جهت عدهٔ حاضر خود دریافت می‌دارند. در موقع ماموریت کلیهٔ عده فوق‌العاده‌ای معادل با ثلث حقوق خود دریافت می‌دارند.

مرکز بریگاد در میدان توپخانه و دارای اماکن خوب می‌باشد. مدرسهٔ صاحب منصبان جزء در یك خانهٔ غیر مرغوب‌کوچك، در شهر دایر شده است. سربازخانه‌ها تماماً به‌یك طریق بناشده، بدین ترتیب که در سه طرف مربع اطاقهای متعددساخته‌اند. جهت سوار و توپخانه یك قسمت از اطاقها را طویله و انبار توپخانه‌کرده‌اند.

مخارج

مخارج کل سالیانه بریگاد تقریباً به‌مبلغ ۴۳۲۷۰۰۰ قران بالغ می‌شود.

۴

نظام ولایات

کلیات

قشون ایران چنان‌که در فصل راجع به‌قوانین مذکور شده، از یك عده افواج بنیچه تشکیل می‌شود. بعضی از نواحی و قراء افواجی که عدهٔ آنها به‌هزار نفر بالغ می‌شود به‌دولت می‌دهند. فقط یك عدهٔ معدودی از این افواج فعلا جهت دخول در خدمت احضار شده‌اند، بقیه در محال خود باقی، ولی جزئی حقوقاتی، به‌اسم پادارانه و محلی، دریافت می‌دارند. عدهٔ افواج مطابق آخرین راپورت معادل ۷۶۰۰۰ نفـر

می‌باشد، ولی چون یك عده از افواج به‌ژاندارمری، بریگاد مرکزی و قزاق‌خانه‌داده شده است، عدد فوق رانمی‌توان به‌عدهٔ تشکیلات مفصلهٔ فوق اضافه نمود.

قوای فعلی نظامی ایالات و ولایات که جهت آن بودجه تعیین شده به ۹۴۷۸ نفر ــ کلیتاً از صاحب‌منصب و تابین ــ و ۳۰۰۰ اسب بالغ می‌شود.

تشکیلات

تشکیلات منظمی جهت نظام ولایات نمی‌توان قائل شد. در هریك از ولایات یك رئیس قشون معین شده‌که مأمور تربیت کردن عده و تشکیلات ادارات قشونی می‌باشد. تعداد قوای هر یك از ادارات قشونی فعلا مأمور به‌نظریات حکام ایالات‌و ولایات است.

تجهیزات

اسلحه‌های نفرات از سیستم‌های مختلف و از حیث سیستم همه‌جا یکسان نیست، مگر در بعضی از نقاط. مثلا خراسان و قائنات‌که یك مقدار از تفنگ‌های سیستم ۳۵۳ ازطرف دولت انگلیس به‌ایالت خراسان داده شده. البسه و سایر ملزومات در محل تهیه و فرمهای مختلفی را دارا هستند. الوان سبز، قرمز و آبی معمولا علامات سوار، پیاده و توپخانه می‌باشد.

شرایط خدمت

مطابق قانون بنیچه استخدام یك عده از افواج مخصوصاً جهت بعضی از ایالات معین شده‌اند. نفرات از بین افراد فوجی‌که قابل خدمت سربازی مـی‌باشند انتخاب می‌شوند. حقوقات ادارات مذکور قاعدتاً باید مطابق مبالغی که در قوانن بنیچه معین شده پرداخته شود. جیره جنس در هر صورت به‌نفرات داده می‌شود.

انتخاب صاحب‌منصبان و صاحب‌منصبان جزء بسته به‌نظریات و تصویب حکام محل یا روسای قشون می‌باشد. در اکثر از ولایات سربازخانهٔ دولتی یافت می‌شود و عدهٔ نظامی در آن محال سکنی دارند.

ترتیباً مشقی هیچ وجود خارجی نداشته و افواج ارزش نظامی ندارند، مگر جهت خدمت و مستحفظی خانه‌های شخصی در بعضی از ایالات و ولایات.

مخارج

مخارج سالیانه نظام ولایات بالغ ۹۰۰۰۰۰۰ قران می‌شود.

۵

قوای چریک شرقی ایران

کلیات

این قوا بردو قسمت تقسیم شده‌اند. قوای چریك خراسان و سیستان. تاسیس این تشکیلات در مدت جنگ توسط دولت انگلیس جهت کمك به‌قشونهای منظم ایران در شرق ایران و جلوگیری از عملیات نمایندگان خصم که سعی در تولید اغتشاش می‌نمودند شده است. قوای فعلی این دستجات از قرار مفصلهٔ ذیل است:

قسمت خراسان		قسمت سیستان
صاحب منصبان انگلیسی	۵	۱۳
صاحب منصبان ایرانی	۱۲	۵۸
نفرات و درجه داران ایرانی	۵۸۰	۱۷۰۰
اسب	۱۴۰	۷۰۰
شتر	—	۱۰۵۰

از عدهٔ قوای سیستان فعلا کاسته شده. تشکیلات دو دستهٔ فوق جهت زمانی بود که دولت ایران قوائی درآن نقاط نداشته و به‌همین لحاظ پس‌از تشکیل قشون هر دو قسمت منحل خواهد شد.

تشکیلات

تشکیلات و پرداخت حقوق هریك از قسمت‌های فوق‌الذکر به‌توسط قونسولهای محلی صورت می‌گیرد. بدین طریق قوای خراسان در تحت نظارت قونسول خراسان و قوای سیستان توسط قونسولهای سیستان اداره، ولی جهت تقسیم و استعمال قوا دستور از طرف ژنرال انگلیسی فرماندهٔ ناحیه داده می‌شود. قسمت‌های فوق‌الذکر از شعبات پیاده، سوار و شتر سوار تشکیل یافته‌اند.

عدهٔ سواره و شتر سوار به‌دستجات پنجاه نفری تقسیم و سه دسته یك اسکادران تشکیل می‌دهد. قسمت خراسان فقط دو دسته سوار دارد. یك دسته در تربت حیدری و یك دسته در خواف، بقیه پیاده هستندکه یك گروهان در خواف و یك‌گروهان در تربت حیدری مقیم می‌باشد و از بقیه پیاده در عرض راه بین مشهد و قائنات پست برقرار شده. قسمت سیستان به‌سه شعبه منشعب، یکی در قائنات یکی در سیستان و دیگری در نزدیکی کوه ملك سیاه گذارده شد. مرکز ارکان حرب مخصوص هریك در بیرجند، نصرت‌آباد و هریك واقع شده است. عده‌های فوق به‌دستجات کـوچك تقسیم شده، سرحدات خطوط تلگرافی و راههای حمل و نقل را مستحفظی می‌نمایند. در نصرت‌آباد دو اسکادران شتر سوار و یك اسکادران سوار ساخلو می‌باشند. دستجات مامورین پس از

مدت معین تغییر و تبدیل می‌نمایند.

تجهیزات

اسلحه و تجهیزات از هندوستان تهیه و مطابق نمونه‌ایست که به‌سواران هندی و پیاده داده می‌شود. اسلحه عده تفنگ بلند قاپوت پر می‌باشد. کلیهٔ لوازمات، تجهیزات و ذخایر از انبارهای مرکزی که جهت قوای انگلیسی در مشرق ایران نگاهداشته شده دریافت می‌شود. جمعاً ۷۰۰ فشنگ جهت هر تفنگ از انبار شرقی تهیه و نگاهداری می‌شود. در هر پست مجزائی صد فشنگ به‌هر سرباز و دویست عدد به‌طور ذخیره در پست نگاهداشته شده است. در پستهای بزرگ هر نفری پنجاه فشنگ همراه دارد، بقیهٔ فشنگ در نزدیکترین پست بزرگ که عدهٔ مکفی در آنجا مقیم است نگاهداشته شده. در موقع استخدام به‌هریك از نفرات یك دسته لباس تمام فرم داده می‌شود و پس از آن‌که استعمال شده یك دست دیگر می‌دهند، پس‌از تصدیق صاحب‌منصبان‌انگلیسی بعداز استعمال و پاره شدن، یك دست لباس نو داده شود.

شرایط خدمت

نفرات به‌طور داوطلب جهت مدت یك‌سال استخدام و در صورت میل ممکن است خدمت خود را مداومت دهند. حقوق تقاعدی یا انعام داده نمی‌شود، ولی هرآینه یك نفر کشته یا زخمی شود به‌بازماندگان یا به‌شخص او مطابق نظریات قونسول محل، پس‌از مطالعه در وضعیات و اهمیت موقع و شایستگی خدمات انعامی داده می‌شود. اغلب اوقات رؤسای محلی به‌سمت صاحب منصبی یا اتباع خود داخل خدمت شده و یك دسته معینی را تشکیل می‌دهند. صاحب‌منصبان انگلیسی به‌طور داوطلبانه از قشون هند انتخاب شده‌اند. صاحب منصبان ایرانی از روسای محلی یا از بین صاحب منصبان جزء انتخاب شده‌اند.

یك عده در «هزاره» که سابقاً در قشون هندی خدمت نموده، در قسمت های فوق استخدام شده‌اند.

تشکیلات و قسمت‌هـای مذکـوره کلیتاً مطابـق تشکیلات و اسلوب هندی، اسامی و مناصب نیز به‌هندی گفته می‌شود. صاحب‌منصبان ایرانی سیصد الی ششصد قران در ماه دریافت می‌دارند، ولی در سوار نظام و شتر سوار حقوقات بیشتر از پیاده می‌باشد. صاحب منصبان جزء صد الی دویست قران در ماه دریافت می‌دارند. حقوق نفرات پیاده ماهیانه کلیتاً هشتاد قران و سوار صد قران، درصورتی‌که اسب یا شتر شخصی دارا باشند. جدیدها ماهی شصت قران دریافت می‌دارند. صاحب منصبان و نفراتی‌که مشاغل خصوصی را عهده‌دار هستند اضافه بر حقوق مفصلهٔ فوق وجهی به‌طور فوق‌العاده به‌آنها داده می‌شود. صاحب‌منصبان انگلیسی حقوق درجات هندی خود را و فوق‌العادهٔ‌مربوطه یا شغلی که اشغال نموده‌اند دریافت می‌کنند به‌اضافه جیرهٔ ایرانی کرایه‌خانه، سوخت، روشنائی و اسب به‌آنها داده می‌شود. کلیه نفرات ایرانی روزی یك قران جیرهٔ نقدی و یك سیر هندی، معادل سیزده سیر ایرانی، گندم دریافت می‌کنند. بقیه اغذیه خود را

شخصاً تهیه می‌نمایند، مگر در نقاطی که دکان یافت نشود، دراین‌صورت مجاز هستند که در انبار مرکزی اشیاء لازمه را ابتیاع نمایند. در موقع ماموریت خارج و انجام خدمات، تواماً با عدهٔ قشونی کلیهٔ جیرهٔ آنها جنسی پرداخت می‌شود. این جیره مطابق با جیرهٔ جنسی نفرات هندی و شامل گوشت، روغن، سبزی آلات و ادویه‌جات می‌باشد. نفرات اغلب در اماکنی که مخصوصاً جهت آنها توسط دولت هند بنا شده زیست‌می‌نمایند و در بعضی از نقاط کاروانسرا از طرف دولت هند جهت عده کرایه شده است.

مخارج

مخارج تخمینی سالیانه قسمت‌های فوق مطابق نرخ معمولی روپیه به‌مبالغ مفصلهٔ ذیل بالغ می‌شود:

قسمت سیستان	۴۴۰۰۰۰۰ قران	درسال
خراسان	۱۳۰۰۰۰۰ قران	درسال
جمع	۵۷۰۰۰۰۰ قران	

۶

ژاندارمری

کلیات

ژاندارمری فعلی آثاریست از ژاندارمری قدیم سوئدی کـه در زمان جنگ به‌واسطهٔ فرار عدهٔ کثیری از صاحب منصبان و نفرات به‌طرف آلمانیها و ترکها از هم پاشیده شده بود.

قوای فعلی ژاندارمری مرکب از سه صاحب‌منصب سوئدی ۲۴۲ صاحب‌منصب ایرانی ۸۱۵۸ نفر ژاندارم و ۲۳۴۰ اسب می‌باشد، ولی عده پیش‌بینی شده باید معادل ۱۱۳۴۲ نفر و ۴۵۱۱ اسب باشد.

تشکیلات

ژاندارمری مرکب از یك مرکز ارکان حرب در طهران و یك‌عده رژیمان و باطالیانهای مستقل می‌باشد. رژیمان اول در طهران دارای چهار باطالیان و به‌حفظ امنیت راهها اشتغال دارند. رژیمان دوم در طهران دارای دو باطالیان، سه اسکادان و یك دسته توپخانه می‌باشد و تشکیل دستهٔ سیار می‌دهد. باطالیان مستقل نمرهٔ سه در طهران خدمات مستحفظی در شهر را عهده‌دار می‌باشد. رژیمان نمرهٔ چهار دارای سه باطالیان یکی در قم و دیگری در سلطان‌آباد و آخری در دولت‌آباد می‌باشد، دارای دو توپ کوهستانی و مامور حفظ طرق و مشاغل پلیسی در شهرها می‌باشند. باطالیان مستقل نمرهٔ پنج در قزوین. رژیمان نمرهٔ شش دارای دو باطالیان در اصفهان و یك باطالیان

در کاشان است. از هفت الی یازده، کلیهٔ باطالیانها مستقل و مراکز هریك از آنها در کرمانشاه، مازندران، مشهد، سمنان و صحنه می‌باشد. باطالیان نمرهٔ هشت با اکراد طرف مقابله و مجادله واقع شده، ولی بقیه کلیتاً مامور حفظ راهها و پلیسی شهرها می‌باشد.

تجهیزات

اسلحه عده از سیستم‌های مختلف تشکیل یافته. رژیمان نمرهٔ یك و نمرهٔ دو و باطالیان مستقل نمرهٔ سه با تفنگ‌های سیستم ۳۰۳ قاپوت‌پر انگلیسی مسلح شده‌اند. باطالیان نمرهٔ نه تفنگهای انگلیسی بدون قاپوت پر و باطالیان مستقل نمرهٔ یازده دارای یك عده تفنگ انگلیسی سیستم ۳۰۳ می‌باشند. بقیه قسمت‌ها دارای تفنگ سیستم مختلف می‌باشند. فقط‌قسمتی که تفنگهایش نسبتاً متحدالشکل می‌باشد رژیمان نمرهٔ شش است که دارای ۷۰۰ قبضه تفنگ از نوع ماوزر۱۲۷ عثمانی است. کلیه این قسمت‌ها دارای نه‌توپ پانزده مترالیوز که هر دو از سیستم های مختلف می‌باشند. مقدار فشنگ جهت هر تفنگ به‌طور تحقیقی معین نیست، ولی جهت هر تفنگ ۵۶ فشنگ در مراکز نگاهداشته می‌شود و به‌هر نفر معمولا ده فشنگ می‌دهند. درسربازخانهٔ باغ شاه ۱۵۰۰۰۰ فشنگ در ذخیره موجود است. جهت هرتوپ ۲۵ تیر موجود است.

مبلغ بیست تومان در سال جهت کلیه لباس هر نفر در بودجه معین شده است. البسه و لوازمات هریك از قسمت‌ها در رژیمان های مربوطه تهیه شده است.

شرایط خدمت

استخدام نفرات معمولا داوطلبی است، ولی جهت ازدیاد قوا چند فوج بنیچه به‌ژاندارمری داده شده. مدت استخدام معمولا سه سال می‌باشد، ولی نفرات مجازند که خدمات خود را تا سی سال ادامه دهند. حقوق تقاعدی یا انعام به‌هیچوجه به‌نفرات یا خانوادهٔ آنها پرداخته نمی‌شود. صاحب‌منصبان یا از مدرسهٔ صاحب‌منصبان یا از صف انتخاب می‌شوند.

مدرسهٔ صاحب‌منصبان در باغ شاه دایر، محل جهت چهل نفر شاگرد دارد. دخول نفرات به‌موجب امتحان صورت می‌یابد. ضمناً در موقع دخول، نفرات از نقطه‌نظر صحت مزاج امتحان طبی می‌شوند. دورهٔ مدرسه نه ماه است. امتحان آخر سال لیاقت هریك را تعیین و برتری هریك از صاحب منصبان را معین می‌نمایند. امتحان دیگری جهت صاحب‌منصبان در کار نیست و حقوق تقاعدی یا انعام داده نمی‌شود. یك عده از صاحب‌منصبان در جزء صف ترفیع می‌یابند. نفرات لایق آسپیران شده و پس از دادن امتحان لیاقت به‌درجهٔ صاحب‌منصبی ارتقاء می‌یابند.

۱۲۷ــ Mauser نوعی تفنگ منسوب‌به پل‌فن‌موزر Paul Von Mauser (۱۸۳۸ــ۱۹۱۴) آلمانی.

مقدار حقوق سالیانه مطابق شرح مفصلهٔ ذیل است

صاحب منصبان سوئدی فرمانده	۳۰۰۰	قران
سایر صاحب منصبان سوئدی	۱۵۰۰	»
نایب سرهنگ	۱۵۰۰	»
یاور	۱۲۰۰	»
سلطان دوم	۹۰۰	»
سلطان اول	۶۵۰	»
نایب اول	۵۰۰	»
نایب دوم	۴۰۰	»
آسپیران اول	۳۲۰	»
آسپیران دوم	۲۵۰	»
آسپیران سوم	۲۲۰	»
وکیل اول	۱۲۰	»
وکیل دوم	۱۰۰	»
وکیل سوم	۸۰	»
سرجوقه	۶۰	»
تابین اول	۶۰	»
تابین دوم	۵۰	»
تابین سوم	۳۵	»

صاحب منصبان سوئدی اضافه برحقوق معینهٔ فوق کرایه منزل، مستخدم، سوخت و روشنائی و اسب دریافت می‌دارند. کلیه نفرات دیگر روزی شانزده سیر گندم و یك قران نقد از بابت جیره دریافت می‌دارند. در خدمات خارج و مجزا وجوهات فوق نقداً پرداخته می‌شود، ولی در مراکز کلیهٔ وجوهات به‌شعبهٔ مخصوص داده می‌شود. غذای حاضر به‌نفرات می‌دهند، این شعبات در هریك از مراکز تاسیس آشپزخانه و نانواخانه می‌نمایند.

چندان مشق‌کرده نیستند. مشق تیراندازی مرتب‌نیست. با تشکیلات‌فعلی ژاندارمری لیاقت قابل ملاحظه را دارا و ممکن است یکی از مقتدرترین قوا محسوب شود، چون ژاندارمری تنها قوهٔ مملکتی است‌که دقیقاً نه توسط دولت ایران نگاهداری می‌شود. به‌توسط حکام محلی اداره می‌شود. عده و مخارج این قوا را نمی‌توان به‌طور یقین تعیین تشکیلاتی است که جهت پلیس راه لازم می‌باشد.

مخارج

مخارج‌سالیانهٔ ادارهٔ ژاندارمری با قوای فعلی به‌مبلغ ۳۰۴۰۰۰۰۰قران بالغ‌می‌شود.

۷

امنیه و قوای مشابه

کلیات

در اکثر از ایالات و ولایات ادارات امنیه جهت مستحفظی راهها تاسیس شده و به‌توسط حکام محلی اداره می‌شود. عده و مخارج این قوا را نمی‌توان بطور یقین تعیین کرد، ولی ممکن است به‌مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ قران در سال بالغ شود. مقدار حقوق هریك از قسمت‌های مختلف است. در بعضی از نقاط خود آنها امنیت راههایی راکه باید حفظ نمایند تهدید می‌کنند.

۸

قوای پلیس منظم

تشکیلات پلیس

تشکیلات پلیس فقط در شهرهای طهران، قزوین، رشت و مشهد دایر است. خدمات مرجوعه به‌آنها خدمات معمولی منظم شهر است، ولی حتی در این شهرها نیز کلیهٔ خدمات را پلیس انجام نمی‌دهند. مثلا خانه‌هائی که گارد مخصوص لازم دارد، یك‌عده از قشون مستحفظی می‌نمایند و بدین جهت عدهٔ زیادی قشون جهت این خدمت بکار برده شده.

جمع کل قوا به‌شش نفر صاحب منصب سوئدی و ۲۲۵۰ نفر صاحب منصب ونفرات، بالغ می‌شود.

تشکیلات

ادارهٔ پلیس، مرکب از مرکز و پلیس، تحت اوامر یك نفر رئیس تشکیلات سوئدی و پلیس طهران با ۱۳۱۰ نفر، رشت ۳۷۰ نفر، قزوین ۲۰۰ نفر و مشهد ۳۷۰ نفر می‌باشد.

تجهیزات

هریك از پلیس‌ها به‌تفنگ روسی مسلح شده. صاحب منصبان و صاحب منصبان جزء دارای شمشیر و ششلولهای مسلسل می‌باشند. به‌عده دیگر از پلیس ها باتون داده شده. فشنگ و قورخانه به‌اندازهٔ مکفی به‌نفرات داده شده. به‌هریك از نفرات پلیس سالیانه دو دست لباس داده می‌شود. مبلغ تخمینی سالیانه بابت قیمت لباس پلیس از طرف دولت پرداخته می‌شود مبلغ پانزده تومان است.

شرایط خدمت

نفرات داوطلب استخدام می‌شوند. اولین مرتبه جهت سه سال، با اجازهٔ امتداد خدمت تا سن پنجاه سال. جدیدها باید شرایط مفصلهٔ ذیل را دارا باشند:

تبعه ایران ــ مسلمان ــ سن اقلا بیست سال و قد آنها ۱٫۶۵ متر باشند ــ صحت مزاج داشته باشند ــ فارسی خواندن و نوشتن را بدانند ــ تصدیق خوش اخلاقی را از یك شخص معروف در دست داشته باشند و ضمناً قسم یاد نمایند که به‌دولت و مملکت خیانت ننمایند.

حقوق پلیس از قرار مفصلهٔ ذیل است

رئیس تشکیلات سوئدی	۶۶۶۶
دو معلم سوئدی	۳۳۳۳
سه صاحب منصب معلم سوئدی	۱۷۷۷
سلطان	۸۰۰
نایب اول	۵۰۰
نایب دوم	۴۰۰
آسپیران	۲۵۰
نفرات	۱۵۰

به‌صاحب منصبان سوئدی کرایه‌خانه، سوخت و روشنائی داده می‌شود. حقوق صاحب منصبان ایرانی تمام مخارج را شامل و جیره به‌آنها داده نمی‌شود.

مخارج

مخارج سالیانه کل قوای پلیس به‌مبلغ ۱۰۳۰۰۰۰۰۰ قران بالغ می‌شود. جهت حفظ امنیت ارگ سلطنتی یك عدهٔ پانصد نفری گارد تشکیل یافته که توسط وزارت جنگ اداره می‌شود و مخارج سالیانهٔ آنها به‌مبلغ ۷۲۵۰۰۰ قران بالغ می‌شود.

۹

پلیس ایالات و ولایات

پلیس شهرها اضافه بر محلهای فوق توسط حکام محلی اداره می‌شوند و عده و مخارج سالیانه آنها مطابق شرح مفصلهٔ ذیل است:

محل	عده	مخارج سالیانه
فارس	۱۱۰	۱۵۱۹۶۰
کرمان	۱۱۰	۱۵۱۹۶۰
اصفهان	۱۴۰	۳۴۳۷۶۰

مازندران	۱۱۵	۱۱۰۹۴۵
بوشهر	۱۱۵	۱۱۱۰۸۵
علیق تخمیناً جهت کلیهٔ عده		۵۶۵۷۵
جمع	۵۸۵	۹۲۶۲۷۵

پلیس ایالات و ولایات معروفیت بدی را از حیث اخلاق دارا هستند.

پیوست شماره هفده

وضعیات مالی نظامی قشون فعلی ایران

مخارج قوای مسلح فعلی

مخارج سالیانه قوای مسلح ایران مطابق بودجه‌های اخیر تخمیناً به‌مبلغ مفصلهٔ ذیل بالغ می‌شود.

مبالغ به‌قران می‌باشد

مرکز	قران	جیره	جمع
وزارت جنگ	۱۲۵۲۹۰۰	۱۸۱۲۶	۱۲۷۱۰۲۶
موزیك مرکزی	۲۱۴۹۴۴	۱۵۴۷۱۰	۲۶۹۶۵۴
گارد همایونی	۵۴۹۰۰۸	۱۱۹۵۴۷	۶۶۸۵۵۵
مدارس نظامی	۲۳۶۹۷۰	۵۱۱۳۵	۲۸۸۱۰۵
ذخیره	۱۸۸۰۷۰	—	۱۸۸۰۷۰
مریضخانهٔ مرکزی	۱۴۴۱۵۷	—	۱۴۴۱۵۷
جمع	۲۵۸۶۰۴۹	۲۴۳۵۱۸	۲۸۳۹۵۶۷

	قران	جیره	جمع
بریگاد مرکزی	۴۳۲۷۰۰۰	—	۴۳۲۷۰۰۰
نظام ولایات	۹۰۰۰۰۰۰	—	۹۰۰۰۰۰۰
دیویزیون قزان	۱۹۱۵۱۰۰۰	۲۹۷۱۰۰۰۰	۲۲۱۲۲۰۰۰
قشون جنوب	۳۵۰۰۰۰۰۰		۳۵۰۰۰۰۰۰
داوطلبان خراسان و سیستان	۵۷۰۰۰۰۰		۵۷۰۰۰۰۰
ژاندارمری	۳۰۴۰۰۰۰۰		۳۰۴۰۰۰۰۰
امنیه	۱۰۰۰۰۰۰		۱۰۰۰۰۰۰
جمع کل	۱۰۷۱۶۴۰۴۹	۳۲۱۴۵۱۸	۱۱۰۳۷۸۵۶۷

درصورت مفصلهٔ [فوق] مخارج قشون جنوب و داوطلبان شرقی سیستان وخراسان توسط دولت هندوستان پرداخت می‌شود و دولت انگلستان دوازده میلیون قران جهت مخارج نگاهداری قزاقخانه می‌پردازد و دولت ایران مخارج بقیه را متحمل می‌شود.
اضافه برمخارج‌قشون، مخارج پلیس سالیانه به‌مبلغ ۱۵۹۲۵۲۷۵ قران بالغ‌می‌شود.

عایدات

از قرار معلوم هیچ صورتی از مخارج عایدات از سنهٔ ۱۹۱۴ تابحال [۱۹۲۱] تهیه و چاپ نشده است، ولی معهذا تصور می‌رود که عایدات سنهٔ ۱۹۱۴ کمتر از ۱۴۸ میلیون قران نبوده است، درصورتی‌که مخارج قشونی و پلیس در آن سنه تخمیناً به‌مبلغ ۵۵ ملیون قران بالغ شده است. تصور می‌رود که دولت ایران پس‌از اداره شدن مالیه به‌طور دقیقانه ۱۵۰ میلیون عایدات پیدا کند. جهت مخارج ادارات کشوری به‌استثنای پلیس مبلغ ۱۲۵ ملیون قران لازم خواهد بود. بدین‌ترتیب فقط پانزده میلیون قران جهت مخارج نظامی باقی خواهد بود و این مبلغ به‌هیچوجه کفایت کوچکترین تشکیلات قشونی جدید ایران را نخواهد نمود.

پیوست شماره هیجده

حکم نظامی

اجرای مواد ذیل را امر می‌دهم و باید فوراً به‌موقع اجراگذارده شود

۱ــ در تعقیب عقاید و نظریات سابقه خود از این تاریخ کلمهٔ ژاندارم و قزاق مطلقاً ملغی و متروك خواهد بود و برای افراد نظام دولت علیهٔ ایران بلااستثناء عنوان «قشون» را انتخاب و تصویب نموده، امر می‌دهم‌که عنوان مزبور را به‌رسمیت شناخته مارك نوشتجات و مراسلات دوایر قشونی را به‌عنوان فوق تبدیل نمایند.
۲ــ چون تشکیل ارکان حرب کل قشون در درجهٔ اول از اهمیت است، لهذا به‌شاهزاده امان‌الله میرزا سرتیپ فرماندهٔ توپخانهٔ که مراتب لیاقت خود را در انجام وظایف مرجوعه کاملا ابراز داشته اجازه می‌دهم‌که فوراً ارکان حرب کل قشون را از عناصر لایقی‌که قابل فیصلهٔ امور باشند تشکیل داده و به‌من معرفی نمایند.
۳ــ ریاست ارکان حرب کل کشور با شاهزاده امان‌الله میرزا و معاونت آن با سرهنگ حبیب‌الله‌خان شیبانی خواهد بود.
۴ــ نظر به‌این‌که روؤس مطالب قشونی با حضور صاحب منصبان متفق باید مورد مطالعه و مشاوره واقع گردد به‌سردار مقتدر حکم می‌کنم که صاحب‌منصبان ذیل را:
مدبت‌الممالك سردار ــ شاهزاده محمد حسین میرزا ــ سرهنگ حصن‌الدوله ــ

حاجی میرزا محمدخان ــ نایب سرهنگ میرزا علی‌خان ریاضی ــ معاون نظام ــ سرهنگ سالار نظام ــ شاهزاده ناصرالدوله ــ سرهنگ علی‌خان ــ محمد طاهرخان میرپنجه در تحت ریاست خود به‌رسمیت شناخته و وظایف راجعه به‌این امر را مجموعاً ایفاء نمایند (به‌نام هیئت شورای قشون).

۵ــ تبدیل اسامی و لغات ذیل را به‌موجب این حکم متحدالمال به‌تمام دوایر قشونی امر می‌دهم و باید فوراً مورد تلفظ و اطلاق قرار دهند.

اسم عمومی	قشون
اسم سرباز	نظامی
بجای دیویزیون	لشکر
بجای بریگاد	تیپ
بجای رژیمان	فوج
بجای باطالیون	گردان
بجای باطری	آتش‌بار
بجای اسکادران	بهادران
بجای مترالیوز	مسلسل

۶ــ در این موقع که حفظ تمرکز قشون امر داده شده، برای حفظ انتظامات قطعی داخلهٔ نواحی، ایران را به‌پنج ناحیه تقسیم و به‌جهت هرناحیه یك لشکر (که سابقاً دیویزیون نامیده می‌شد) تخصیص می‌دهم که مراکز آنها عبارت از طهران، تبریز، مشهد، اصفهان و همدان خواهد بود. چون برای هریك از این مراکز نیز ارکان حرب جداگانه را امر به‌تشکیل داده‌ام، لهذا شعبات جزو نواحی تمام مطالب خود را باید به‌ارکان حرب ناحیهٔ خود اظهار و در مقام کسب تکلیف برآیند. مجموعهٔ ارکان حربهای جزو نیز با ارکان حرب کل قشون طرف رجوع و مراجعه خواهند بود.

۷ــ ارکان‌حرب‌کل قشون باید فوراً وارد تشکیل ارکان‌حربهای مراکزقشونی شده.

۸ــ مدلول اوامر فوق از امروز بلافاصله مجری خواهد بود.

وزیر جنگ ــ رضا

۸ نوامبر ۱۹۲۱

پایان

فهرست اعلام

فهرستها

اشخاص و اماکن

آ

آذربایجان ۹۵
آستان قدس ۳۶، ۴۶، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۷۱، ۷۵، ۹۱، ۹۸، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۸
آشتیانی، میرزا حسن ۵۸
آقازاده، میرزا محمد شیرازی ۳۶، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۶۸، ۷۱، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶
آلمان ۳۹، ۴۲، ۸۵
آمریکا ۵۱، ۸۶
آنتی‌یوف ۵۱
آیت‌الله زاده ــ نگاه کنید به: آقازاده

الف

ابراهیم آقا، نایب ۱۲۷
ابراهیم خان بلوچ ۸۰، ۱۰۹
ابوالقاسم، حاج ۶۵، ۱۱۹
احسان‌الله خان ۶۹
احمد، آقا ۱۲۷
احمد، آقاشیخ ۳۶، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷
احمد، حاج ۶۵، ۱۱۲
احمدآباد ۴۱
احمدخان، سلطان ۵۲
احمدخان، میرزا ۳۹، ۴۵، ۵۴
احمدشاه، نگاه کنید به: شاه
احمد قناد، حاجی ۱۱۹
اردبیل ۱۳۴
ارفع‌الممالك ۱۲۴
ارگ (دروازه) ۵۵
ارگ (عمارت) ۷۴
اروپا ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۶
ارومیه ۱۳۴
استرآباد ۱۲۵، ۱۳۴
استرانکن ۱۲۷
استروك، ستوان ۴۵
استور، ماژور ۸۹
اسدالسلطنه، شاهزاده ۱۱۶
اسدالملك ۵۲
اسلامبول ۹۳

اسماعیل خان، سلطان ۹۸
اسماعیل‌خان، سلطان ــ ماژور ــبهادر ۴۶، ۵۲، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵
اشجع‌الملك ۶۷
اصفهان ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۹
اعتلاءالملك، میرزا جواد خان ۵۳، ۱۲۲
اعظم‌السلطان ــ نگاه‌کنید به: دبیراعظم
افشار، حاج‌آقا محمد ۶۵
افشار، خان‌صاحب حاجی محمد ۳۹
افغانستان ۴۳، ۹۶، ۹۹، ۱۰۲
اقتدارالملك ۱۲۶
اقدس‌السلطنه ۷۰، ۷۳
اکسترم، مسیو ۸۶
الکساندروف ۵۵، ۱۱۷
الله و اکبر (گنرگام) ۵۵
الله‌وردی‌خان ۵۰، ۶۹، ۹۱
الیاس ۱۲۷
الیس ۱۲۰، ۱۲۴
الیك ۱۰۳
امان‌الله‌میرزا، شاهزاده ۱۴۸
امجدالتولیه ۶۵
امجدالملك ۷۵، ۹۶، ۹۷
امیراعلم ۱۲۸
امیرامجد ۸۰
امیرخان ۵۱
امیرشوکت‌الملك ۹۶
امیر معتمد ۵۷
امیرنظام، حسنعلی‌خان ۸۲
امین‌التجار، حاج ۸۱
انتخاب‌الملك ۱۱۹
انزلی ۸۶، ۱۲۶
انگلستان ــ نگاه‌کنید به: بریتانیا
انگلیس ــ نگاه کنید به: بریتانیا
اوبلیناس ۱۱۹
ایران ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۷۰، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹

ب

باترز ۴۷، ۵۳، ۱۰۲
بازار ۷۳
باجگیران ۴۳، ۷۰، ۷۲، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۸
باخرز ۹۵
باخرزی (طایفه) ۹۴
باغ شاه ۱۴۳
باقرآباد ۸۱
باکو ۴۵، ۴۷
بالاخیابان ۳۷
بجنورد ۳۷، ۷۰، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۲۳
بدیع‌الملك ۱۱۹
بدیع‌الممالك ۱۱۵
بربری (طایفه) ۳۵، ۶۸، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۹۴، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۲۸
برگر ۱۱۷
برلن ۴۲، ۸۵، ۹۳
بروجرد ۶۹، ۸۴، ۹۳، ۱۳۴
برونیکوفسکی، سرگرد ۴۲، ۵۸، ۶۲،

۶۷، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۸۱، ۹۷، ۹۹،
۱۱۸، ۱۲۵
بریتانیا ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۸،
۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۸، ۶۳، ۶۹،
۷۱، ۷۳، ۸۱، ۸۲، ۹۴، ۹۸،
۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹،
۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۵،
۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰،
۱۴۸
بریسکین ۴۲
بغداد ۸۴
بگ، سباستیان ۸۶
بلورفروش، شیخ قاسم ۶۲
بندرگز ۳۷، ۶۹، ۱۳۴
بوشهر ۱۴۷
بوگدانف ۶۷
بولاتف ۳۹، ۴۴
بهارآباد (باغ) ۴۴
بهاء دفتر ۷۵ ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۱۹
بی‌بیکوف ۴۵
بیراکوف ۴۴
بیرجند ۶۶، ۶۸، ۷۱، ۷۸، ۸۲، ۹۴،
۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۴،
۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۴۰
بین‌النهرین ۵۳

پ

پاولنگو ۱۱۷
پائین خیابانی، شیخ حسن ۸۱، ۹۵
پرایدوکس، فرانسیس بیدل ۴۱
پروتوپوپف ۹۵، ۱۰۱، ۱۱۶
پلافورد، آر. بی. ۴۱
پلتیك، نایب حسن‌خان ۱۲۳

ت

تاج محمدخان، سلطان ۱۰۸، ۱۱۶
تاشکند ۵۷
تبریز ۸۰، ۸۲، ۹۹، ۱۳۴، ۱۴۹
تبریزی، حاج سید حسن ۶۵
تبریزی، حاج‌محمد ابراهیم ۶۵
تپه نادری ۱۰۹
تراکیوف ۴۰
تربت جام ۵۷، ۷۷، ۷۸ ۷۹، ۸۰، ۹۵،
۹۶، ۹۹، ۱۰۱
تربت حیدریه ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۲، ۴۷،
۵۰، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۷، ۹۴، ۹۶،
۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳،
۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۵،
۱۴۰
ترشیز ۴۷، ۵۱، ۵۴، ۶۷، ۷۱، ۱۲۷
ترشیز (طایفه) ۱۰۱
ترکستان ۱۱۰، ۱۱۵
تفلیس ۱۰۵
تقی‌خان ۱۱۴
تقی‌خان امیر، میرزا ۸۲
توپخانه (میدان) ۱۳۸
تورل، ماژور ۸۴
توسیرکان ۸۵
تهران ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴،
۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴،
۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴،
۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱،
۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸،
۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۹۴، ۹۵،
۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴،
۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴،
۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰،
۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶،
۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۲،
۱۴۵، ۱۴۹
تهرانی ــ نگاه کنید به: طهرانی

تهرانی، حاج عبدالحسین ۳۶، ۵۵، ۱۰۳
تهرانی، سید مصطفی ۱۱۴
تهرانی، میرزا عبدالله ــ صدرالواعظین ۵۸
تیموری (طایفه) ۳۵، ۷۸، ۸۰، ۱۰۱
تیموری، براتعلی ۱۱۳، ۱۱۴
تیموری، سردار نصرت ۶۵

ج

جاجرمی، حاج حسین ۵۱
جاجرمی، یارمحمد ــ وکیل ۱۰۰
جعفرآباد ۱۰۸، ۱۰۹
جعفر خان ۸۰
جعفرخان، سلطان ــ ماژور ۹۷، ۹۸، ۱۱۶، ۱۲۱
جعفرزاده ۱۱۹
جلال‌السلطنه ۵۳
جلال‌الممالك (ایرج میرزا) نگاه‌کنید به: معاون پیشکاری
جلال نظام ۴۵ ۵۷
جناب اشرف ــ نگاه کنید به: والی
جوادخان، میرزا ۶۲، ۱۱۹
جواهری، مشهدی حسین ۱۱۹

چ

چلسترم، مادام ۸۶
چناران (ده) ۴۷، ۱۰۹

ح

حاجی رضاخان، یاور ۵۳
حاذق‌الدوله، دکتر ۴۶
حبیب‌الله کرد ۸۳
حریری، ماشاالله ۶۵
حسام‌الدوله ۹۵
حسن، حاجی ۵۳، ۱۱۹
حسن، سید ۵۵
حسن‌خان، دکتر ۴۵
حسن‌خان، سلطان ۷۱
حسن خان، میرزا ۱۱۹
حسن مجتهد، شیخ ۶۵
حسنعلی میرزا، شاهزاده ۳۶
حسین، شیخ ۱۱۹
حسین‌آقا، امیرپنجه ــ میرپنج ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷
حسین‌آقا، حاج ۳۹، ۴۷، ۵۲، ۵۴، ۶۲، ۶۵، ۶۹، ۷۵، ۷۹، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۳
حسین‌خان، میرزا ۵۱
حسینعلی میرزا ۵۱
حسینقلی، مشهدی ۹۹
حسینقلی سرتیپ (تلگرافچی) ۵۵، ۵۷
حسین‌میرزا، آقا ۴۰
حسینی، جوادالحسنی ــ نگاه کنید به: متولی باشی
حصن الدوله، سرهنگ ۱۴۸
حضرت علی ۹۱
حضرت قلی ۷۱
حکاك ۵۴، ۵۵
حکیموف، خانم = اناستازیا نیکولایف ۱۲۵
حکیموف، کریم‌آقا ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸
حلب ۸۵
حمزه‌خان، ژنرال ۷۹، ۹۲، ۹۴، ۹۸
حیدر، سردار ۹۹، ۱۰۱
حیدر، سید ۷۸، ۸۱، ۹۴، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۴
حیدر شاه ۷۵، ۷۶، ۸۰
حیدر مجتهد، شیخ ۶۵

خ

خادم‌باشی ۶۵
خاشچاف ۱۵۱، ۱۱۷
خاکستر ۹۹
خبیرخاقان ۴۱
خداوردی‌خان ۵۰، ۵۹، ۶۹، ۹۱
خدری ۱۵۳
خرازی، سید حسن ۷۵
خرازی، میر حسین ۶۵، ۱۱۹
خراسان ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۸
خزر (دریا) ۱۲۵
خلیل‌خان، میرزا ۵۱
خواف ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۷۷، ۱۰۳، ۱۲۷، ۱۴۰
خوی ۳۶
خوئی، امام جمعه ۷۷، ۷۹
خوئی، حاج محمود ۶۵

د

داتا، پی. سی. ۴۱
دارالایاله ۶۲، ۶۳، ۹۹، ۱۱۴
دارالتولیه ۷۳، ۷۴، ۷۵
دارالضیافه ۷۵
دارودی ۴۲
دانش، آقا احمد ۴۲، ۴۵، ۵۵
دانش، آقامحمد ۶۲
دبوا، لئون ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۵۱، ۵۴، ۶۱، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۳، ۹۵، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۶
دبیر اعظم ۶۷
دربندی ۵۵
درگز ۵۲، ۵۷، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳
درویش علی میرزا، شاهزاده ۷۵
دزدآب ۴۶، ۴۷، ۶۹، ۱۲۲، ۱۲۵
دستمالچی، حاج محمد ۶۵
دوبوا ــ نگاه کنید به: دبوا
دوکرکر ۱۲۴، ۱۲۵
دولت‌آباد ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۴۲
دهقان ۱۱۹
دیاله ۸۵
دین محمد ۹۱

ر

رادکان ۶۷
راستونویچ ۳۹
رای ۵۲، ۵۳، ۵۴
رجبعلی، حاجی ۵۳
رحیم‌زادهٔ طاهباز ۱۲۷
رشت ۴۹، ۱۳۷، ۱۴۵
رضا، امام ۹۶، ۱۲۴
رضاخان (وزیر جنگ) ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۸، ۷۳، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۴۹
خان، یاور
رضاخان، ماژور ــ نگاه کنید به: رضا

رضاخان، میرزا سید ۵۳
رضاخان، یاور — ماژور — کلنل ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۷۵، ۱۱۹، ۱۲۳
رضاقلی‌خان بختیاری ۱۲۵، ۱۲۶
رضایوف، حاج محمدعلی ۶۵
رفعت‌التولیه ۱۱۹، ۱۲۸
رکن‌اعظم ۱۵۱، ۱۱۷
روتشتین، تئودور ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۹
روس — نگاه کنید به: روسیه
روسیه ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۵، ۶۸، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸
ریاضی، سرهنگ میرزا علی‌خان ۱۴۹
رئیس‌التجار ۱۲۰
رئیس‌الذاکرین ۶۵
رئیس‌الوزرا — نگاه کنید به: طباطبائی، سید ضیاءالدین
رئیس‌الوزرا — نگاه کنید به: قوام‌السلطنه

ز

زبردست‌خان ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۶۸، ۷۱، ۷۵، ۱۲۲
زعفرانلو (طایفه) ۱۰۹
زنجان ۹۳
زوارزاده، اسدآقا ۶۹، ۷۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۲۷

س

سالاراشجع ۷۷، ۱۵۳
سالار امجد ۴۳، ۱۲۱
سالار حشمت ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶
سالارخان بلوچ ۵۸، ۷۸، ۸۰، ۹۶، ۹۹، ۱۰۳، ۱۱۴
سالار خبیر ۱۱۷، ۱۲۲
سالار مظفر ۴۱، ۴۶، ۵۸، ۶۱، ۷۵، ۱۱۷
سالار معتمد ۱۱۷
سالار ممتاز ۴۴، ۴۵، ۵۱، ۵۷
سالار مؤید ۵۴
سالار نصرت ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۱۵۲
سالار نظام، سرهنگ ۱۴۹
سالمون، اف. دابلیو. ۱۱۷، ۱۲۵
سایکس، سرپرسی ۴۰
سبزوار ۵۱، ۵۳، ۶۳، ۶۵، ۷۱، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۳
سبزواری، حاج غلامرضا ۶۵، ۱۲۷
سبزواری، عبدالقادر ۳۶، ۳۷، ۳۹
سبزواری، غلامرضا ۹۸، ۱۰۳
سراب (قبرستان) ۱۲۶
سرابی، سید — میرزا مصطفی ۳۶، ۷۹، ۹۵، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۷
سراج‌الملک ۷۰
سرخس ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۷، ۶۷، ۷۰، ۷۲، ۷۸
سردار انتصار ۱۲۲
سردار سپه — نگاه کنید به: رضاخان
سردار سعید — نگاه کنید به: فتح‌السلطان
سردار معزز بجنوردی ۷۰، ۷۷، ۸۰، ۹۶، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵
سردار مقتدر ۱۴۸
سردار ممتاز ۴۱

سردار منتصر ۱۲۳
سردار نصرت ۱۵۱
سردار وزین، آقاداود ۹۶
سرکشیك ۶۵
سعدالملك ۱۲۵
سکرورتسف ۱۱۷
سلامی ۴۳، ۵۲
سلطان آباد ۱۴۲
سلماسی، حاجی یوسف ۶۵
سلیمان‌میرزا ۷۵
سمنان ۱۴۳
سنگان بالا (قلعه) ۹۶
سنگ‌بست ۸۱
سواحلی، میرزا ۸۱
سوران ۴۰
سوئد ۸۶
سویس ۸۶
سیاه حصار ۱۵۳
سید الله باندا، خان‌بهادر ۱۵۸
سیستان ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۱۰۰ ۱۵۱، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۸
سینکی، میرزاجواد ۴۱، ۵۳، ۵۸، ۶۶، ۶۷
سیوبرگ ۵۰

ش

شاه‌احمدشاه ۴۳، ۵۳، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۹، ۹۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۷
شاهرخ‌میرزا ــ نگاه‌کنید به: نیرهمایون
شاهرود ۷۵، ۹۸
شجاع‌التولیه ۶۵، ۹۸
شجاع‌الدوله ۷۷
شجاع‌السلطان، شاهزاده ۴۰، ۴۱، ۱۱۷
شجاع‌الملك ۳۸، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۴
شجاع نظام، ماژور پرویزخان ۷۰، ۷۱، ۹۶
شریعتمدار، حاج سید حسن ۶۹
شریف‌آباد ۷۹
شمس‌العلما ۷۴
شوروی ــ نگاه‌کنید به: روسیه
شوستر، مستر ۸۳
شوکت‌الدوله ۴۷، ۵۰، ۶۵، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۹۵
شوکت‌الملك ۷۵، ۸۲، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۵۳، ۱۱۱، ۱۱۶
شوکت‌الممالك ۷۰
شهاب‌الدوله ۹۳
شهرنو ۶۲، ۱۱۰، ۱۲۳
شیبانی، سرهنگ حبیب‌الله‌خان ۱۴۸
شیراز ۶۲، ۹۳، ۱۳۰، ۱۳۱
شیرالله خان ۱۲۱
شیروان ۳۷، ۷۰، ۷۲، ۱۰۴، ۱۰۹
شیروانی ــ نگاه کنید به: فرج‌الله‌خان

ص

صارم‌الدوله ۶۶
صارم‌الملك ــ نگاه‌کنید به: محمودخان، میرزا
صحنه ۱۴۳
صدرالادبا ۷۵، ۹۷، ۱۱۹، ۱۲۴
صدرالواعظین ــ نگاه کنید به: تهرانی، میرزا عبدالله
صدیق‌اف، مرسل ۵۲، ۵۵، ۷۱، ۹۱
صدیق دفتر ۶۵

صفاکلا ۵۵
صفدربیگ ۱۱۹
صمصام‌السلطنه ۶۵، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۹۵

ض

ضیاءالحضور ۷۲
ضیغم‌الملك ــ نگاه کنید به: فرج‌الله‌خان

ط

طاهباز، حاجی رحیم ۱۱۱، ۱۱۹
طاهباز، علی‌اکبرخان ۱۱۱، ۱۱۹
طباطبائی، افتخارالاسلام ۶۵
طباطبائی، سیدضیاءالدین ۴۹، ۵۳، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۸۸، ۱۲۷
طباطبائی، سید محمد ۵۲
طباطبائی، مرتضی‌قلی ۶۵
طرق ۷۸، ۱۱۲، ۱۱۳
طهران ــ نگاه کنید به: تهران
طهرانی، حاج‌اسداله ۶۵

ظ

ظهیرالاسلام، محمدجواد ــ نگاه کنید به: متولی‌باشی

ع

عارف، ابوالقاسم ۹۴
عباس آباد ۹۷
عباس علی‌خان ۸۱
عبدالباقی میرزا ۵۱
عبدالحسین ۵۲
عبدالحسین، حاج ۸۱
عبدالرسول، نایب ۱۵۵
عبدالرضاخان ۱۲۱
عبدالعزیز ۶۵
عبدالقادر ۵۷
عبدالله، مشهدی ۱۱۹
عبدالله خان، ماژور ۴۱، ۴۲، ۵۱
عبدالله خان، میرزا ۹۹
عبدالله خان بربری، نایب ۱۱۳، ۱۲۱
عبدالله واعظ، سید ۵۲
عبدالله واعظ، میرزا ۶۶
عتیقه‌چی، حاجی علی ۶۵
عجب‌خان ۴۱
عدل‌الدوله ۶۷
عدل‌السلطنه ۱۱۹
عدل‌الملك ۵۷
عزالممالك، حاجی ۸۰
عزیزالله خان، سلطان سید ۱۱۰، ۱۱۱
عزیزالله خان، کلنل ۸۰
عسگراف ۶۵
عشق‌آباد ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۸، ۶۶، ۶۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۹۵، ۹۶، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۲۶
علاف، حاج‌سیداسدالله ۶۵
علامه طباطبائی، سیدابوالقاسم ۷۱
علم‌الدوله ۴۵، ۷۵، ۸۱، ۹۷، ۹۸، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹
علی، میرزا ۱۵۴
علی اصغر، نایب ۴۵
علی‌اصغر خان، سلطان ۹۷
علی اصغرخان، میرزا ۱۲۱، ۱۲۷
علی‌اکبر، میرزا ۷۵
علی‌اکبرخان، میرزا ۱۱۹
علی‌اکبر خباز، حاج ۶۵
علی تاجر، حاج ۶۵
علی ترك، حاج ۱۱۹
علی‌خان، سید ۱۰۹، ۱۱۹
علی‌خان، کلنل ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۹

علی‌رضا خان ۱۱۹
علی‌رضاخان، ماژور ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۱
عمادالتولیه ۴۶
عمادالسلطنه ۳۶، ۶۹، ۷۴
عمادالملك ۴۷، ۵۴، ۹۹، ۱۵۱
عمادالممالك ۶۷، ۱۲۷
عمواغلی، علی‌خان ۶۵
عمیدالسلطنه ۱۲۸

غ

غرائی، محمدقاسم‌خان ۹۹
غلامحسین‌خان ۹۶
غلام دواخانه، مشهدی ۹۹، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۷
غلام‌رضااف ۱۱۹
غلام شاه ۱۵۱

ف

فارس ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۶
فاروج ۱۵۹
فاضل مجتهد، شیخ ۴۵، ۶۲
فالکونر، جورج آرتور ۴۱، ۴۴، ۶۹
فتح‌السلطان = سردار سعید ۴۱، ۱۲۲
فتح‌السلطنه ۶۷، ۷۷
فخرالملك ۸۰
فخرالممالك ۵۱
فخری، شیخ ۶۹
فرانسه ۱۲۴
فرانگنشتاین ۹۵
فرج‌الله خان، کلنل ۶۹، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۳
فرشچی، حسینقلی ۶۵
فرمانفرما ۶۶
فرهادخان ۱۵۱
فریدون ۹۴، ۹۶
فوخ ۴۰، ۴۲، ۴۵
فیض‌الله‌خان، حاج ۶۵

ق

قاسم‌خان، میرزا ۴۱، ۴۷، ۶۳، ۶۶، ۱۲۷
قانی‌اف ۱۵۲، ۱۵۳
قائم مقام تولیه، حاج ۳۹، ۴۰، ۴۷، ۵۵، ۶۵، ۷۵، ۸۱، ۹۸
قائنات ۷۲، ۱۵۳، ۱۳۹
قزوین ۴۹، ۸۳، ۸۴، ۹۳، ۱۴۲، ۱۴۵
قریب، محسن‌خان ۱۱۱
قسطنطنیه ۱۵۵
قفقاز ۸۲، ۱۵۵، ۱۱۵
قلعه نو ۹۴، ۹۶
قم ۱۴۲
قمی، حاجی‌میرزا حسین ۳۶
قوام‌الدوله ۶۶
قوام‌السلطنه ــ نگاه کنید به: والی
قوچان ۳۶، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۱، ۶۵، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۹۴، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷
قوچان (دروازه) ۱۵۹
قوچان قدیم ۱۵۹

ک

کابل ۵۳، ۱۲۲
کاریز ۷۸، ۸۰، ۹۶، ۹۹، ۱۵۱، ۱۱۱
کاشان ۱۴۳
کاشانسکی، محمدآقا ۶۵
کاشانی، حاج اسدالله ۱۱۵

کاشف‌الملك، سید ۷۵، ۹۷، ۱۱۴
کاشفی، سید ۹۶
کاکس، سرپرسی ۶۸
کاماروف ۴۴
کامنف ۴۴
کراسین ۴۴
کربلا ۱۱۰، ۱۲۵
کرزن، لرد ۱۰۵
کرمان ۸۰، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۶
کرمانشاه ۹۳، ۱۴۳
کریشن، ماژور ۱۱۷
کریم، حاج ۶۵
کریموف، شمس ۷۹
کریمی، حسن ۷۵
کسترزیش، کلنل ۸۳
کشفی، سید ــ نگاه کنید به: کاشف‌الملك
کشفی، میرزا حسین ۱۲۵
کشمیری، حاج محمد جعفر ۴۲، ۵۹، ۷۵
کفیرکله ۹۶
کلات نادری ۱۱۵
کلارك، بالفور ۴۱، ۶۹
کلاه‌دوز، حاج محمد ۶۵
کلنل ــ نگاه کنید به: محمدتقی‌خان
کنگ ۱۰۰
کوچك‌خان، میرزا ۶۹
کورتو ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵
کوه‌پایه ۷۰
کوه سرخ ۵۴، ۷۰
کوه سیاه ملك ۱۴۰
کوهن ۱۱۷
کیلمن، جی. اف. ۷۸

گ

گلروپ، کلنل ۶۱، ۷۹، ۸۵، ۸۱، ۱۱۳
گناباد ۵۴، ۶۷، ۱۵۳، ۱۵۴
گنبد قابوس ۳۷، ۳۸
گورکاسف، بابیك ۶۸
گیلان ۴۹، ۹۵، ۱۳۴

ل

لاسین، مادام ۶۶
لامارتین ۸۶
لاول، تی. ای. اف. ۱۲۶
لایپسیك ۸۶
لطف‌آباد ۵۵
لقمانیه ۸۲
لندن ۳۶، ۴۵
لی، اس. ۶۶
لیتونیوف ۴۴، ۴۵

م

مازندران ۹۵، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۴۷
ماثوموف ۴۲
مترجم‌السلطان ۱۱۹
مترجم‌الملك ۴۵، ۴۶، ۸۲، ۹۴، ۱۱۶
متولی‌باشی ۴۰، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۷۰، ۷۳، ۹۷، ۱۲۱، ۱۲۲
مجدالادبا ۹۷، ۱۱۹، ۱۲۴
مجدالسلطان ۴۰
مجلل‌التولیه ۳۶، ۴۲، ۶۶، ۹۸، ۱۲۲
محتسب‌الملك ۱۲۰
محتشم حضور ۶۵
محسن‌خان، میرزا ۱۱۹
محسن‌زاده، میرزا عبدالحمید ۱۱۹
محمدآباد ۵۵، ۵۷
محمدآقا ترك ۱۱۹
محمدابراهیم خان ۱۲۳، ۱۲۵

محمداف، عبدالله ۶۵
محمدتقی‌خان ۱۲۵
محمدتقی‌خان، کلنل ۳۵، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶
محمدجواد، شیخ ۱۲۸
محمد حسین خباز، حاج ۶۵
محمدحسین عطار، حاج ۶۵
محمدحسین میرزا، شاهزاده ۱۴۸
محمدحسین میرزا، یاور ۸۷
محمدخان ۵۸
محمدخان، حاجی‌میرزا ۱۴۹
محمدخان، میرزا ۷۸، ۷۹، ۸۱
محمدرضا میرزا، شاهزاده ۱۱۹
محمدطاهرخان میرپنجه ۱۴۹
محمدعلی ۱۱۲
محمدکاظم تاجر، حاج ۶۲
محمدمهدی ۶۵
محمدمهدی، حاج ۶۵
محمدهاشم میرزا، شاهزاده ۵۵
محمودخان، سلطان ۵۲
محمودخان، کلنل ــماژور ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲
محمودخان، میرزا ۱۱۸
مدحت‌الممالك سردار ۱۴۸
مدیرالسلطان ۳۸
مرتضی، سید ۸۰، ۱۲۸
مرتضی، شیخ ۵۸
مرتضی قلی خان، سید ۷۰، ۷۱، ۷۳
مرتضی میرزا، حاجی ــ شاهزاده ۵۴، ۶۷، ۷۵، ۱۲۰
مرسل‌خان ــ نگاه‌کنید به: صدیق‌اف
مرندی، حاجی محمدحسن ۱۱۹
مرو ۹۳
مریل، کلنل ۸۳
مزینان ۷۸
مستشارالسلطنه ۶۵
مستوفی‌الممالك ۷۵، ۹۳
مسکو ۶۸
مسیح‌السلطنه، دکتر ۶۷
مشارالملك ــ نگاه کنید به: وزیردربار
مشکاة نظام ۱۱۹
مشهد ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۷، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۹
مشیرالدوله ۷۴، ۷۵، ۸۱، ۸۷، ۹۳
مشیر نظام ۴۵، ۵۷
مشیر همایون ۵۷، ۵۸، ۱۱۴، ۱۲۱

مصباح دیوان ۹۸، ۹۹، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷
مصدق‌السلطان ۶۵
مصدق دیوان ۴۴، ۶۸
مصطفی، سید ۷۵
معاضدالممالک ۳۹
معاون پیشکاری = جلال‌الممالک ۶۸، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۱۱۹
معاون نظام ۱۴۹
معتضدالسلطنه ۹۸
معتصم‌السلطنه ۳۶، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۵۲، ۵۳، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۱۲، ۱۱۷
معتصم‌الملک ۴۱
معتمدالسلطنه ۳۶
معتمدالوزاره ۸۱، ۱۱۱، ۱۱۹
معین‌الاسلام ۱۲۶، ۱۲۷
معین‌همایون ۱۱۴
مغیث السلطنه ۱۲۵
مفخم‌الملک ۴۳
مقبل‌السلطنه ۳۶، ۴۲، ۴۵، ۵۹، ۶۳، ۶۵، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳
مقرب‌السلطان ۱۲۸
مقرب‌السلطنه، میرزا ابوالقاسم خان‌رشتی ۱۲۳
مکه ۴۶، ۴۷، ۷۱، ۱۵۱
ملاباشی ۱۲۲
ملت، رضا ۱۱۲
ملک‌التجار ۱۲۵
ملک‌زاده، میرزا محمد ۴۲، ۴۶
ممتازالملک ۸۹
ممتازعلی‌خان، خان صاحب ۶۷، ۶۹، ۷۵
منتظم‌السلطنه ۵۴، ۷۴، ۷۵
منجیل ۴۹
منشورالملک ۵۷
منصورالملک ۵۷، ۷۱، ۱۲۳
منگنه، میرزا غلامحسین ۷۵، ۷۵، ۷۶
موتمن‌السلطنه ۳۶، ۳۹، ۵۰
موتمن‌الملک ۷۵، ۹۳
موسی خان ۷۵
موصل ۸۵
مویدالتولیه ۶۵
مهام‌الملک ۱۲۷
مهدی، سید ۴۶
مهدی‌اف، غلام ۱۱۹
میرعلی‌احمد ۸۵
میرکلاه ۵۵
میرمرتضی ۹۹، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۷
میرمهدی ۷۷، ۱۱۱، ۱۱۹
میروچنیکوف ۴۵، ۴۵
میلانلو، محمدابراهیم خان ۱۱۱
میلانی، اسدآقا ۱۱۹
میلانی، حاج محمدابراهیم ۶۵، ۱۱۲، ۱۱۹

ن

ناپلئون ۱۵۹
نادرشاه ۱۵۹، ۱۱۵
نادرمیرزا ۴۴، ۴۵
ناصرآباد ۱۵۵
ناصرالدوله، شاهزاده ۱۴۹
ناظر، حاج‌میرزا یحیی ۳۶، ۵۳، ۶۵، ۷۳، ۷۵، ۸۱، ۱۲۵
ناظراف ۵۵
ناظم‌التولیه ۶۵، ۹۸
ناظرمیرزا ۴۵

ناظم دفتر ۴۶، ۶۵
نایب‌التولیه ۵۳
نجدالسلطنه ۴۲، ۵۳، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴
نجف ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۱۲۵
نخجوانی، اسماعیل ۹۹، ۱۰۰
نساج، اسماعیل ۶۵
نصرت‌آباد ۱۴۰
نصرت‌الدوله ۶۰
نصرت‌الملك ۴۲، ۱۵۱، ۱۱۹
نصرت لشکر ۷۸، ۱۲۳، ۱۲۶
نصیر، میرزا ۵۱
نصیرالایاله ۵۴
نظام‌السلطنه ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸
غات ۱۱۷
نوبهار ۱۲۷
نورمهدی ۹۹
نیر همایون = شاهرخ میرزا ۹۸، ۱۱۱، ۱۱۵
نیشابور ۵۵، ۵۷، ۶۱، ۶۷، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۸
نیکولایف، اناستازیا ۱۲۵
نیکونویچ ۴۴
نیومن ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۲۶

و

والی = قوام‌السلطنه = رئیس‌الوزرا ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۲، ۵۳، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۷، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷
والی جدید ــ نگاه کنید به: نظام‌السلطنه
والیس، اچ. کی. ۴۱، ۴۴، ۴۷، ۹۷، ۹۹
والی موقت ــ نگاه کنید به: نجدالسلطنه
والی نظامی ــ نگاه کنید به: محمدتقی خان
وثوق‌الدوله ۸۶، ۸۸، ۸۹
وزیر جنگ ــ نگاه کنید به: رضاخان
وزیر دربار = مشارالملك ۶۱، ۶۳، ۷۴
ولادیمیروف ۴۰، ۴۱، ۴۵
ولی، حاج ۶۵
ولی خان ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۲۳
وهاب‌اف ۶۲، ۶۵
ویکتوریا (نشان) ۶۷
ویلسون، سر آ. تی. ۶۸

ه

هادیوف ۸۱
هاشم‌اف ۴۲، ۴۵
هاشم بزاز ۴۲
هافمن ۵۱
هرات ۳۹، ۹۳، ۱۲۷
هرون، خانم ۷۱
هرون، دی. ۷۱، ۱۱۸
هرپاك ۱۴۰
هریرود ۵۴، ۵۷
هزاره ۸۰، ۱۴۱
هژبرالملك ۴۱، ۶۱، ۶۳
هشترخان ۶۷
همت‌علی، حاجی ۱۱۹
همدان ۸۳، ۸۴، ۹۳، ۱۳۴، ۱۴۹

هند ــ نگاه کنید به: هندوستان
هندوستان ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۶۲، ۱۰۵، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۸

ی

یالمارسون، ژنرال ۸۳
یموت ۱۰۴
یوسف‌آباد ۸۳
یوسف‌بیگ ۵۵

احزاب و گروههای سیاسی

انجمن حافظ قانون ۳۷
انجمن دوستداران آزادی ۳۷
حزب آزادی خراسان ۹۷، ۱۰۰
حزب آزادی خواهان ۹۷
حزب جویندگان صلح ۷۵
حزب ملیون خراسان ۹۹، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۱۸
کمیته بمب‌اندازان ۷۳
کمیته حامیان مستضعفین ۳۶
کمیته فولاد ۱۱۵
کمیته مجازات ۷۷
گروه کاوه ۱۱۲، ۱۱۴

روزنامه ها

آگاهی ۳۸
ایران ۹۰
بهار ۳۶، ۷۷، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۶
تازه بهار ۳۶، ۳۸، ۴۶، ۵۰
چمن ۷۴
خراسان ۵۲، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۴، ۱۲۲
رعد ۸۸
مشرق ایران ۴۹، ۵۸، ۶۵، ۶۸، ۷۲، ۷۷، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۸، ۱۲۸
طیمس لندن (تایمز لندن) ۹۳
منچستر گاردین ۴۴
مهر منیر ۵۲، ۵۳، ۵۸، ۶۸
نوید رومیا ۹۳

تصاویر

کلنل پسیان

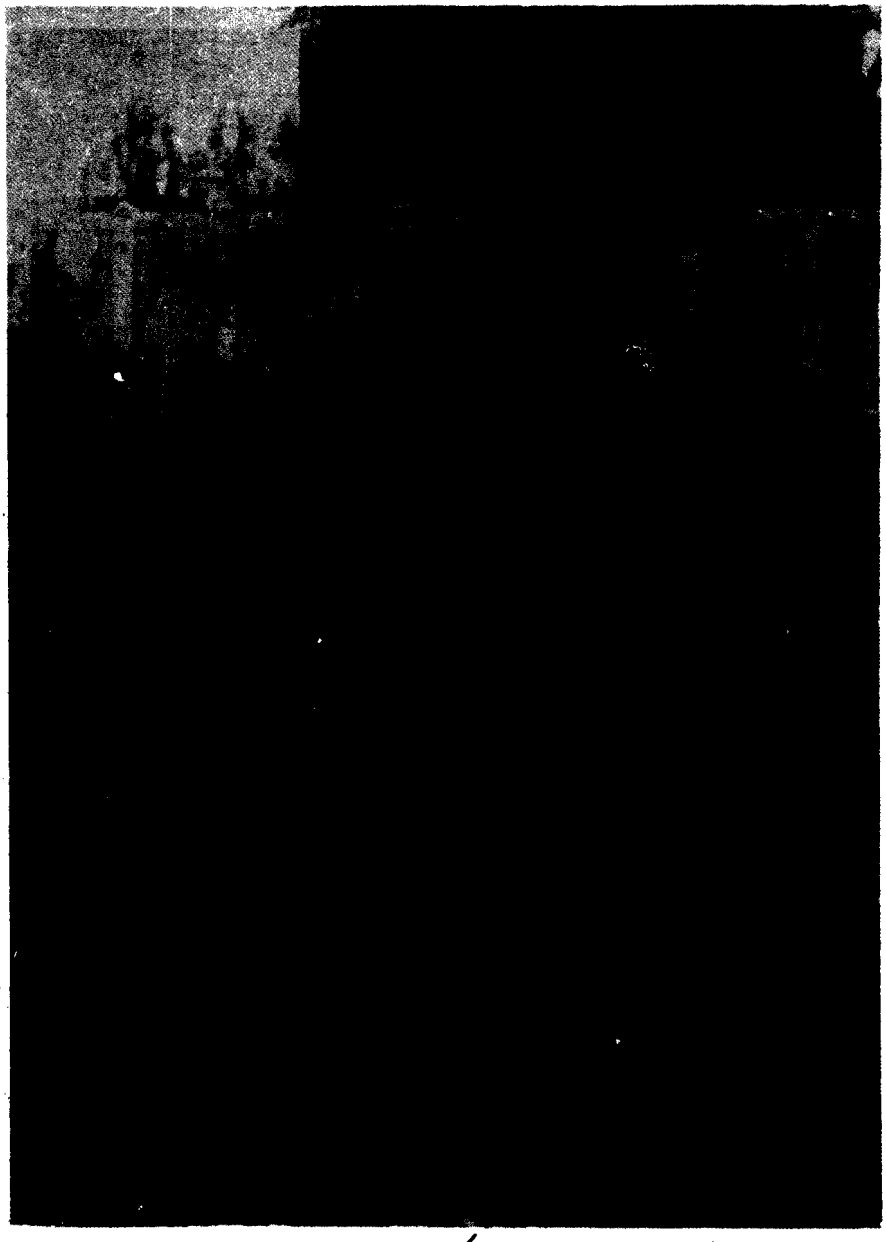

کلنل پسیان

کلنل پسیان

سفارت کنسولگری انگلیس در مشهد

The Movement of

Colonel Mohammad Taghi Khan-e Pesyan

Based on British Consular Reports

Compiled and Translated by

Golamhosein Mirzasaleh